



یکصد و پنجاه موضوع
از احادیث اهل بیت علیهم السلام

ویژه مبلغان

اکبر دهقان

شناسنامه و فييا

فهرست مطالب

صفحه

عنوان



پیشگفتار

هیچ یک از علوم و دانشهای بشری منزّه از عیب نیست چه اینکه آراء و نظریات دانشمندان نیز مبرّاً از نقص نیست و بر هر انسان خردمندی این حقیقت به وضوح به اثبات رسیده است که تنها علم و دانشی مصون از اشتباه است که نشأت گرفته از عالم غیب باشد و از لسان معصوم صادر شده باشد. از این رو امام باقر علیه السلام فرمودند: به شرق یا غرب روید علم صحیح و مطابق با واقع را جز از ما اهل بیت نمی یابید. «شَرْقاً وَ غَرْباً فَلَا تَجِدَانِ عِلْماً صَحِيحاً إِلَّا شَيْئاً خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا»^(۱)

اگر دل‌های ما مرده است به واسطه سخن امامان معصوم علیهم السلام می توان آن را زنده نمود. «انّ حدیثنا یحیی القلوب»^(۲) اگر روح ما مریض است به واسطه یاد آنان می توان آن را شفا بخشید «ذکرنا اهل البیت شفاء من الوبع» و اگر قلوب ما را زنگار گناه گرفته به سبب سخنان آن بزرگواران می توان آن را جلا و صفاداد و اگر جان ما به خاطر عصیان خداوند تاریک شده می توان به وسیله کلام نورانی مشاعل هدایت آن را روشن نمود. «کلامکم نور»^(۳).

اگر از دیدگاه اسلام انسان موظف است محکم و متقن سخن بگوید: «قولوا قولاً سدیداً»^(۴)

و اگر نیکوترین سخن آن است که از اتقان و استواری ویژه بر خوردار باشد.

۲. بحار/۲/۱۵۱.

۴. احزاب/۷۰.

۱. سفینة البحار/۲/۳۰۲.

۳. بحار/۲۶/۲۲۷.

«احسن القول السداد»^(۱).

و اگر سخن سدید و کلام متقن آن است که بر طبق صواب و حکمت صادر شود: «سدّ السنننا بالصواب و الحکمة»^(۲)

چه بهتر که هم خود با سخنان صواب معصومین علیهم السلام آشنا شده و هم جامعه اسلامی را با سخنان حکمت آمیز و حی آشنا سازیم و در تبلیغ خود از سخنان افرادی بهره ببریم که زندگی آنها سرتاپا علم و دانش بود. «هم عیش العلم و موت الجهل»^(۳) پس از آنکه کتاب یکصد و پنجاه موضوع از قرآن کریم و ویژه مبلغان منتشر و مورد استقبال سروران عزیز روحانی قرار گرفت بعضی از دوستان چنین پیشنهاد دادند که مناسب بود در ذیل هر بحثی نکاتی از قرآن کریم مطرح شود که کتاب هزار یک نکته را در این راستا به فضل الهی نوشتم لکن بعد از انتشار آن برخی دیگر از دوستان پیشنهاد کردند کتابی نیز همانند یکصد و پنجاه موضوع از قرآن از احادیث اهل بیت علیهم السلام نوشته شود تا مبلغان گرانقدر و طلاب عزیز در امر ارزشمند تبلیغ از آن بهره جویند که بحمد الله توفیق رفیق گشت و این مقصود به پایان رسید.

نکته قابل توجه اینکه در ذیل موضوعات حداقل یک سخن و داستان روائی تحت عنوان «اشاره» مطرح شده است و از ترجمه روایات به خاطر رعایت اختصار و ویژه بودن مخاطبان پرهیز شده است.

امیدوارم خداوند متعال ما را جزء متمسکین به قرآن و عترت قرار دهد و سعادت دنیا و آخرت را نصیب همگان بفرماید در پایان از مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن که مساعدت لازم را در نشر این اثر نمودند صمیمانه تشکر می نمایم.

قم - پاییز ۱۳۸۰

اکبر دهقان

۲. مفاتیح الجنان.

۱. غررالحکم / ۲۸۶۵.

۳. غرر / ۱۰۰۶۲.

مسائل اعتقادی

۱- خدائشناسی

- ۱- نظام هستی دلیل بر خداوند متعال
قال علی علیه السلام: «... فانظر الى الشمس و القمر و النبات و الشجر و الماء و الحجر و اختلاف الليل و النهار ... فالويل لمن انكر المقدر و جحد المدير...». (بحار ۳ / ۲۶)
- ۲- دلیل بر اثبات توحید
سئل زندیق عن الصادق علیه السلام ما الدلیل علی صانع العالم فقال: «وجود الافاعیل التي دلت علی ان صانعها صنعها. الا ترى انك اذا نظرت الى بناء مشید علمت ان له بانیا و ان كنت لم تر البانی و لم تشاهده».
(توحید ۲۴۴)
- ۳- دلیل بر حدوث نظام هستی
قد سئل الرضا علیه السلام عن الدلیل علی حدوث العالم فقال: «انت لم تكن ثم كنت و قد علمت انك لم تكون نفسك و لا كونك من هو مثلك».
(توحید ۵۲)
- ۴- شناخت خداوند
قال علی علیه السلام: «عرفت الله سبحانه بفسخ العزائم و حل العقود و نقض المهمم».
(نهج البلاغه / حکمت ۲۵۰)
- ۵- دیدن خداوند از راه قلب
سأل رجل عن الباقر علیه السلام عن رؤية الله فقال علیه السلام: «لم تره العيون بمشاهدة الابصار ولكن رآته القلوب بحقائق الايمان».
(بحار ۴ / ۲۶)
- ۶- یگانگی خداوند
قال علی علیه السلام: «و اعلم يا بنی انه لو كان لربك شريك لا تتك رسله و لرأيت آثار ملكه و سلطانه و لعرفت افعاله و صفاته و لكنّه اله واحد».
(محنة البيضاء ۱ / ۲۱۳)

٧- رزق و معرفت خداوند

قال الصادق عليه السلام: «ما اقبح بالرجل يأتي عليه سبعون سنة او ثمانون سنة يعيش في ملك الله و يأكل من نعمه ثم لا يعرف الله حق معرفته».
(بحار / ٤ / ٥٤)

٨- صفات ثبوتی خداوند

الف - علم و حیات

قال الصادق عليه السلام: «ان الله علم لاجهل فيه حیات لاموت فيه نور لاطلمة فيه».

(توحيد / ١٣٧)

«...كنت عند ابي عبدالله فقلت الحمد لله منتهى علمه فقال عليه السلام لا تقل ذلك فانه ليس لعلمه منتهى».

(توحيد / ١٣٤)

ب - قدرت

عن ابي عبدالله قال: «قيل لامير المؤمنين هل يقدر ربك ان يدخل الدنيا في بيضة من غير ان يصغر الدنيا او يكبر البيضة قال: ان الله تبارك و تعالى لا يُنسب الى العجز و الذي سألتني لا يكون».

(توحيد / ١٣٠)

٩- صفات سلبی

عن حمزة بن محمد قال: كتبت الى الحسن عليه السلام اسأله عن الجسم و الصورة فكتب عليه السلام: «سبحان من ليس كمثله شيء لا جسم و لا صورة».

(توحيد / ٩٧)

١٠- عدم محدودیت صفات خداوند

قال على عليه السلام: «... الذي لا يدركه بعد الهمم و لا يناله غوص الفطن الذي ليس لصفته حد محدود و لا نعت موجود...».

(نهج البلاغه / خطبه ١٥٢)

١١- صفات ذاتی

قال الرضا عليه السلام: «... لم يزل الله عزوجلّ علماً قادراً حياً قديماً سمياً بصيراً لذاته».

(توحيد / ١٤٠)

اشاره

شخصی به حضرت صادق علیه السلام عرضه داشت مرا به توحید راهنمایی فرمایید. حضرت فرمودند: آیا سوار کشتی شده‌ای در حالی که کشتی شکسته شود و در آن هنگام کسی نباشد که تو را نجات دهد و شناگری که تو را بی‌نیاز نماید، گفت: آری. امام فرمودند: آیا در آن زمان قلب تو به موجودی متوجه شد که قادر باشد تو را از این مهلکه نجات دهد؟ عرض کرد: آری، حضرت فرمودند: همان چیزی که قلب تو به سوی آن متوجه شد خداوند متعال است. (بحار / ۸۹ / ۲۳۲)

۲- آثار شناخت خداوند

۱- راه شناخت خداوند

قال علی علیه السلام: «من عرف نفسه عرف ربه». (غرر الحکم / ۷۹۴۶)

۲- برترین شناخت

قال علی علیه السلام: «معرفة الله سبحانه اعلى المعارف». (غرر الحکم / ۹۸۶۴)

۳- حقیقت شناخت

قال الحسين علیه السلام: «جاء رجل الى رسول الله صلى الله عليه وآله و قال: ما رأس العلم؟ قال علیه السلام: معرفة الله حق معرفته. قال: و ما حق معرفته؟ قال علیه السلام: ان تعرفه بلا مثال و لا شبيهه و تعرفه الهاً واحداً خالقاً قادراً اولاً و آخراً ظاهراً و باطناً لا كفو له و لا مثل له». (جامع الاخبار / ۳۶)

۴- شناخت خداوند به خودش

قال زين العابدين علیه السلام: «بك عرفتک و انت دلتنی عليك و دعوتنی اليك و لولا انت لم ادر ما انت». (دعای عرفه)

۵- ناتوانی اندیشه‌ها از شناخت خداوند

قال زين العابدين علیه السلام: «عجزت العقول عن ادراك كنه جمالك ... و لم تجعل للخلق طريقاً الى معرفتك الا بالعجز عن معرفتك». (بحار / ۹۴ / ۱۵۰)

۶- آثار شناخت خداوند

الف - ترس و خشیت؛ قال رسول الله ﷺ: «من كان بالله اعرف كان من الله اخوف».

(بخار / ۷۰ / ۳۹۳)

ب - دعا و اظهار نیاز؛ قال علی رضی الله عنه: «اعلم الناس بالله اكثرهم له مسألة».

(غررالحکم / ۳۲۶۰)

ج - اعتدال خوف و رجا؛ قال علی رضی الله عنه: «ينبغي لمن عرف الله سبحانه ان لا يخلوا قلبه من رجائه و خوفه».

(غررالحکم / ۱۰۹۲۶)

د - تلاش برای آخرت؛ قال علی رضی الله عنه: «عجبت لمن عرف ربه كيف لا يسعى لدار البقاء».

(غررالحکم / ۶۲۶۵)

هـ - بی نیازی از مردم؛ قال علی رضی الله عنه: «من سكن قلبه العلم بالله سكنه الغنى عن خلق الله».

(غررالحکم / ۸۸۹۶)

و - رضایت به مقدرات الهی؛ قال الصادق رضی الله عنه: «ان اعلم الناس بالله ارضاهم بقضاء الله عزّ و جلّ».

(تنبيه الخواطر / ۲ / ۱۸۴)

اشاره

ابوشاکر دیصانی که از منکران توحید بود به هشام بن حکم گفت: در قرآن کریم آیه ای وجود دارد که عقیده‌ی ما (دوگانه پرستی) را تصدیق می‌کند؛ ﴿و هو الذى فى السماء اله و فى الارض اله﴾ (زخرف / ۸۴)؛ یعنی در آسمان معبودی وجود دارد و در زمین معبود دیگر. هشام گوید خدمت امام صادق رضی الله عنه رسیدم و جریان را به امام گفتم. امام فرمود: هنگامی که به او رسیدی از او بپرس نام تو در کوفه چیست؟ گوید فلان به او بگو نام تو در بصره چیست؟ گوید فلان، سپس در پاسخ او بگو پروردگار ما نیز همین گونه است. در آسمان (اله) است در زمین نیز نام او (اله) است. هشام گوید وقتی این پاسخ را برای او بیان کردم گفت: این سخن تو نیست از حجاز آورده‌ای؛ (هذه نقلت من الحجاز).

(سفینه البحار / ۱ / ۱۵۷)

۳- فلسفه نبوت

۱- تکامل

قال الصادق عليه السلام للزندق الذي سأله من اين اثبت الانبياء؟: «انما لما اثبتنا ان لنا خالقاً صانعاً متعالياً عنّا و عن جميع ما خلق و كان ذلك الصانع حكيماً متعالياً لم يجوز ان يشاهده خلقه ... ثبت ان له سفراء في خلقه يعبرون عنه الى خلقه و عبادته و يدلّونهم على مصالحهم و منافعهم و ما به بقاؤهم و في تركه فناؤهم ...» (كافي ۱/ ۱۶۸)

۲- نجات از طاغوت

قال علي عليه السلام: «ان الله تبارك و تعالى بعث محمداً بالحق ليخرج عباده من عبادة عباده الى عبادته و من عهود عباده الى عهوده و من طاعة عباده الى طاعته و من ولايته عباده الى ولايته ...» (كافي ۸/ ۳۸۶)

۳- تزكيه اخلاق

قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: «بعثت بمكارم الاخلاق و محاسنها» (بحار ۱۶/ ۲۸۷)

۴- اتمام حجت

قال الصادق عليه السلام: «لما سئل عن النبوة: لئلا يكون للناس على الله حجة من بعد الرسل و لئلا يقولوا ما جاءنا من بشير و لا نذير...» (بحار ۱۱/ ۳۹)

اشاره

خداوند پیامبران خود را مبعوث فرمود و رسولان خود را پی در پی اعزام نمود تا وفاداری به پیمان فطرت را از آنان باز جویند و نعمت‌های فراموش شده را به یاد آورند و با ابلاغ احکام الهی حجت را بر آنها تمام نمایند و توانمندی‌های پنهان شده عقل‌ها را آشکار سازند.

«فبعث فيهم رسله و و اتر اليهم انبيائه ليستأدوهم ميثاق فطرته و يذكرهم منسبي نعمته و يحتجوا عليهم بالتبليغ و يثيروا لهم دفائن العقول ...» (نهج البلاغه / خطبه ۱)

٤- سیره‌ی انبیاء علیهم السلام

- ١- انس با تهجد؛ قال الباقر علیه السلام: «... و اعلموا انه لم یأت نبی قط الاّ خلا بصلاة اللیل و لا جاء نبی قط بصلاة اللیل فی اول اللیل». (کنز العمال / ٥ / ٧٣)
- ٢- مکارم اخلاق؛ قال الصادق علیه السلام: «ان الله تبارک و تعالی خصّ الانبیاء بمکارم الاخلاق فمن كانت فيه فلیحمد الله علی ذلك و من لم تکن فيه فلیتضرع الی الله و لیستله اياه قال قلت جعلت فداک و ما هی؟ الورع و القنوع و الصبر و الشکر و الحلم و الحیاء و السخاء و الغیرة و البرّ و صدق الحدیث و الامانة». (امالی مفید / ١٩٢)
- ٣- علم؛ عن ابی عبدالله علیه السلام: «ان العلماء ورثة الانبیاء و ذلك انّ الانبیاء لم یورثوا درهماً و لا دیناراً و انما اورثوا احادیث من احادیثهم فمن اخذ بشیء منها فقد اخذ حظاً و افرأ». (کافی / ١ / ٦٠)
- ٤- انفاق؛ عن ابی عبدالله علیه السلام: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «لم نبعث لجمع المال و لكن بعثنا لانفاقه». (مشكاة الانوار / ١٨٣)
- ٥- امانتداری؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «اداء الحقوق و حفظ الامانات دینی و دین الانبیاء». (کنز العمال / ١ / ٤٨٠)
- ٦- مدارا با دشمنان؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «انّ الانبیاء انما فضلهم الله علی خلقه لشدة مداراتهم لاعداء دین الله». (بحار / ٧٥ / ٤٠١)
- ٧- رهبری مردم؛ قال الصادق علیه السلام: «ما بعث الله نبیاً قطّ حتی یسترعیه الغنم یعلمه بذلک رعی الناس». (بحار / ١١ / ٦٤)
- ٨- تحمل سختی‌ها؛ قال علی علیه السلام: «... قد اختبرهم الله بالمخمصة و ابتلاهم بالمجهدة و امتحنهم بالخاوف و مخضهم بالمکاره». (نهج البلاغه / خطبه ١٩٢)

- ۹- بهداشت؛ عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «اربع من سنن المرسلین السواک و الحناء و الطیب و النساء».
(مکارم الاخلاق / ۴۱)
- ۱۰- سخن گفتن به اندازه فهم مردم؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «انا امرنا معاشر الانبیاء ان نکلّم الناس بقدر عقولهم».
(بحار / ۲ / ۶۹)
- نکته: در روایات علت گزینش حضرت ابراهیم علیه السلام برای مقام دوستی با خداوند امور مختلفی بیان شده است:
- الف - قال الرضا علیه السلام: «لانه لم یردّ احداً و لم یسأل احداً قطّ غیر الله تعالی».
- ب - قال الصادق علیه السلام: «لکثرة سجوده علی الارض».
- ج - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «لا طعامه الطعام و صلاته باللیل و الناس نیام».
- د - قال العسکری علیه السلام: «لکثرة صلاته علی محمد و آل محمد».
(سفینه / ۱ / ۲۸۱)

اشاره

مردی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد علاقه من به شما از خودم و فرزندانم بیشتر است زیرا در منزل از شما یاد نمودم طاقت نیاوردم تا اینکه آمدم و شما را زیارت نمودم هم اکنون به ذهن من رسیده که اگر در بهشت شما در مقام عالی باشید و من نتوانم خدمت برسم چه کنم؟

جبرئیل نازل شد و آیه شریفه «من یطع الله و الرسول فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن اولئک رفیقاً» را برای پیامبر اکرم به عنوان وحی آورد.
(درالمنثور / ۲ / ۵۸۸)

٥- سيره ي پیامبر اکرم ﷺ

- ١- یاد خداوند؛ «لا يقوم و لا يجلس الا على ذكر الله».
- ٢- حق گوئی؛ «و لا يقول في الغضب و الرضا الا الحق - ينفذ الحق و ان عاد ذلك بالضرر عليه او اصحابه».
- ٣- شرح صدر؛ «اوسع الناس صدرًا».
- ٤- سلام به کودکان؛ «يمرّ على الصبيان فيسلم عليهم».
- ٥- اجابت دعوت؛ «يجيب دعوة الحر و العبد».
- ٦- پذیرفتن هدیه؛ «يقبل الهدية و لو انها جرعة لبن و يكافيء عليها».
- ٧- عیادت مریض؛ «يعود المرضى في اقصى المدينة».
- ٨- تشییع جنازه؛ «يشهد الجنائز».
- ٩- ایثار؛ «لم يشبع من خبز برّ ثلاثة ايام متوالية حتى لقي الله تعالى ايثاراً على نفسه لا فقراً و لا بخلاً».
- ١٠- علاقه به عطر و بوی خوش؛ «يحب الطيب و لم يكن في طريقة فيتبعه احد الا عرف انه قد سلكه من طيب عرفه».
- ١١- تکریم از اهل فضیلت؛ «يكرم اهل الفضل في اخلاقهم يتألف اهل الشرف بالبرّ لهم».
- ١٢- مزاح و تبسم؛ «يمزح و لا يقول الا حقاً و يضحك من غير قهقهة».
- ١٣- شیوه نشستن؛ «اکثر ما يجلس مستقبل القبلة - يجلس على الارض و ينام عليها و يأكل عليها».
- ١٤- مهمانی؛ «اذا دخل منزلاً قعد في ادنى المجلس اليه حين يدخل».
- ١٥- پذیرایی؛ «يكرم من يدخل عليه حتى ربما سبط ثوبه و يؤثر الداخل بالوسادة التي تحته».

- ۱۶ - سخن گفتن؛ «اذا حدّث بحديث تبسّم في حديثه».
- ۱۷ - نگاه کردن؛ «يقسّم لحظاته بين اصحابه فينظر الى ذا والى ذا بالسويّة - لا يثبت بصره في وجه احد».
- ۱۸ - غذا خوردن؛ «لا يأكل الحار - يأكل مما يليه و يأكل باصابعه الثلاث - ما ذمّ طعاماً قط لكن ان اعجبه اكله و ان كرهه تركه».
- ۱۹ - خوابیدن؛ «ينام على الحصير».
- ۲۰ - برخورد با دوستان؛ «يدعوا اصحابه بكنّاهم اكراماً لهم و استتالة لقلوبهم يجلس بين اصحابه مختلطاً بهم كأنّه احدهم».
- ۲۱ - پوشیدن لباس؛ «يلبس من الثياب ما وجد من ازار و رداء و قميص و كان اكثر لباسه البياض».
- ۲۲ - عدم انتظار از احترام؛ «اصحابه لا يقومون لما عرفوا من كراهته لذلك».
- ۲۳ - استقبال از مهمان؛ «لا يجلس اليه احد و هو يصلى الاّ خفف صلاته و اقبل عليه».
- ۲۴ - تواضع؛ «اشد الناس تواضعاً - اسكتهم في غير كبر. يخصف النعل يرقع الثوب يجلب الشاة يطحن مع الخادم اذا اعيى».
- ۲۵ - پذیرفتن عذر؛ «يقبل معذرة المعتذر اليه».
- ۲۶ - بر آوردن نیاز مردم؛ «ما يأتيه احد حرّاً كان او عبداً او امة الاّ قام في حاجته».
- ۲۷ - عدم تقييده مرکب سواری؛ «يركب ما امكنه مرة فرساً و مرّة بعيراً و مرة حماراً».
- ۲۸ - تحمل گرسنگی؛ «يعصب الحجر على بطنه من الجوع».
- ۲۹ - مجالست بامستمندان؛ «يجالس الفقراء ويؤاكل المساكين. لا يحقر مسكيناً لفقره و زمانته».
- ۳۰ - توجه به آخرت؛ «لا يهوله شيء من امر الدنيا خرج من الدنيا لم يضع لبنة على لبنة عرضت عليه الدنيا فابي ان يقبلها».
- ۳۱ - حفظ زبان؛ «يخزن لسانه الاّ فيما يعنيه. طويل السكوت لا يتكلم في غير حاجة».

- ۳۲- اعراض از نادان؛ «يعرض عن تكلم بغير جميل».
- ۳۳- خرید برای منزل؛ «لا يمنع الحياء ان يحمل بضاعته من السوق الى اهله».
- ۳۴- آغاز به مصافحه؛ «اذ لقي احداً من اصحابه بدأه بالمصافحة».
- ۳۵- عدم خطا؛ «لا يزل و لا يخطئ في شيء مما يسوس به الخلق».
- ۳۶- بردباری؛ ۳۷- شجاعت؛ ۳۸- عدالت؛ ۳۹- حیا و عفت
- ۴۰- سخاوت؛ «كان صلى الله عليه وآله احلم الناس، اشجع الناس، اعدل الناس، اعفّ الناس، اسخى الناس».
- (بحار / ۱۶ / ۱۵۰- ۲۲۶؛ محجة البيضاء / ۴ / ۱۲۳- ۱۶۲)

اشاره

انس گوید: بر پیامبر وارد شدم، فرمود: اجل من نزدیک شده و علاقه من به لقاء الهی فراوان است. سپس فرمود: راحتی مؤمن ملاقات پروردگار است بعد حضرت گریه نمود. عرض کردم: چرا گریه می کنید؟ فرمود: به خاطر آنچه که بعد از من بر اتم نازل می گردد عرض کردم چه چیز بر امت وارد می شود؟ فرمود: هوی پرستی، قطع رحم، علاقه به مال و اظهار بدعت.

(مستدرک / ۲ / ۶۴).

۶- امامت

- ۱- امام مایه کمال دین
قال الرضا عليه السلام: «... و امر الامامة من كمال الدين ... قال الله تعالى: ﴿اليوم اكملت لكم دينكم﴾»^(۱).
- ۲- امام خلیفه خداوند «... ان الامامة خلافة الله و خلافة رسوله»^(۲).
- ۳- امام مایه عزت مؤمنان
«ان الامام زمام الدين و نظام المسلمين و صلاح الدنيا و عزّ المؤمنين»^(۳).
- ۴- امام اساس اسلام «الامام اسّ الاسلام النامی و فرعه السامی»^(۴).

- ۵- امام مبین و مجری احکام الهی «بالامام تمام الصلوة و الزکاة و الصیام و الحج و الجهاد و توفير النبیء و الصدقات و امضاء الحدود و الاحکام و منع الثغور و الاطراف».^(۵)
- ۶- امام مایه هدايت انسانها
«الامام البدر المنیر و السراج الزاهر و النور الطالع و النجم الهادی فی غیابات الدجی و الدلیل علی الهدی و المنجی من الردی».^(۶)
- ۷- امام پناهگاه انسانها
«الامام الامین الرفیق و الوالد الشفیق ... و مفزع العباد».^(۷)
- ۸- امام امین الهی «الامام امین الله فی ارضه و خلقه و حجته علی عباده...».^(۸)
- ۹- امام مایه نظم جامعه دینی «الامام مطهر من الذنوب مبرء من العیوب مخصوص بالعلم موسوم بالحلم نظام الدین...».^(۹)
- ۱۰- امام برتر از درک بشر
«هیئات، هیئات ضلت العقول و تاهت الحلوم و حارت الالباب و حصرت الخطباء و کلت الشعراء و عجزت الادباء و عیبت البلغاء و فحمت العلماء عن وصف شأن من شأنه او فضیلة من فضائله».^(۱۰)
- ۱۱- امام بزرگترین نعمت الهی
قال الصادق عليه السلام: «فی قوله تعالى ﴿... واذکروا الاء الله...﴾ اعظم نعم الله علی خلقه هی ولایتنا».
(کافی ۱/ ۱۶۹)
- ۱۲- لزوم شناخت امام
قال النبی صلى الله عليه وآله: «من مات و لا یعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیه».
(بحار ۲۳/ ۸۹)
- ۱۳- شناخت امام عامل سعادت
قال علی عليه السلام: «انما الائمة قوام الله علی خلقه ... و لا یدخل الجنة الا من عرفهم و عرفوه».
(نهج البلاغه / خطبه ۱۵۲)

- ۱۴ - امام گواه بر اعمال انسانها
 قال علی علیه السلام: «ان الله تبارك و تعالی طهرنا و عصمنا و جعلنا شهداء علی خلقه».
 (کافی ۱/ ۱۴۷)
- ۱۵ - امام منشأ همه‌ی خوبی‌ها
 قال الصادق علیه السلام: «نحن اصل کلّ خیر و من فروعنا کلّ برّ فن البرّ التوحید و الصلوة و الصیام...».
 (کافی ۸/ ۲۴۲)
- ۱۶ - شناخت امام عامل پذیرفته شدن اعمال
 قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «الزموا مودتنا اهل البيت... فوالذی نفس محمد بیده لا ینفَع عبداً عمله الا بمعرفتنا».
 (امالی مفید / ۱۴۰)
- ۱۷ - امام و علم به ظاهر و باطن قرآن
 عن ابی جعفر علیه السلام: «ما یستطیع احدان یدعی انّ عنده جمیع القرآن کلّه ظاهره و باطنه غیر الاوصیاء».
 (بحار ۹۲/ ۸۸)
- ۱۸ - امام مظهر قدرت الهی
 قال الباقر علیه السلام: «... انّ الله اقدرنا علی ما نرید».
 (بحار ۴۶/ ۲۴۰)
- ۱۹ - امام مظهر علم الهی
 قال کاظم علیه السلام: «انّ الامام لا یخفی علیه کلام احد من الناس و لا طیر و لا بهیمة و لا شیء فیهِ الروح فن لم تکن هذه الخصال فیهِ فلیس هو بامام».
 (تفسیر صافی ۱/ ۳۶۲)
- ۲۰ - شرایط و ویژگی‌های امام
 قال الرضا علیه السلام: «للامام علامات (ان) یرکون اعلم الناس و احکم الناس و اتق الناس و احلم الناس و اشجع الناس و اسخی الناس و اعبد الناس».
 (معانی الاخبار / ۱۰۲)

اشاره

حضرت مهدی علیه السلام در پاسخ سعد بن عبدالله قمی که پرسید چرا امام معصوم را خداوند باید انتخاب کند نه مردم؟ فرمود: حضرت موسی علیه السلام با این که پیامبر بود هفتاد نفر از بهترین افراد را انتخاب کرد، در عین حال آنان تقاضای دیدن خدا را کردند که خداوند همه‌ی آنان را از بین برد و موسی علیه السلام مدهوش شد. پس وقتی که منتخبین حضرت موسی علیه السلام صلاحیت نداشته باشند آیا منتخب مردم صلاحیت برای مقام امامت و عصمت را دارند؟ «...علمنا ان الاختيار لا يجوز الا لمن يعلم بما تخفى الصدور».

(نور الثقلین / ۲ / ۷۶)

۲- سیمای اهل بیت علیهم السلام

۱- همراهی با قرآن کریم

قال علی علیه السلام: «ان الله طهرنا و عصمنا و جعلنا شهداء على خلقه و حجه في ارضه و جعلنا مع القرآن و القرآن معنا لا نفارقه و لا يفارقنا».

(وسائل ۱۸ / ۱۳۲)

۲- عصمت

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «... هم المعصومون المطهرون الذين لا يذنبون و لا يعصون».

(بحار ۲۳ / ۱۹)

۳- مایه برکت

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «بهم يرزق الله عباده و بهم يعمر بلادهم و بهم ينزل القطر من السماء و بهم تخرج بركات الارض».

(بحار ۲۳ / ۱۹)

۴- انسان‌های برتر

و عنهم علیهم السلام: «نزهونا عن الربوبية و ارفعوا عنا حظوظ البشريه ... فلا يقاس بنا احد

(اثابة الهداه / ۷ / ۴۷۸)

من الناس».

٥- اصلاح بندگان

قال الحسين عليه السلام: «اللهم أنك تعلم انه لم يكن ما كان منا تنافساً في سلطان و لا التماساً من فضول الحطام ولكن لثردّ المعالم من دينك و نظهر الاصلاح في بلادك و يأمن المظلومون من عبادك و يعمل بفرائضك و سننك و احكامك». (تحف العقول / ١٦٨)

٦- مفسّر قرآن

قال الحسين عليه السلام: «نحن حزب الله الغالبون و عتره نبيه الاقربون و احد الثقلين الذين جعلنا رسول الله ثانی كتاب الله فيه تفصيل كل شيء لا يأتيه الباطل من بين يديه و لا من خلفه و المعوّل علينا في تفسيره». (وسائل / ١٨ / ١٤٤)

٧- عفو و بخشش

قال الصادق عليه السلام: «انا اهل البيت مروّتنا العفو عمّن ظلمنا». (وسائل / ٨ / ٥٢٢)

٨- رضا و تسليم

قال الصادق عليه السلام: «انا اهل البيت نجزع قبل المصيبة فاذا نزل امر الله رضينا بقضائه و سلّمنا لامره و ليس لنا ان نكره ما احبّ الله لنا». (وسائل / ٢ / ٩١٩)

٩- مايه نجات

قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: «مثل اهل بيتي مثل سفينة نوح من ركبها نجي فمن تخلف عنها غرق». (احقاق الحق / ٩ / ٢٨٠)

١٠- گواه بر خلق

قال الصادق عليه السلام: «نحن الامة الوسطى و نحن شهداء الله على خلقه و حججه في ارضه». (نور الثقلين / ١ / ١٣٤)

١١- راهنمایان به سوى بهشت

قال الباقر عليه السلام: «ال محمد ابواب الله و سبيله و الدعاة الى الجنة و القادة اليها و الادلاء عليها الى يوم القيامة». (نور الثقلين / ١ / ١٧٧)

۱۲ - علم و دانش

قال الصادق عليه السلام: «الراسخون في العلم امير المؤمنين و الائمة من بعده». (كافي/ ۲۱۳/۱)

۱۳ - شجره طيبه

قال الصادق عليه السلام: «في قوله تعالى: ﴿لم تركيف ضرب الله مثلاً كلمة طيبة كشجرة طيبة﴾ رسول الله صلى الله عليه وآله اصلها و امير المؤمنين فرعها و الائمة من ذريتها اغصانها و علم الائمة ثمرها و شيعتهم المؤمنون ورقها». (نور الثقلين / ۲/ ۵۳۵)

۱۴ - شفاعت

قال الرضا عليه السلام: «غفران الله و رحمته بشفاعتنا اهل البيت». (بحار / ۱۰۲/ ۳۶)

۱۵ - مايه حيات

قال على عليه السلام: «هم عيش العلم و موت الجهل يخبركم حلمهم (حكيمهم) عن علمهم و صمتهم عن منطقتهم». (غرر الحكم / ۱۰۰۶۲)

اشاره

سيد حميرى مدتى معتقد به امامت محمد بن حنفيه بود و بعضى از گناهان را مرتكب شده بود، اما موفق به توبه شد و اشعار زيادى در مدح اهل بيت سرود. در لحظه‌ى احتضار اهل سنت و شيعه نزد او حاضر بودند يك مرتبه نقطه‌ى سياهى در صورت او پديدار شد و تمام صورت را گرفت. شيعيان ناراحت شدند، اما طولى نكشيد كه نقطه سفيدى پيدا شد و همه‌ى صورت را فرا گرفت و اين اشعار را در آن لحظه سرود:

كذب الزاعمون انّ علياً لم ينجى محبّه من هنأت

قد و ربى دخلت جنة عدن و عفى لى الاله عن سيأتى

فابشروا اليوم اولياء عليّ و تولّوا علياً بعد المسات

ثم من بعده تولّوا بسنيه واحداً بعد واحد بالصفات

بعد از آن شهادتين را گفتم و از دنيا رفت. (بحار / ۴۷/ ۳۱۳)

۸- محبت به اهل بیت علیهم السلام

- ۱- محبت به اهل بیت نشانه‌ی پاکی
قال رسول الله ﷺ: «من احبنا اهل البيت فليحمد الله على اول النعم قيل و ما اول
النعم قال طيب الولادة و لا يحبنا الا من طابت ولادته». (مشكوة الانوار / ۸۱)
- ۲- سودمند بودن محبت در مقاطع حساس
قال رسول الله ﷺ: «حبّ و حبّ اهل بيتي نافع في سبعة مواطن اهو اهنّ عظيمة عند
الوفاة و في القبر و عند النشور و عند الكتاب و عند الحساب و عند الميزان و عند
الصراط». (بحار / ۲۴۷/۷)
- ۳- ترك معصيت نشانه‌ی محبت حقيقي
قال الباقر عليه السلام: «يا جابر بلغ شيعتي عنّي السلام و اعلمهم انه لا قرابة بيننا و بين الله
عزّ و جلّ و لا يتقرب الا بالطاعة يا جابر من اطاع الله و احبنا فهو ولينا و من عصي
الله لم ينفعه حبنا». (بحار / ۱۷۹/۷۱)
- ۴- محبت به اهل بيت و آمادگی برای گرفتاری
قال على عليه السلام: «من احبنا اهل البيت فليعدّ للفقير جلباباً». (كنز العمال / ۳۷۶۱۵)
قال رجل لمحمد بن على عليه السلام: و الله انى لاحبّكم اهل البيت. قال عليه السلام: «فانخذ
للبلاء جلباباً». (بحار / ۳۶۰/۴۶)
- ۵- اثر محبت به حضرت على عليه السلام
قال رسول الله ﷺ: «حبّ على ابن ابى طالب يأكل الذنوب كما تأكل النار الحطب». (بحار / ۳۰۴/۳۹)
قال رسول الله ﷺ: «حبّ على ابن ابى طالب حسنة لا تضر معها سيئة و بغضه سيئة
لا تنفع معها حسنة». (بحار / ۳۰۴/۳۹)
قال رسول الله ﷺ: «لواجتمع الناس على حبّ على عليه السلام لما خلق الله النار». (بحار / ۳۰۴/۳۹)

۶- ضرورت محبت به اهل بیت

قال الرضا عليه السلام: «كن محباً لآل محمد و ان كنت فاسقاً و كن محباً لمحبيهم و ان كانوا فاسقين».

(سفينة البحار / ۲ / ۱۲)

۷- محبت به اهل بیت حسنه در قیامت

قال على عليه السلام لعبدالله الجدلي: «الا اخبرك بالحسنة التي من جاء بها امن من فزع يوم القيامة؟ حبنا اهل البيت الا اخبرك بالسيئة التي من جاء بها اكبه الله تعالى على وجهه في نار جهنم بغضنا اهل البيت ثم تلا امير المؤمنين عليه السلام: «من جاء بالحسنة فله خير منها و هم من فزع يومئذ امنون ...»

(بحار / ۳۹ / ۲۹۲)

۸- محبت به اهل بیت بهترین عبادت

قال الصادق عليه السلام: «ان فوق كل عبادة عبادة و حبنا اهل البيت افضل عبادة».

(بحار / ۲۷ / ۹۱)

۹- محبت به اهل بیت اساس اسلام

قال الصادق عليه السلام: «لكل شيء اساس و اساس الاسلام حبنا اهل البيت».

(بحار / ۲۷ / ۹۱)

۱۰- انبياء و محبت اهل بیت عليهم السلام

الف) قال الصادق: «ما من نبي ولا رسول الا ارسل بولايتنا و بفضلنا على من سوانا»

(نوالفقين / ۳ / ۵۱۴)

ب) قال الباقر عليه السلام: «وما من نبي ولا ملك مقرب الا كان يدين بمحبتنا» (سفينة / ۱ / ۵۰۹)

۱۱- محبت به اهل بیت مایهی سعادت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «هذا جبرئيل يخبرني ان السعيد كل السعيد حق السعيد من احب علياً في حياته و بعد موته».

(بحار / ۲۷ / ۷۴)

۱۲- محبت به اهل بیت و توفيق توبه: قال الصادق: «ان محبي آل محمد لا يموتون الا

(سفينة / ۲ / ۴۲۸)

تائبين»

۱۳ - آثار محبت به اهل بیت به هنگام مرگ

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من مات على حب آل محمد مات شهيداً من مات على حب آل محمد مات مغفوراً له. من مات على حب آل محمد مات مؤمناً مستكمل الايمان من مات على حب آل محمد بشره ملك الموت بالجنة ...» (بخار/ ۲۷/ ۱۱۱)

اشاره

الف - شخصی خدمت امام صادق علیه السلام آمد و از فقر شکایت کرد. حضرت فرمودند: تو فقیر نیستی آیا اگر به تو ثروت مادی فراوانی بدهند حاضر هستی با محبت ما عوض کنی؟ گفت: خیر. حضرت فرمود: بنا بر این تو فقیر نیستی. (فقیر واقعی کسی است که محبت امامان معصوم علیهم السلام را نداشته باشد) (امالی طوسی / ۲۹۷)

ب - حکم بن عتیبه گوید: شخصی آمد نزد امام باقر علیه السلام و گفت: «جعلنی الله فداک فوالله انی لاحبکم و احب من یحبکم و والله ما احبکم و احب من یحبکم لطمع فی دنیا و انی لا بغض عدوکم فهل ترجوا لی جعلنی الله فداک». حضرت این شخص را به نزدیک خود طلبید و فرمود: شخصی همین سؤال تو را از پدرم کرد، پدرم به او فرمود: هنگامی که از دنیا رفتی بر پیامبر و علی و حسن و حسین و علی بن الحسین علیهم السلام وارد می شوی و چشم تو به دیدن آنها روشن خواهد شد.

(سفینه البحار / ۲/ ۱۴)

ج - شخصی از خراسان برای زیارت امام باقر علیه السلام به مدینه آمد و پای او صدمه دیده بود، گفت: سوگند به خدا نیامدم مگر به خاطر علاقه به شما. حضرت فرمود: «والله لو احبنا حجر حشره الله معنا و هل الدین الا الحب». (سفینه البحار / ۲/ ۲۰)

۹- منزلت اصحاب اهل بیت علیهم السلام

۱- ابان بن تغلب

الف - قال الباقر عليه السلام له (ابان): «اجلس في مسجد المدينة افت للناس فاني احب ان يرى شيعتي مثلك».

(سفينة البحار / ۱ / ۳۱)

ب - «روى ابان عن ابي عبدالله عليه السلام ثلاثين الف حديث».

(سفينة البحار / ۱ / ۳۱)

ج - هنگامی که خبر وفات ابان به امام صادق عليه السلام رسید، آن بزرگوار فرمود: «اما والله لقد اوجع قلبي موت ابان».

(سفينة البحار / ۱ / ۳۲)

۲- بُريد عجلي ۳- ابو بصير ۴- محمد بن مسلم

الف - روى عن جميل بن درّاج قال: سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول: «بشّر الخبيثين بالجنة بريد بن معاوية العجلي و ابو بصير و محمد بن مسلم و زرارة اربعة نجباء. امناء الله على حاله و حرامه لولا هولاء انقطع آثار النبوة و اندرست».

(سفينة البحار / ۱ / ۲۶۱)

ب - قال الصادق عليه السلام: «... اوتاد الارض و اعلام الدين اربعة محمد بن مسلم و بريد بن معاوية و ليث بن اليخترى و زرارة بن اعين».

(سفينة البحار / ۱ / ۲۶۱)

ج - قال الصادق عليه السلام: «... هولاء حقاظ الدين و أمناء ابي على حلال الله و حرامه و هم السابقون الينا في الدنيا و السابقون الينا في الآخرة».

(سفينة البحار / ۱ / ۲۶۱)

۵- زرارة بن اعين

قال الصادق عليه السلام: «لفيض بن المختار ... فاذا اردت حديثنا فعليك بهذا المجلس و اومى بيده الى رجل من اصحابه و كان هو زرارة بن اعين».

(سفينة البحار / ۳ / ۴۶۰)

۶- حمران بن اعین

قال الباقر علیه السلام: «له (حمران) انت من شیعتنا فی الدنيا و الآخرة». (سفینه البحار / ۲ / ۴۲۴)

۷- عبدالله بن ابی یعفور

الف - عن ابی کهمش قال قلت لابی عبدالله علیه السلام عبدالله بن ابی یعفور یقرؤک السلام. قال: «علیک و علیه السلام...».

(سفینه البحار / ۶ / ۴۱)

ب - قال الصادق علیه السلام: «ما وجدت احداً یقبل وصیتی و یطیع امری الاّ عبدالله بن ابی یعفور».

(سفینه البحار / ۶ / ۴۱)

ج - عبدالله بن ابی یعفور گوید: «قلت لابی عبدالله علیه السلام و الله لو فلقت رمّانة بنصفین فقلت هذا حرام و هذا حلال لشهدت انّ الذی قلت حلال حلال و انّ الذی قلت حرام حرام». قال: «رحمک الله رحمک الله».

(سفینه البحار / ۶ / ۴۲)

۸- یونس بن عبدالرحمن

راوی گوید سألت الرضا علیه السلام فقلت انی لا القاک کل وقت فعمّن آخذ معالم دینی؟ قال: «خذ عن یونس بن عبدالرحمن».

(سفینه البحار / ۱ / ۱۸۶)

۹- ابو حمزه ثمالی

قال الرضا علیه السلام: «ابو حمزه الثمالی فی زمانه کسلمان الفارسی فی زمانه و ذلك أنّه خدم اربعة منّا علی ابن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و برهه من عصر موسی بن جعفر علیهم السلام».

(سفینه البحار / ۲ / ۴۴۰)

اشاره

عبدالله فضل هاشمی گوید: در محضر امام صادق علیه السلام بودم که مفضل بن عمر وارد شد. حضرت او را به نزد خود طلبید و فرمود: سوگند به خدا من به تو و کسانی که تو را دوست دارند علاقه دارم. ای مفضل اگر همه اصحاب من همانند تو معرفت داشتند دو نفر با یکدیگر اختلاف نمی کردند «یا مفضل لو عرف جمیع اصحابی ما تعرف ما اختلف اثنان»

(سفینه / ۷ / ۱۰۸)

۱۰- شیعیان اهل بیت علیهم السلام

۱- فضیلت شیعه

قال علی علیه السلام: «لقنبر ابشر و بشر فوالله لقد مات رسول الله صلى الله عليه وآله و هو ساخط على امته الا الشيعة الا و ان لكل شيء عروة و عروة الدين الشيعة الا و ان لكل شيء شرف و شرف الدين الشيعة الا و ان لكل شيء اماماً و امام الارض ارض تسكنها الشيعة». (بحار ۶۵/۶۸)

۲- علاقه امام معصوم به شیعیان

قال الصادق علیه السلام: «والله اني احب ریحکم و ارواحکم و رؤیتکم... فاعينونا على ذلك بورع و اجتهاد». (بحار ۶۵/۶۸)

۳- ویژگی های شیعه

الف - قال الصادق علیه السلام: «شیعتنا اهل الورع و الاجتهاد و اهل الوفاء و الامانة و اهل الزهد و العبادة اصحاب احدى و خمسين ركعة في اليوم و الليلة القائمون بالليل الصائمون بالنهار يزكون اموالهم و يحجون البيت و يجتنبون كل محرم». (بحار ۱۶۷/۶۸)

ب - قال الصادق علیه السلام: «انما شيعة على من عفّ بطنه و فرجه و اشتد جهاده و عمل لخالفه و رجا ثوابه و خاف عقابه فاذا رأيت اولئك فاولئك شيعة جعفر». (خصال ۱۰۳)

۴- وظایف شیعه

قال الصادق علیه السلام: «معاشر الشيعة كونوا لنا زیناً و لا تكونوا علينا شیناً قولوا للناس حسناً احفظوا السننكم و كفّوها عن الفضول و قبيح القول». (امالی صدوق ۳۲۷)

۵- شناخت شیعه

عن ابی عبدالله علیه السلام: «امتحنوا شیعتنا عند مواقیت الصلوة کیف محافظتهم علیها و الی اسرارنا کیف محافظتهم لها عند عدوتنا و الی اموالهم کیف مواساتهم لاخوانهم فینا». (سفینه البحار ۴/۵۴۷)

- ۶- برطرف شدن غم از شیعه
قال زين العابدين عليه السلام: «اذا قام قائمنا اذهب الله عزّ و جلّ عن شيعتنا العاهة».
- ۷- منزلت شیعه
قال الصادق عليه السلام: «اعرفوا منازل شيعتنا على قدر روايتهم عنا».
- ۸- مرزبانى دانشمندان شیعه
عن العسکرى قال: قال الصادق عليه السلام: «علماء شيعتنا مرابطون فى الشجر الذى يلى ابلّيس و عفاريتة يمنعونهم عن الخروج على ضعفاء شيعتنا...».
- ۹- امين بودن ثروتمندان شیعه
قال الصادق عليه السلام: «مياسير شيعتنا امنائونا على محايجهم».
- ۱۰- شفاعت نمودن شیعه
قال الصادق عليه السلام: «ان لشيعتنا الشفاعة فى اهلهم».
- ۱۱- بهترين اعمال شیعه
قال الجواد عليه السلام: «افضل اعمال شيعتنا انتظار الفرج».
- ۱۲- شفاعت امامان از شیعه
قال الصادق عليه السلام: «اذا كان يوم القيامة و كلنا الله بحساب شيعتنا».
- ۱۳- برترين شيعيان
قال الرضا عليه السلام: «... انما شيعة امير المؤمنين الحسن و الحسين و سلمان و ابوذر و المقداد و عمار و محمد بن ابى بكر الذين لا يخالفوا شيئاً من اوامره».
- ۱۴- شهر قم پناه شيعيان
قال ابو الحسن الاول عليه السلام قم عَشَّ آل محمد و مأوى شيعتهم و لكن سبيلك جماعة من شباهم بمعصية آبائهم و الاستخفاف و السخرية بكبرائهم و مشايخهم و مع ذلك يدفع الله عنهم شرّ الاعادى و كلّ سوء.

اشاره

الف - سهل خراسانی از روی اعتراض به امام صادق علیه السلام عرض کرد: چرا قیام نمی‌کنید با این که صدهزار نفر از شیعیان شما آمادگی مبارزه با دشمنان را دارند. حضرت دستور داد تنور آتش را روشن کنند بعد فرمود: برو در تنور بنشین. سهل گفت: مرا مسوزان حرف خود را پس گرفتم. در همین لحظه هارون مکی وارد شد. امام به او فرمود برو در تنور آتش بنشین، اطاعت کرد. امام از سهل پرسید چند نفر مانند هارون مکی سراغ داری؟ گفت: به خدا قسم یک نفر را هم نمی‌شناسم.

(سفینه البحار / ۲ / ۷۱۴)

ب - امام صادق علیه السلام به سدید صیرفی فرمود: اگر به تعداد این گوسفندان من شیعه می‌داشتم قیام می‌کردم. سدید گوید وقتی آن‌ها را شمردم ۱۷ عدد بودند. (کافی / ۲ / ۲۴۳)

ج - زراره گوید: با حمران بن اعین خدمت امام باقر علیه السلام رسیدیم. گفتم: خود را همچون میزان قرار دادیم هر کس با ما موافقت کند او را دوست داریم. حضرت فرمود: در این صورت آیات شریفه **«الاستضعفین من الرجال...»** و **«وآخرون مرجون لامر الله اما يعذبهم و اما يتوب عليهم»** و **«آخرون اعترفوا بذنوبهم»** چه می‌شوند؟ (بنابراین نمی‌توان از هر کسی که شیعه نیست بیزاری جست) (کافی / ۲ / ۲۸۲)

د - ابن مسعود گوید: بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شدم و سلام عرض کردم و گفتم حق را به من نشان دهید (ارنی الحق لانظر الیه) فرمود: وارد اتاق شو - وقتی وارد شدم امیرالمؤمنین را در حال نماز دیدم که می‌فرمود: خدایا به حق محمد بنده تو گناهکاران از شیعیان مرا بیا مرز اللهم بحق محمد عبدك اغفر للخاطئين من شيعتي بعد وارد بر پیامبر شدم دیدم پیامبر نیز در حال نماز می‌گوید: خدایا به حق علی بنده تو گناهکاران امت مرا بیا مرز. اللهم بحق علی عبدك اغفر للخاطئين من امتی. (بحار / ۴۰ / ۴۳)

۱- سیره امام علی علیهما السلام

- ۱- علم و دانش؛ الف - قال علی علیهما السلام: «یا معشر الناس سلونی قبل ان تفقدونی فانّ عندی علم الاولین و الاخرین اما والله لو توتی لی الوسادة لحکمت بین اهل التوراة بتوراتهم...» (ارشاد / ۱ / ۳۵)
- ب - قال علی علیهما السلام: «ان همینا لعلماً جمّاً و اشار الی صدره ولكن طلابه یسیر و عن قلیل یندمون لوفقدونی» (عیون اخبار الرضا / ۱ / ۲۰۵)
- ج - قال علی علیهما السلام: «و الله ما نزلت آیه الا و قد علمت فیما نزلت و این نزلت و علی من نزلت ان ربی و هب لی قلباً عقولاً و لساناً طلقاً سؤلأ» (کنز العمال / ۴ / ۳۶۴)
- ۲- ایمان؛ قال علی علیهما السلام: «و الله لو اعطیت الاقالیم السبعة بما تحت افلاکها علی ان اعصی الله فی نملة اسلمها جلب شعيرة ما فعلته» (بحار / ۴۱ / ۱۵۵)
- ۳- یقین قال علی علیهما السلام: «ما شککت فی الحق مذ أریته» (غرر الحکم / ۲ / ۹۴۸)
- ۴- سبقت در اطاعت الهی؛ قال علی علیهما السلام: «أنی و الله ما احثکم علی طاعة الا و اسبقکم الیها و لا انهاکم عن معصية الا اتناهی قبلکم عنها» (نهج البلاغه / خطبه ۱۷۴)
- ۵- همدردی با مردم؛ قال علی علیهما السلام: «أقنع نفسی بان یقال امیر المؤمنین و لا اشارکهم فی مکاره الدهر» (نهج البلاغه / نامه ۵)
- ۶- عبادت خالصانه؛ قال علی علیهما السلام: «الهی ما عبدتک طمعاً للجنة و لا خوفاً من النار بل وجدتک اهلاً للعبادة فعبدتک» (بحار / ۷۲ / ۲۷۸)
- ۷- تهجد؛ قال علی علیهما السلام: «قابض علی لحیته یتملل تمثال السلیم و یتبکی بکاء الحزین» (نهج البلاغه / حکمت ۷۷)

- ۸- زهد؛ قال علی عليه السلام: «و يقول يا دنيا يا دنيا! اليك عنى ابي تعرّضت ام الى تشوّقت لاحان حينك هيّات غرّى غيرى لاحاجة لى فيك قد طلقتك ثلاثة لارجعة فيها».
- (نهج البلاغه / حكمة ۷۷)
- ۹- وضعت لباس؛ قال علی عليه السلام: «و الله لقد رقعت مدرعتى هذه حتى استحبيبت من راقعها».
- (نهج البلاغه / خطبه ۱۶۰)
- ۱۰- وضعت غذا؛ قال علی عليه السلام: «الا و انّ امامكم قد اكتفى من دنياكم بطمريه و من طعمه بقرصيه».
- (نهج البلاغه / نامه ۴۵)
- ۱۱- وضعت كفش؛ قال علی عليه السلام: «فقال لابن عباس ما قيمة هذا النعل فقلت لا قيمة لها فقال لى احبّ الى من امرتكم الا ان اقيم حقاً او ادفع باطلاً».
- (بحار / ۳۲/ ۷۶)
- ۱۲- وضعت منزل بعد از تصدى حكومت؛ قال الباقر عليه السلام: «و لقد ولىّ خمس سنين و ما وضع اجرة على اجرة و لا لبنة على لبنة...».
- (بحار / ۱۶/ ۲۷۷)
- ۱۳- شجاعت در ميدان جنگ؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «ضربة على يوم الخندق افضل من عبادة الثقلين».
- (بحار / ۳۹/ ۲)
- ۱۴- عدالت؛ قال علی عليه السلام: «لا تقتلنّ بي الا قاتلى و اذا انامت من ضربته هذا فاضربوه ضربة بضربة».
- (نهج البلاغه / نامه ۴۷)
- ۱۵- حكومت داری؛ قال علی عليه السلام: «دخلت بلادكم با شمالى هذه و رحلتى و راحلتى فان انا خرجت بغير ما دخلت فأتى من الخائنين».
- (بحار / ۴۰/ ۳۲۵)
- ۱۶- جود و سخاوت؛ «سأله عليه السلام اعرابى شيئاً فامر له بالف فقال الوكيل من ذهب او فضة فقال كلاهما عندى حجان اعط ما انفعهما له».
- (بحار / ۴۱/ ۳۲)
- ۱۷- خواستار خشنودی خدا؛ «عن ابن عباس كان علی عليه السلام يتبع فى جميع امره مرضاة الله و لذلك سمى المرتضى».
- (مناقب / ۳/ ۱۱۰)
- ۱۸- مسلط بر هوای نفس؛ قال علی عليه السلام: «هيّات ان يغلبنى هوای». (نهج البلاغه / نامه ۴۵)

۱۹ - مظلومیت

الف - قال علی علیه السلام: «... و صغروا عظیم منزلتی و اجمعوا علی منازعتی امرأ هولی».

(شرح نهج البلاغه / ۳۰۵/۹)

ب - قال علی علیه السلام: «مازلت مظلوماً منذ ولدتني امی...».

(بحار / ۶۷/ ۲۲۸)

ج - «مازلت منذ قبض رسول الله صلی الله علیه و آله مظلوماً».

(نهج السعاده / ۲/ ۴۴۸)

۲۰ - تقاضای مرگ قال علی علیه السلام: «مللتهم و ملوننی و حملونی علی غیر خلقی و طبیعتی...»

(سفینه / ۵/ ۵۷)

اللهم فابدلنی بهم خیراً منهم و ابدلهم بی شراً منی»

اشاره

الف - در جنگ هنگامی که عمر بن عبدود جسارت کرد حضرت او را رها کرد و فرمود: ترسیدم او را برای رضایت نفس خود بکشم لذا او را رها نمودم تا اینکه ناراحتی من از بین برود و فقط در راه خدا او را به قتل برسانم. «فخشیت ان اضربه لحظّ نفسی فترکتہ حتی سکن ما بی ثمّ قتلتہ فی اللہ».

(مناقب / ۲/ ۱۱۵)

ب - امام باقر علیه السلام فرمودند، در جنگ احد حضرت علی علیه السلام شصت جراحت بر بدنش وارد شد هر زخمی را که معالجه می کردند زخم دیگر گشوده می گشت. آن بزرگوار فرمود: خدا را شکر که از جنگ فرار نکرده و پشت به دشمن ننمودم و لذا خداوند در دو جای قرآن کریم از فداکاری آن حضرت سپاسگزاری نمود ﴿و سنجرى الله الشاکرین﴾

(المیزان / ۴/ ۷۰)

۱۲- فضایل حضرت علی علیه السلام

۱- معیار حقیقت

قال رسول الله ﷺ: «علی مع الحقّ و الحقّ مع علی». (بحار / ۳۸ / ۳۴)

۲- ولایت

قال رسول الله ﷺ: «ولایة علی ابن ابی طالب ولایة الله و حبّه عبادة الله و اتباعه فريضة الله و اولیاءه اولیاء الله و اعداؤه اعداء الله». (بحار / ۴۰ / ۴)

۳- علم و دانش

قال رسول الله ﷺ: «انا مدينة العلم و علی بابها». (الغدیر / ۶ / ۷۹)
و «اعلم امتی من بعدی علی ابن ابی طالب».

۴- منزلت

قال رسول الله ﷺ: «علیّ منی بمنزلة من ربّي». (الغدیر / ۷ / ۱۷۷)

۵- ستون دین

قال رسول الله ﷺ: «علیّ سیّد المؤمنین» «علیّ عمود الدین». (کافی / ۱ / ۲۹۴)

۶- اذیت و آزار

قال رسول الله ﷺ: «من اذی علیاً فقد اذانی». (بحار / ۵ / ۶۹)

۷- تقسیم کننده ی بهشت

قال رسول الله ﷺ: «فانت قسیم الجنة و انت قسیم النار». (بحار / ۴۰ / ۱۹۳)

۸- نگاه

قال رسول الله ﷺ: «النظر الى وجه علی ابن ابی طالب عبادة». (بحار / ۳۸ / ۱۹۸)

۹- محبت

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «يا علي حَبِّكَ تقوى و إيمان و بغضك كفر و نفاق». (بحار / ۴۰ / ۲۶۳)
و «حب على يأكل الذنوب كما تأكل النار الحطب». (تاریخ امامعلی / ابن عساکر / ۲ / ۱۰۳)

۱۰- جامع کمالات انبیا

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من اراد ان ينظر الى آدم في علمه و الى نوح في فهمه و الى ابراهيم في حلمه و الى يحيى بن زكريا في زهده و الى موسى بن عمران في بطشه فلينظر الى على ابن ابى طالب».
(تاریخ دمشق الامام على / ۲ / ۲۸۰)

۱۱- شنیدن صدای یا علی از در بهشت

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «انّ حلقة باب الجنة من ياقوتة حمراء على صفائح الذهب فاذا دقت الحلقة على الصفحة طنت و قالت يا على».
(سفينة البحار / ۱ / ۶۶۹)

اشاره

الف- پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله به حضرت علی عليه السلام فرمودند: خداوند به توسته فضیلت عطا کرده که به من مرحمت نکرده است پدر زن نظیر من همسری مانند فاطمه و فرزندانى مثل حسن و حسین عليهما السلام
(بحار / ۳۹ / ۸۹)

ب- حضرت علی عليه السلام گوید: به پیامبر گفتم برای من دعا کنید. پیامبر فرمود: دعا می‌کنم. پیامبر مشغول نماز شد بعد از آن دست به دعا برداشت و من استماع می‌کردم که می‌فرمود: خدایا به حق علی برای علی بیامرز. عرض کردم چرا این طور دعا می‌کنید فرمود: من کسی را بزرگوارتر و کریم‌تر از تو نزد خدا ندیدم تا او را واسطه قرار دهم.

اللهم بحقّ علىّ عندك اغفر لعلیّ فقلت يا رسول الله ما هذا فقال صلى الله عليه وآله او احد اکرم منك
عليه فاستشفع به اليه.
شرح نهج البلاغه / ۲۰ / ۳۱۵

۱۳- سیر هی حضرت فاطمه علیها السلام

۱- علم

قالت فاطمة علیها السلام لعلی علیه السلام: «ادن لاحدتك بما كان و بما هو كائن و بما لم يكن الى يوم القيامة...».

(بحار / ۴۳ / ۸)

۲- عبادت

حسن بصری گوید: «ما كان في هذه الامة اعبد من فاطمة كانت تقوم حتى تورم قدماها».

(بحار / ۴۳ / ۸۴)

۳- ترس از خدا

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم (في فاطمه): «متى قامت في محرابها بين يدي ربها جل جلاله زهر نورها لملائكة السماء كما يزهر نور الكواكب لاهل الارض و يقول الله عزوجل للملائكة يا ملائكتي انظروا الى أمي فاطمه سيدة اماني قائمة بين يدي ترتعد فرائصها من خيفتي».

(بحار / ۴۳ / ۱۷۲)

۴- دعا برای دیگران

قال الحسن علیه السلام: «رأيت امي فاطمة قامت في محرابها ليلة جمعها فلم تنزل راکعة ساجدة حتى اتضح عمود الصبح و سمعتها تدعو للمؤمنين و المؤمنات ... فقلت يا اماه لم تدعين لنفسك كما تدعين لغيرك فقالت: يا بني الجار ثم الدار».

(علل الشرايع / ۱۸۲)

۵- زیارت شهدا

عن ابي عبدالله علیه السلام: «ان فاطمة كانت تأتي قبور الشهداء في كل غداة سبت فتأتي قبر حمزه و ترحم عليه و تستغفر له».

(تهذيب / ۱ / ۴۶۵)

۶- دفاع از امام زمان

قالت فاطمة عليها السلام: «و الله لا ادعكم تجرّون ابن عمي ظلماً خلّوا ابن عمي فوالذي بعث محمداً لئن لم تخلوا عنه لانشرن شعري و لاضعن قيص رسول الله صلى الله عليه وآله على رأسي و لاصرخن الى الله تبارك و تعالی».

(عوالم / ۱۱ / ۲۱۱)

۷- اخلاق شایسته

قالت عائشه : «ما رأيت احداً اصدق من فاطمه غير ابیها. ... ما رأيت احداً اشبه سمتاً و دلاً و هدياً برسول الله في قيامها و قعودها من فاطمه بنت رسول الله». (کنایه از خوش خلقی است)

(مناقب / ۳ / ۳۴۱)

۸- کار در منزل

رأى النبي فاطمة ... و هي تطحن بيديها و ترضع ولدها. فدمعت عينها رسول الله فقال: «يا بنتاه تعجلى مرارة الدنيا لحلاوة الآخرة».

(بحار / ۶۵ / ۲۲۰)

اشاره

ادب نسبت به پدر

هنگامی که آیه شریفه «**لا تجعلوا دعاء الرسول بينكم كدعاء بعضكم بعضاً**» (نور / ۶۳) پیامبر را همانطوری که یکدیگر را صدا می‌زنید صدا نزنید، نازل شد. حضرت زهرا عليها السلام گوید: در برخورد اول پیامبر را به (یا رسول الله) صدا زدم. پیامبر به من توجه نکرد تا اینکه در مرتبه سوم که صدا زدم خطاب به من کرد و فرمود: این آیه درباره تو و خانواده‌ات نازل نشده - تو به من پدر بگو که مایه حیات جان من است و خداوند از آن رضایت بیشتری دارد. (قولی یا ابه فأتها احيى للقلب و ارضى للرب)

(بحار / ۴۳ / ۳۳)

ادب نسبت به شوهر

روزی حضرت علی عليه السلام از فاطمه عليها السلام سؤال کرد چیزی در منزل هست؟ عرضه داشت: خیر. فرمود: چرا مرا مطلع نساختید تا متاعی فراهم کنم؟ گفت: من از خداوند خجالت کشیدم از اینکه از شما چیزی طلب کنم که مقدر شما نباشد.

(کشف الغمه / ۲ / ۲۶)

۱۴- فضایل حضرت زهرا عليها السلام

- ۱- همتای حضرت علی عليه السلام
قال الصادق عليه السلام: «لولا ان الله تبارك و تعالى خلق لاميرالمؤمنين فاطمة ما كان لها كفو على ظهر الارض من آدم و من دونه».
(بحار / ۴۳ / ۱۰۷)
- ۲- تکریم پیامبر صلى الله عليه وآله
كانت اذا دخلت على النبي قام اليها فقبلها و اجلسها في مجلسه.
(فضایل الخمسة / ۳ / ۱۲۷)
- ۳- پاره‌ی تن پیامبر
قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «فاطمة بضعة مني و هي قلبي و روحى التي بين جنبي فمن آذاها فقد آذاني و من آذاني فقد آذى الله».
(بحار / ۴۳ / ۵۴)
- ۴- تحیت بر فاطمه
عن فاطمة قالت: قال لى رسول الله صلى الله عليه وآله: «يا فاطمة من صلّى عليك غفر الله له و الحقه بى حيث كنت من الجنة».
(بحار / ۴۳ / ۵۵)
- ۵- نام فاطمه عليها السلام
قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «انما سميت ابنتى فاطمه لان الله عزّ و جلّ فطمها و فطم من احبها من النار».
(بحار / ۴۳ / ۱۵)
- ۶- عزیز پیامبر صلى الله عليه وآله
قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «فاطمة بضعة منى من سرّها فقد سرّنى و من سائها فقد سائنى فاطمة اعزّ الناس على».
(سفينة البحار / ۲ / ۳۴۷)
- ۷- سرور زنان جهان
عن الحسن بن زياد قال: قلت لابي عبدالله قول رسول الله صلى الله عليه وآله: «فاطمة سيّدة نساء اهل الجنة».. أسيدة نساء عالمها؟ قال: «تاك مريم و فاطمة سيّدة نساء اهل الجنة من الاولين و الاخرين».
(بحار / ۴۳ / ۲۱)

- ۸- تسبیح فاطمه علیها السلام
 عن ابی جعفر علیه السلام قال: «ما عُبد الله بشيء من التمجيد افضل من تسبیح فاطمه علیها السلام و لو كان شيء افضل منه لنحله رسول الله فاطمة». (بحار / ۴۳ / ۶۴)
- ۹- ارزش شناخت فاطمه علیها السلام
 عن ابی عبدالله علیه السلام: «... فمن عرف فاطمه حق معرفتها فقد ادرك ليلة القدر و انما سميت فاطمه لان الخلق فطموا عن معرفتها». (بحار / ۴۳ / ۶۵)
- ۱۰- اطاعت از فاطمه علیها السلام
 قال الباقر علیه السلام: «لقد كانت علیها السلام مفروضة الطاعة على جميع من خلق الله من الجن و الانس». (دلائل الامامة / ۲۸)
- ۱۱- احترام به نام فاطمه علیها السلام
 قال الراوی: «قلت للصادق علیه السلام ولدت لی ابنة؟» فقال علیه السلام: «لی ما سميتها؟» قلت: فاطمه. قال: «آه آه ... اما اذا سميتها فاطمة فلا تسبها و لا تلعنها و لا تضربها». (فروع کافی / ۴۹ / ۶)
- ۱۲- الگوی برتر
 قال المهدي علیه السلام: «و فی ابنة رسول الله صلی الله علیه و آله لی اسوة حسنة». (بحار / ۵۳ / ۱۸۰)
- ۱۳- میوه دل پیامبر صلی الله علیه و آله
 قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «ان فاطمة بضعة منی و هی نور عینی و ثمرة فؤادی». (امالی صدوق / ۳۹۳)
- ۱۴- اختر تابناک
 قال الصادق علیه السلام: «فاطمة کوکب دُرّی بین نساء اهل الدنيا». (کافی / ۱ / ۲۹۵)
- ۱۵- برکت نام فاطمه
 قال کاظم علیه السلام: «لا یدخل الفقر بیتاً فیهِ اسم محمد او احمد او علی او الحسن او الحسين ... او فاطمة من النساء». (کافی / ۶ / ۱۹)

۱۶ - محبت به فاطمه

قال رسول الله ﷺ: «يا سلمان حبّ فاطمة ينفع في مائة مواطن ايسر تلك المواطن الموت و القبر و الميزان و الحشر و الصراط و المحاسبة». (بحار ۵۳۹/۷)

۱۷ - بوی بهشت

قال رسول الله ﷺ: «ففاطمة حوراء انسية و كلما اشتقت الى رائحة الجنة شممت رائحة ابنتي فاطمة». (توحيد صدوق ۱۱۷)

۱۸ - افتخار حضرت علی به همسر

قال علی علیه السلام: «انا زوج البتول سيدة نساء العالمين». (معانی الاخبار ۵۸)

۱۹ - اطاعت فاطمه از همسر

قال علی علیه السلام: «فوالله ... لا اغضبتني و لا عصت لي امرأ و لقد كنت انظر اليها فتتكشف عني الهموم و الاحزان». (بحار ۱۳۴/۴۳)

۲۰ - سلام پیامبر به فاطمه

من نافع بن ابی الحمراء قال شهدت رسول الله ﷺ ثمانية اشهر اذا خرج الى صلاة الغداة مرّ بباب فاطمة فقال: «السلام عليكم اهل البيت و رحمة الله و بركاته» «انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهركم تطهيراً». (بحار ۵۳/۴۳)

اشاره

حیا و عفت فاطمه علیها السلام

حضرت علی علیه السلام فرمود: نایبنائی اجازه خواست به منزل فاطمه علیها السلام و آمد آن بانو خود را پوشانید پیامبر ﷺ فرمود: چرا خود را پوشانیدی با اینکه این مرد نایبناست؟ عرض کرد: اگر او مرا نمی بیند من او را می بینم و او بوی مرا استشمام می کند. پیامبر فرمود: گواهی می دهم که تو پاره تن من هستی «اشهد انك بضعة مني»

(بحار ۹۱/۴۳)

۵- سیره‌ی امام حسن مجتبی علیه السلام

۱- عبادت

قال الصادق علیه السلام: «انّ حسن بن علی علیه السلام كان اعبد الناس في زمانه و ازهدهم و افضلهم».

(بحار / ۴۳ / ۳۳۱)

۲- یاد قیامت

وكان اذا ذكر الموت بكى و اذا ذكر القبر بكى و اذا ذكر البعث و النشور بكى ... قيل له اتبكي و قد حججت عشرين حجة ماشياً و قد قاسمت مالك ثلاث مرات فقال: «انما ابكي لخصلتين لهول المطلع و فراق الاحبة».

(بحار / ۴۳ / ۳۳۲)

۳- دعا به هنگام ورود به مسجد

كان اذا بلغ باب المسجد رفع رأسه و يقول «الهي ضيفك ببابك يا محسن قد اتاك المسيء فتجاوز عن قبيح ما عندي بجميل ما عندك يا كريم».

(بحار / ۴۳ / ۳۳۹)

۴- علم

انّ الحسن بن علی علیه السلام كان عنده رجلان فقال لاحدهما: «انك حدّثت البارحة فلاناً بحديث كذا و كذا» فقال الرجل: انه ليعلم ما كان فقال علیه السلام: «انا لنعلم ما يجرى في الليل و النهار».

(بحار / ۴۳ / ۳۳۰)

۵- اظهار فقر در پیشگاه خداوند

قيل للحسن بن علی علیه السلام كيف اصبحت فقال علیه السلام: «اصبحت ولى رب فوق و النار امامى و الموت يطلبنى و الحساب محدد بى و انامرتهم بعملى لا اجد ما احبّ و لا ادفع ما اكره و الامور بيد غيرى فان شاء عدّبتى و ان شاء عفا عنى فائى فقير افقر مئى».

(بحار / ۷۵ / ۱۱۳)

۶- کرم و جود

«سأل الحسن بن علی رجل فاعطاه خمسين الف درهم و خمس مائة دينار و قال ائت بحمال يحمل لك فاقى بحمال فاعطى طيلسانه (پوستین)» فقال: «هذا كرى الحمال».

(بخار / ۴۳ / ۳۴۱)

۷- احسان

«حيث جارية للحسن بن علی ؑ بطاقة ریحان فقال لها انت حرّة لوجه الله. فقلت له في ذلك فقال ادبنا الله تعالى؟» فقال: «و اذا حييتم بتحيّة فحيوا باحسن منها و كان احسن منها اعتاقها».

(بخار / ۴۳ / ۳۴۳)

۸- اطعام به حيوان

«قال الراوى رأيت الحسن بن علی يأكل و بين يديه كلب كلما اكل لقمة طرح للكلب مثلها فقلت له يا بن رسول الله! الا ارجم هذا الكلب عن طعامك» قال: «دعه انى لاستحيى من الله عزّ و جلّ ان يكون ذوروح ينظر في وجهى و انا اكل ثم لا اطعمه».

(بخار / ۴۳ / ۳۵۲)

۹- زينت به هنگام نماز

قال السجاد ؑ: «ان الحسن بن علی ؑ اذا كان قام الى الصلاة لبس اجود ثيابه».

(بخار / ۸۳ / ۱۷۵)

۱۰- صداقت

قال السجاد ؑ: «ان الحسن بن علی ؑ كان اصدق الناس لهجة و افصحهم منطقال».

(بخار / ۴۳ / ۳۳۱)

۱۱- مظلوميت

«ان الحسن بن علی ؑ دخل على معاوية يوماً فجلس عند رجله و هو مضطجع فقال له يا ابا محمد! الا اعجبك من عائشة تزعم انى لست للخلافة اهلاً» فقال الحسن ؑ:

«و اعجب من ذلك جلوسى عند رجلك و انت نائم فاستحيى معاويه و استوى قاعداً و استعذره».

(سفينة البحار / ۱ / ۱۸۸)

۱۲ - حلم

«لما مات الحسن عليه السلام اخرجوا جنازته فحمل مروان بن حكم سيره». فقال له الحسين عليه السلام: «تحمل اليوم جنازته و كنت بالامس تجرعه الغيظ؟» قال مروان: «نعم، كنت افعل ذلك بمن يوازن حلمه الجبال».

(سفينة البحار / ۱ / ۱۸۹)

۱۳ - فلسفه صلح برگشت مردم از دین

الف) قال الحسن عليه السلام: «و كنتم في مبداكم الى صفين و دينكم امام دنياكم و قد اصبحتم اليوم و دنياكم امام دينكم».

(بحار / ۷۵ / ۱۰۷)

ب) قال الحسن عليه السلام: «و انى لم افعل ما فعلت الا ابقاء عليكم»

(سفينة / ۲ / ۹۶)

اشاره

معاويه به امام مجتبی عليه السلام گفت: من از شما بهترم زیرا مردم با من بیعت کردند ولی از شما پیروی نکردند. حضرت فرمود: هرگز تو نمی توانی با بدی و شرارت مقام برتری را به دست آوری زیرا پیروان تو از دو حال بیرون نیستند یا چشم بسته از تو اطاعت نمودند که مسلماً گنه کار هستند یا به اجبار که معذورند به خدا قسم من تحاشی می کنم از اینکه بگویم من از تو بهترم زیرا در تو خیر وجود ندارد خداوند مرا از رذائل بدور داشته چنانکه تو را از فضائل بی بهره قرار داد.

(بحار / ۴۴ / ۱۰۴)

۱۶- سیره‌ی امام حسین علیه السلام

- ۱- احترام به بزرگ‌تر
عن الصادق علیه السلام: «ما مشى الحسين علیه السلام بين يدي الحسن قط و لا بدره بمنطق اذا اجتماعاً تعظيماً له».
(مشكاة الانوار / ۱۷۰)
- ۲- تکریم از خواهر
ان الحسين علیه السلام اذا زارته زينب يقوم اجلاً لها و كان يجلسها في مكانه. (وفاة زينب الكبرى / ۱۱)
- ۳- بر پا داشتن نماز
قال الحسين علیه السلام: «في قوله تعالى ﴿الذين ان مكناهم في الارض اقاموا الصلوة﴾ قال هذه فينا اهل البيت».
(معاني الاخبار / ۹۵)
- ۴- در آستانه‌ی نماز
كان الحسين علیه السلام اذا توضعاً تغير لونه و ارتعدت مفاصله فقیل له في ذلك فقال:
«حق لمن وقف بين يدي الملك الجبار، ان يصفر لونه و يرتعد مفاصله».
(جامع الاخبار / ۷۶)
- ۵- پیاده روی در سفر حج
كان الحسين بن علي علیه السلام يمشى الى الحج و دابته تقاد وراءه.
(محاسن برقی / ۱ / ۱۴۶)
- ۶- عطر به هنگام روزه
كان الحسين علیه السلام اذا صام يتطيب بالطيب و يقول الطيب تحفة الصائم.
(خصال / ۶۱)
- ۷- پرداخت مهریه
قال الحسين علیه السلام: «انا نتزوج النساء فنعطين مهرهن فيشترين ما شئن لیس لنا منه شیء».
(مکارم الاخلاق / ۱۳۴)

۸- عزّت طلبی

قال الحسين عليه السلام: «الا وانّ الدّعی بن الدّعی قد ركزني بين السلة و الذلة و هيئات منّي الذلة».

(احتجاج طبرسی / ۳۳۶)

۹- امر به معروف

قال الحسين عليه السلام: «أريد ان امر بالمعروف و انهي عن المنكر و اسير بسيرة جدّي و ابي علي بن ابي طالب».

(مناقب / ۸۹/۴)

۱۰- عدم بیعت با ستمگران

قال الحسين عليه السلام: «لو لم يكن لي ملجأ و لا مأوى لما بايعت يزيد بن معاوية» (مقتل عوالم / ۵۴) و «مثلي لا يبايع مثله».

(مقتل خواری / ۱۸۴)

۱۱- عفو و گذشت

قال الحسين عليه السلام: «لو شتمني رجل في هذه الاذن (و اومى الى اليمن) و اعتذر لي في الأخرى. لقبلت ذلك منه».

(احقاق الحق / ۱۱ / ۴۳۱)

۱۲- اصلاح مردم

قال الحسين عليه السلام: «انّي لم اخرج اشراً و لا بطراً و لا مفسداً و لا ظالماً و انما خرجت لطلب الاصلاح في امة جدّي».

(نفس المهموم / ۴۵)

۱۳- دعا و استغفار

قال الحسين عليه السلام: «و هو يعلم اني احبّ الصلوة و الدعاء و الاستغفار».

(ارشادالقلوب / ۴ / ۲)

اشاره

امام حسین عليه السلام بر اساس امامت بن زید وارد شد در حالی که مریض بود اسامه گفت: چه غم بزرگی دارم. حضرت فرمود: چه غم داری؟ عرض کرد: شصت هزار درهم بدهکارم. امام عليه السلام فرمود: من متعهد پرداخت آن می شوم. گفت: می ترسم از اینکه وامدار بمیرم. حضرت فرمود: قبل از آنکه از دنیا بروی وام تو را پرداخت می کنم. امام عليه السلام به وعده اش وفا نمود. (بحار / ۴۴ / ۱۸۹)

۱۲- سیره‌ی امام‌زین‌العابدین علیه‌السلام

۱- بردباری

عن محمد بن جعفر و غيره قالوا: «وقف على بن الحسين رجل من اهل بيته فاسمعه و شتمه ...» فقال عليه‌السلام له: «يا اخي انك كنت قد وقفت على انفاً فقلت و قلت فان كنت قلت ما فيّ فاستغفر الله منه و ان كنت قلت ما ليس في فغفر الله لك قال فقبّل الرجل بين عينيه و قال ... انا احقّ به».

(بحار / ۴۶ / ۵۵)

۲- عفو و بخشش

قال الباقر عليه‌السلام: «و كان لا يضرب مملوكاً بل يكتب ذنبه عنده حتى اذا كان آخر شهر رمضان جمعهم و قرّهم بذنوبهم و طلب منهم ان يستغفروا الله له كما غفر لهم ثم يعتقهم و يجزيهم بجوائز و كان عظيم التجاوز و العفو». حتى أنّه سبّه رجل فتغافل عنه فقال اياك اعنى و قال و عنك اُعرض و اشار الى هذه الاية «خذ العفو و امر بالعرف و اعرض عن الجاهلين».

(بحار / ۴۶ / ۶۲)

۳- عبادت

قال الباقر عليه‌السلام: «كان على ابن الحسين يصلى في اليوم و الليلة الف ركعة كما كان يفعل امير المؤمنين و كان قيامه في صلاته قيام العبد الذليل بين يدي الملك الجليل كانت اعضاءه ترتعد من خشية الله و كان يصلى صلاة مودّع».

(بحار / ۴۶ / ۶۲)

۴- انفاق

قال الباقر عليه‌السلام: «و كان ليخرج في الليلة الظلماء فيحمل الجراب على ظهره ... و كان يغطى وجهه اذا ناول فقيراً لئلا يعرفه فلما توفّي فقدوا ذلك فعلموا انه كان على ابن الحسين عليه‌السلام».

(بحار / ۴۶ / ۶۲)

٥- درخواست از خداوند

قال الباقر عليه السلام: «و لقد نظر يوم عرفه الى قوم يسألون الناس فقال و يحكم غير الله تسألون في مثل هذا اليوم».

(بحار / ٤٦ / ٦٢)

٦- عرفان

قال الباقر عليه السلام: «و لقد قال له رجل يابن رسول الله انى لاحتك في الله حباً شديداً فقال انى اعوذ بك ان أحبّ فيك و انت لى مبغض».

(بحار / ٤٦ / ٦٢)

٧- ترحم

قال الباقر عليه السلام: «و لقد حجّ على ناقه له عشرين حجة فما قرعها بسوط».

(بحار / ٤٦ / ٦٢)

٨- تواضع

قال الباقر عليه السلام: «و كان يعجبه ان يحضر طعامه اليتامى و الضراء و الزمنى و المساكين الذين لا حيلة لهم و كان يناولهم بيده».

(بحار / ٤٦ / ٦٢)

٩- اشك فراوان

قال الباقر عليه السلام: «و لقد بكى على ابيه الحسين عشرين سنة و ما وضع بين يديه طعام الا بكى. حتى قال له مولى له يابن رسول الله اما آن لحزنك ان ينتقى؟ فقال و يحك ان يعقوب النبي كان له اثني عشر ابنا فغيّب الله عنه واحداً منها فايضت عيناه».

(بحار / ٤٦ / ٦٢)

١٠- كمك همسفران

قال الباقر عليه السلام: «كان عليه السلام لا يسافر الا مع رفقة لا يعرفونه و يشترط عليهم ان يكون من خدم الرفقة فيما يحتاجون اليه».

(بحار / ٤٦ / ٦٩)

١١- طلب رحمت قال زين العابدين عليه السلام: «يقول اللهم ارحمني فانك كريم اللهم ارحمني

(سفينة / ٢ / ٢٦٤)

فانك رحيم فلم يزل يرددّها حتى توفّي سلام الله عليها».

اشاره

امام سجاد علیه السلام از اینکه با مادر خود هم غذا شود امتناع داشت شخصی عرض کرد: شما که بهترین مردم در نیکی و احسان هستید چگونه با مادر خود غذا نمی‌خورید؟ فرمود: کراهت دارم از اینکه دست من سبقت بگیرد بر غذائی که مادرم آن را اراده کرده است. (بحار / ۴۶ / ۶۲)

۱۸- سیره‌ی امام باقر علیه السلام

۱- علم

قال الباقر علیه السلام: «أنا علمنا منطق الطير و اوتينا من كل شيء». (بحار / ۴۶ / ۲۹۴)
قال جابر بن عبد الله: سمعت رسول الله يقول أنك ستدرک رجلاً من اهل بيبي اسمه اسمي و شمائله شمائي. يبقر العلم بقراً ... بابي انت و امي ابوك رسول الله يقترنك السلام قال يا جابر على رسول الله (السلام) ما قامت السموات و الارض و عليك السلام يا جابر بما بلغت السلام. (بحار / ۴۶ / ۲۹۵)

۲- تهجد

قال الصادق علیه السلام: «كان ابي رضوان الله عليه اذا قام من الليل اطال القيام و اذا ركع او سجد اطال حتى يقال انه قد نام فما يفجأنا منه الا و هو يقول لا اله الا الله حقاً حقاً». (بحار / ۸۷ / ۲۲۷)

۳- یاد خداوند

قال الصادق علیه السلام: «كان ابي كثير الذكر لقد امشى معه و انه ليذكر الله و اكل معه الطعام و انه ليذكر الله و لقد كان يحدث القوم و ما يشغله ذلك عن ذكر الله».

(وسائل / ۴ / ۱۱۸۱)

۴- تلاوت قرآن

قال الصادق علیه السلام: «ان ابا جعفر كان احسن صوتاً بالقرآن و كان اذا قام من الليل و قرء صوته فتمرّ به مازّ الطریق من السقائین و غیرهم فيقومون فيستمعون الى قرائته».

(بحار / ۸۵ / ۸۲)

۵- انفاق و بخشش

سليمان بن اقرم گوید: «كان لا يملّ من صلة اخوانه و قاصديه و مؤمليه و راجيه».

(بحار / ۴۶ / ۲۸۸)

۶- احسان

«كان الباقر علیه السلام ظاهر الجود في الخاصة و العامه مشهوراً بالكرم في الكافة معروفاً بالفضل و الاحسان مع كثرة عياله و توسط حاله».

(ارشاد / ۱۶۴)

و كان ابو جعفر علیه السلام «اذا كان يوم عرفة لم يردّ سائلاً».

(من لا يحضره الفقيه ۲ / ۲۱۱)

۷- گذشت در خانواده

قال الصادق علیه السلام: «و كانت لابي امرأة و كانت تؤذيه فكان يغفر لها».

(من لا يحضره الفقيه ۳ / ۴۴۱)

۸- مهربانی

قال الباقر علیه السلام: «بلية الناس علينا عظيمة ان دعوناهم لم يستجيبونا و ان تركناهم لم يهتدوا بغيرنا...».

(بحار / ۴۶ / ۲۸۸)

اشاره

خادم امام باقر علیه السلام گوید: برادران دینی که به محضر امام می رسیدند از نزد آن حضرت مرخص نمی شدند مگر آنکه امام علیه السلام باغذای طیب و پاکیزه آنان را اطعام می نمود و لباسهای زیبا و مقداری پول به آنها هدیه می نمود. من گفتم: کمتر هدیه نما. فرمود: نیکی در دنیا رسیدگی به برادران دینی است.

(بحار / ۴۶ / ۲۹۱)

۱۹- سیره‌ی امام صادق علیه السلام

۱- علم

الف - قال الصادق علیه السلام: «انّ عندنا سرّاً من سرّ الله و علماً من علم الله لا یحتمله ملك مقرب و لا نبی مرسل و لا مؤمن امتحن الله قلبه للایمان و الله ما كلف الله احداً ذلك الحمل غیرنا».

(بحار / ۲۵ / ۳۸۵)

ب - مالک بن انس گوید: «ما رأّت عین و لا سمعت اذن و لا خطر علی قلب بشر افضل من جعفر بن محمد الصادق فضلاً و علماً و عبادة و ورعاً».

(بحار / ۴۷ / ۲۸)

ج - ینقل عن الصادق من العلوم ما لا ینقل عن احد و قد جمع اصحاب الحدیث اسماء الرواة من الثقة علی اختلافهم فی الاراء و المقالات و كانوا اربعة الاف رجل.

(بحار / ۴۷ / ۲۷)

۲- عبادت

مالک بن انس گوید: «... فما كنت اراه الاّ علی ثلاث خصال اما مصلياً و اما صامتاً و اما یقرء القرآن و لا یتکلم فیما یعنیه فكان من العلماء العباد الذین یحشون الله عزّوجلّ».

(بحار / ۱۷ / ۳۲)

۳- عرفان

كان كلما همّ الی التلبیه انقطع الصوت فی حلقه ... فقلت قل یا بن رسول الله و لا بدّ لك من ان تقول فقال: «یا بن ابی عامر! کیف اجسر ان اقول لبيك اللهم لبيك و اخشى ان يقول عزّوجلّ لی لا لبيك و لا سعديك».

(بحار / ۴۷ / ۱۶)

۴- احسان

نام رجل من الحاج فی المدينه فتوهم ان هميانه سرق فخرج فرأى الصادق علیه السلام مصلياً و لم يعرفه فتعلق به و قال له: انت اخذت همياني؟ قال: «ما كان فيه؟» قال: الف دينار

قال: «فحملته الى داره و وزن له الف دينار و عاد الى منزله و وجد هميانه فعاد الى جعفر عليه السلام معتذراً بالمال فابي قبوله و قال شيء خرج من يدي لا يعدلني. قال فسأل الرجل عنه فقيل هذا جعفر بن محمد الصادق عليه السلام. (بخار / ۴۷ / ۲۴)

۵- توسل

عن داود الرقي قال: «انني كنت اسمع ابا عبدالله اكثر ما يُلح به في الدعاء على الله بحق الخمسة يعني رسول الله و امير المؤمنين و فاطمة و الحسن و الحسين عليهم السلام. (وسائل / ۴ / ۱۳۹)

۶- حلم و بردباری

انه دخل سفيان الثوري على الصادق عليه السلام فرأه متغير اللون فسأله عن ذلك فقال: «كنت نهيت ان يصعدوا فوق البيت فدخلت فاذا جارية من جوارى ممن تربى بعض ولدى قد صعدت في سلم و الصبي معها فلما بصرت بي ارتعدت و تحيرت و سقط الصبي الى الارض فمات فما تغير لوني للصبي و انما تغير لوني لما ادخلت عليها من الرعب و كان عليه السلام قال لها انت حرة لوجه الله لا بأس عليك مرتين». (بخار / ۴۷ / ۲۴)

اشاره

ابراهيم بن ادهم گوید: همراه امام صادق عليه السلام بودم ناگهان شیری نزدیک آمد. امام عليه السلام گوش شیر را گرفتند و او را دور ساختند. بعد فرمودند: اگر مردم از خداوند اطاعت می کردند هر آینه بارهای سنگین خود را با این حیوانات حمل می کردند. «اما ان الناس لو اطاعوا الله حق طاعته لحملوا اليه اثقالهم» (سفینه ۱ / ۸۶)

۲۰- سیره‌ی امام کاظم علیه السلام

۱- علم و دانش

اعترف هارون الرشيد الذي هو خصم الامام... حينما سأله ولده المأمون عن اكياره و تقديره له فقال له: يا بني هذا امام الناس و حجة الله على خلقه و خليفته على عباده انا امام الجماعة في الظاهر. و انه و الله لأحق بمقام رسول الله مني و من الخلق جميعاً. و والله لو نازعتني في هذا الامر لآخذت الذي فيه عيناه فان الملك عقيم. يا بني هذا وارث علم النبيين هذا موسى بن جعفر ان اردت العلم الصحيح تجده عند هذا.

(ينابيع المودة / ۳ / ۳۲)

۲- عبادت

قال السيد بن الطاوس عليه السلام: «... موسى بن جعفر... كان يحيى الليل بالسهر الى السحر بمواصلة الاستغفار».

(بحار / ۱۰۲ / ۱۶)

۳- تلاوت قرآن

و كان احسن الناس صوتاً بالقرآن و كان اذا قرء يحزن و بكى السامعون لتلاوته و كان يبكي من خشية الله حتى تخضّل لحيته بالدموع.

(مناقب / ۴ / ۳۱۸)

۴- جود و بخشش

كان موسى بن جعفر عليه السلام اذا بلغه عن الرجل ما يكره بعث اليه بصرة دينار فكانت صراره ما بين الثلاثمائة الى المائتين دينار فكانت صرار موسى مثلاً.

(مقاتل الطالبين / ۴۹۹)

۵- دعا به هنگام سجده

و كان عليه السلام يقول في سجوده: «قبح الذنب من عبدك فليحسن العفو و التجاوز من عندك».

(بحار / ۴۸ / ۱۰۱)

۶- دعای همیشگی

و كان يدعوا كثيراً فيقول: «اللهم اني اسألك الراحة عند الموت و العفو عند الحساب و يكرّر ذلك».

(بحار / ۴۸ / ۱۰۱)

۷- رسیدگی به مستمندان

و كان يفتقد فقراء المدينة في الليل فيحمل اليهم الزبيل فيه العين و الورق و الادقه ... فيوصل اليهم ذلك و لا يعلمون من اى جهة هو. (بحار / ۴۸ / ۱۰۱ - ۱۰۲)

۸- استغفار روزانه

قال الكاظم عليه السلام: «انى استغفر الله في كل يوم خمسة الاف مرّة». (بحار / ۹۳ / ۲۸۲)

۹- کار و تلاش

قال على بن ابي حمزه عن ابيه قال: رأيت ابا الحسن يعمل فى ارض له قد استنقعت قدماه فى العرق. فقلت جعلت فداك اين الرجال؟ فقال: «يا على قد عمل باليد من هو خير منى فى ارضى و من ابي فقلت و من هو؟» فقال: «رسول الله صلى الله عليه و آله و امير المؤمنين عليه السلام و آبائى كلهم كانوا قد عملوا بايديهم...». (بحار / ۴۸ / ۱۱۵)

۱۰- اخبار به غيب

قال الكاظم عليه السلام: «للمأمون اذا ملكت فاحسن الى و لدى» (سفينة / ۱ / ۱۶۱)

۱۱- نامه به هارون

بعث موسى بن جعفر عليه السلام «الى الرشيد من الحبس برسالة كانت انه لن ينتضى عنى من البلاء الا انتضى عنك معه يوم من الرخاء حتى نقضى جميعاً الى يوم ليس له انقضاء يخسر المبطلون» (سفينة / ۲ / ۳۳)

اشاره

مردى به حضرت على عليه السلام دشنام مى داد دوستان امام ناراحت شدند و خواستند او را ادب کنند. امام آنها را منع فرمود و با مرکب خود وارد مزرعه‌ی او شدند، او ناراحت شد و به امام گفت: به من خسارت وارد کردی. حضرت فرمود: چه اندازه زیان دیده‌ای؟ گفت: ۱۰۰ دینار. امام ۳۰۰ دینار به او لطف کردند. او با خوشحالی صورت امام را بوسید و گفت: الله اعلم حيث يجعل رسالته. (بحار / ۴۸ / ۱۰۲)

۲۱- سیره‌ی امام رضا علیه السلام

- ۱- علم به قرآن
... و كان المأمون يمتحنه بالسؤال عن كل شيء فيه و كان كلامه كله و جوابه و تمثله
انتزاعات من القرآن.
(عيون اخبار الرضا / ۲ / ۱۹۳)
- ۲- عبادت
عبد السلام بن الهروى قال: «جئت الى باب الدار التي حبس فيها الرضا بسرخس و
قد قيّد فاستأذنت على السجنان فقال لا سبيل لك اليه. قلت و لم؟ قال لانه ربما صلّى في
يومه و ليلته الف ركعة».
(بحار / ۹۲ / ۲۰۴)
- ۳- تلاوت و تدبر قرآن
كان الرضا عليه السلام يختم القرآن في كل ثلاث و يقول لو اردت ان اختمه في اقل من ثلاث
لختمته و لكن ما مررت بآية قطّ الا فكرت فيها و في اى شيء أنزلت و في اى وقت
فلذلك اختم ثلاثة ايام.
(بحار / ۹۲ / ۲۰۴)
- ۴- ساده‌زیستی
كان جلوس الرضا عليه السلام في الصيف على حصير و في الشتاء على مسح و لبسه الغليظ من
الثياب حتى اذا برز للناس تزيّن لهم.
(عيون اخبار الرضا / ۲ / ۱۹۲)
- ۵- کم خوابی و تهجد
كان عليه السلام قليل النوم بالليل كثير السهر يجيى اكثر لياليه من اوله الى الصبح.
(بحار / ۴۹ / ۹۱)
- ۶- ادب
ابراهيم بن العباس قال: و لا رأيت ابا الحسن الرضا عليه السلام شتم احداً من مواليه و مماليكه
قطّ و لا رأيت يقهقهه في ضحكه بل كان ضحكه التّبسم.
(بحار / ۴۹ / ۹۱)

۷- تواضع: دخل الرضا عليه السلام الحمام فقال له بعض الناس دلكني فجعل ييدلكه فعرفوه فجعل الرجل يستعذر منه و هو يطيب قلبه و يدلكه. (بحار / ۴۹ / ۹۹)

۸- احترام به خادمان: عن عبدالله بن الصلت عن رجل من اهل بلخ قال كنت مع الرضا في سفره الى خراسان فدعا يوماً بمائدة له فجمع عليها موالیه من السودان و غیرهم فقلت جعلت فداك لو عزلت لهؤلاء مائدة. فقال عليه السلام: «انّ الرب تبارك و تعالی واحد و الاب واحد و الامّ واحد و الجزاء بالاعمال». (بحار / ۴۹ / ۱۰۱)

۹- کار نکشیدن از مهمان

نزل بابی الحسن عليه السلام ضیف و كان جالساً یحدّثه فی بعض اللیل فتغیر السراج فمدّ الرجل یده لیصلحه فزیره ابو الحسن عليه السلام ثم بادره بنفسه فاصلحه ثم قال انا قوم لانستخدم اضیافنا. (بحار / ۴۹ / ۱۰۲)

۱۰- شجاعت

مأمون به حضرت رضا عليه السلام گفت: «انی قد رأیت ان اعزل نفسي عن الخلافة و اجعلها لك و ابایعك؟» فقال له الرضا عليه السلام: «ان كانت هذه الخلافة لك و الله جعلها لك فلا يجوز ان تخلع لباساً البسك الله و تجعله لغيرك و ان كانت الخلافة لیس لك فلا يجوز لك ان تجعل لی ما لیس لك...». (بحار / ۴۹ / ۱۷)

اشاره

حضرت رضا عليه السلام به مرد خراسانی که هزینه‌ی سفرش را تمام کرده بود دوستان دینار مرحمت کرد لکن چهره‌ی خود را نشان ندادند. سلیمان جعفری از امام پرسید چرا خود را نشان ندادید؟ فرمود: نخواستم ذلت سؤال را در صورت او مشاهده نمایم. «مخافة ان اری ذلّ السؤال فی وجهه لقضائی حاجته». (بحار / ۴۹ / ۱۰۱)

۲۲- سیره‌ی امام جواد علیه السلام

۱- علم و دانش

عن علی بن ابراهیم عن ابيه قال استأذن علی ابی جعفر علیه السلام قوم من اهل النواحی فاذن لهم فسألوه فی مجلس واحد عن ثلاثین الف مسأله فاجاب و له عشر سنین.

(بحار / ۵۰ / ۹۳)

مرحوم مجلسی در توجیه این حدیث گوید: «ان يكون اشاره الى كثرة ما يستنبط من كلماته الموجزه المشتملة على الاحكام الكثيره و هذا وجه قريب».

۲- برکات و جودی

قال الرضا علیه السلام: «... هذا المولود الذی لم یولد فی الاسلام مثله مولود اعظم بركة علی شیعتنا منه».

(کافی / ۶ / ۳۶۰)

۳- عظمت امام

مأمون گوید: «و اما ابو جعفر محمد بن علی قد اخترته لتبریزه علی کافه اهل الفضل فی العلم و الفضل مع صغر سنه و الاعجوبة فیہ بذلك و انا ارجو ان یظهر للناس ما قد عرفته منه فیعلموا انّ الرأی ما رأیت فیہ».

(ارشاد مفید / ۶۲۱)

۴- جود و بخشش

امام رضا علیه السلام در ضمن نامه‌ای به فرزندش می‌فرماید: «بلغنی انّ الموالی اذا رکت اخرجوك من الباب الصغیر و انما ذلك من بخل بهم لئلا ینال منك احد خیراً فاسألك بحق علیك لا یکن مدخلک و مخرجک الا من الباب الکبیر و اذا رکت فلیکن معک ذهب و فضة ثم لا یسئلك احد الا اعطیته».

(بحار / ۵۰ / ۱۰۲)

۵- شجاعت

انّه (المأمون) خرج الى الصیّد فاجتاز بطرف البلد فی طریقہ و الصبیان یلعبون و محمد واقف معهم ... فلما اقبل المأمون انصرف الصبیان هاربین و وقف ابو جعفر و لم یرح

من مكانه. قال المأمون يا غلام ما منعك من الانصراف مع الصبيان فقال له: محمد مسرعاً... لم يكن بالطريق ضيق لا وسعه عليك بذهابي و لم يكن لي جريمه فاخشاها... فاعجبه كلامه... فقال له: ما اسمك قال محمد.

(بحار / ۵۰ / ۹۲)

۶- عبادت و دعا

قال الجواد عليه السلام في القنوت: «اللهم منأتحك متتابعه و اياديك متواليه و نعمك سابغه و شكرنا قصير و حمدنا يسير و انت بالتعطف على من اعترف جدير». (عالم / ۲۳ / ۲۱۱)

۷- حرز

يا نور يا برهان يا مبين يا منير يا رب اكفني الشرور و آفات الدهور و اسئلك النجاة يوم ينفخ في الصور.

(مجمع الدعوات / ۶۰)

۸- تبعيت از کمالات پدر

ابن جوزی گوید: «كان عليه السلام على منهاج ابيه في العلم و التقى و الزهد و الجود.

(تذكرة الخواص / ۳۲۱)

۹- اخبار به غيب

عن معلى بن محمد قال: خرج على ابو جعفر عليه السلام حدثان موت ابيه فنظرت الى قدّه لا صف قامته لاصحابنا فقعد ثم قال يا معلى ان الله احتج في الامامة بمثل ما احتج به في النبوة فقال: «و اتيناه الحكم صبياً».

(كشف الغمة / ۳ / ۲۱۳)

اشاره

على بن جعفر به امام جواد عليه السلام زياد احترام می گذاشت. شخصی به او گفت: شما عمومی او هستيد چرا برای او اين اندازه احترام قائل می شويد؟ دست به محاسن خود گرفت و گفت: خداوند مرا با اينکه پير هستم سزاوار مقام امامت ندانست و اين جوان را لايق اين مقام قرار داد آيا فضائل او را انکار کنم (نعوذ بالله مما تقولون بل انا له عبد)

(بحار / ۴۷ / ۲۶۶)

۲۳- سیره‌ی امام‌هادی علیه‌السلام

۱- اخلاق

شخصی از امام نزد متوکل سعایت کرد فقال عنده سلاح و اموال فتقدم المتوكل الى سعيد الحاجب ان يهجم ليلاً عليه و يأخذ ما يجد عنده من الاموال و السلاح و يحمل اليه فقال ابراهيم بن محمد قال لي سعيد الحاجب صرت الى دار الى الحسن بالليل و معي سلم فصعدت منه الى السطح فلم ادركيف اصل الى الدار فناداني ابو الحسن عليه‌السلام من الدار يا سعيد مكانك حتى يأتوك بشمعة ... فدخلتها و فتشتها فلم اجد فيها شيئاً.

(بحار / ۵۰ / ۱۹۹)

۲- دعا

«صل على محمد و آل محمد و اوسع لي رزقي و مدّ لي عمري و امنن عليّ برحمتك و اجعلني ممن تنتصر به لدينك و لا تستبدل بي غيري».

(اعيان الشيعة / ۴ / ۲۸۵)

۳- علم و سخاوت

ابن حجر گوید: «وكان وارث ابيه علماً و سخاء».

(الصواعق المحرقة / ۱۲۳)

۴- خوش‌رویی و صداقت

ابن شهر آشوب گوید: «كان عليه‌السلام اطيب الناس بهجة و اصدقهم لهجة و املحهم من قريب و اكملهم من بعيد».

(مناقب / ۴ / ۴۰۱)

۵- زهد و تلاوت قرآن

نیمه شبی مأمورین متوکل وارد منزل امام شدند هجموا علیه فدخلوا داره فوجدوه في بيته و عليه مدرعة من شعر و على رأسه الشريف ملحفة من صوف و هو مستقبل القبلة ليس بينه و بين الارض بساط الا الرمل و الحصى و هو يترنم بآيات من القرآن في الوعد و الوعيد.

(قادتنا / ۷ / ۴۸)

۶- مظلومیت

در مجلسی متوکل به امام هادی علیه السلام ظرف شراب تعارف کرد فقال علیه السلام: «والله ما يخامر لحمي و دمي قط فاعفني منه فاعفاه».

(بحار / ۵۰ / ۲۱۱)

۷- احسان به دشمن

مرض المتوكل فاشرف منه على التلف ... فنذرت امه ان عوفي ان يحمل الى ابي الحسن عليه السلام على بن محمد مالا جليلاً من مالها. و قال له فتح بن خاقان لو بعثت الى هذا الرجل يعني ابا الحسن فسألته فأنه ربما كان عنده صفة شيء يفرج الله به عنك. امام عليه السلام فرمود: عصاره روغن کنجد را با گلاب مخلوط کنند و روی زخم قرار دهند. متوکل به این دستور عمل کرد و به برکت راهنمایی امام معالجه شد.

(بحار / ۵۰ / ۱۹۸)

اشاره

الف) عیسی بن احمد گوید: به دلیل علاقه‌ام به امام هادی علیه السلام متوکل حقوق مرا قطع کرد. جریان را به عرض امام رساندم بعد از اندک مدتی مشکل من حل شد. خدمت امام رسیدم. فرمود: خداوند متعال می‌داند که ما در مشکلات به جز او توکل و اعتماد نخواهیم کرد.

(بحار / ۵۰ / ۱۲۷)

ب) اسحق جلاب گوید: من برای امام هادی علیه السلام گوسفندان زیادی خریدم و می‌خواستم و از اصطبل منزلش به جای وسیعی برد که من آنجا رانمی‌شناختم سپس دستور داد تا تمامی آن گوسفندان را میان فقرا تقسیم کردم.

(کافی / ۱ / ۴۹۸)

۲۴- سیره‌ی امام حسن عسکری علیه السلام

۱- جود و بخشش

عن اسماعیل بن محمد قال: «شکوت الی ابی محمد علیه السلام الحاجة و حلفت انه لیس عندی درهم. فقال اتخلف بالله کاذباً و قد دفنت مائتی دینار و لیس قولی لک هذا دفعاً للعطیة»

اعطه یا غلام ما معک فاعطانی مائة دینار ثم اقبل فقال انک تحرم الدنانیر الی دفنتها فی احوج ما تكون الیها و ذلك انی اضطرت و قتماً ففتشت عنها فلم اجدها فنظرت فاذا ابن عم لی قد عرف موضعها فاخذها و هرب.
(مناقب / ۴ / ۴۳۲)

۲- عبادت

روی الشبلجنی ... وقع للمهلول معه انه رآه و هو صبی یبکی و الصبیان یلعبون فظن انه یتحسر علی ما بایدیهم فقال له اشتری لک ما تلعب به؟ فقال: یا قلیل العقل ماللعب خلقنا فقال له: فلماذا خلقنا؟ قال: للعلم و العبادة. فقال: من أين ذلك؟ فقال: من قوله تعالی «فحسبتم انما خلقناکم عبثاً».
(الصواعق المحرقة / ۲۰۷)

۳- زهد

قال کامل بن ابراهیم: «دخلت علی سیدی ابی محمد علیه السلام نظرت الی ثیاب بیاض ناعمة علیه فقلت فی نفسی ولیّ الله و حجته یلبس النعم من الثیاب و یأمرنا نحن بمواساة الاخوان و ینہانا عن لبس مثله». فقال متبسماً: «یا کامل بن ابراهیم و حسر عن ذراعیہ فاذا مسح اسود خشن فقال: یا کامل هذا لله عزّ و جلّ و هذا لکم فخرجت».
(اثبات الهداة / ۳ / ۴۱۵)

۴- اخبار به غیب

عن محمد بن الحسن قال كتبت اليه اشكوا الفقر ثم قلت في نفسي اليس قد قال ابو عبد الله عليه السلام الفقر معنا خير من الغنى مع غيرنا و القتل معنا خير من الحيوة من عدونا فرجع الجواب ان الله عزّ و جلّ يخصّ اولياءنا اذا تكاثفت ذنوبهم بالفقر و قد يعفوا عن كثير كما حدثتك نفسك الفقر معنا خير من الغنى مع عدونا و نحن كهف لمن التجأ الينا و نور لمن استبصر بنا و عصمة لمن اعتمى بنا من احبنا كان في السنام الا على و من انحرف عتّا فالى النار.

(بحار / ۵۰ / ۲۹۹)

۵- احسان

قال ابو هاشم الجعفرى: شكوت الى ابى محمد ضيق الحبس فكتب الىّ انت تصلى اليوم الظهر فى منزلك فاخرجت فى وقت الظهر فصليت فى منزلى كما قال عليه السلام فارادت ان اطلب منه دنائير فاستحييت فلما صرت الى منزلى وجه الىّ بمائة دينار و كتب الىّ اذا كانت لك حاجة فلا تستحيى و اطلبها فانك ترى ما تحب انشاء الله. (كافى / ۱ / ۴۲۶)

۶- صفات نيكو

ابن صباغ مالكى گوید: سيد اهل عصره و امام اهل دهره اقواله سديده و افعاله حميده ... كاشف الحقائق بنظره الصائب مظهر الدقائق بفكره الثاقب المحدث فى سره بالامور الخفيات الكريم الاصل و النفس و الذات.

(قادتنا / ۷ / ۱۲۳)

اشاره

احمد بن قاسم گوید: هرگاه به حضور امام حسن عسکرى عليه السلام مى رسيدم تشنه بودم هيبت آن بزرگوار مانع از تقاضای آب مى شد حضرت دستور مى دادند بر من آب دهند و هرگاه اراده مى کردم از خدمتش مرخص شوم به غلام خود مى فرمود: مرکب برای من آماده کنند.

(کافى / ۱ / ۵۱۲)

۲۵- ویژگی های حکومت حضرت مهدی علیه السلام

- ۱- گسترش عدالت اجتماعی
قال الحسين عليه السلام: «لو لم يبق من الدنيا الا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يخرج رجل من ولدى فيملأها عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً». (منتخب الاثر / ۲۴۷)
- ۲- تصحيح انحرافات اعتقادی
قال على عليه السلام: «يعطف الهوى على الهدى اذا عطفوا الهدى على الهوى و يعطف الرأى على القرآن اذا عطفوا القرآن على الرأى». (بحار / ۵۱ / ۱۳۰)
- ۳- از بين رفتن مشکلات
قال زين العابدين عليه السلام: «اذا قام قائمنا اذهب الله عن شيعتنا العاهة». (بحار / ۵۲ / ۳۱۷)
- ۴- پاک شدن زمين از خيانت كاران
قال على عليه السلام: «لينزعنّ عنكم قضاة السوء و ليعزلنّ عنكم امراء الجور و ليضطهر الارض من كلّ غاش». (بحار / ۵۱ / ۱۲۰)
- ۵- حاكميت دين واحد
قال الصادق عليه السلام: «فوالله يا مفضل ليرفع عن الملل و الاديان الاختلاف و يكون الدين كلّّه واحداً». (بحار / ۵۳ / ۴)
- ۶- رفاه اقتصادی
قال الصادق عليه السلام: «يطلب الرجل منكم من يصل بماله و يأخذ منه زكاته فلا يجد احداً يقبل منه ذلك و استغنى الناس بما رزقهم الله من فضله». (بحار / ۵۲ / ۳۳۷)
- ۷- از بين رفتن كينه
قال على عليه السلام: «لو قد قام قائمنا ... لذهب الشحناء من قلوب العباد». (بحار / ۱۰ / ۱۰۱)

- ۸- از بین رفتن بندهای بردگی
 قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «به (بالمهدی) يخرج الذلّ من اعناقكم». (بحار / ۵۱ / ۵۷)
- ۹- قاطعیت
 يقوم القائم ... على العرب لشديد ... ليس شأنه الاّ السيف ... و لا يأخذه في الله لومة
 لأئم (غیبت نعمانی / ۲۳۳)
- ۱۰- مساوات
 قال الباقر عليه السلام: «و يسوّى بين الناس حتى لا ترى محتاجاً الى الزكاة». (بحار / ۵۱ / ۳۹۰)
- ۱۱- امنیت اجتماعی
 قال الصادق عليه السلام: «في قوله تعالى ﴿ليبدلّهم من بعد خوفهم امناً﴾ نزلت في القائم و
 اصحابه». (غیبت نعمانی / ۲۴۰)
- ۱۲- تکامل عقول و اندیشه‌ها
 «اذا قام قائمنا وضع يده على رؤس العباد فجمع به عقولهم و اكمل به
 احلامهم». (بحار / ۵۲ / ۳۳۶)
- ۱۳- حاکمیت جهانی
 قال الباقر عليه السلام: «يفتح الله له شرق الارض و غربها». (بحار / ۵۲ / ۳۹۰)
- ۱۴- توسعه‌ی راه‌ها
 و يوسّع الطريق الاعظم و يهدم كل مسجد على الطريق و يسدّ كل كوة الى الطريق و
 كل جناح و كنيف و ميزاب على الطريق. (بحار / ۵۲ / ۳۳۳)
- اشاره
 امام عسکری عليه السلام به ابی هاشم جعفری فرمودند: هرگاه حضرت مهدی عليه السلام قیام کند
 فرمان می‌دهد که مناره‌های مساجد تخریب شود زیرا بدعتی است که هیچ پیامبری و
 امامی آن را بنا نکرده است. (سفینه / ۱ / ۲۴۳)

٢٦- انتظار حضرت مهدي عليه السلام

١- ارزش انتظار

سئل عن علي عليه السلام اي الاعمال احب الى الله عزّ و جلّ فقال عليه السلام: «انتظار الفرج».

(بحار / ٥٢ / ١٢٢)

٢- انتظار بهترین عبادت

قال رسول الله ﷺ: «افضل العباده انتظار الفرج».

(بحار / ٥٢ / ١٢٥)

٣- انتظار بهترین عمل شيعيان

قال الجواد عليه السلام: «افضل اعمال شيعتنا انتظار الفرج».

(منتخب الاثر / ٢٢٣)

٤- شهادت و انتظار

قال علي عليه السلام: «الاخذ بامرنا معنا غداً في حظيرة القدس و المنتظر لامرنا كالمتشحط بدمه في سبيل الله».

(بحار / ٥٢ / ١٢٣)

٥- اوصاف منتظران

قال الصادق عليه السلام: «... من سرّه ان يكون من اصحاب القائم فلينتظر وليعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر».

(بحار / ٥٢ / ١٤٠)

٦- فضيلت منتظران

قال الصادق عليه السلام: «من مات منكم و هو منتظر لهذا الامر كمن هو مع القائم في فسطاطه ثم مكث هنيئة ثم قال لا بل كمن قارع معه بسيفه ثم قال لا والله الا كمن استشهد مع رسول الله».

(بحار / ٤٢ / ١٢٦)

٧- دعا در زمان انتظار

عن الامام المهدي في توقيعه الى محمد بن عثمان و اكثروا الدعاء بتعجيل الفرج فانّ ذلك فرجكم.

(منتخب الاثر / ٢٦٨)

۸- دعا برای شناخت امام علیه السلام

قال الصادق علیه السلام: «یا زرارہ ان ادركت ذلك الزمان فالزم هذا الدعاء. اللهم عرفني نفسك فانك ان لم تعرفني نفسك لم اعرف نبيك اللهم عرفني رسولك فانك ان لم تعرفني رسولك لم اعرف حجبتك اللهم عرفني حجبتك فانك ان لم تعرفني حجبتك ضللت عن ديني».

(بحار / ۵۲ / ۱۴۶)

۹- شیعه در زمان انتظار

قال الكاظم علیه السلام: «طوبى لشيعةنا المتمسكين بحبنا في غيبة قائمنا الثابتين على موالاتنا و البرائة من اعدائنا اولئك منا و نحن منهم و قدرضوا بنا ائمة و رضينا بهم شيعة طوبى لهم هو و الله معنا في درجتنا يوم القيامة».

(بحار / ۵۱ / ۱۵۱)

اشاره

امام سجاد علیه السلام به ابا خالد فرمودند: کسانی که معتقد به امامت حضرت مهدی علیه السلام و منتظر ظهور او باشند برتر از مردم هر زمانی هستند چون خداوند عقل و فهم و معرفتی به آنها عطا کرده که غیبت برای آنها همانند حضور گشته و خداوند آنان را همانند مجاهدان زمان پیامبر قرار داده و آنها مخلصان حقیقی و شیعیان راستینش هستند. (لأن الله تبارك و تعالی اعطاهم من العقول و الافهام و المعرفة ما صارت به الغيبة عندهم بمنزلة المشاهدة و جعلهم في ذلك الزمان بمنزلة المجاهدين بين يدي رسول الله بالسيف اولئك المخلصون حقاً و شيعةنا صدقاً)

كمال الدین / ۱ / ۴۳۷

۲۷- قرآن کریم

۱- فضیلت قرآن

قال رسول الله ﷺ: «فضل القرآن على سائر الكلام كفضل الله على خلقه». (بخار ۱۹/۹۲)

۲- رهبری قرآن

قال رسول الله ﷺ: «عليكم بالقرآن فاتخذوه اماماً و قائداً». (كنز العمال ۴۰۲۹)

۳- قرآن بهترین سخن

قال على بن ابي طالب: «تعلموا كتاب الله تبارك و تعالى فانه احسن الحديث و ابلغ الموعدة و تفقهوا فيه فاته ربيع القلوب و استشفوا بنوره فانه شفاء لما في الصدور».

(تحف العقول / ۱۵۰)

۴- قرآن سفره‌ی آماده‌ی الهی

قال رسول الله ﷺ: «القرآن مآدبة الله فتعلموا مآدبته ما استطعتم». (بخار ۱۹/۹۲)

۵- ارزش یادگیری قرآن

عن ابي عبدالله عليه السلام: «من تعلم منه حرفاً ظاهراً كتب الله له عشر حسنات و محي عنه عشر سيئات و رفع له عشر درجات».

(جامع الاخبار / ۱ / ۲۱۳)

۶- رمضان بهار قرآن

عن الباقر عليه السلام: «لكل شيء ربيع و ربيع القرآن شهر رمضان».

(بخار ۲۱۳/۹۲)

۷- ثواب قرائت قرآن در ماه رمضان

قال رسول الله ﷺ: «و من تلا فيه آية من القرآن كان له مثل اجر من ختم القرآن في غيره من الشهور».

(بخار ۳۵۷/۹۳)

٨- جاودانگی قرآن

عن الرضا عليه السلام: «ان رجلاً سأل ابا عبدالله عليه السلام ما بال القرآن لا يزداد عند النشر و الدراسة الاّ غضاضة فقال لان الله تبارك و تعالى لم يجعله لزمان دون زمان و لا لناس دون ناس فهو في كل زمان جديد و عند كل قوم غرض الى يوم القيامة».

(بحار / ٩٢ / ١٥)

٩- احترام قرآن

«القرآن افضل شيء دون الله فمن قرأ القرآن فقد قرأ الله و من لم يوقر القرآن فقد استخفّ بجرمة الله».

(جامع الاخبار / ١ / ٤٢٠)

١٠- جامعیت قرآن

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من اراد علم الاولين و الاخرين فليقرأ القرآن».

(كنز العمال / ٢٤٥٤)

١١- تکامل در پرتو قرائت قرآن

قال الصادق عليه السلام: «فان درجات الجنة على قدر آيات القرآن فيقال لقارئ القرآن اقرأ و ارق».

(بحار / ٩٢ / ١٨٨)

١٢- عمل به قرآن

قال الصادق عليه السلام: «المحافظ للقرآن العامل به مع السفرة الكرام البررة».

(كافي / ٢ / ٦٠٣)

١٣- اصناف قاريان قرآن

قال الصادق عليه السلام: «القراء ثلاثة: قارى قرأ (القرآن) ليستدّر به الملوك و يستطيل به على الناس فذاك من اهل النار و قارى قرأ القرآن فحفظ حروفه و ضيع حدوده فذاك من اهل النار و قارى قرأ القرآن ... فهو يعمل بحكمه و يؤمن بمتشابهه و يقيم فرائضه ... فهو من اهل الجنة».

(خصال / ١٤٣)

١٤- آداب تلاوت قرآن

الف - طهارت دهان

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «طيبوا افواهكم فان افواهكم طريق القرآن».

(كنز العمال / ٢٧٥٢)

ب - استعاذه

قال الصادق عليه السلام: «لما سئل عن التعوذ عند افتتاح كل سورة: نعم فتعوذ بالله من الشيطان الرجيم».

(تفسير عياشي / ۲ / ۲۷۰)

ج - ترتیل

قال علي عليه السلام: «عند قوله تعالى ﴿و رتل القرآن ترتيلاً﴾ بينه تبياناً و لا تهذه هذا الشعر و لا تنثره نثر الرمل ولكن افزعوا قلوبكم القاسية و لا يكن هم احدكم آخر السورة».

(كافي / ۲ / ۶۱۴)

د - تدبر

قال علي عليه السلام: «الا لاخير في قراءة ليس فيها تدبر الا لاخير في عبادة ليس فيها تفقه».

(بحار / ۹۲ / ۲۱۱)

هـ - صوت زيبا

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «زيتوا القرآن باصواتكم».

(بحار / ۹۲ / ۱۹۰)

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «ان حسن الصوت زينة للقرآن».

(بحار / ۹۲ / ۳۶۹)

و - خشوع

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «اقرأوا القرآن بالحزن فانه نزل بالحزن».

(كنز العمال / ۲۷۷۷)

اشاره

الف - نفیسه نوه امام مجتبی عليه السلام در مدت عمر خویش ۶ هزار مرتبه قرآن کریم را ختم نمود و در لحظه احتضار روزه بود و مشغول تلاوت قرآن کریم بود تا به آیهی شریفه *﴿و لهم دار السلام عند ربهم﴾* رسید از دنیا رفت. (تحفة الاحباب / ۳۹۳)

ب - حضرت رضا عليه السلام در هر سه روز یک مرتبه قرآن کریم را ختم می نمود و می فرمود: زودتر از این هم می توانم ولكن در آیات الهی تدبر می کنم. (بحار / ۹۲ / ۲۰۴)

٢٨-دین

١- شناخت دین

قال علی علیه السلام: «اول الدین معرفته و کمال معرفته التصدیق به و کمال التصدیق به
توحیده».
(نهج البلاغه / خطبه ١)

٢- اساس دین

قال الباقر علیه السلام: «حبنا اهل البيت نظام الدین».
قال علی علیه السلام: «نظام الدین خصلتان: انصافك من نفسك و مواساة
اخوانك».
(غررالحکم / ٩٩٨٣)

٣- ستون دین

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «لكل شیء عماد و عماد الدین الفقه».
(بحار / ١ / ٢١٦)

٤- پایه های دین

قال علی علیه السلام: «ست من قواعد الدین: اخلاص الیقین و نصح المسلمین و اقامة
الصلوة و ایتاء الزکوة و حج البيت و الزهد فی الدنیا».
(غررالحکم / ٥٦٣٨)

٥- تشویق بر حفاظت از دین

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «ان عرض لك بلاء فاجعل مالك دون دمك فان تجاوزك البلاء
فاجعل مالك و دمك دون دينك فان المسلوب من سلب دينه و المخروب من خرب
دينه».
(کنز العمال / ١ / ٤٣٦٠١)

٦- راه شناخت دین

قال الصادق علیه السلام: «من دخل فی هذا الدین بالرجال اخرجہ منه الرجال کما ادخلوه فیہ
و من دخل فیہ بالکتاب و السنة زالت الجبال قبل ان یزول».
(بحار / ٢ / ١٠٥)

۷- نشانه‌های دینداران

قال علی علیه السلام: «انّ لاهل الدین علامات يعرفون بها صدق الحديث و اداء الامانة و الوفاء بالعهد و صلة الرحم و رحمة الضعفاء... و بذل المعروف و حسن الخلق و اتباع العلم و ما یقرّب الی الله عزّ و جلّ طوبی لهم و حسن مأب». (امالی صدوق / ۱۸۳)

۸- خطر بازی گرفتن دین

قال علی علیه السلام: «من اتخذ دین الله هواً و لعباً ادخله الله سبحانه النار مخلداً فیها».

۹- مصیبت به دین

قال علی علیه السلام: «المصیبة بالدين اعظم المصائب».

(غرر الحکم / ۹۰۲۹)

(غرر الحکم / ۱۳۸۵)

۱۰- فروختن دین نشانه شقاوت؛

«سئل امیر المؤمنین ای الخلق اشقی؟» قال: «من باع دینه بدنیا غیره».

(سفینه البحار / ۱۶۴/۳)

اشاره

الف - عرضه‌ی دین بر امام علیه السلام

افرادى عقاید دینی خود را به امام معصوم علیه السلام عرضه داشتند و امام علیه السلام آنان را تأیید نمود از جمله حمران بن اعین، عمرو بن حریش، خالد الجبلی، حسن بن زیاد و عبدالعظیم حسنی و امام هادی علیه السلام به عبدالعظیم فرمود: «هذا و الله دین الله الذی ارتضاه لعباده».

(سفینه البحار / ۱۶۴/۳)

ب - دین فروشی سمره؛ معاویه به سمره بن جندب گفت: آیه‌ی ﴿و من الناس من یعجبک قوله فی الحیاة الدنیا﴾ (بقره / ۲۰۴) که در شأن منافقان است به علی علیه السلام نسبت بده و آیه‌ی شریفه‌ی ﴿و من الناس من یشری نفسه﴾ (بقره / ۲۰۷) که در شأن حضرت علی علیه السلام است به ابن ملجم نسبت بده به تو صد هزار درهم می‌دهم. سمره نپذیرفت. گفت: دوست هزار درهم می‌دهم باز نپذیرفت. تا این که معاویه گفت: چهار صد هزار درهم می‌دهم. او پذیرفت و با این کار دین فروشی خود را ثابت کرد.

(شرح نهج البلاغه / ۱ / ۴۷۱)

۶- تأثیر یاد مرگ

قال علی علیه السلام: «لقد عهدت اقواماً علی عهد خلیلی رسول الله... فاذا ذکروا الموت مادوا کما یمید الشجر فی الریح ثم انهملت حتی تبل ثيابهم ثم نهض و هو یقول کأنما القوم باتوا غافلین»
(سفینه / ۵ / ۳۲)

۷- مرگ غیر قابل علاج

قال الیهادی علیه السلام: «اذکر مصرعک بین یدئ اهلك و لا طیب یمنعک و لا حبیب ینفعک».
(بحار / ۷۸ / ۳۷۰)

۸- ضرورت آمادگی برای مرگ

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «استعد للموت قبل نزول الموت».
(کنز العمال / ۴۲۱۴۰)
قال المجتبی علیه السلام: «یا جناده استعد لسفرک قبل حلول اجلک».
(بحار / ۴۴ / ۱۳۹)

۹- معنای آمادگی برای مرگ

سئل عن علی علیه السلام عن الاستعداد للموت فقال: «اداء الفرائض و اجتناب المحارم و الاشتغال علی المکارم ثم لا یبالی اوقع علیه الموت ام وقع الموت علیه و الله ما یبالی ابن ابی طالب اوقع علی الموت ام وقع الموت علیه».
(امالی صدوق / ۹۷)

۱۰- علت کراهت از مرگ

الف - عدم شناخت صحیح؛ قال الیهادی علیه السلام: «... تخاف من الموت لانک لا تعرفه».
سئل عن محمد بن علی علیه السلام ما بال هولاء المسلمین یکرهون الموت قال: «لانهم جهلوه فکروه و لو عرفوه و کانوا من اولیاء الله عزّ و جلّ لا حیّوه».
(معانی الاخبار / ۲۹۰)
ب - علاقه به دنیا؛ عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «جاء رجل الی ابی ذر مالنا نکره الموت فقال لانکم عمّرتم الدنیا و خربتُم الآخرة فتکروهون ان تنقلوا من عمران الی خراب».
(نور الثقلین / ۱ / ۴۲۴)

۱۱- راحتی مرگ برای خوبان

قال علی علیه السلام: «افضل تحفة المؤمن الموت».

(غرر الحکم / ۳۳۶۵)

قال علی علیه السلام: «فی الموت راحة السعداء».

(غرر الحکم / ۶۵۰۲)

۱۲- راحت شدن مردم از مرگ بدان

قال علی علیه السلام: «موت الابرار راحة لانفسهم وموت الفجار راحة للعالم». (بحار / ۸۲ / ۱۸۱)

اشاره

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: آیا مؤمن از قبض روح خود کراهت دارد؟ فرمود: خیر به خدا سوگند هنگامی که فرشته مرگ برای قبض روحش می آید به او گوید: ای ولی خدا ناراحت نباش سوگند به آن کس که محمد صلی الله علیه و آله را مبعوث کرد من بر تو مهربانترم از پدر مهربان چشمهایت را بگشا و ببین او نگاه می کند و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام و فاطمه و حسن و حسین و سایر امامان را مشاهده می کند. در روایت دیگر دارد حرام است بر روح مؤمن از اینکه از بدنش جدا گردد مگر آنکه پنج نور مقدس حضرت محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را می بیند و چشم مؤمن به جمال آنها روشن می گردد.

(کافی / ۳ / ۱۳۵؛ بحار / ۶ / ۱۹۱)

۳۰- قبر و حیات برزخی

۱- بوستان بودن قبر یا عذاب قبر

قال زین العابدین علیه السلام: «القبر اما روضة من رياض الجنة او حفرة من حفرة النيران».

(بحار / ۶ / ۲۷۰)

۲- عدم شفاعت در برزخ

عن عمرو بن زید قال قلت لابی عبدالله علیه السلام انی سمعتک و انت تقول کل شیعتنا فی الجنة ... فقال: «اما فی القيامة فکلکم فی الجنة بشفاعۃ النبی المطاع او وصی النبی و لکنی اتخوف علیکم فی البرزخ ...».

(بحار / ۶ / ۲۱۴)

۳- عدم سؤال قبر از همه ی افراد

قال الصادق عليه السلام: «لا يسأل في القبر الا من محض الايمان محضاً او محض الكفر محضاً».

۴- سؤال های متعدد در قبر (کافی ۲۳۶/۳)

از: ۱- توحید و عبادت ۲- نبوت ۳- دین ۴- امامت ۵- کتاب الهی ۶- عمر ۷- ثروت
قال علی بن الحسین عليه السلام: «... الا و ان اول ما يسألانك عن ربك الذي كنت تعبده و
عن نبيك الذي ارسل اليك و عن دينك الذي كنت تدين به و عن كتابك الذي كنت
تتلوه و عن امامك الذي كنت تتولاه ثم عن عمرك فيما افئيته و مالك من اين اكتسبته
و فيما اتلفتته...».

(بحار ۲۳۳/۶)

۵- مقصود از قبر

مرحوم مجلسی می گوید: «اعلم ان الذي ظهر من الايات الكثيرة و الاخبار
المستفيضة و البراهين القاطعة هو ان النفس باقية بعد الموت اما معذبه ان كان ممن
محض الكفر او منعمه ان كان ممن محض الايمان او يلهي عنه ان كان من المستضعفين ...
ثم يتعلق الروح بالاجساد المثالية اللطيفة المضاهية في الصورة لابدان الاصلية فينعم و
يعذب فيها». «و لا يبعد فيها ان يصل اليه الالام ببعض ما يقع على الابدان الاصلية
لسبق تعلقه بها و بذلك يستقيم جميع ماورد من ثواب القبر و عذابه و اتساء القبر و
ضيقه (فالمراد بالقبر في اكثر الاخبار ما يكون الروح فيه في عالم البرزخ) و هذه يتم
على تجسم الروح و تجرده».

(بحار ۲۷۰/۶)

اشاره

عامل فشار قبر

الف- بداخلاقی؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که سعد بن معاذ را دفن نمود فرمود: الان قبر او را
فشار داد به دلیل این که با خانواده اش بداخلاق بود؛ «انه كان في خلقه مع اهله سوء».

(بحار ۲۲۰/۶)

ب- ضایع ساختن نعمت ها؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «ضعطة القبر كفارة لما كان منه من

(بحار ۲۲۱/۶)

تضييع النعم».

۳۱- عوامل حبط و تکفیر

عوامل حبط عمل

۱- ریا

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «ان المرأى ينادى يوم القيامة يا فاجر يا غادر يا مرأى ضلّ عملك و بطل اجرک اذهب فخذ اجرک ممن كنت تعمل له». (بحار / ۷۲ / ۳۰۳)

۲- کبر و غرور

قال على عليه السلام: «فاعتبروا بما كان من فعل الله بابليلس اذا حبط عمله الطويل و جهده الجهييد و كان قد عبد الله ستة الاف سنة ... عن كبر ساعة واحدة». (بحار / ۶۳ / ۲۱۴)

۳- حسد

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «فلا تحسدوه فتحبط اعمالكم». (بحار / ۳۷ / ۲۱۰)

۴- ظلم به اجير

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من ظلم اجيراً أجره احبط الله عمله». (بحار / ۷۶ / ۳۳۲)

۵- منت گذارى در انفاق

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «ان الله ... يحبط اجر المعطى المتان». (بحار / ۷۷ / ۱۴۵)

۶- جدال

قال الصادق عليه السلام: «اياك و المرء فانه يحبط عملك». (بحار / ۷۸ / ۲۸۸)

۷- دشمنى

عن ابى جعفر عليه السلام: «اياكم و الخصومة فانها تحبط العمل». (بحار / ۹۲ / ۱۱۱)

۸- عجب

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «اعجاب المرء بنفسه و هو محبط للعمل». (بحار / ۷۲ / ۳۲۱)

۹- ترک نماز

قال رسول الله ﷺ: «من ترك صلاته من غير عذر فتفوته فقد حبط عمله».

(بحار / ۸۲ / ۲۰۲)

۱۰- نپذیرفتن ولایت امام علیؑ

قال رسول الله ﷺ: «ومن لقي الله عزوجل بغير ولايتك فقط حبط عمله».

(بحار / ۲۴ / ۶۵)

عوامل تکفیر عمل

۱- مرض و بیماری

قال رسول الله ﷺ: «ساعات الوجع يذهبن ساعات الخطايا».

(بحار / ۶۷ / ۲۴۴)

۲- غم و اندوه

قال رسول الله ﷺ: «إذا كثرت ذنوب المؤمن و لم يكن له من العمل ما يكفرها ابتلاه

(بحار / ۷۳ / ۱۵۷)

الله بالحزن ليكفرها به عنه».

۳- کار نیک

قال رسول الله ﷺ: «إذا عملت سيئة فاعمل حسنة تحوها».

(بحار / ۷۱ / ۳۸۹)

۴- اخلاق نیک

قال الصادق علیہ السلام: «ان حسن الخلق يذيب الخطيئة كما تذيب الشمس الجليد».

(بحار / ۷۱ / ۳۵۹)

۵- صلوات بر پیامبر اکرم ﷺ و آل او

قال الرضا علیہ السلام: «من لم يقدر على ما يكفر به ذنوبه فليكثر الصلوة على محمد و آله

(بحار / ۹۴ / ۴۷)

فانها تهدم الذنوب هدماً».

۶- حج و عمره؛ قال علی علیہ السلام: «... و حج البيت و اعتماره فانها ينفيان الفقر و

(نهج البلاغه / خطبه ۱۱۰)

يرحضان الذنوب».

اشاره

شخصی خدمت پیامبر اکرم شرفیاب شد و عرض کرد: عمل من ضعیف و گناهانم فراوان است پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمودند: سجده زیاد انجام بده زیرا گناهان تو را از بین می برد همانطوری که باد برگ درختان را ساقط می کند. (بحار ۸۵/ ۱۶۲)

۳۲- عوامل حسرت در قیامت

- ۱- کسب مال حرام
قال علی علیه السلام: «انّ اعظم الحسرات يوم القيامة حسرة رجل كسب مالا في غير طاعة الله فوزّته رجلاً فانفق في طاعة الله سبحانه فدخل به الجنة و دخل الاول به النار». (نور الثقلين ۱/ ۱۵۲)
- ۲- غفلت از عمر گرانبها
قال علی علیه السلام: «فيا لها حسرة على ذي غفلة ان يكون عمره عليه حجة». (بحار ۹۱/ ۳۳۷؛ نهج البلاغه / خطبه ۶۴)
- ۳- عدم یاد خداوند و امامان در مجالس
قال الصادق علیه السلام: «ما اجتمع قوم في مجلس لم يذكروا الله و لم يذكرونا الا كان ذلك المجلس حسرة عليهم يوم القيامة». (بحار ۷۵/ ۴۶۸)
- ۴- تعریف از عدالت و مخالفت در عمل
عن الباقر علیه السلام: «انّ اشدّ الناس حسرة يوم القيامة الذين وصفوا العدل ثم خالفوه». (صافی ۱/ ۴۳۰؛ بحار ۲/ ۲۸)
- ۶- مخالفت با نصیحت عالم دلسوز
قال علی علیه السلام: «... فانّ معصية الناصح الشفيق العالم المجرب تورث الحسرة و تعقّب الندامة». (بحار ۳۳/ ۳۲۲)

۷- عدم معرفت نسبت به ولایت علی علیه السلام
 قال الصادق علیه السلام: «ان اعظم الناس حسرة رجل جمع مالا عظيماً بكّد شديد و مباشرة
 الاهوال و تعرّض الاخطار ثم افنى ماله صدقات و مبرّات و افنى شبابه و قوّته في
 عبادات و صلوات و هو مع ذلك لا يرى لعلی بن ابی طالب علیه السلام حقّه و لا يرى له من
 الاسلام محلّه». (بحار / ۲۷ / ۱۸۶)

اشاره

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: شدیدترین مردم از جهت پشیمانی و حسرت شخصی است
 که فردی را به سوی خدا دعوت کند و او بر اثر اطاعت الهی به بهشت برود و دعوت
 کننده به خاطر پیروی از هوای نفس و آرزوی طولانی به جهنم وارد شود. (کافی / ۲ / ۲۲۷)

۳۳- محاسبه و مراقبه

- ۱- ضرورت محاسبه نفس
 قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «یا اباذر حاسب نفسك قبل ان تحاسب فانه اهون لحسابك غداً
 وزن نفسك قبل ان توزن و تجهّز للعرض الاكبر يوم تعرض لا تخفی علی الله خافية». (بحار / ۷۷ / ۸۳)
- ۲- محاسبه در هر روز
 قال الكاظم علیه السلام: «لیس منا من لم يحاسب نفسه في كل يوم فان عمل خيراً استزاد الله
 منه و حمد الله عليه و ان عمل شراً استغفر الله و تاب اليه». (بحار / ۷۰ / ۷۲)
- ۳- محاسبه نفس نشانه‌ی تقوا
 قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «لا يكون الرجل من المتقين حتى يحاسب نفسه اشدّ من محاسبة
 الشريك شريكه فيعلم من اين مطعمه و من اين مشربه و من اين ملبسه امن حلّ ام
 من حرام». (مکارم الاخلاق / ۲ / ۳۷۵)
- ۴- آثار محاسبه نفس
 الف - سود و منفعت؛ قال علی علیه السلام: «من حاسب نفسه ربح و من غفل عنها خسر و
 من خاف امن». (بحار / ۷۰ / ۷۳)

ب - اطلاع بر عیوب و اصلاح آن؛ قال علی علیه السلام: «من حاسب نفسه وقف علی عیوبه و احاط بذنوبه و استقال الذنوب و اصلح العیوب». (غررالحکم/ ۸۹۲۷)

۵- عوامل آسانی محاسبه در قیامت

الف - حسن خلق؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «حسن خلقك یخفف الله حسابك».

(بحار/ ۷۱/ ۳۸۳)

ب - قناعت؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «اقنع بما آتیته یخفف علیك الحساب». (اعلام الدین/ ۳۴۴)

ج - صلح رحم؛ قال الصادق علیه السلام: «ان صلح الرحم تهون الحساب یوم القیامة». (بحار/ ۷۴/ ۱۰۲)

مراقبه

۱ - تشویق به مراقبت؛ قال علی علیه السلام: «اجعل من نفسك علی نفسك رقیباً و اجعل لآخرتك من دنیاك نصیباً».

(غررالحکم/ ۲۴۲۹)

۲ - ضرورت مراقبت؛ قال علی علیه السلام: «ینبغی ان یكون الرجل مهیمناً علی نفسه مراقباً قلبه حافظاً لسانه».

(غررالحکم/ ۱۰۹۴۷)

۳ - مراقب دانستن خدا؛ قال علی علیه السلام: «طوبی لمن راقب ربّه و خاف ذنبه».

(غررالحکم/ ۵۹۳۸)

اشاره

الف) شخصی به نام توبه بن صمّه برنامه‌ی محاسبه نفس داشت روزی عمر شصت ساله خود را در تعداد ایام سال که (۳۶۵) روز است محاسبه کرد و با خود گفت: اگر در هر روزی یک گناه مرتکب شده باشم من بیش از بیست هزار گناه انجام داده‌ام آهی کشید و از دار دنیا رفت (منازل الاخرة محدث قمی رحمته الله علیه ۹۷)

ب) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:... خداوند وقتی مخلوقات را می آفریند رزق آنها را از حلال تقسیم می نماید. بنابراین هر انسانی به طرف حرام برود از حلال به همان اندازه کم می شود و در قیامت به خاطر ارتکاب حرام محاسبه می شود. (بحار/ ۱۴۸۵)

۳۴- عوامل نجات بخش در قیامت

۱- عدالت در حال رضا و غضب ۲- اعتدال در حال ثروت و فقر ۳- ترس از خدا در نهان و آشکار

قال رسول الله ﷺ: «ثلاث منجيات للمؤمن: فالعدل في الرضا والغضب والقصد في الغنى والفقر و خوف الله في السر والعلانية...».

(بحار / ۷۷ / ۶۳)

۴- اطعام نمودن ۵- افشای سلام ۶- نماز شب

قال الصادق عليه السلام: «المنجيات ثلاث: اطعام الطعام و افشاء السلام و الصلوة بالليل و الناس نيام».

(بحار / ۷۴ / ۳۶۰)

۷- پیروی از اهل بیت علیهم السلام

قال رسول الله ﷺ: «مثل اهل بيتي كسفينة نوح من ركبها نجي و من تخلف عنها غرق».

۸- ترک غیبت ۹- کار برای آخرت ۱۰- گریه‌ی فراوان بر گناهان

قال زين العابدين عليه السلام: «ثلاث منجيات للمؤمن: كف لسانه عن الناس و اغتياهم و اشغاله نفسه بما ينفعه لاخرته و دنياه و طول البكاء عن خطيئته».

(بحار / ۷۸ / ۱۴۰)

۱۱- سبکباری در امور مادی

قال رسول الله ﷺ: «نجي الخفون و هلك المثلون».

(بحار / ۷۷ / ۵۵)

۱۲- ملازمت با حق قال على عليه السلام: «الزموا الحق تلزمكم النجاة».

(غرر الحكم / ۲۴۸۵)

اشاره

بلال حبشی احترام ویژه‌ای برای حضرت علی علیه السلام قائل بود، به او گفتند: ابوبکر تو را از بردگی نجات داد چرا به علی علیه السلام احترام می‌گذاری؟ گفت: حق امیرالمؤمنین بر من بیشتر است. زیرا آن بزرگوار مرا از عذاب ابدی الهی نجات داد؛ «انقذني من رق العذاب الابد».

(سفينة البحار / ۱ / ۳۸۸)

۳۵- حشر در قیامت

۱- شعار مردم در قیامت

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «شعار الناس في ظلمة يوم القيامة لا اله الا الله» (کنز العمال ۳۹۹۳۸)

۲- عطشان بودن در قیامت

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «كل من ورد في القيامة عطشان» (کنز العمال ۳۹۹۳۸)

۳- محشور شدن با کفن در قیامت

«سأل الزنديق ابا عبدالله عليه السلام فقال اخبرني عن الناس يحشرون يوم القيمة عراة. قال عليه السلام بل يحشرون في اكفانهم قال اني لهم بالاكفان و قد بليت قال عليه السلام ان الذي احيا ابدانهم جدد اكفانهم قال من مات بلا كفن قال يسترالله عورته بما شاء من عنده قال فيعرضون صفوفاً؟ قال نعم هم يومئذ عشرون و مائة صف في عرض الارض» (بخاری ۱۰۹/۷)

۹- متذکر شدن به تمام اعمال در قیامت

قال الصادق عليه السلام: «يذكر العبد جميع ما عمل و ما كتب عليه حتى كأنه فعله تلك الساعة فلذلك قالوا (يا ويلتنا ما هذا الكتاب لا يغادر صغيرة و لا كبيرة الا احصياها»

(تفسیر صافی / ۲۸۱)

هـ- پشیمانی در قیامت

قال الصادق عليه السلام: «يابن مسعود اكثر من الصالحات و البر فان المحسن و الميسر يندمان يقول المحسن يا ليتني ازددت من الحسنات و يقول المسيئ قصرت و تصدق ذلك قوله تعالى و لا اقسم بالنفس اللوامة» (مکارم الاخلاق / ۳۵۳)

۶- گریان بودن در قیامت

قال الباقر عليه السلام: «كل عين باكية يوم القيمة غير ثلاث عين سهرت في سبيل الله و عين فاضت من خشية الله و عين غضت عن محارم الله»
(بحار ۷/ ۱۹۵)

۷- ظهور فقر و غنا در صحنه قیامت

قال علي عليه السلام: «الفقر و الغنى بعد العرض على الله»
(نهج البلاغه / حکمت ۲۵۲)

۸- امنیت در قیامت

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «اربع من كنّ فيه امن يوم الفرع الاكبر اذا عمل شيئاً قال الحمد لله و اذا اذنب ذنباً قال استغفرالله و اذا اصابته مصيبة قال انا لله و انا اليه راجعون و اذا كانت له حاجة سأل ربه...»
(تنبيه الخواطر ۲/ ۲۳۷)

۹- مواقف مختلف در قیامت

قال الصادق عليه السلام: الا فحاسبوا انفسكم قبل ان تحاسبوا فانّ في القيامة خمسين موقفاً كل موقف مثل الف سنة ممّا تعدون ثم تلا هذه الآية في يوم كان مقداره خمسين الف سنة»
(بحار ۷/ ۱۲۶)

۱۰- سبک بودن حساب برای مؤمن

قيل يا رسول الله... ما اطول هذا اليوم فقال والذي نفس محمد بيده انه ليستخف على المؤمن حتى يكون اخفّ عليه من صلاة مكتوبة يصلّيها في الدنيا»
(بحار ۷/ ۱۲۳)

اشاره

شخصی از سلمان پرسید: تو که هستی و چه هستی؟ سلمان فرمود: در ابتداء من و تو نطفه بودیم و در پایان عمر مردار خواهیم شد.

و در روز قیامت وقتی که میزانها نصب می شود هر کس میزان اعمال او سنگین باشد اهل کرامت است و هر کس میزان اعمالش سبک باشد لئیم خواهد بود.
(نوالثقلین ۵/ ۶۶۰)

۳۶- شفاعت

۱- شفیعیان درگاه الهی

۱- پیامبران؛ قال رسول الله ﷺ: «يشفع الانبياء في كل من كان يشهد ان لا اله الا الله مخلصاً».

(مسند احمد / ۱ / ۱۲)

۲- امامان و حضرت زهرا علیها السلام؛ قال على بن ابي طالب: «لنا شفاعة و لاهل مودتنا شفاعة».

(مناقب / ۲ / ۱۵)

۳- قرآن کریم؛ قال على بن ابي طالب: «اعلموا ان القرآن شافع مشفع».(نهج البلاغه / خطبه ۱۷۱)

۴- روزه؛ قال رسول الله ﷺ: «الصيام و القرآن يشفعان للعبد يوم القيامة».

(مسند احمد / ۲ / ۱۷۴)

۵- مؤمنان؛ سئل الصادق عليه السلام عن المؤمن هل يشفع في اهله؟ قال: «نعم المؤمن يشفع فيشفع».

(محاسن برقي / ۱۸۴)

۶- همسایگان؛ قال الصادق عليه السلام: «ان الجار يشفع جاره».

(بحار / ۸ / ۴۳)

۷- ارحام؛ امانت؛ قال رسول الله ﷺ: «الشفعاء خمسة: القرآن و الرحم و الامانة و نبيكم و اهل بيت نبيكم».

(مناقب / ۲ / ۱۴)

۹- فرشتگان؛ قال رسول الله ﷺ: «يشفع النبيون و الملائكة...».

(صحیح بخاری / ۱ / ۱۶۰)

۱۰- شهیدان؛ دانشمندان؛ قال رسول الله ﷺ: «يشفع يوم القيامة الانبياء ثم العلماء ثم الشهداء».

(سنن ابن ماجه / ۲ / ۱۴۴۳)

۱۲- توبه؛ قال على بن ابي طالب: «لا شفيع انجح من التوبه».

(بحار / ۸ / ۵۸)

۱۳- خداوند متعال؛ قال رسول الله ﷺ: «يشفع النبيون و الملائكة و المؤمنون فيقول الجبار بقيت شفاعتي».

(صحیح بخاری / ۹ / ۱۶۰)

۲- عوامل شفاعت

- الف- سجدهی زیاد؛ قال رسول الله ﷺ: «... فاعني بكثرة السجود» (مسند احمد ۳/ ۵۰۰)
- ب- یادگیری قرآن کریم؛ قال رسول الله ﷺ: «تعلموا القرآن فإنه شافع لأصحابه يوم القيامة» (مسند احمد ۵/ ۲۵۱)
- ج- دوستی فرزندان پیامبر و خدمت به آنان؛ قال رسول الله ﷺ: «أربعة أناس لهم شفيع يوم القيامة المكرم لذريتي والقاضي لهم حوائجهم والساعي في أمورهم عند ما اضطروا اليه و الحب لهم بقلبه و لسانه» (عيون اخبار الرضا ۲/ ۲۴)

۳- موانع شفاعت

- ۱- شرك ۲- ستم؛ قال رسول الله ﷺ: «و اما شفاعة في اصحاب الكبائر ما خلا اهل الشرك و الظلم» (خصال ۳۵۵)
- ۳- عدم اعتقاد به شفاعت؛ قال الرضا عليه السلام: «من كذب بشفاعة رسول الله لم تنله» (عيون اخبار الرضا ۶۶/ ۶۶)
- ۴- سبک شمردن نماز؛ قال الصادق عليه السلام: «لا ينال شفاعتنا من استخف بالصلوة» (كافي ۳/ ۲۷۰)

اشاره

- الف- در روز قیامت هنگامی که مردم مالک دوزخ را می بینند نام پیامبر اکرم ﷺ از یادشان می رود. به آن ها گفته می شود (من انتم؟ فيقولون نحن ممن نزل عليهم القرآن). مالک دوزخ گوید قرآن بر حضرت محمد ﷺ نازل شده است هنگامی که گناهکاران نام پیامبر را می شنوند به جبرئیل گویند سلام ما را به پیامبر ﷺ برسان و بگو گناهان ما باعث شد میان ما و شما فاصله بیافتد؛ (ان معاصينا فرقت بيننا و بينك) پیامبر اکرم ﷺ به سجده می افتد (و از خداوند می خواهد از گناهان آن ها بگذرد) از ناحیه خداوند خطاب می رسد: «ارفع رأسك و اسأل تعط و اشفع تشفع».
- ب- برید به امام حسین علیه السلام گفت: خداوند به واسطه تو بر ما منت نهاده که در

خدمت تو به شهادت می‌رسیم و اعضاء ما قطعه قطعه خواهد شد سپس در قیامت جدت پیامبر شفیع ما خواهد بود. (سفینه ۱/ ۲۶۶)

ج - امام صادق علیه السلام فرمودند: بهترین شفاعت کننده برای حمران بن اعین، من و پدرم هستیم دست او را می‌گیریم و وارد بهشت می‌سازیم. (سفینه ۲/ ۴۲۵)

۳۷- بهشت

۱- بهشت ثمن جان مؤمن

قال علی علیه السلام: «انه لیس لانفسکم ثمن الا الجنة فلا تبيعوها الا بها». (بخار ۱۳/ ۷۸)

۲- بهشت ثمن اعتقاد به وحدانیت

قال الصادق علیه السلام: «قول لا اله الا الله ثمن الجنة». (توحید صدوق ۲۱)

۳- رسیدن بهشت در پرتو تحمل شدائد

قال علی علیه السلام: «بالمكاره تنال الجنة». (غرر الحکم ۴۲۰۴)

۴- کمترین منزل برای بهشتی

قال الصادق علیه السلام: «ان ادنى اهل الجنة منزلاً لو نزل به الثقلان الجن و الانس لوسعهم طعاماً و شراباً و لا ينقص مما عنده شيء». (بخار ۸/ ۱۲۰)

۵- ورود به بهشت در پرتو رحمت خداوند

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «لن يدخل الجنة الا برحمة الله قالوا و لا انت قال: و لا انا الا ان يتغمدني الله». (کنز العمال ۱۰۴۰۷)

۶- ورود به بهشت و خوشحال نمودن کودکان و یتیمان

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «ان في الجنة داراً يقال لها دارالفرح لا يدخلها الا من فرح الصبيان و في رواية اخرى الا من فرح اليتامى». (کنز العمال ۹/ ۶۰۰۸)

۷- اندازه بهشت

سئل النبی ﷺ: «عن قوله تعالى و سارعوا الى مغفرة من ربكم و الجنة عرضها السموات و الارض اعدت للمتقين اذا كانت الجنة عرضها السموات و الارض فاين تكون النار فقال ﷺ سبحان الله اذا جاء النهار فاين الليل.» (الميزان ۴/ ۲۰)

۸- نسوزاندن درختان بهشتی

قال رسول الله ﷺ: «من قال سبحان الله غرس الله له بها شجرة في الجنة و من قال الحمد لله غرس الله له بها شجرة في الجنة ... فقال رجل من قريش يا رسول الله ان شجرنا في الجنة لكثير قال نعم ولكن اياكم ان ترسلوا عليها نيراناً فتحرقوها...».

۹- تکامل در بهشت

قال زين العابدين عليه السلام: «عليك بالقرآن فان الله خلق الجنة ... و جعل درجاتها على قدر آيات القرآن فن قرأ القرآن قال له اقرأ و ارق.» (بحار ۸/ ۱۳۳)

۱۰- پاکیزه ترین نعمت بهشتی

قال علي عليه السلام: «ان اطيب شئ في الجنة لذة الحب في الله و الحمد لله قال الله عز و جل: ﴿و اخر دعويهم ان الحمد لله رب العالمين﴾...».

(بحار ۶۹/ ۲۵۱)

۱۱- عظمت نعمت های بهشتی

قال رسول الله ﷺ: «قال الله تعالى: ﴿اعدت لعبادي الصالحين ما لا عين رأت و لا اذن سمعت و لا خطر على قلب بشر﴾».

(بحار ۸/ ۹۲)

۱۲- شرایط رفتن به بهشت

قال رسول الله ﷺ: «من قال لا اله الا الله مخلصاً دخل الجنة و اخلاصه ان تحجزه لا اله الا الله عما حرم الله عز و جل.».

(توحيد ۲۸)

۱۳- اولین مهمانان بهشت

قال رسول الله ﷺ: «اول من يدخل الجنة من خلق الله الفقراء» (کنز العمال ۱۶۶۳۶) و «اول من يدخل الجنة الشهيد.».

(تنبيه الخواطر ۱/ ۵۷)

۱۴- درجات بهشت

قال رسول الله ﷺ: «الجنة مائة درجة ما بين كل درجتين كما بين السماء و الارض.».

(کنز العمال ۱۴/ ۴۵۱)

۱۵- اتاق های بهشتی

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «ان في الجنة غرفاً يُرى ظاهرها من باطنها و باطنها من ظاهرها يسكنها من امتي من اطاب الكلام و اطعم الطعام و افشى السلام و صلى بالليل و الناس نيام».

(بحار ۸/ ۱۱۹)

۱۶- در اختیار بودن پرنده‌ی بهشتی

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «انك لتنظر الى الطير في الجنة و تشتهيها فيختر بين يديك مشوية».

(محجة البيضاء ۸/ ۳۷۳)

۱۷- نوشیدن‌ی‌های بهشتی

عن النبي صلى الله عليه وآله قال: «قوله تعالى: ﴿و مزاجه من تسنيم﴾ (مطففين ۲۸) قال هو اشرف شراب في الجنة يشرب محمد و آل محمد و هم المقرّبون السابقون...».

(بحار ۸/ ۱۵۰)

۱۸- اشتیاق بهشت به حضرت علی علیه السلام و اصحاب او

عن اميرالمؤمنين عليه السلام: «قال النبي الجنة تشتاقيك يا علي و الى عمار و سلمان و ابي ذر و المقداد».

(بحار ۲۲/ ۳۲۵)

اشاره

الف - پیامبر سوار بر شتر به سوی جنگ می‌رفت. عربی آمد و رکاب شتر را گرفت و گفت: به من عملی بیاموز که به وسیله‌ی آن به بهشت بروم؛ «علمنی عملاً ادخل به الجنة». پیامبر فرمود: هر گونه که دوست داری مردم با تو رفتار کنند با مردم رفتار کن و هر گونه که ناخوش داری مردم با تو رفتار کنند با آنان آن گونه رفتار نکن، جلوی شتر را رها کن تا حرکت کند.

(کافی ۲/ ۱۱۷)

ب - گروهی نزد پیامبر آمدند و گفتند یا رسول الله! بهشت را برای ما ضمانت کن. حضرت فرمود: به شرط این که با سجده‌های طولانی مرا کمک کنید؛ «علی ان تعینونی بطول السجود».

(امالی طوسی ۶۶۴)

ج - شخصی نزد پیامبر آمد و گفت: دعا کنید خداوند چشم نابینای مرا شفا دهد. حضرت فرمود: آیا بهشت نزد تو محبوبتر است یا اینکه چشم تو بینا شود. عرض کرد: بهشت. حضرت فرمود: خداوند کریم‌تر از آن است که فردی را در دنیا به نابینائی

مبتلا سازد و او را در قیامت وارد بهشت نسازد. (سفینه ۱/ ۳۱۶)

۳۸- جهنم

- ۱- عدم رحمت در جهنم
قال علی علیه السلام: «احذروا ناراً قعرها بعيد و حرّها شديد و عذابها جديد دار ليس فيها رحمة و لا تسمع فيها دعوة و لا تفرج فيها كربة». (شرح نهج البلاغه / ۱۵ / ۱۶۴)
- ۲- تنگ بودن جهنم
قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «في قوله تعالى: ﴿و اذا القوا منها مكاناً ضيقاً﴾ قال والذي نفسي بيده انهم يستكروهون في النار كما يستكروه التوتد في الحائط». (نور الثقلين / ۴ / ۸)
- ۳- عدم طاقت بشر در جهنم
قال علی علیه السلام: «اعلموا انه ليس لهذا الجلد الرقيق الصبر على النار فارحموا نفوسكم فانكم قد جربتموها في مصائب الدنيا افرايتم جزع احدكم من الشوكة تصيبه و العثرة تدميه...». (نهج البلاغه / خطبه ۱۸۳)
- ۴- شدت يك حلقه زنجير جهنم
قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «لو ان حلقه واحدة من السلسلة التي طولها سبعون ذراعاً وضعت على الدنيا لذابت الدنيا من حرّها». (بحار / ۸ / ۲۸۰)
- ۵- در امان بودن اهل توحيد از عذاب
قال الصادق علیه السلام: «ان الله تبارك و تعالى اقسم بعزّته و جلاله ان لا يعذب اهل توحیده بالنار ابداً». (توحيد / ۲۰)
- ۶- عبوس بودن مالک دوزخ
عن ابی جعفر الباقر علیه السلام قال: «ان رسول الله حيث أسرى به لم يمرّ بمخلق من خلق الله

الآن رأى منه ما يحب من البشر و اللطف و السرور به حتى مرّ بمخلوق من خلق الله ... فوجده عابساً فقال: يا جبرئيل! ... من هذا قال: هذا مالك خازن النار هكذا خلقه ربه...».

(بحار ۸/ ۲۸۴)

۷- طبقات جهنم

قال الصادق عليه السلام: «انّ جهنم لها سبعة ابواب اطباق بعضها فوق بعض وضع احدى يديه على الاخرى فقال هكذا و انّ الله وضع الجنان على الارض و وضع الميزان بعضها فوق بعض فاسفلها جهنم و فوقها لظى و فوقها الحطمة و فوقها سقر و فوقها الجحيم و فوقها السعير و فوقها الهاوية».

(تفسيرصافي ۲۶۶)

اشاره

الف - نوف بکالی می گوید: حضرت علی عليه السلام رانیمه شب در حال گریه و مناجات دیدم به من فرمود: آیا بیداری؟ عرض کردم: بیدارم. حضرت فرمود: «یا نوف ان طال بكاؤك في هذه الليلة مخافة من الله قرّت عينك غداً بين يدي الله عز و جل يا نوف! انه ليس من قطرة قطرت من عين رجل من خشية الله الا اطفأت بحاراً من النيران».

(سفينة البحار ۱/ ۳۵۴)

ب - عقیل از حضرت علی عليه السلام سهمیه بیشتی تقاضا کرد. حضرت آهن داغ را به او نزدیک کرد و او ناله کرد. حضرت فرمود: «اتنّ من اذى ولا تننّ من لظى» (بحار ۴۰/ ۳۴۷)

ج - پیامبر اکرم فرمود: روز قیامت من و علی در صراط می ایستیم در حالی که شمشیر در دست داریم هیچ انسانی از صراط عبور نمی کند مگر آنکه از ولایت علی سؤالی می شود هر شخصی که جواز عبور داشت نجات پیدا می کند و الا با شمشیر او را وارد جهنم می سازیم سپس حضرت آیه شریفه «وقفوهم انهم مسئولون» را تلاوت نمود.

(سفینه ۱/ ۲۱۰)

مسائل عبادی

۳۹-عبادت

۱- ادب در عبادت

قال رسول الله ﷺ: «عبد الله كأنك تراه فان لم تكن تراه فانه يراك». (كنز العمال / ۵۲۵۰)

۲- بهترین عبادت

الف - قال الباقر عليه السلام: «ما عبد الله بشيء افضل من عفة بطن و فرج». (كافي / ۲ / ۷۹)

ب - قال الصادق عليه السلام: «افضل العبادة العلم بالله و التواضع له». (تحف العقول / ۳۶۴)

ج - قال الجواد عليه السلام: «افضل العبادة الاخلاص». (تنبيه الخواطر / ۲ / ۱۰۹)

د - قال رسول الله ﷺ: «العبادة سبعون جزءاً و افضلها جزءاً طلب الحلال».

۳- عابدترین مردم

(بحار / ۱۰۳ / ۱۸)

قال رسول الله ﷺ: «من اتى الله بما افترض الله عليه فهو من اعبد الناس».

۴- عبادت غير مقبول

(خصال / ۱۲۵)

قال رسول الله ﷺ: «العبادة من اكل الحرام كالبناء على الرمل و قيل على

الماء».

(عدة الداعي / ۱۴۱)

۵- نشاط در عبادت

قال الصادق عليه السلام: «لا تکرهوا الى انفسکم العبادة».

(كافي / ۲ / ۸۶)

قال على عليه السلام: «قليل تدوم عليه ارجى من كثير مملول منه».

(بحار / ۶۸ / ۲۱۸)

۶- عبادت خالص

قال على عليه السلام: «العبادة الخالصة ان لا يرجوا الرجل الا ربه و لا يخاف الا

ذنبه».

(غرر الحكم / ۲۱۲۸)

٧- اثر عبادت خالص

قالت فاطمة عليها السلام: «من اصعد الى الله خالص عبادته اهبط الله عزّ و جلّ له افضل مصلحته».

(بحار / ٦٨ / ١٨٤)

٨- تقصير در عبادت

قال الكاظم عليه السلام: «عليك بالجدّ لا تخرجنّ نفسك من حدّ التقصير في عبادة الله عزّ و جلّ و طاعته فان الله لا يعبد حقّ عبادته».

(كافي / ٢ / ٧٢)

٩- انواع عبادت

قال على عليه السلام: «ان قوماً عبدوا الله رغبة فتلك عبادة التجار و ان قوماً عبدوا الله رهبة فتلك عبادة العبيد و انّ قوماً عبدوا الله شكراً فتلك عبادة الاحرار».

(نهج البلاغه / حكمت / ٢٣٧)

١٠- آثار عبادت

الف - قال الصادق عليه السلام: «العبودية جوهره كنهها الربوبية».

(مصباح الشريعة مترجم باب / ١٠٠ / ٥٩٧)

ب - قال الحسن عليه السلام: «من عبد الله عبّد الله له كلّ شيء».

(مجموعه ورام / ٢ / ١٠٨)

ج - قال على عليه السلام: «من قام بشرائط العبودية أهلّ للعتق».

(غرر الحكم / ٨٥٢٩)

١١- عشق به عبادت

عن ابى عبدالله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «افضل الناس من عشق العبادة فعانقها و احبها بقلبه و باشرها بجسده و تفرّغ لها فهو لا يبالي على ما اصبح من الدنيا على عسر ام على يسر».

(كافي / ٢ / ٨٣)

١٢- عبادت در نگاه

الف - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «النظر الى الكعبة عبادة».

(بحار / ٧٤ / ٧٣)

ب - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «النظر في المصحف عبادة».

(بحار / ٣٨ / ١٩٩)

ج- «النظر الى العالم عبادة و النظر الى الامام المقسط عبادة و النظر الى الوالدين برأفة

و رحمة عبادة و النظر الى الاخ تودّه في الله عزّ و جلّ عبادة». (امالی طوسی / ۴۵۴)

د- «النظر الى وجهه على ﷺ عبادة». (بحار / ۳۸ / ۳۰۱)

۱۳ - عبادت بدون علم

قال على ﷺ: «المتعبد بغير علم كحمار الطاحونة يدور و لا يبرح من مكانه».

(غررالحکم / ۱ / ۶۳)

۱۴ - فضيلت عبادت عالم

قال على ﷺ: «ركعتان من عالم خير من سبعين ركعة من جاهل». (سفينة البحار / ۱۶ / ۶)

اشاره

عبادت اولياى خدا

الف - پیامبر اکرم ﷺ: «افلا اکون عبداً شکوراً». (بحار / ۱۶ / ۲۸۸)

ب - پیامبر وقتی به عبادت و نماز مشغول می شد آنقدر روی پامی ایستاد که حتی گاهی روی انگشتان پا به نماز ادامه می داد تا اینکه پاهای مبارکش ورم می کرد. آیات شریفه ﴿طه ما انزلنا عليك القرآن لتشقى﴾ نازل شد و به پیامبر دستور داد تا این اندازه زحمت و رنج در عبادت به خود را ندهد. (نوالثقلین / ۳ / ۳۶۶)

ج - حضرت علی ﷺ: ضرار در توصیف امام ﷺ گوید: «یتملل تملل السليم و يبکی بکاء الحزين».

(بحار / ۴۱ / ۱۵)

د - حضرت سجاده ﷺ می فرماید: «من يقوى على عبادة على ابن ابى طالب».

(بحار / ۴۱ / ۱۷)

هـ - امام حسن ﷺ: «كان الحسن بن على اعبد الناس في زمانه».

(سفينة البحار / ۶ / ۱۲)

ز - امام کاظم ﷺ: «كان ابو الحسن موسى اعبد اهل زمانه و افقههم». (سفينة البحار / ۶ / ۱۵)

۴۰- مسجد

۱- مسجد خانه الهی

قال الصادق عليه السلام: «عليكم باتيان المساجد فاتمها بيوت الله في الارض». (بحار/ ۷۳/ ۳۸۴)

۲- مسجد بازار آخرت

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «المساجد سوق من اسواق الآخرة قراها المغفرة و تحفتها الجنة». (بحار/ ۸۴/ ۴)

۳- مسجد مرکز عبادت و آموزش

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «كل جلوس في المسجد لغو الا لثلاثة: قراءة مصل او ذكر الله او سائل عن علم». (بحار/ ۷۷/ ۸۶)

۴- تشکیل جلسات قرآن در مسجد

قال السجاد عليه السلام: «... انما نصبت المساجد للقرآن». (وسائل/ ۳/ ۴۹۳)

۵- فضیلت ذکر خدا در مسجد

جاء رجل الى النبي صلى الله عليه وآله فقال من خير اهل المسجد؟ فقال صلى الله عليه وآله: «اكثرهم لله ذكراً». (وسائل/ ۴/ ۱۸۲)

۶- سیاحت مسلمانان در مسجد

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «السيّاحة في امتي لزوم المساجد». (بحار/ ۸۰/ ۳۸۲)

۷- اهمیت ساختن مسجد

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من بنى مسجداً و لو كمفحص قطة بنى الله له بيتاً في الجنة». (بحار/ ۷۷/ ۱۲۱)

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «ان عمّار بيوت الله اهل الله عزّ و جلّ». (کنز العمال/ ۷/ ۶۵۱)

- ۸- مسجد بهترین مکان
قال رسول الله ﷺ: «خير البقاع المساجد».
(وسائل / ۳ / ۵۵۴)
- ۹- مسجد جایگاه پیامبران
قال رسول الله ﷺ: «المساجد مجالس الانبياء».
(مستدرک / ۳ / ۳۱۳)
- ۱۰- مسجد پایگاه مؤمنان
قال رسول الله ﷺ: «ان المؤمن مجلسه مسجده».
(وسائل / ۳ / ۵۰۹)
- ۱۱- بهتر بودن جلوس در مسجد از جلوس در بهشت
قال علیؑ: «الجلسة في المسجد خير من الجلسة في الجنة لان الجنة فيها رضى نفسى و الجامع فيه رضى ربى».
(وسائل / ۳ / ۴۸۲؛ سفينة البحار / ۴ / ۷۳)
- ۱۲- نماز همسایه‌ی مسجد
قال علیؑ: «لا صلوة لجار المسجد الا في المسجد الا ان يكون به عذراً او به علة فقیل و من جار المسجد يا امیر المؤمنین قال من سمع النداء».
(بحار / ۸۳ / ۳۸)
- ۱۳- فواید رفت و آمد به مسجد
قال علیؑ: «من اختلف الى المسجد اصاب احدى الثمان اخاً مستفاداً في الله او علماً مستطرفاً او آية محكمة او رحمة منتظره او كلمة تردّه عن ردى او يسمع كلمة تدلّ على هدى او يترك ذنباً خشية او حياء».
(بحار / ۸۳ / ۳۵۱)
- ۱۴- پاداش اهل مسجد
قال رسول الله ﷺ: «من كان القرآن حديثه و المسجد بيته بنى الله تعالى له بيتاً في الجنة».
(وسائل / ۳ / ۴۸۱)
- ۱۵- شکایت مسجد در قیامت
قال الصادقؑ: «ثلاثة يشكون الى الله عزّ و جلّ مسجد خراب لا یصلی فيه اهله و عالم بین جهال و مصحف معلّق قد وقع عليه غبار لا یقرأ فيه».
(وسائل / ۳ / ۴۸۳)

۱۶- بیرون بردن خاشاک از مسجد

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من اخرج اذى من المسجد بنى الله له بيتاً فى الجنة».

(کلیعمال / ۷ / ۶۴۹)

۱۷- چراغ روشن کردن در مسجد

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من اسرج فى مسجد من مساجد الله سراجاً لم تنزل المسئكة و حملة العرش يستغفرون له مادام فى ذلك المسجد ضوء من السراج».

(محجة البيضاء / ۱ / ۳۶۵)

۱۸- جاروب نمودن مسجد

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من قمّ مسجداً كتب الله له عتق رقبة».

(امالى صدوق / ۱۸۰)

۱۹- فضیلت نماز در مسجد الحرام و مسجد النبى صلى الله عليه وآله

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «الصلوة فى المسجد الحرام مائة الف صلوة و الصلوة فى المسجد المدينة عشرة الف صلوة...».

(بخار / ۸۳ / ۳۸۰)

۲۰- آداب مسجد

۱- دعاهنگام ورود ۲- با طهارت بودن؛ قال ابو جعفر عليه السلام: «اذا دخلت المسجد و انت تريد ان تجلس فلا تدخله الا طاهراً و اذا دخلته فاستقبل القبلة ثم ادع الله و سله».

(وسائل / ۳ / ۵۱۶)

۳- پای راست را مقدم داشتن؛ قال الصادق عليه السلام: «الفضل فى دخول المسجد ان تبدأ برجلك اليمنى اذا دخلت و باليسرى اذا خرجت».

(وسائل / ۳ / ۵۱۷)

۴- نماز تحیت خواندن؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «يا اباذر للمسجد تحية».

(بخار / ۸۳ / ۳۷)

۵- پرهیز از خوابیدن، ۶- پرهیز از اعلام اشیای گمشده، ۷- پرهیز از خرید و فروش، ۸- پرهیز از سخنان بیهوده، ۹- پرهیز از خنده، ۱۰- پرهیز از اجرای حدود.

(وسائل / ۳ / ۴۹۷-۵۰۷؛ من لا يحضر الفقيه / ۱ / ۲۳۷؛ مستدرک / ۳ / ۳۷۳)

اشاره

حضرت مجتبیٰ علیه السلام هنگامی که به مسجد می‌رفت زیباترین لباسهای خود را می‌پوشید شخصی عرض کرد: چرا زیباترین لباس را می‌پوشید؟ فرمود: خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و لذا قرآن کریم می‌فرماید: به هنگام رفتن مسجد خود را مزین نمائید. (خداوا زینتکم عند کل مسجد)
(المیزان / ۸ / ۹۸)

۴۱- نماز

۱- نماز ستون دین

قال رسول الله ﷺ: «الصلوة عماد الدين».

(بحار / ۷۹ / ۲۰۲)

و «ان عمود الدين الصلوة».

(بحار / ۷۹ / ۲۲۷)

۲- نماز معیار سنجش

قال رسول الله ﷺ: «الصلوة ميزان».

(كافي / ۳ / ۲۶۶)

۳- نماز وسیله‌ی تقرب به خدا

عن الرضا عليه السلام: «الصلوة قربان كل تقى».

(عيون اخبار الرضا / ۲ / ۷)

۴- نماز چهره‌ی دین

قال على عليه السلام: «لكل شيء وجه و وجه دينكم الصلوة».

(بحار / ۷۹ / ۲۲۷)

۵- نماز سفره مهمانی خداوند

قال رسول الله ﷺ: «الا ان الصلوة مأدبة الله في الارض قد هناها لاهل رحمته في كل

(بحار / ۷۹ / ۲۲۷)

يوم خمس مرات».

۶- نماز کلید بهشت

قال رسول الله ﷺ: «مفاتيح الجنة الصلوة».

(كنز العمال / ۷ / ۳۹۱)

- ۷- نماز نور چشم پیامبر صلی الله علیه و آله
- قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «جعل الله جل ثناؤه قره عینی فی الصلوة». (مکارم الاخلاق/ ۲/ ۳۶۶)
- ۸- نماز بهترین عمل
- قال علی علیه السلام: «اوصیکم بالصلوة و حفظها فاتّھا خیر العمل و هی عمود دینکم». (بحار/ ۸۲/ ۲۱۹)
- ۹- نماز مایهی خروج از کبر
- قال علی علیه السلام: «فرض الله الايمان تطهيراً من الشرك و الصلوة تنزيهاً عن الکبر». (نهج البلاغه / حکمت ۲۵۲)
- ۱۰- نماز معیار قبولی اعمال
- قال الباقر علیه السلام: «انّ اول ما يحاسب به العبد الصلوة فان قبلت قبل ما سواها». (کافی/ ۳/ ۲۶۸)
- ۱۱- نماز اول وقت محبوب خداوند
- قال علی علیه السلام: «ليس عمل احب الى الله عزّ و جلّ من الصلوة فلا يشغلنکم عن اوقاتها شيء من امور الدنيا. فان الله عزّ و جلّ ذم اقواماً فقال «الذين هم عن صلاتهم ساهون» یعنی انهم غافلون استهانوا باوقاتها». (خصال/ ۲/ ۶۲۱)
- ۱۲- پرهیزکاری شرط پذیرفته شدن نماز
- قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «لو صلیتم حتی تكونوا کالاوراق و صتمت حتی تكونوا کالحنايا لم يقبل الله منکم الا بورع». (بحار/ ۸۱/ ۲۵۸)
- ۱۳- خطر تضييع نماز
- قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «لا تضيعوا صلوتکم فانّ من ضيّع صلوته حشر مع قارون و هامان و كان حقاً على الله ان يدخله النار مع المنافقين» (وسائل/ ۴/ ۳۱)

- ۱۴- رعایت حال ضعیف‌ترین مأموم در نماز
 قال علی علیه السلام: «و قد سألت رسول الله حين و جهتی الى الیمن کیف أصلی بهم
 قال صلی الله علیه و آله صلّ بهم كصلوة اضعفهم و کن بالمؤمنین رحیماً»
 (سفینه ۱/ ۶۵۱)
- ۱۵- فرمان فرزند به نماز
 قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «مروا صبیانکم بالصلوة اذا بلغوا سبع سنین و اضربوهم علی
 ترکها اذا بلغوا تسعاً».
 (سفینه البحار ۵/ ۱۵۶)
- ۱۶- دزدی از نماز
 قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «اسرق السرّاق من سرق من صلاته».
 (سفینه البحار ۵/ ۱۵۸)
- ۱۷- معیار پذیرفته شدن نماز
 قال الصادق علیه السلام: «من احبّ ان یعلم اقبلت صلاته ام لم تقبل فلینظر هل منعته صلاته
 عن الفحشاء و المنکر فبقدر ما منعته قبلت منه»
 (بحار ۸۲/ ۲۰۹)
- ۱۸- آداب نماز
 الف- تدبیر؛ عنهم علیهم السلام: «صلوة رکعتین بتدبیر خیر من قیام لیلة و القلب ساه».
 (بحار ۸۱/ ۲۵۹)
- ب- حضور قلب؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «صلّ صلوة مودّع فانّ فیها الوصلة و
 القربی».
 (بحار ۸۱/ ۲۰۰)
- ج- پرهیز از بی‌نشاطی؛ قال الباقر علیه السلام: «لا تقم الی الصلوة متکاسلاً و لا متناعساً».
 (تفسیر عیاشی ۱/ ۱۳۷)
- د- نماز با عطر؛ قال الصادق علیه السلام: «رکعتان یصلیها متعطراً افضل من سبعین رکعة
 یصلیها غیر متعطر»
 (مکارم الاخلاق ۴۲/ ۲۴)
- ۱۹- آثار نماز
 الف- رضایت الهی؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «الصلوة من شرایع الدین و فیها مرضاة
 الرب عزّ و جلّ فهی منهاج الانبیاء».
 (بحار ۷۹/ ۲۳۱)

ب - مصونیت از شیطان؛ قال علی علیه السلام: «الصلوة حصن من سطوات الشيطان».

(غررالحکم / ۱۰۷/۱)

ج - طهارت از گناه؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «مثل الصلوات الخمس مثل نهر جار علی

باب احدکم یغتسل منه کل یوم خمس مرّات».

د - غفران الهی؛ قال علی علیه السلام: «من اتی الصلوة عارفاً بحقّها غفر له».

(بحار / ۲۰۷/۷۹)

اشاره

الف - امام حسین علیه السلام در شب عاشورا فرمود: «خداوند می داند که من نماز و دعا و استغفار را دوست دارم (انی احب الصلوة و الدعاء و الاستغفار). (ارشاد القلوب / ۲۱۴)

ب) کان علی ابن الحسین علیه السلام «یصلی فی الیوم و اللیله الف رکعة کامیر المؤمنین و کان اذا قام فی صلوته غشی لونه لون آخر».

(سفینه البحار / ۱۳/۶)

ج - عن عائشه قالت کان رسول الله یحدّثنا و نحدّثه فاذا حضرت الصلوة فکانه لم یعرفنا و لم نعرفه اشتغالاً بعظمة الله.

(محنة البیضاء / ۱/۳۵۰)

د - ابو بصیر گوید: بر امّ حمیده وارد شدم تا رحلت امام صادق را به او تسلیت بگویم من و او به خاطر وفات امام گریه کردیم بعد از آن ام حمیده گفت: اگر به هنگام احتضار امام بودی امر شگفتی را مشاهده می کردی چون حضرت اقوام خویش را جمع نمود و به آنان فرمود: شفاعت ما به کسی که نسبت به نماز استخفاف دارد، نمی رسد. (ان شفاعتنا لاتنال مستخفاً بالصلوة)

(وسائل / ۲۶/۴)

ه - امام باقر علیه السلام می فرماید: پیامبر اکرم در مسجد نشسته بودند مردی وارد شد و رکوع و سجود نماز را درست بجا نیاورد و مانند کلاغ که نوک بر زمین می زند سجده بجا آورد حضرت فرمودند: اگر این شخص به این حال از دنیا رود به غیر دین من از دنیا رفته است. (لئن مات هذا و هكذا صلوته لیموتنّ علی غیر دینی)

(وسائل / ۳۱/۴)

و - ابو ثمامه روز عاشورا خدمت امام حسین علیه السلام رسید و گفت: فدایت شوم دوست دارم نماز خود را با شما بخوانم و بعد به فیض شهادت برسم. حضرت فرمود: متذکر نماز شدی خداوند تو را از نماز گزاران قرار دهد (ذکرت الصلوة جعلک الله من المصلین).

(سفینه / ۱/۶۵۲)

۴۲- نماز شب

- ۱- اهمیت نماز شب
قال رسول الله ﷺ: «ما زال جبرئيل ... يوصيني بقيام الليل حتى ظننت ان خيار امتي لن يناموا».
(امالی صدوق / ۳۴۹)
- ۲- برتر بودن نماز شب از تمام نعمت‌ها
قال رسول الله ﷺ: «ركعتان في جوف الليل احبّ الىّ من الدنيا وما فيها».(بحار / ۸۷/ ۱۴۸)
- ۳- نماز شب ملاک برتری
قال رسول الله ﷺ: «خيركم من اطاب الكلام و اطعم الطعام و صلّى بالليل و الناس نيام».
(بحار / ۸۷/ ۱۴۴)
- ۴- نماز شب بهترین نماز
قال رسول الله ﷺ: «افضل الصلوة بعد الصلوة المكتوبة الصلوة في جوف الليل».
(كنز العمال / ۷/ ۲۱۳۹۷)
- ۵- نماز شب معیار شرافت
قال الصادق عليه السلام: «شرف المؤمن صلاته بالليل و عزّه كَهَّ الاذی عن الناس»(بحار / ۸۷/ ۱۴۱)
- ۶- نماز شب نشانه‌ی شیعه
قال الصادق عليه السلام: «ليس من شيعتنا من لم يصلّ صلوة الليل».
(بحار / ۸۷/ ۱۶۲)
- ۷- مغیون بودن تارک نماز شب
قال الصادق عليه السلام: «لا تدع قیام اللیل فانّ المغیون من غبن قیام اللیل».
(معانی الاخبار / ۳۴۲)
- ۸- قضای نماز شب
قال رسول الله ﷺ: «ان الله يباهي بالعبد يقضي صلوة الليل بالنهار يقول ملائكتي عبدی يقضى ما لم افترضه عليه اشهدوا انی قد غفرت له».
(بحار / ۸۷/ ۲۰۲)

۹- بیدار کردن خانواده برای نماز شب

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «إذا أيقظ الرجل أهله من الليل وصلياً كتبنا من الذاكرين الله كثيراً والذاكرات».

(بحار / ۸۷ / ۱۵۸)

۱۰- آثار نماز شب

ب- قال علي عليه السلام: «قيام الليل مصححة للبدن و مرضاة للرب عز و جل و تعرض للرحمة و تمسك باخلاق النبيين».

(بحار / ۸۷ / ۱۴۴)

ب- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من كثر صلاته بالليل حسن وجهه بالنهار».

(فقيه / ۱ / ۴۷۴)

ج- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «صلاة الليل سراج لصاحبها في ظلمات القبر».

(بحار / ۸۷ / ۱۶۰)

۱۱- پاداش نیت نماز شب

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «ما من عبد يحدث نفسه بقيام ساعة من الليل فينام عنها إلا كان نومه صدقة تصدق الله بها عليه و كتب له اجر ما نوى».

(کنز العمال / ۲۱۴۷۵)

اشاره

الف- شخصی خدمت امیرالمؤمنین عليه السلام رسید و عرضه داشت من از نماز شب محروم می شوم. حضرت فرمودند: گناهان تو را در قید و زنجیر قرار داده و مانع توفیق نماز شب شده است (انت رجل قد قيدتك ذنوبك)

(کافی / ۳ / ۵۰)

ب- علی بن جعفر گوید: از امام کاظم عليه السلام سؤال کردم شخصی می ترسد برای نماز شب بیدار نشود آیا نماز شب را بعد از نماز عشاء بخواند یا اینکه در فردا قضا کند بهتر است؟ حضرت فرمود: نماز شب را قضا کند ثوابش بیشتر از آن است که قبل از نصف

(بحار / ۸۷ / ۲۰۶)

شب بخواند. (و القضاء بالنهار افضل من تلك الساعة)

۴۳-روزه

۱- اهمیت روزه

قال الصادق عليه السلام: «بني الاسلام على خمس دعائم على الصلوة والزكوة والصوم والحج وولاية امير المؤمنين و الائمة من ولده عليه السلام».
(بحار / ۹۶ / ۲۵۷)

۲- فضيلت روزه داران

قال الصادق عليه السلام: «نوم الصائم عبادة و صمته تسبيح و عمله متقبل...».
(بحار / ۹۶ / ۲۵۳)

۳- فضيلت روزه ي مستحبي

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من صام يوماً تطوعاً فلو اعطى ملاً الارض ذهباً ما وُفي اجره دون يوم الحساب».
(معاني الاخبار / ۴۰۹)

۴- شرايط كمال روزه

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «يا جابر! هذا شهر رمضان من صام نهاره و قام رداً من ليله و عفّ بطنه و فرجه و كفّ لسانه خرج من ذنوبه كخروجه من الشهر» فقال جابر يا رسول الله! ما احسن هذا الحديث فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: «يا جابر! و ما اشدّ هذه الشروط».
(فروع كافي / ۴ / ۸۷)

۵- عوامل پايين آمدن ارزش روزه

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «خمس خصال يفتن الصائم و ينتقض الوضوء الكذب و الغيبة و النيمة و النظر بشهوة و اليمين الكاذبة».
(نهج الفصاحة / حديث ۱۴۵۹)

۶- روزه زكات بدن

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «لكلّ شيء زكاة و زكاة الابدان الصيام».
(بحار / ۹۶ / ۲۴۶)

۷- پاداش روزه

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «قال الله تبارك و تعالی كل عمل ابن آدم هو له غير الصيام هولى و انا اجزى به».

(بحار / ۹۶ / ۲۴۹)

۸- شادمانی روزه‌دار

قال الصادق عليه السلام: «للصائم فرحتان: فرحة عند افطاره و فرحة عند لقاء ربّه».

(فروع كافي / ۴ / ۶۵)

۹- روزه عبادت خالص

قال على عليه السلام: «الصوم عبادة بين العبد و خالقه لا يطلع عليها غيره و كذلك لا يجازى عنها غيره».

(شرح نهج البلاغه / ۲۰ / ۲۹۶)

۱۰- پذیرفته شدن شفاعت روزه‌داران

«من صام شهر رمضان و حفظ فرجه و لسانه و كفّ اذاه عن الناس غفر الله له ذنوبه ما تقدم منها و ما تأخر... و قبل شفاعته».

۱۱- دعای فرشتگان برای روزه‌داران

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «انّ الله و كلّ ملائكة بالدعاء للصائمين».

(بحار / ۹۶ / ۲۵۳)

۱۲- استجابت دعای روزه‌دار

قال ابوالحسن عليه السلام: «دعوة الصائم مستجاب عند افطاره قال عليه السلام: انّ للصائم عند افطاره دعوة لا ترد».

(بحار / ۹۶ / ۲۵۵)

۱۳- سپر بودن روزه از عذاب

قال الصادق عليه السلام: «ان الصوم جنة من النار».

(وسائل الشيعه / ۷ / ۱۹۰)

۱۴- روزه آزمون اخلاص

قال على عليه السلام: «... و الصيام ابتلاء لا خلاص الخلق».

(نهج البلاغه / حكمت ۲۵۲)

۱۵ - برترین روزه

الف - قال علی عليه السلام: «صوم القلب خير من صيام اللسان و صوم اللسان خير من صيام البطن».

(غرر الحکم / ۱ / ۴۱۷)

ب - قال الصادق عليه السلام: «اذا اصبحت صائماً فليصم سمعك و بصرک من الحرام... و لا تجعل يوم صومك كيوم فطرك...»

(بحار / ۹۶ / ۲۹۲)

۱۶ - روزهی واقعی

قال علی عليه السلام: «الصيام اجتناب المحارم كما يتنع الرجل من الطعام و الشراب».

(بحار / ۹۶ / ۲۹۴)

۱۷ - روزهی بی ارزش

قال علی عليه السلام: «کم من صائم ليس له من صيامه الا الجوع و الظمّ و کم من قائم ليس له من قيامه الا السهر و العناء. حبذا نوم الاكياس و افطارهم».

(نهج البلاغه / حکمت ۱۴۵)

۱۸ - روزه در تمام عمر «هر ماه سه روز»

قال رسول الله صلى الله عليه وآله لاصحابه: «يوماً ايكم يصوم الدهر؟» فقال سلمان انا يا رسول الله. فقال رجل لسلمان رأيتك في اكثر نهارك تأكل فقال لست حيث تذهب انى اصوم الثلاثة في الشهر قال الله عزّ و جلّ: «من جاء بالحسنة فله عشر امثالها».

(وسائل / ۷ / ۳۰۷)

۱۹ - روزه یک چهارم ایمان

مرحوم فیض کاشانی گوید: فانّ الصوم ربع الايمان بمقتضى قوله صلى الله عليه وآله: «الصوم نصف الصبر» و بمقتضى قوله صلى الله عليه وآله: «الصبر نصف الايمان».

(محنة البيضاء / ۲ / ۱۲۱)

۲۰ - عقوبت دنیوی روزه خواری

عن ابی عبدالله عليه السلام قال: «من اخذ في شهر رمضان و قد افطر فرفع الى الامام يقتل في الثالثة».

(جامع احاديث الشيعة / ۹ / ۱۱)

۲۱- فواید روزه

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «قال الله عزّ و جلّ: الصوم لى و انا اجزى به فالصوم يميت مراد النفس و شهوة الطبع الحيوانى و فيه صفاء القلب و طهارة الجوارح و عمارة الظاهر و الباطن و الشكر على النعم و الاحسان الى الفقراء و زياده التضرعّ و الخشوع و البكاء...»
(بحار / ۹۶ / ۲۵۴)

اشاره

الف- هنگامی که پیامبر اکرم خطبه‌ای در فضیلت روزه ماه مبارک رمضان بیان کردند حضرت علی علیه السلام سؤال نمود: بهترین عمل در ماه رمضان چیست؟ حضرت فرمودند: ترک گناه (فقال يا ابا الحسن افضل الاعمال في هذا الشهر الورع عن محارم الله)
(وسائل / ۱۰ / ۳۰۳)

ب- پیامبر اکرم زنی را مشاهده کردند که به کنیز خود دشنام می دهد برای او دستور طعام دادند زن گفت: من روزه هستم. حضرت فرمودند: چگونه روزه هستی با اینکه به کنیز خود ناسزا گفتی؟
(بحار / ۹۶ / ۲۹۲)

۴۴-زکات

۱- اهمیت زکات

قال الصادق عليه السلام: «ما ضاع مال في برّ او بحر الا بمنع الزكاة قال و اذا قام القائم اخذ مانع الزكاة فضرب عنقه».

(وسائل ۱۶/ ۱۸)

۲- تارك زکات و اخراج از مسجد

قال الباقر عليه السلام: «بينما رسول الله صلى الله عليه وسلم في المسجد اذ قال قم يا فلان قم يا فلان ... حتى اخرج خمسه نفر فقال اخرجوا من مسجدنا لا تصلوا فيه و انتم لا تزكون».

(وسائل ۶/ ۱۲)

۳- زکات در حد بی نیاز نمودن

عن ابي عبدالله عليه السلام: «انه سئل كم يعطى الرجل من الزكاة؟» قال عليه السلام: «اذا اعطيت فاغنه».

(وسائل ۶/ ۱۷۹)

۴- زکات و حفظ عزت مؤمنان

عن ابي بصير قال قلت لابي جعفر عليه السلام من اصحابنا يستحيى ان يأخذ من الزكاة فاعطيه من الزكاة و لا أُسمى له انها من الزكاة فقال عليه السلام: «اعطه و لا تسم له و لا تذلل المؤمن».

(وسائل ۶/ ۲۱۹)

۵- آثار زکات

(الف) زيادى مال؛ قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «ما حبس عبد زكاته فزادت في ماله».

(وسائل ۶/ ۱۴)

(ب) پاک کردن نفس از بخل؛ قال الصادق عليه السلام: «من ادّى الزكاة فقد وقى شح نفسه».

(مجمع البيان / ۱۰ / ۳۰۰)

ج) خاموش کردن غضب خداوند؛ قال علی علیه السلام: «الله الله في الزكاة فانها تطفيء غضب ربكم».

(بحار / ۹۶ / ۲۰)

د) زندگی سعادت آمیز؛ قال الصادق علیه السلام: «... ولو ان الناس ادّوا حقوقهم لكانوا عايشين بخير».

(بحار / ۹۶ / ۳)

ه) مایه قرب نزد پروردگار و - کفاره گناهان ز - مانع از آتش دوزخ؛ قال علی علیه السلام: «... ثم ان الزكاة جعلت مع الصلوة قرباناً لاهل الاسلام فمن اعطاها طيب النفس بها فانها تجعل له كفارة و من النار حجاباً و وقاية».

(بحار / ۹۶ / ۷)

۶- آداب گرفتن زکات

قال علی علیه السلام: «... ثم امض اليهم بالسكينة و الوقار حتى تقوم بينهم فتسلم عليهم ... ثم تقول عبادالله ارسلني اليكم وليّ الله و خليفته لاخذ منكم حق الله في اموالكم فهل لله في اموالكم من حق فتؤدّوه الى وليّه ...».

(نهج البلاغه / نامه ۲۵)

۷- زکات در نعمت‌های مادی و معنوی

قال علی علیه السلام: «زكاة الجاه بذله، زكاة المال الافضال، زكاة الظفر الاحسان، زكاة البدن الجهاد و الصيام، زكاة اليسار برّ الجيران و صلة الارحام، زكاة العلم نشره ...».

(غررالحکم / ۱ / ۴۲۴)

۸- کیفر تلخ زکات

الف - نیامدن باران؛ قال النبی صلی الله علیه و آله: «... و لا تمنعوا الزكاة الا حبس عنهم القطر».

(بحار / ۷۳ / ۳۷۰)

ب - قحطی و خشکسالی؛ قال النبی صلی الله علیه و آله: «فاذا لم يفعلوا ذلك (الزكاة) ابتلوا بالقحط و السنين».

(بحار / ۹۶ / ۱۴)

ج - از بین رفتن چارپایان؛ قال الرضا علیه السلام: «... اذا حسبت الزكاة ماتت المواشي».

(بحار / ۷۳ / ۳۷۳)

د - از بین رفتن برکت زمین؛ قال الصادق عليه السلام: «إذا منعت الزكاة منعت الارض برکاتها».

(کافی / ۳ / ۵۰۵)

هـ - قبول نشدن سایر اعمال؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «إيها الناس ادّوا زكاة اموالکم الا فمن لم یزک فلا صلوة له و لا دین له و لا صوم له و لا حج له و لا جهاد له».

(روضه الواعظین / ۲ / ۳۵۶)

اشاره

پیامبر اکرم روزی به اصحاب خود فرمودند: هر مالی زکاتش داده نشود ملعون است و هر بدنی که زکاتش داده نشود ملعون است. شخصی پرسید منظور از زکات بدن چیست؟ پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: «گاهی خراشی به بدن می رسد یا پایش به سنگی می خورد یا مریض می شود و یا تیغی به پایش می رود».

(کافی / ۲ / ۲۰۰)

۴۵- انفاق

۱ - انفاق نشانه‌ی ایمان

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من واسى الفقير من ماله و انصف الناس من نفسه فذلك المؤمن حقاً».

(کافی / ۲ / ۱۹)

۲ - انفاق همانند جهاد

قال علی عليه السلام: «انفقوا مما رزقکم الله عزّ و جلّ فانّ المنفق بمنزلة المجاهد فی سبیل الله فمن ایقن بالخلف جاد بالعطیه و سخت نفسه بالنفقة».

(خصال / ۲ / ۲۴۵)

۳ - انفاق بزرگ‌ترین نعمت

قال علی عليه السلام: «انّ انفاق هذا المال فی طاعة الله اعظم نعمه و انفاقه فی معصية الله اعظم محنة».

(جامع احادیث الشیعه / ۱۷ / ۸۶)

۴- انفاق و سعادت انسانی

قال رسول الله ﷺ: «طوبى لمن انفق الفضل من ماله و امسك الفضل من قوله».

۵- اعتدال در انفاق

قال على ابن الحسين عليه السلام: «ان من اخلاق المؤمن الانفاق على قدر الاقتار و التوسع على قدر التوسع».

(تحف العقول / ۳۲۳)

۶- انفاق از مال حلال

قال على عليه السلام: «اصل الامور فى الانفاق طلب الحلال لما ينفق».

(مستدرک سفینه / ۱۰/ ۱۲۱)

۷- گستردگی انفاق

قال رسول الله ﷺ: «كل معروف صدقه و وقى الرجل به عرضه فهو صدقة».

(نورالتقلین / ۴/ ۳۴۱)

۸- اولویت در انفاق

قال رسول الله ﷺ: «لا صدقة و ذو رحم محتاج».

(جواهر / ۳۱/ ۳۷۱)

۹- آثار انفاق

الف- اصلاح آخرت؛ قال على عليه السلام لابنه الحسن عليه السلام: «انما لك من دنياك ما اصلحت به مثواك فانفق في حق و لا تكن خارناً لغيرك».

(بحار / ۷۷/ ۲۱۱)

ب- پر شدن جای آن؛ قال الصادق عليه السلام: «ينادى ملكان فى كل ليلة جمعة اللهم اعط كل متفق خلفاً و كل ممسك تلفاً».

(بحار / ۹۶/ ۱۱۷)

ج- باقى ماندن آن؛ عن عائشه قالت انهم ذبحوا شاة فقال النبى ﷺ ما بقى؟ فقال ما بقى منها الاكتفها قال ﷺ: «كلها قد بقى غير كتفها».

(كنز العمال / ۱۶۱۵۰)

د- پاداش فراوان؛ قال رسول الله ﷺ: «من اعطى درهماً فى سبيل الله كتب الله له سبع مائة حسنة».

(بحار / ۹۶/ ۱۲۲)

۱۰ - آثار عدم انفاق

الف - قال رسول الله ﷺ «من منع ماله من الاخير اختياراً صرفه الله ماله الى الاشرار اضطراراً».

(بخار / ۹۶ / ۱۳۱)

ب - قال الصادق عليه السلام: «اعلم انه من لم ينفق في طاعة الله ابتلى بان ينفق في معصية الله عزّ وجلّ و من لم يمش في حاجة وليّ الله ابتلى بان يمشي في حاجة عدو الله عزّ وجلّ».

(بخار / ۹۶ / ۱۳۰)

ج - قال الصادق عليه السلام: «من منع حقاً لله عزّ وجلّ انفق في باطل مثليه». (وسائل / ۶ / ۲۵)

اشاره

الف - شخصی از حضرت علی علیه السلام درخواست کمک کرد. حضرت دستور داد به او هزار درهم بدهند خدمتکار حضرت سؤال کرد از طلا یا نقره بدهم؟ فرمود: هر کدام برای او مفیدتر خواهد بود. زیرا طلا و نقره نزد من سنگی بیش نیست. (کلاهما عندی حجران)

(بخار / ۴۱ / ۳۲)

ب - در یکی از جنگ‌ها شخص مشرکی به حضرت علی علیه السلام عرضه داشت: شمشیر خود را به من هدیه کنید. امام علیه السلام شمشیر خود را داد. او پرسید آیا در چنین موقعیتی (که لحظه خطرناک است) شمشیر خود را به من می‌دهید؟ حضرت فرمود: فلانی تو از ما درخواست کردی و از کرامت به دور است که ما سائل را محروم برگردانیم؛ «لیس من الکرّم ان یردّ السائل».

(مناقب / ۱ / ۳۵۸)

۴۶- حجّ

۱- اهمیت حج

قال الباقر عليه السلام: «بني الاسلام على خمس على الصلوة و الزكاة و الحجّ و الصوم و الولاية».
(وسائل / ۷/۱)

قال الصادق عليه السلام: «ان استطعت ان تأكل الخبز و الملح و تحجّ في كل سنة فافعل».
(تهذيب / ۵/۴۴۲)

۲- حج پرچم اسلام «جعله علماً للاسلام».
(وسائل / ۸/۱۰)

۳- حج جهادضعيفان قال النبي صلى الله عليه وآله: «الحج جهاد كل ضعيف».
(بحار / ۹۷/۷)

۴- پول خرج کردن در راه حج
قال على عليه السلام: «نقته درهم في الحج تعدل الف درهم».
(بحار / ۹۹/۸)

۵- قصد قربت در حج؛ قال الصادق عليه السلام: «من حجّ يريد به الله لا يريد به رياء و لا سمعة غفر الله له البتة».
(عوالي اللئالی / ۴/۳۰)

۶- پذیرفته نشدن حج با مال حرام
عن ابي جعفر عليه السلام: «من اصاب مالاً من اربع لم يقبل منه في اربع من اصاب مالاً من غلول او ربا او خيانة او سرقة لم يقبل منه في زكوة و لا صدقة و لا حج و لا عمره».
(وسائل / ۵/۱۰۳)

۷- آثار ترك حج

الف- مسلمان نمردن؛ قال النبي صلى الله عليه وآله: «من مات و لم يحج فليمت ان شاء يهودياً و ان شاء نصرانياً».
(محجة البيضاء / ۲/۱۴۵)

ب- نزول عذاب؛ قال الصادق عليه السلام: «لو ترك الناس الحج انزل عليهم العذاب».
(وسائل / ۸/۱۳)

۸- حج ضیافت الهی

قال الصادق عليه السلام: «ان ضيف الله عزّ وجلّ رجل حج و اعتمر فهو ضيف الله حتى يرجع الى منزله».

(خصال / ۱۲۷)

۹- حج و اجابت دعا

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «ثلاث دعوات مستجابة: دعاء الحاج في تخلف اهله و دعاء المريض فلا تؤذوه و لا تضجروه و دعاء المظلوم».

(دعوات راوندی / ۳۰)

۱۰- حج بازار آخرت

قال الصادق عليه السلام: «الحج و العمرة سوقان من اسواق الآخرة».

(كافي / ۴ / ۲۵۵)

۱۱- آداب حج

الف- اخلاص؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «يأتى على الناس زمان يكون فيه حج الملوک نزهة و حجة الاغنياء تجارة و حج المساكين مسألة».

(جامع الاخبار / ۶۹)

ب- تعجيل؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «عجلوا الخروج الى مكة فان احدكم لا يدرى ما يعرض له من مرض او حاجة».

(سنن كبرى / ۴ / ۵۵۵)

ج- تطهير مال؛ قال الصادق عليه السلام: «اذا اكتسب الرجل مالا من غير حلّه ثم حج فلبى نودى لا لبّيك و لا سعديك و ان كان من حله فلبى فنودى لبّيك و سعديك».

(كافي / ۵ / ۱۲۴)

د- کمک به دوستان و همسفران؛ اسماعيل الخثعمی قلت لابي عبد الله عليه السلام انا اذا قدمنا مكة ذهب اصحابنا يطوفون و يتركونى احفظ متاعهم قال انت اعظمهم اجراً.

(كافي / ۴ / ۵۴۵)

ه- ملاقات امام عليه السلام؛ قال الباقر عليه السلام: «تمام الحج لقاء الامام».

(كافي / ۴ / ۵۴۹)

۱۲- فلسفهى حج

۱- آزمايش انسان؛ قال على عليه السلام: «و هذا بيت استعبد الله به خلقه ليختبر به طاعتهم في اتيانه فحتّهم على تعظيمه و زيارته».

(بحار / ۹۹ / ۲۹)

- ۲- توجه به خداوند ۳- پیام‌گیری و پیام‌رسانی؛
 قال الرضا علیه السلام: «فان قال فلم امر بالحج قيل لعله الوفادة و طلب الزيادة ... مع ما فيه من التفقه و نقل اخبار الائمة الى كل صقع و ناحية».
 (نور الثقلين ۲/ ۲۸۳)
- ۴- شناخت آثار پیامبر صلی الله علیه و آله ۵- شناخت اقوام و ملل؛
 فجعل في الاجتماع من الشرق و الغرب ليتعارفوا ... و لتعرف آثار رسول الله و تعرف اخباره و يذكر و لا ينسى.
 (وسائل ۸/ ۹)
- ۶- تواضع برای خداوند؛ قال علی علیه السلام: «و فرض عليكم حج بيته الحرام ... علامة لتواضعهم لعظمته و اذعانهم لعزته».
 (نهج البلاغه / خطبه ۱)
- ۱۳- آثار و فواید حج
- ۱- در خیر و خوبی به سر بردن؛ قال الصادق علیه السلام: «من حج حجتين لم يزل في خير حتى يموت».
 (بحار ۹۱/ ۶)
- ۲- دچار فقر نشدن؛ عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «من حج ثلاث حجج لم يصبه فقر ابداً».
 (خصال ۹۳)
- ۳- سلامت جسم ۴- توسعه رزق ۵- خودکفاشدن؛ قال زين العابدين علیه السلام: «حجوا و اعتمروا تصح اجسامكم و تتسع ارزاقكم و يصلح ايمانكم و تكفوا مؤنة الناس و مؤنة عيالاتكم».
 (بحار ۹۶/ ۲۵)
- ۶- آرامش روح؛ قال الباقر علیه السلام: «الحج تسكين القلوب».
 (بحار ۷۵/ ۱۸۳)
- ۷- شفاعت؛ عن عبدالصالح: «من حج اربعين حجة قيل له اشفع فيمن احببت ...».
 (خصال ۱۵۶)
- ۸- عدم محاسبه در قیامت
 قال ابو عبدالله علیه السلام: «من حج عشر حجج لم يحاسبه الله ابداً».
 (روضه الواعظین / ۴۲۰)

اشاره

الف - امام سجاده علیه السلام چهل مرتبه به حج مشرف شد و هرگز تازیانه به مرکب سواری خود نزدند. (وسائل ۸/ ۳۵۳)

ب - امام صادق علیه السلام هنگامی که می خواست مُحرم شود لبیک نمی گفت شخصی به ایشان عرض کرد چرا لبیک نمی گوید؟ فرمود: «می ترسم بگویم لبیک لکن خداوند به من بگوید «لا لبیک لا سعیدیک»». (بحار ۱۶/ ۴۷)

ج - عبدالرحمن بن کثیر گوید: من همراه امام صادق علیه السلام بودم یک نگاهی به جمعیت طواف کننده کرد و فرمود: «ما اکثر الضجيج و اقل الحجيج». (بحار ۱۸۱/ ۲۷)

د - ادريس بن يوسف گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: در سرزمین عرفات چه کسی گناه او بیشتر است؟ فرمود: کسی که از عرفات مراجعت کند و گمان کند خداوند او را نیامرزیده است «و هو یظن ان الله لم یغفر له» (سفینه ۶۹/ ۲)

۴۲- جهاد

۱ - فضیلت جهاد

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «الخير كله في السيف و تحت ظل السيف و لا يقيم الناس الا السيف و السيوف مقاتل الجنة و النار».

(وسائل ۱۱/ ۵)

۲ - جهاد دری از درهای بهشت

قال علي عليه السلام: «ان الجهاد باب من ابواب الجنة».

(بحار ۸/ ۱۰)

۳ - جهاد ستون دین

قال علي عليه السلام: «الجهاد عماد الدين و منهاج السعداء» .

(تصنيف غرر ۳۳۳)

۴ - جهاد تفریح مسلمانان

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «ان لكل امة سياحة و ان سياحة امتي و رهبانيتهم الجهاد في سبيل الله».

(بحار ۴۰/ ۳۲۸)

- ٥- جهاد مايهى صلاح دين و دنيا
قال على عليه السلام: «ان الله فرض الجهاد و عظّمه و جعله نصره و ناصره و الله ما صلحت دنيا و لا دين الآ به».
(وسائل / ١١ / ٩)
- ٦- جهاد مايهى عزت اسلام
قال على عليه السلام: «الجهاد عزاً للاسلام».
(غرر الحكم / ٦٦٠٨)
- ٧- وظيفه مجاهد
قال على عليه السلام: «تزول الجبال و لا تزل عضّ على ناجذك اعر الله جمجتك تدفى فى الارض قدمك ارم ببصرك اقصى القوم و غضّ بصرك و اعلم ان النصر من عند الله سبحانه».
(نهج البلاغه / خطبه ١١)
- ٨- توبيخ از ترك جهاد
قال على عليه السلام: «افّ لكم لقد سئمت عتابكم ارضيتم بالحياة الدنيا من الآخرة عوضاً و بالدّل من العز خلفاً اذا دعوتكم الى جهاد عدوّكم دارت اعينكم كأنكم من الموت فى غمرة».
(بحار / ٣٤ / ٧٤)
- ٩- عواقب ترك جهاد
قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: «فمن ترك الجهاد البسه الله ذلاًّ فى نفسه و فقراً فى معيشتة و محقاً فى دينه».
(بحار / ١٠٠ / ٩)
- ١٠- فضيلت نماز مجاهد
قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: «صلوة الرجل متقلداً بسيفه تفضل على صلاته غير متقلد بسبعماً ضعف».
(كنز العمال / ١٠٧٩١)
- ١١- فضيلت مرزبانى مجاهد
قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: «حرس ليلة فى سبيل الله عزّ و جلّ افضل من الف ليلة يقام ليها و يصام نهارها».
(كنز العمال / ١٠٧٣)

۱۲ - جهاد زکات بدن و شجاعت

قال علی عليه السلام: «زكاة البدن الجهاد و الصيام».

(غرر الحکم / ۵۴۵۲)

قال علی عليه السلام: «زكاة الشجاعة الجهاد في سبيل الله».

(غرر الحکم / ۵۴۵۵)

اشاره

قاطعیت رهبر در جهاد

حضرت علی عليه السلام در جنگ صفین با صدای بلند فرمود: سوگند به خدا معاویه را می‌کشم؛ «و الله لا قتلن معاویه و اصحابه» بعد از آن آهسته فرمود: (انشاء الله) یکی گفت شما به طور قطعی فرمودید پس چرا آهسته فرمودید انشاء الله؟ حضرت فرمود: زیرا جنگ نیرنگ است خواستم اصحاب خود را برای جنگ تشویق نمایم «ان الحرب خدعه فاردت ان احرض اصحابي عليهم لكيلا يفشلوا...».

(کافی / ۷ / ۴۶۰)

۴۸ - امر به معروف و نهی از منکر

۱ - اهمیت امر به معروف

الف - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من أمر بالمعروف و نهى عن المنكر فهو خليفة الله في الأرض و خليفة رسوله».

(مستدرک الوسائل / ۲ / ۳۵۸)

ب - قال علی عليه السلام: «و ما أعمال البر کلها و الجهاد في سبيل الله عند الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر، الا کنتنہ في بحر لجی».

(نهج البلاغه / حکمت ۳۷۴)

۲ - ترک نهی از منکر نشانه‌ی ضعف ایمان

قال الصادق عليه السلام عن ابائه قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «ان الله يبغض المؤمن الضعیف الذی لادین له. فقیل: و ما المؤمن الذی لادین له؟ قال: الذی لاینهی عن المنکر».

(کافی / ۵ / ۵۹)

۳- آداب امر به معروف

قال الصادق عليه السلام: «أما يأمر بالمعروف و ينهى عن المنكر مَنْ كانت فيه ثلاث خصال؛ عامل لما يأمر به و تارك لما ينهى عنه، عادل فيما يأمر و عادل فيما ينهى، رفيق فيما يأمر و رفيق فيما ينهى».

(مستدرک الوسائل ۲/ ۳۵۹)

۴- مراتب امر به معروف و نهی از منکر

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من رأى منكم منكراً، فليغيره بيده، فان لم يستطع، فبلسانه، فان لم يستطع فبقلبه و ذلك اضعف الايمان».

(سنن بيهقي ۶/ ۹۵)

۵- ترک امر به معروف در آخر الزمان

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «كيف بكم اذا فسد نسائكم و فسق شبابكم و لم تأمروا بالمعروف و لم تنهوا عن المنكر. فقليل له: و يكون ذلك يا رسول الله؟

قال: نعم و شرٌّ من ذلك! كيف بكم اذا أمرتم بالمنكر و نهيتم عن المعروف. قيل يا رسول الله: و يكون ذلك؟ قال: نعم و شرٌّ من ذلك! كيف بكم اذا رأيتم المعروف منكراً و المنكر معروفاً».

(بخار ۹۷/ ۷۴)

۶- آثار امر به معروف

الف- قال الباقر عليه السلام: «انّ الأمر بالمعروف و النهى عن المنكر سبيل الانبياء و منهاج الصالحاء، فريضة عظيمة بها تقام الفرائض و تأمن المذاهب و تحلّ المكاسب و تردّ المظالم و تعمر الأرض و ينتصف من الأعداء و يستقيم الأمر».

(كافي ۵/ ۵۶)

ب- قال على عليه السلام: «... من أمر بالمعروف شدّ ظهر المؤمن و من نهى عن المنكر أرغم أنف المنافق و أمن كيده».

(كافي ۲/ ۵۱)

ج- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من أمر بمعروف أو نهى عن منكر أو دلّ على خير أو أشار به فهو شريك».

(بخار ۹۷/ ۷۶)

۷- آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر

الف- زوال برکت

قال رسول الله ﷺ: «لا يزال أمتي بخير ما أمروا بالمعروف و نهوا عن المنكر و تعاونوا على البرِّ، فإذا لم يفعلوا ذلك نُزعت منهم البركات و سلَّط بعضهم على بعض و لم يكن لهم ناصر في الأرض و لا في السماء».

(مستدرک الوسائل ۲/ ۳۵۸)

ب- تسلط اشرار و عدم استجابیت دعا

قال علیؑ: «لا تتركوا الأمر بالمعروف و النهی عن المنكر، فيؤلَّى عليكم شراركم ثم تدعون فلا يستجاب لكم».

(نهج البلاغة / نامه ۴۷)

ج- عذاب الهی

قال الباقرؑ: «أوحى الله عزّ و جلّ الى شعيب: انى معذب من قومك مائة ألف؛ أربعين ألف من شرارهم و ستين ألف من خيارهم! فقال: يا ربّ، هؤلاء الأشرار، فما بال الأخيار؟ فأوحى الله تعالى اليه: داهنوا أهل المعاصى فلم يُغضوا لغضبي».

(بحار ۹۷/ ۷۹)

۸- نکوهش از عدم هماهنگی گفتار با عمل

الف- قال علیؑ: «لا تكن ممن يرجوا الآخرة بغير العمل ... ينهى و لا ينتهى و يأمر بما لا يأتي».

(نهج البلاغة / حکمت ۱۵۰)

ب- قال علیؑ: «كفى بالمرء جهلاً أن ينكر على الناس ما يأتي مثله».

(غرر الحکم / ۷۰۷۳)

ج- قال علیؑ: «لعن الله الأمرين بالمعروف التاركين له و التّاهين عن المنكر العاملين به».

(نهج البلاغة / خطبه ۱۲۹)

اشاره

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه ی «لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی بن مریم ذلك بما عصوا و كانوا یعتدون كانوا لا یتناهون عن منکر فعلوه» (مائده ۷۹) فرمودند: این گروه ملعون در مجلس گناه شرکت نداشتند لکن هرگاه با اهل گناه برخورد می کردند به آنها می خندیدند و با آنها انس و الفت داشتند؛ «كانوا اذا لقوهم ضحكوا فی وجوههم و انسوا بهم».

(نوالیقین ۱/ ۶۶۱)

مسائل تربیتی و اخلاقی

۴۹- حسن خلق

- ۱- حسن خلق نشانه کمال ایمان
قال الباقر عليه السلام: «اکمل المؤمنین ایماناً احسنهم خلقاً».
(کافی / ۲ / ۹۹)
- ۲- اهمیت حسن خلق
قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «ما من شيء أثقل في الميزان من خلق حسن».
(بحار / ۷۱ / ۳۸۳)
- ۳- حسن خلق کلید همه ی نیکی ها
قال علی عليه السلام: «حسن الخلق رأس كل بر».
(غرر الحکم / ۴۸۵۷)
- ۴- حسن خلق بهترین نیکویی
قال الحسن عليه السلام: «ان احسن الحسن الخلق الحسن».
(خصال / ۲۹)
- ۵- نشانه حسن خلق
قال علی عليه السلام: «حسن الخلق في ثلاث اجتناب المحارم و طلب الحلال و التوسع على العيال».
(بحار / ۷۱ / ۳۹۴)
- ۶- حسن خلق و زندگی گوارا
قال الصادق عليه السلام: «لا عيش اهنأ من حسن الخلق».
(علل الشرایع / ۵۶۰)
- ۷- حسن خلق و شباهت به پیامبر صلى الله عليه وآله
قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «اشبهكم بي احسنكم خلقاً».
(بحار / ۷۱ / ۳۸۷)
- ۸- تفاوت محاسن اخلاق با مکارم اخلاق
قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «بعثت بمكارم الاخلاق و محاسنها».
(مستدرک / ۲ / ۲۸۲)
- سئل عن الصادق عليه السلام ما حد حسن الخلق؟ قال عليه السلام: «تلين جانبك و تطيب كلامك و تلقى اخاك ببشر حسن».
(معانی الاخبار / ۲۵۳)

- سئل عن الصادق عليه السلام عن مكارم الاخلاق؟ فقال عليه السلام: «العفو عن ظلمك و صلة من قطعك و اعطاء من حرمك و قول الحق ولو على نفسك». (معاني الاخبار / ۱۹۱)
- ۹- خطر سوء خلق؛ قال على عليه السلام: «من ساء خلقه فاذنوا في اذنه». (بحار / ۶۲ / ۲۷۷)
- ۱۰- آثار حسن خلق
- ۱- لذت روحی؛ قال الحسن عليه السلام: «لا عيش الذم من حسن الخلق». (كافي / ۲ / ۵۷)
- ۲- جلب دوستی؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «حسن الخلق يثبت المودة و يحسن البشر و يذهب بالسخيمة». (بحار / ۷۷ / ۱۴۸)
- ۳- نابودی گناهان؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «ان الخلق الحسن يذیب الذنوب كما تذيب الشمس الجمد». (عيون اخبار الرضا / ۲ / ۳۷)
- ۴- افزایش رزق؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «حسن الخلق من الدين و هو يزيد في الرزق». (تحف العقول / ۲۷۵)
- ۵- آبادانی شهرها و طول عمر؛ عن ابي عبدالله عليه السلام: «البر و حسن الخلق يعمران الديار و يزيدان في الاعمار». (كافي / ۲ / ۱۰۰)
- ۶- پاداش شایسته؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «ان العبد لينال بحسن خلقه درجة الصائم القائم». (كافي / ۲ / ۱۰۰)
- ۱۱- آثار سوء خلق
- ۱- مایه فشار قبر و عذاب روح؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «عند ما دفن سعد بن معاذ قد اصابته ضمة فسل عن ذلك فقال انه كان في خلقه مع اهله سوء». (امالی صدوق / ۳۱۵)
- تذکر: با این که در تشییع جنازه او پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله و هفتاد هزار فرشته شرکت کرده بودند.
- ۲- سختی زندگی؛ قال على عليه السلام: «سوء الخلق نکد العیش و عذاب النفس». (غرر الحکم / ۵۶۳۹)
- ۳- فساد ایمان و عمل؛ قال النبی صلى الله عليه وآله: «الخلق السيئ يفسد العمل كما يفسد الخنجر العسل». (بحار / ۷۳ / ۲۹۷)

- ۴- دوام ناراحتی؛ سئل عن علی علیه السلام من ادوم الناس غمماً؟ قال علیه السلام: «اسؤهم خلقاً».
(مستدرک // ۳۲۸۳)
- ۵- عذاب نفس؛ قال علی علیه السلام: «من ساء خلقه عذب نفسه».
(بحار / ۷۸ / ۲۴۶)
- ۶- دوری از مردم؛ قال علی علیه السلام: «سوء الخلق یوحش القریب و ینفر البعید».
(غرر الحکم / ۵۵۹۳)
- ۷- کمیاب شدن دوست؛ قال علی علیه السلام: «من ساء خلقه اعوزه الصدیق و الرفیق».
(غرر الحکم / ۹۱۸۷)
- ۸- ورود به جهنم؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «ان العبد لیبلغ من سوء خلقه اسفل درک جهنم».
(محجة البیضاء / ۵ / ۹۳)

اشاره

نمونه‌هایی از مکارم اخلاق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

- الف- کنیزی محضر پیامبر آمد و لباس آن بزرگوار را سه مرتبه کشید تا این که نخ‌های آن را از لباس پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون کشید. مردم به او گفتند: چرا چنین کاری انجام دادی؟ گفت: مریضی در منزل داریم مرا فرستادند تا به وسیله‌ی نخ لباس پیامبر تبرک جوید و شفا پیدا کند و من خجالت کشیدم این مطلب را بازگو کنم از این رو این کار را انجام دادم. (کافی / ۲ / ۱۰۲)
- ب- هنگامی که در جنگ احد دندان مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شکسته شد و جراحات زیادی بر ایشان وارد آمد، اصحاب عرض کردند تا بردشمنان خود نفرین کند. فرمود: من به عنوان پیامبر رحمت بر این‌ها مبعوث شدم و در حق آنان دعا فرمود تا خداوند آنان را هدایت کند؛ «اللهم اهد قومی فانهم لا یعلمون».
(سفینه البحار / ۲ / ۶۸۱)
- ج- مرد عربی بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد و عبای پیامبر را محکم کشید به طوری که اثر آن در گردن پیامبر صلی الله علیه و آله باقی ماند و گفت به من کمک کنید پیامبر صلی الله علیه و آله با تبسم به او کمک فراوانی کرد.
(سفینه البحار / ۲ / ۶۸۲)

د- شخصی به نام هبار بن اسود، زینب دختر پیامبر صلی الله علیه و آله را ترساند و در اثر آن فرزند زینب سقط شد. هنگامی که از کار خود پشیمان شد و از پیامبر صلی الله علیه و آله عذرخواهی کرد، پیامبر او را بخشید.
(سفینة البحار / ۲ / ۶۸۳)

ه- بعضی از افراد کودکان خود را برای تبرک جستن نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می آوردند، گاهی کودکان لباس پیامبر صلی الله علیه و آله را آلوده می ساختند پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ ناراحت نمی شدند.
(سفینة البحار / ۲ / ۶۹۱)

و- انس گوید: من مدت ده سال خدمتگزار پیامبر صلی الله علیه و آله بودم. هرگز به من آف نگفت و برای کارهایی که انجام می دادم نمی فرمود چرا انجام می دادی و برای کارهایی که ترک می کردم به من اعتراض نمی کرد.
(سفینة البحار / ۲ / ۶۹۲)

۵۰- برونیکی

۱- ابعاد برّ و نیکی

قال الباقر عليه السلام: «الا اخبركم خمس خصال هنّ من البرّ و البرّ يدعوا الى الجنة قلت بلى قال اخفاء المصيبة و كتمانها و الصدقة تعطيها بيمينك لا تعلم بها شمالك و برّ الوالدين فان برّهما لله رضى و الاكثار من قول لا حول و لا قوة الا بالله العليّ العظيم فانه من كنوز الجنة و الحبّ لمحمد و آل محمد صلی الله علیه و آله».
(بحار / ۶۹ / ۳۹۰)

قال على عليه السلام: «ثلاث من ابواب البرّ: سخاء النفس و طيب الكلام و الصبر على الاذى».
(بحار / ۷۱ / ۸۹)

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «اربع من كنوز البرّ كتمان الحاجة و كتمان الصدقة و كتمان الوجل و كتمان المصيبة».
(بحار / ۸۱ / ۲۰۸)

۲- به چه کسانی نیکی کنیم؟

- ۱- والدین؛ عن منصور بن حازم عن ابی عبد الله علیه السلام قال قلت: «ای الاعمال افضل؟» فقال علیه السلام: «الصلوة لوقتها و برّ الوالدین و الجهاد فی سبیل الله». (بحار / ۸۲ / ۲۲۶)
- ۲- فرزندان؛ قال علی علیه السلام: «برّوا اولادکم و احسنوا الیهم». (بحار / ۷۴ / ۷۷)
- ۳- مهمان؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من کرم الاخلاق برّ الضیف». (بحار / ۲۱ / ۳۷۶)
- ۴- خانواده؛ قال الصادق علیه السلام: «من حسن برّه باهل بیته زید فی رزقه». (بحار / ۷۴ / ۱۰۴)
- قال الصادق علیه السلام: «من حسن برّه باهله زاد الله فی عمره». (بحار / ۶۹ / ۳۸۵)
- ۵- برادران ایمانی؛ قال علیه السلام: «من خالص الایمان البرّ بالاخوان». (بحار / ۶۹ / ۱۵۹)
- ۶- اقوام؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «برّ القرابة تزید فی الاعمار». (بحار / ۷۷ / ۱۷۲)
- ۷- همسایه؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «رحم الله جاراً اعان جاره علی برّه». (بحار / ۷۴ / ۶۵)
- ۸- دوست؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «رحم الله رفیقاً اعان رفیقه علی برّه». (بحار / ۷۴ / ۶۵)

۳- نشانه‌های نیکوکار

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «اما علامة البارّ ف عشرة یحبّ فی الله یبغض فی الله و یصاحب فی الله و یفارق فی الله و یغضب فی الله و یرضی فی الله و یعمل لله و یطلب لله و یخشع خائفاً مخوفاً طاهراً مخلصاً مستحياً مراقباً و یحسن فی الله». (تحف العقول / ۲۱)

۴- شهادت بالاترین بر و نیکی

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «فوق کلّ ذی برّ برّ حتی یقتل فی سبیل الله فلیس فوقه برّ». (بحار / ۷۴ / ۶۱)

اشاره

در شب عروسی حضرت فاطمه علیها السلام سائلی به او مراجعه کرد آن حضرت پیراهن عروسی خود را به او تقدیم کرد. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله متوجه شدند پرسیدند: چرا پیراهن کهنه راندادی؟ عرضه داشت: از شما شنیدم که خداوند می فرماید: «لن تنالوا البرّ حتی تنفقوا ممّا تحبون».

(آل عمران / ۹۲؛ خصائص فاطمیه / ۳۷۹)

۵۱- آثار اعمال و اوصاف زیبا

- ۱- اثر رعایت امانت
قال علی علیه السلام: «الامانة تجرّ الرزق». (بحار / ۷۸ / ۶۰)
- ۲- اثر نیکی به برادران
قال کاظم علیه السلام: «من حسن برّه باخوانه و اهله مدّ في عمره». (مستدرک / ۱۲ / ۴۲۱)
- ۳- اثر اقاله
قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من اقال مسلماً اقاله الله عشرته». (سنن ابی داود / ۳ / ۲۷۴)
- ۴- اثر توبه
قال علی علیه السلام: «التوبة تطهّر القلوب و تغسل الذنوب». (غرر / ۱۳۵۵)
- ۵- اثر همنشینی با دانشمندان
قال علی علیه السلام: «جالس العلماء یزدد علمک و یحسن ادبک و تزک نفسک». (غرر / ۴۷۸۶)
- ۶- اثر مبارزه با نفس
قال علی علیه السلام: «من جاهد نفسه اکمل التّقی». (غرر / ۷۷۵۱)
- ۷- اثر جود و بخشش
قال علی علیه السلام: «الجواد فی الدنیا محمود و فی الآخرة مسعود». (غرر / ۲۱۵۲)
- ۸- اثر خوب همسایه داری
قال الصادق علیه السلام: «حسن الجوار یعمّر الدیار و یزید فی الاعمار». (کافی / ۲ / ۶۶۷)
- ۹- اثر یاد مرگ
قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من اکثر ذکر الموت احبّه الله». (کافی / ۲ / ۱۲۲)

- ۱۰- اثر تقدیم محبت الهی بر علاقه به خویشتن
قال رسول الله ﷺ: «من آثر محبة الله على محبة نفسه كفاه الله مؤنة الناس».
(کنز العمال/ ۴۳۱۲۷)
- ۱۱- اثر حج و عمره
قال على بن ابي طالب: «و حج البيت و العمرة فانهما ينفيان الفقر و يكفران الذنب و يوجبان الجنة».
(تحف العقول/ ۱۴۹)
- ۱۲- اثر برآوردن نیاز مؤمن
قال رسول الله ﷺ: «من قضى لآخيه المؤمن حاجة قضى الله عزّ و جلّ له يوم القيامة مائة الف حاجة من ذلك اولها الجنة».
(كافي/ ۲/ ۱۹۳)
- ۱۳- اثر تلاش در برآوردن نیاز مؤمن
قال رسول الله ﷺ: «من سعى في حاجة اخيه المؤمن فكأنما عبد الله تسعة الف سنة صائماً نهاره قائماً ليله».
(بحار/ ۷۴/ ۳۱۵)
- ۱۴- اثر اخلاص قال على بن ابي طالب: «بالاخلاص ترفع الاعمال».
(غرر/ ۴۲۴۲)
- ۱۵- اثر خوف از خداوند
قال رسول الله ﷺ: «من خاف الله عزّ و جلّ خاف منه كل شيء و من لم يخف الله اخافه الله من كل شيء».
(بحار/ ۷۷/ ۵۰)
- ۱۶- اثر عبادت و بندگی خداوند
قال الحسن بن ابي طالب: «من عبد الله عبّد الله له كل شيء».
(تنبيه الخواطر/ ۲/ ۱۰۸)
- ۱۷- اثر نماز با معرفت
قال على بن ابي طالب: «من اتى الصلوة عارفاً بحقّها غفر له».
(خصال/ ۶۲۸)
- ۱۸- اثر روزه
قال رسول الله ﷺ: «الصوم يورث الحكمة و الحكمة تورث المعرفة و المعرفة تورث اليقين فاذا استيقن العبد لايبالي كيف اصبح بعسر ام يبسر».
(بحار/ ۷۷/ ۲۷)

- ۱۹- اثر حسن ظن به مردم
قال علی علیه السلام: «من حسن ظنه بالناس حاز منهم المحبة». (غرر الحکم / ۴۸۲۳)
- ۲۰- اثر بی رغبتی به دنیا
قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من زهد فی الدنيا هانت علیه المصیبات». (بحار / ۹۴ / ۷۷)

اشاره

حضرت صادق علیه السلام فرمود: خداوند به موسی وحی نمود: آیا می دانی چرا تو را برای مقام رسالت انتخاب، و کلیم خود قرار دادم؟ عرض کرد: نه. خداوند به او وحی کرد به دلیل تواضع و سجده‌هایی که داری و صورت خود را به خاک می‌گذاری.
(بحار / ۴۱۰ / ۱۷)

۵۲- آثار اعمال و اوصاف زشت

- ۱- اثر پر خوری
قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «ایاکم و البطنه فانها مفسدة للبدن و مورثة للسقم و مکسلة عن العبادة». (بحار / ۲۶۶ / ۶۲)
- ۲- اثر پر حرفی
قال علی علیه السلام: «ایاک و کثرة الکلام فانه یكثر الزلل و یورث الملل». (غرر الحکم / ۲۶۸۰)
- ۳- اثر آرزوی دراز
قال علی علیه السلام: «اما طول الامل فینسی الآخرة». (کافی / ۳۳۵ / ۲)
- ۴- اثر پرداختن به لهو
قال علی علیه السلام: «اللهو یسخط الرحمن و یرضی الشیطان و ینسی القرآن». (بحار / ۹ / ۷۸)
- ۵- اثر سرزنش زیاد
قال علی علیه السلام: «لا تکثرن العتاب فانه یورث الضغينة و یدعو الی البغضاء». (غرر الحکم / ۱۰۲۱۴)

- ٦- اثر ثروت فراوان
قال على عليه السلام: «اعلموا ان كثرة المال مفسدة للدين مقساة للقلوب». (تحف العقول / ١٤١)
- ٧- اثر ستم
قال على عليه السلام: «من سلّ سيف البغى قتل به». (نهج السعادة / ١ / ٥٢)
- ٨- اثر تهمت
قال الصادق عليه السلام: «اذا اتهم المؤمن اخاه انما الايمان من قلبه كما يثا الملح في الماء».
- ٩- اثر جدال بي مورد
قال على عليه السلام: «الجدل في الدين يفسد اليقين». (غرر الحكم / ١٠٧٧)
- ١٠- اثر جزع و فزع
قال على عليه السلام: «الجزع لا يدفع القدر ولكن يحبط الاجر». (غرر الحكم / ١٨٧٦)
- ١١- اثر حرص
قال على عليه السلام: «الحرص ينقص قدر الرجل و لا يزيد في رزقه». (غرر الحكم / ١٥٥٠)
- ١٢- اثر حرام خورى
قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من اكل لقمة من حرام لم تقبل له صلوة اربعين ليلة». (كنز العمال / ٩٢٦٦)
- ١٣- اثر حسادت
قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «اياكم و الحسد فانه يأكل الحسنات كما تأكل النار الحطب». (جامع الاخبار / ٤٥١)
- ١٤- اثر كينه توزى؛ قال العسكري عليه السلام: «اقل الناس راحة الحفود». (تحف العقول / ٤٨٨)
- ١٥- اثر تحقير مردم
قال الصادق عليه السلام: «من استذل مؤمناً او مؤمنة او حقره لفقره او قلّة ذات يده شهره الله يوم القيمة ثم يفضحه». (بحار / ٧٢ / ٤٤)
- ١٦- اثر رياست طلبى
قال الصادق عليه السلام: «اياك و الرئاسة فما طلبها احد الا هلك». (معانى الاخبار / ١٨٠)

۱۷- اثر خنده‌ی زیاد

قال رسول الله ﷺ: «ايك و كثرة الضحك فانه يميت القلب». (معاني الاخبار / ۳۳۵)

۱۸- اثر فروتنی برای ثروتمند

قال علي عليه السلام: «من اتى غنياً فتواضع له لغناه ذهب ثلثا دينه». (نهج البلاغه / حکمت ۲۲۸)

اشاره

الف- اثر ترک نهدی از منکر؛ عابدی نماز می خواند در همان لحظه دو کودک خروسی را گرفته و پره‌های آن‌ر امی کنند و او اعتنا نکرد و خداوند آن عابد را به زمین فرو برد (سفینه البحار / ۱ / ۴۰)

ب- اثر سخن چینی؛ شخصی از علی بن یقطین نزد هارون سعایت کرد. هارون فرمان داد سخن چین را هزار تازیانه بزنند پانصد ضربه که زدند از دنیا رفت. (سفینه البحار / ۱ / ۴۳)

ج- اثر تکبر؛ شیطان بر اثر تکبر و غرور از منزلتی که نزد خداوند داشت سقوط کرد. (سفینه البحار / ۱ / ۴۰)

۳-۵ بهترین‌ها

۱- بهترین انسان

الف- قال علي عليه السلام: «خير الناس من انتفع به الناس». (بحار / ۷۵ / ۲۳)

ب- قال علي عليه السلام: «خير الناس من طهر من الشهوات قلبه...» (غرر / ۱ / ۳۹۲)

۲- بهترین برادر

قال علي عليه السلام: «خير اخوانك من واساك و خير منه من كفاك». (بحار / ۷۸ / ۱۲)

۳- بهترین بی‌نیازی

قال علي عليه السلام: «خير الغني غني النفس». (امالی صدوق / ۳۹۴)

- ٤ - بهترين همنشين
 قيل يا رسول الله ائى المجلساء خير قال: من ذكركم بالله رؤيته و زادكم فى علمكم
 منطقته و يرغبكم فى الآخرة عمله». (امالى طوسى / ١٥٧)
- ٥ - بهترين زادوتوشه قال رسول الله ﷺ: «خير الزاد التقوى». (بحار / ٧٧ / ١١٤)
- ٦ - بهترين اخلاق
 قال رسول الله ﷺ: «الا ادلكم على خير اخلاق الدنيا و الآخرة؟» قالوا بلى يا رسول
 الله. قال: «من وصل من قطعه و اعطى من حرمه و عفا عن ظلمه». (بحار / ٧٤ / ١٠٢)
- ٧ - بهترين كار؛ قال رسول الله ﷺ: «خير الامور خيرا عاقبة». (امالى صدوق / ٣٩٥)
- ٨ - بهترين دست؛ قال رسول الله ﷺ: «خير الايدى المنفقة». (بحار / ٧٧ / ١٤٩)
- ٩ - بهترين كلام
 قال رسول الله ﷺ: «...فاما خيرته من الكلام فسيحان الله و الحمد لله و لا اله الا
 الله و الله اكبر فمن قالها عقيب كل صلوة كتب الله له عشر حسنات و محامنه عشر
 سيئات و رفع له عشر درجات». (بحار / ٩٧ / ٤٧)
- ١٠ - بهترين پیامبران
 قال رسول الله ﷺ: «اما خيرته من الانبياء فاختر ابراهيم خليلاً و موسى كليماً و
 عيسى روحاً و محمداً حبيباً». (بحار / ٩٧ / ٤٧)
- ١١ - بهترين فرشتگان؛ قال رسول الله ﷺ: «اما خيرته من الملائكة فجبرئيل و
 ميكائيل و اسرافيل و عزرائيل». (بحار / ٩٧ / ٤٧)
- ١٢ - بهترين زنان
 قال رسول الله ﷺ: «اما خيرته من النساء مريم بنت عمران و آسية بنت مزاحم
 امرأة فرعون و فاطمة الزهراء و خديجة بنت خويلد». (بحار / ٩٧ / ٤٧)

۱۳ - بهترین ماهها و روزها

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «أما خيرته من الشهور فرجب و ذوالقعدة و ذوالحجة و المحرم و هي الاربع الحرم». «و اما خيرته من الايام فيوم الفطر و يوم عرفة و يوم الضحى و يوم الجمعة».

(بخار / ۹۷ / ۴۷)

اشاره

ابن عباس می گوید: هنگامی که آیه شریفه ﴿انّ الذين امنوا و عملوا الصالحات اولئك هم خير البرية﴾ (بینه ۸) نازل شد پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله به علی عليه السلام فرمود: مقصود از این آیه تو و شیعیانست هستی که در روز قیامت وارد عرصه محشر می شوید در حالی که هم شما از خدا راضی هستید و هم خدا از شما راضی است و دشمنت خشمگین وارد محشر می شود و به زور به جهنم می رود. (هو انت و شيعتك تأتي انت و شيعتك يوم القيمة راضين مرضيين و يأتي عدوك غضباناً مقمحين)

(شواهد التنزيل ۲ / ۳۵۷)

۵۴ - توجه به فضائل

۱ - وادار کردن نفس به فضیلتها

قال علی عليه السلام: «اكره نفسك على الفضائل فان الرذائل انت مطبوع عليها».

(غررالحکم / ۲۴۷۷)

۲ - بهترین فضیلتها

قال علی عليه السلام: «افضل الفضائل صلة المهاجر و ايناس النافر و الاخذ بيد العاثر».

(غررالحکم / ۳۳۵۷)

۳ - ریشه‌ی فضیلت

قال علی عليه السلام: «رأس الفضائل ملك الغضب و اماتة الشهوة».

(غررالحکم / ۵۲۳۷)

۴ - بهترین فضیلت اخلاقی

قال علی علیه السلام: «ان افضل اخلاق الرجال الحلم». (غررالحکم / ۳۳۸۶)

۵ - بافضیلت ترین مردم

قال علی علیه السلام: «افضل الناس فی الدنيا الاسخياء و فی الاخرة الاتقياء». (غررالحکم / ۳۲۱۰)

۶ - نمونه‌ای از فضیلت‌ها

۱- ترک سؤال از مردم؛ قال علی علیه السلام: «التقرب الى الله بمسألته و الى الناس بتركها».

(غررالحکم / ۱۸۰۱)

۲- قناعت؛ قال الباقر علیه السلام: «من قنع بما رزقه الله فهو من اغنى الناس». (کافی / ۲/ ۱۳۹)

۳ - بخشش به هنگام قدرت

قال علی علیه السلام: «من عفا عند القدرة عفا الله عنه يوم العسرة». (کنز العمال / ۷۰۰۷)

۴ - کرامت اخلاقی

قال زين العابدين علیه السلام: «اللهم صل على محمد و آله و سدّنی لان اعارض من غشّنی

بالنصح و اجزی من هجرنی بالبرّ و ائیب من حرمنی بالبذل و اکافیء من قطعنی

بالصلة و اخالف من اغتابنی الى حسن الذکر». (صحیفه سجادیه / دعای ۲۰)

اشاره

ابوحمزّه ثمالی گوید: از امام سجاد علیه السلام شنیدم فرمود: وقتی که روز قیامت می شود خداوند تمام انسانها را جمع می نماید سپس منادی حق ندا می کند صاحبان فضیلت کجا هستند؟ جمعیتی از مردم بر می خیزند فرشتگان با آنها ملاقات می کنند و می پرسند فضیلت شما چیست؟ آنان گویند: (کُنَّا نصل من قطعنا و نعطي من حرمنا و نعوو عمن ظلمنا) در این هنگام منادی حق به آنها می گوید: راست گفتید، وارد بهشت شوید.

(وسائل / ۸/ ۵۲۱)

٥٥- تقوا

- ١- تقوا درمان جسم و روح
قال علی علیه السلام: «... فانَّ تقوی الله دواءِ قلوبکم و بصرُ عمی أفئدتکم و شفاءُ مرضِ أجسادکم و صلاح فساد صدورکم و طهور دنس أنفسکم و جلاء عشاء بُصارکم».
(بحار / ٦٧ / ٢٨٤)
- ٢- تقوا، امر قلبی
قال الصادق علیه السلام: «لا یغرتک بکأؤهم، انما التَّقوی فی القلب».
(بحار / ٦٧ / ٢٨٤)
- ٣- باتقواترین انسان
قال علی علیه السلام عن رسول الله صلی الله علیه و آله: «أتقِ النَّاسِ من قال الحقَّ فیما له وعلیه» (بحار / ٦٧ / ٢٨٨)
- ٤- تقوا معیار کرامت
قال زین العابدین علیه السلام: «لا حسب لقرشی و لا عربی الا بتواضع و لا کرم الا بالتَّقوی».
(بحار / ٦٧ / ٢٨٨)
- ٥- درجات تقوا
قال الصادق علیه السلام: «التقوی علی ثلاثة أوجه: تقوی باللَّهِ فی الله و هو ترک الحلال فضلاً عن الشبهة و هو تقوی خاص الخاص و تقوی من الله و هو ترک الشبهات فضلاً عن الحرام و هو تقوی الخاص و تقوی من خوف النار و العقاب و هو ترک الحرام و هو تقوی العام».
(بحار / ٦٧ / ٢٩٥)
- ٦- تفسیر تقوا
قال علی علیه السلام: «التقوی اجتناب»، «التقوی أن یتقی المرء کلَّ ما یؤثمه»، «المتقی من اتقى الذنوب»، «رأس التقوی ترک الشهوة»، «من ملک شهوته کان تقیاً»، «ملاک التقوی رَفُضُ الدُّنیا».
(غرر الحکم / ١ - ٦)

۷- ویژگی متقیان

امام علی علیه السلام در خطبه‌ی همام بیش از ۱۰۰ ویژگی برای متقیان بیان می‌کند، از جمله: «۱- منطقتهم الصواب ۲- ملبسهم الاقتصاد ۳- مشیهم التواضع ۴- غصوا أبصارهم عما حرم الله عليهم ۵- وقفوا أسماهم على العلم النافع لهم ۶- نزلت أنفسهم منهم في البلاء كالتی نزلت في الرّخاء ۷- عظم الخالق في أنفسهم فصغر مادونه في أعينهم ۸- قلوبهم محزونة ۹- شروهم مأمونة ۱۰- أجسادهم نحيفة ۱۱- حاجاتهم خفيفة ۱۲- أنفسهم عفيفة...» (نهج البلاغه / خطبه‌ی ۱۹۳)

۸- برکات تقوا

- ۱- صلاح ایمان؛ قال علی علیه السلام: «سبب صلاح الايمان التقوى». (غررالحکم / ۵۵۱۴)
- ۲- خویشتن داری از محرّمات؛ قال علی علیه السلام: «ان تقوى الله حمت أولیاء الله محارمه». (نهج البلاغه / خطبه ۱۱۴)
- ۳- آبادی دین؛ قال علی علیه السلام: «ان تقوى الله عمارة الدين و عماد اليقين و انهما لمفتاح صلاح و مصباح نجاح». (غررالحکم / ۳۶۲۳)
- ۴- کلیدپاکی، ۵- توشه قیامت ۶- آزادی از هر نوع بندگی؛ قال علی علیه السلام: «ان تقوى الله مفتاح سداد و ذخيرة معاد و عتق من كل ملكة و نجاة من كل هلكة بها يسنجح الطالب و ينجوا الهارب و ينال الرّاغب». (نهج البلاغه / خطبه ۲۳۰)
- ۷- پذیرش اعمال؛ قال علی علیه السلام: «صفتان لا يقبل الله سبحانه الاعمال الاّ بهما التقى و الاخلاص». (غررالحکم / ۵۸۸۷)
- ۸- نجات از گرفتاری‌ها؛ قال علی علیه السلام: «من اتقى الله سبحانه، جعل له من كلّ همّ فرجاً و من كلّ ضيق مخرجاً». (غررالحکم / ۸۸۴۷)
- ۹- زندگی نیرومند؛ «من اتقى الله عاش قویاً». (بحار / ۷۰ / ۲۸۳)
- ۱۰- محبوبیت نزد مردم؛ «من اتقى الله أحبّه الناس». (بحار / ۷۸ / ۷۹)
- ۱۱- حفاظت الهی؛ «من اتقى الله یُتَّق». (بحار / ۵۰ / ۱۷۷)
- ۱۲- ورود به بهشت؛ «أكثر ما تلج به أمتی الجنة تقوى الله». (بحار / ۷۱ / ۳۷۵)

اشاره

الف - عقبه بن بشیر اسدی به حضور امام باقر علیه السلام آمد و گفت: من فرزند بشیر اسدی و از خاندان بزرگ و شریفی هستم. امام به او فرمود: با به رخ کشیدن حسب و نسب خود بر مامنت مگذار. ملاک برتری فقط تقوا و پرهیزکاری است؛ «فلیس لاحد فضل علی احد الا بالتقوی».

(کافی ۲/ ۲۴۷)

ب - مفضل بن عمر گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم. سخن از اعمال پیش آمد عرض کردم چقدر عمل من ضعیف است. فرمود: استغفار کن بعد فرمود: عمل اندک با تقوی بهتر از عمل زیاد بدون تقوی است. عرض کردم: چگونه؟ فرمود: مثل اینکه شخصی اطعام می کند و به همسایگانش نیکی می نماید لکن هرگاه به حرام می رسد خود را کنترل نمی کند و این عمل بدون تقوی است.

(کافی ۲/ ۲۶۷)

۵۶- محبت به خداوند

۱ - عدم سازگاری محبت خدا و دنیا

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «حَبِّ الدُّنْيَا وَ حَبِّ الدِّينِ لَا يَجْتَمِعَانِ فِي قَلْبٍ أَبَدًا».

(تنبيه الخواطر / ۳۶۲)

۲ - قلب انسان جایگاه محبت الهی

قال الصادق علیه السلام: «القلب حرم الله فلا تسكن حرم الله غير الله».

(بحار / ۷۰۷ / ۲۵)

۳ - محبت، اساس دین

قال الصادق علیه السلام: «هل الدين الا الحب؛ ان الله عز و جل يقول: ﴿قل ان كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله﴾».

(بحار / ۶۹ / ۲۳۷)

۴ - درخواست محبت خداوند

قال زين العابدين علیه السلام: «اللهم اني اسئلك ان تملأ قلبي حباً لك و خشية منك و

(بحار / ۹۸ / ۸۹)

تصديقاً لك و ايماناً بك».

- ٥- محبّ الهى لذيدترين نعمت بهشتى
قال على عليه السلام: «أطيب شىء فى الجنة و آذّه حبّ الله و الحبّ فى الله و الحمد لله ربّ العالمين».
(مستدرک ٢/ ٣٦٦)
- ٦- محبت خدا عامل كمال ايمان
قال على عليه السلام: «من أحبّ أن يكمل ايمانه، فليكن حبه لله و بغضه لله و رضاه لله و سخطه لله».
(غرر الحكم ٢/ ٦٩٣)
- ٧- نشانه هاى محبت الهى
قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: «علامة حبّ الله تعالى حبّ ذكر الله تعالى و علامة بغض الله تعالى بغض ذكر الله عزّ و جلّ».
(كنز العمال ١٧٧٦)
- ٨- ميزان محبت الهى
قال الصادق عليه السلام: «من أراد أن يعرف كيف منزلته عند الله، فليعرف كيف منزلة الله عنده».
(بحار ٧١/ ١٥٦)
- ٩- آثار محبت خداوند
الف- كفايت امور انسان؛ قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: «من أكثر محبة الله على محبة نفسه، كفاه الله مؤونة الناس».
(كنز العمال ١٥/ ٧٩)
- ب- زمينه عنايت الهى؛ قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: «انّ الله اذا أحبّ عبداً، ابتلاه لىسمع تضرّعه».
(مجموعه ورام ٥)
- ج- توجه به طاعت و قناعت و فهم دين؛ قال الصادق عليه السلام: «اذا أحبّ الله عبداً أهمه الطاعة و ألزمه القناعة و فقّهه فى الدين و قوّاه باليقين...».
(بحار ١٠٠/ ٢٦)
- د- علاقه به رعايت امانت؛ قال على عليه السلام: «اذا أحبّ الله عبداً، حبّب اليه الأمانة».
(تصنيف غرر ٢٥١)

۱۰- عوامل محبت خداوند به انسان

- الف- بغض دنیا؛ قیل لعیسی بن مریم علیه السلام: «علّمنا عملاً واحداً یحبّنا الله»
 علیه؟ قال: «أبغضوا الدنيا یحببکم الله».
 (بحار / ۱۴ / ۳۲۸)
- ب- انجام واجبات؛ قال الصادق علیه السلام: «قال الله تبارک و تعالی: ما تحبّ الی عبد بأحبّ ممّا افترضت علیه».
 (بحار / ۷۱ / ۱۹۶)
- ج- یاد مرگ؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من أكثر ذکر الموت، أحبّه الله».
 (بحار / ۷۵ / ۱۲۶)
- د- بغض گناهکاران؛ قال الصادق علیه السلام: «طلبت حبّ الله عزّ و جلّ فوجدته فی بغض أهل المعاصی».
 (مستدرک / ۲ / ۳۵۷)
- ه- کمک به مردم؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «أحبّ عباد الله الی الله جلّ جلاله، أنفعهم لعباده و أقومهم بحقّه».
 (بحار / ۷۷ / ۲۵۲)
- سئل النبی صلی الله علیه و آله عن أحبّ الناس الیه، فقال: «أنفعهم للناس»
 (بحار / ۷۴ / ۳۳۹)
- قال الصادق علیه السلام: «قال الله عزّ و جلّ: الخلق عیالی، فأحبّهم الیّ أطفهم به و أسعاهم فی حوائجهم».
 (کافی / ۲ / ۱۹۹)

۱۱- کارهای محبوب خدا

- الف- خرسند ساختن مؤمن؛ قال الباقر علیه السلام: «من أحبّ الأعمال الی الله عزّ و جلّ، ادخال التّور و علی المؤمن او اشباع جوعته أو تنفیس کربته أو قضاء دینه».
 (بحار / ۷۴ / ۲۹۷)
- ب- زیارت قبر امام حسین علیه السلام؛ قال الصادق علیه السلام: «من أحبّ الأعمال الی الله زیارة قبر الحسین علیه السلام».
 (بحار / ۱۰۱ / ۴۹)
- ج- دعا و نیایش؛ قال علی علیه السلام: «أحبّ الأعمال الی الله عزّ و جلّ فی الأرض الدّعاء».
 (بحار / ۹۳ / ۲۹۵)
- د- کم سخن گفتن و کم خوابیدن و کم خوردن؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «ثلاثة یحبّها الله: قلة الكلام، قلة المنام و قلة الطعام».
 (تنبيه الخواطر / ۲ / ۲۱۳)

اشاره

امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند به حضرت موسی وحی نمود مرادوست بدار و مردم را به من علاقه مند کن. موسی علیه السلام عرضه داشت خدایا تو می دانی کسی مانند تو محبوب من نیست اما مردم را چگونه به تو علاقه مند سازم؟ فرمود: نعمتهای مرا به آنان یادآوری کن مرادوست می دارند. (قصص الانبیاء / ۱۳۳)

۵۷- ذکر الهی

- ۱- فضیلت ذکر؛ قال علی علیه السلام: «الذکر لذة المحبین».
- (غرر الحکم / ۱ / ۲۵)
- ۲- حقیقت ذکر
- قال علی علیه السلام: «الذکر ذکران ذکر عند المصیبة حسن جمیل و افضل من ذلك ذکر الله عند ما حرّم عليك فيكون حاجزاً».
- (بحار / ۷۸ / ۵۵)
- ۳- تداوم ذکر غذای روح
- قال علی علیه السلام: «مداومة الذکر قوت الارواح و مفتاح الصلاح».
- (تصنیف غرر / ۱۸۹)
- ۴- عامل تداوم ذکر
- قال علی علیه السلام: «فی حدیث المعراج قال الله تبارک و تعالی لرسوله: دم علی ذکری فقال صلی الله علیه و آله: یا رب و کیف ادوم علی ذکرك فقال: بالخلوة عن الناس و بغضک الخلو و الحامض و فراغ بطنک و بیتک من الدنيا».
- (بحار / ۷۷ / ۵۵)
- ۵- ذکر در تمام اوقات
- «لا تدع ذکر الله ... لان ذکر الله حسن علی کل حال».
- (بحار / ۹۳ / ۱۵۳)
- ۶- موانع ذکر
- قال علی علیه السلام: «من اشتغل بذكر الناس قطع الله سبحانه عن ذكره».
- (غرر الحکم / ۸۲۳۴)

۷- تشویق به ذکر کثیر

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «عليك بتلاوة القرآن و ذكر الله كثيراً فإنه ذكر لك في السماء و نور لك في الارض».

(خصال / ۲ / ۵۲۵)

۸- معنای ذکر کثیر

قال الصادق عليه السلام: «إذا ذكر العبد ربه في اليوم مائة مرة كان ذلك كثيراً». (بحار / ۹۳ / ۱۶۰)

قال الصادق عليه السلام: «تسيب فاطمة الزهراء عليها السلام من الذكر الكثير الذي قال الله عز وجل اذكروا الله ذكراً كثيراً».

(نور الثقلين / ۴ / ۲۸۶)

۹- اهمیت ذکر در موارد خاص

الف - در جنگ و مقابله با دشمن؛ قال على عليه السلام: «إذا لقيتم عدوكم في الحرب فاقلوا الكلام و اكثروا ذكر الله عز وجل».

(بحار / ۹۳ / ۱۵۴)

ب - در بازار؛ قال على عليه السلام: «اكثروا ذكر الله عز وجل إذا دخلتم الاسواق و عند اشتغال الناس فإنه كفارة الذنوب».

(بحار / ۱۰ / ۹۲)

ج - در تنهایی؛ قال الباقر عليه السلام: «في التوراة مكتوب يا موسى ... اذكرني في خلواتك و عند سرور لذاتك».

(بحار / ۱۳ / ۳۲۸)

د - در تصمیم‌گیری هـ - در قضاوت و - در توزیع؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «اذكروا الله عند همك اذا هممت و عند لسانك اذا حكمت و عند يدك اذا اقسمت».

(بحار / ۷۷ / ۱۷۳)

۱۰- آثار ذکر

۱- نیکو شدن اعمال؛ قال على عليه السلام: «من عمّر قلبه بدوام الذكر حسنت افعاله في السرّ و الجهر».^(۱)

۲- زنده شدن قلب؛ قال على عليه السلام: «في الذكر حياة القلوب».^(۲)

۳- طرد شیطان؛ قال على عليه السلام: «ذكر الله مطردة الشيطان».^(۳)

۴- امنیت از نفاق؛ قال على عليه السلام: «من اكثر ذكر الله فقد برىء من النفاق».^(۴)

- ۵- نزول رحمت؛ قال علی علیه السلام: «بذكر الله تنزل الرحمة». (۵)
- ۶- شرح صدر؛ قال علی علیه السلام: «الذكر شرح الصدر». (۶)
- ۷- هدايت عقل؛ قال علی علیه السلام: «الذكر هداية العقول». (۷) (۱-۷- تصنیف غرر / ۱۸۹-۱۹۰)
- ۸- محبوبیت الهی؛ قال علی علیه السلام: «من اكثر ذكر الله احبه». (بحار / ۹۳ / ۱۶۰)
- ۹- ذکر برترین لذت؛ قال زین العابدین علیه السلام: «استغفرك من كل لذة بغير ذكرك و من كل راحة بغير انسك و كل سرور بغير قربك». (بحار / ۹۱ / ۱۵۱)
- ۱۰- ذکر بزرگترین نعمت؛ قال السجاد علیه السلام: «من اعظم النعم علينا جريان ذكرك على السننتنا و اذنك لنا بدعائك و تزيمك و تسبيحك». (مناجات الذاکرين)
- ۱۱- بهترین ذکر؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «افضل الذكر لا اله الا الله و افضل الدعاء الحمد لله». (کنز العمال / ۱ / ۴۲۱)
- ۱۲- ذکر داروی دردهای باطنی؛ قال علی علیه السلام: «ذكر الله دواء اعلال النفوس». (غرر الحكم / ۱ / ۴۰۴)
- ۱۳- ذکر سرمایه مؤمن؛ قال علی علیه السلام: «ذكر الله رأس مال كل مؤمن و ربحه السلامة من الشيطان». (غرر الحكم / ۱ / ۴۰۴)
- ۱۴- ذکر و مجالست با خداوند؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «... قال الله تعالى: يا موسى بن عمران انا جليس من ذكرني». (بحار / ۱۳ / ۳۴۷)
- ۱۵- تکفیر گناهان؛ قال علی علیه السلام: «اذكروا الله كثيراً يكفر سيئاتكم». (بحار / ۸۲ / ۳۲۳)

اشاره

امام صادق علیه السلام فرمودند: پدوم زیاد ذکر می گفت من همراه او بودم در تمام حالات به یاد خدا بود و ذکر می گفت حتی غذا خوردن و سخن گفتن با مردم او را از ذکر الهی باز نمی داشت.

(وسائل / ۴ / ۱۱۸۱)

۵۸- یقین

- ۱- ارزش یقین
قال رسول الله ﷺ: «خير ما لقي في القلب اليقين». (امالی صدوق / ۳۹۵)
- ۲- یقین ستون ایمان؛ قال علی علیه السلام: «اليقين عماد الايمان». (غرر الحكم / ۳۹۸)
- ۳- یقین گوهر گرانبها
قال الصادق علیه السلام: «ان الايمان افضل من الاسلام و ان اليقين افضل من الايمان و ما من شيء اعز من اليقين».
- ۴- یقین بهترین عبادت؛ قال علی علیه السلام: «اليقين افضل عبادة». (غرر الحكم / ۸۵۶)
- ۵- یقین بالاترین مراتب کمال
قال الرضا علیه السلام: «الايمان فوق الاسلام بدرجة و التقوى فوق الايمان بدرجة و اليقين فوق التقوى بدرجة و لم يقسم بين العباد شيء اقل من اليقين».
- ۶- نشانه های یقین
قال علی علیه السلام: «يستدل على اليقين بقصر الامل و اخلاص العمل و الزهد في الدنيا».
- ۷- عوامل فساد یقین
قال علی علیه السلام: «حب المال يوهن الدين و يفسد اليقين».
- ۸- الگوی یقین؛ قال علی علیه السلام: «لو كشف الغطاء ما ازددت يقيناً». (غرر الحكم / ۷۵۶۹)
- ۹- مراتب یقین
مرحوم مجلسی گوید: و لليقين ثلاث مراتب: علم اليقين و عين اليقين و حق اليقين قال الله تعالى: «كلاً لو تعلمون عين اليقين لترون المحجم ثم لترونها عين اليقين ان هذا هو حق اليقين».

۱۰- آثار یقین

الف- صبر؛ قال علی علیه السلام: «سلاح الموقن الصبر على البلاء و الشکر فی الرخاء».

(غرر الحکم / ۵۵۶۰)

ب- اخلاص؛ قال علی علیه السلام: «اخلاص العمل من قوّة اليقین و صلاح النية».

(غرر الحکم / ۱۳۰۱)

ج- توکل؛ قال علی علیه السلام: «بحسن التوکل يستدل على حسن الايقان». (غرر الحکم/۴۲۸۶)

د- رضا؛ قال علی علیه السلام: «بالرضا بقضاء الله يستدل على حسن اليقین».

(غرر الحکم / ۴۲۸۴)

اشاره

در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جوانی به مرحله ی یقین رسیده بود. پیامبر صلی الله علیه و آله در باره ی او فرمود: «هذا عبد نور الله قلبه بالایمان» سپس وی از پیامبر صلی الله علیه و آله درخواست کرد از خداوند بخواهد به شهادت نایل شود و در یکی از جنگ ها به آرزوی خود رسید.

(بحار / ۲۲ / ۱۲۶)

۵۹- نیت

۱- برتری نیت بر عمل

قال الصادق علیه السلام: «و النیة افضل من العمل الا و انّ النیة هی العمل ثم تلا قوله تعالى:

(وسائل / ۱ / ۳۶)

﴿قل كل يعمل على شاکلته﴾ یعنی علی نیت».

۲- تأثیر نیت در قوت جسمی

قال الصادق علیه السلام: «ما ضعف بدن عما قویت علیه النیة».

(فقیه / ۴ / ۴۰۰)

۳- حسن نیت زمینهای لطف حق

قال علی علیه السلام: «على قدر النیة تكون من الله العطيّة».

(غرر الحکم / ۶۱۹۳)

۴- نیت شایسته در همه‌ی اعمال؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله «يا اباذر! ليكن لك في كل شيء نية صالحة حتى النوم والاكل».

(مكارم الاخلاق / ۲ / ۳۷۰)

۵- پاداش نیت نماز شب

قال الصادق عليه السلام: «ان العبد لينوى من نهاره ان يصلى بالليل فيغلبه عينه فينام فيثبت الله له صلوته و يكتب نفسه تسبيحاً و يجعل نومه عليه صدقة»

(بحار / ۶۷ / ۲۰۶)

۶- تأثیر نیت در خلود بهشت و جهنم

قال الصادق عليه السلام: «أما خلد اهل النار في النار لانّ نياتهم كانت في الدنيا ان لو خلدوا فيها ان يعصوا الله ابدأ و اما خلد اهل الجنة في الجنة لانّ نياتهم كانت في الدنيا ان لو بقوا فيها ان يطيعوا الله ابدأ فبالنيات خلد هولاء و هولاء ثم تلا قوله تعالى: ﴿قل كل يعمل على شاكلته﴾ قال على نيته».

(كافي / ۲ / ۸۵)

۷- نیت بر آوردن نیاز مؤمن

«ان المؤمن لترد عليه الحاجة لآخيه فلا تكون عنده فيهم بها قلبه فيدخله الله تبارك و تعالى بهم الجنة».

(كافي / ۲ / ۱۹۶)

۸- نیت توفیق شهادت؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من سأل الله الشهادة بصدق بلغه الله منازل الشهداء و ان مات على فراشه»

(مرآت العقول / ۸ / ۱۰۳)

۹- حکمت برتری نیت بر عمل

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «نية المؤمن خير من عمله و ان الله عزّ و جلّ يعطى العبد على نيته ما لا يعطى على عمله و ذلك ان النية لا رياء فيها و العمل يخالطه الرياء».

(كنز العمال / ۷۲۷۰)

۱۰- آثار حسن نیت

الف- توسعه‌ی رزق؛ قال الصادق عليه السلام: «من حسنت نيته زاد الله في رزقه».

(محاسن / ۱ / ۴۰۶)

- ب- اصلاح عمل؛ قال علی علیه السلام: «صلاح العمل بصلاح النية». (غررالحکم / ۵۷۹۲)
- ج- پاداش فراوان؛ قال علی علیه السلام: «من حسنت نيته كثرت مثوبته و طابت عيشه و وجبت مودته». (غررالحکم / ۹۰۹۴)

۱۱- آثار سوء نیت

- الف- رنج و بلا؛ قال علی علیه السلام: «إذا فسدت النية وقعت البلية». (غررالحکم / ۴۰۲۱)
- ب- نرسیدن به آرزو؛ قال علی علیه السلام: «من أساء النية منع الامنية». (غررالحکم / ۸۳۱۱)
- ج- محرومیت از رزق؛ قال الصادق علیه السلام: «ان المؤمن لينوى الذنب فيحرم رزقه».

اشاره

(بحار / ۷۱ / ۲۴۷)

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: روز قیامت که می شود، مؤمن هنگامی که به پرونده‌ی خود می نگرد، اعمالی خوبی را مشاهده می کند که انجام نداده چشم او روشن و قلب او شادمان می گردد و عرض می کند: پروردگارا! من این کارها را انجام نداده ام خطاب می رسد چون نیت این کارهای خیر را داشتید ما برای شما ثبت کردیم و امروز پاداش می دهیم؛ «... يقولون و عزتك انك لتعلم انا لم نعمل منها شيئاً فيقول صدقتم نويتموها فكتبناها لكم ثم يثابون عليها».

(تفسیر علی ابن ابی‌همیم / ۲ / ۲۶)

۶۰- اخلاص

۱- اهمیت اخلاص

قال علی علیه السلام: «طوبى لمن اخلص لله العبادة و الدعاء و لم يشغل قلبه بما ترى عيناه و لم ينس ذكر الله بما تسمع اذناه و لم يحزن صدره بما اعطى غيره».

(کافی / ۲ / ۱۶)

۲- اخلاص سرّ الهی

قال علی علیه السلام قال الله تعالى: «الاخلاص سرّ من اسرارى استودعه قلب من احببته»

(محجة البيضاء / ۸ / ۱۲۵)

۳- نشانه‌های اخلاص

الف- عدم انتظار ستایش

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «لكل حق حقيقة و ما بلغ عبد حقيقة الاخلاص حتى لا يجب ان يحمد على شيء من عمله لله».

(بحار / ۷۲ / ۳۰۴)

ب- برابری ستایش و نکوهش

قال الصادق عليه السلام: «لا يصير العبد عبداً خالصاً لله عزّوجلّ حتى يصير المدح و الذمّ عنده سواء».

(بحار / ۷۳ / ۲۹۴)

ج- اجتناب از حرام

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من قال لا اله الا الله مخلصاً دخل الجنة و اخلاصه بها ان يحجزه لا اله الا الله عمّا حرّم الله».

(بحار / ۱ / ۳۵۹)

د- پرهیز از مردم آزاری

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «و اما علامة المخلص فاربعة: يسلم قلبه و يسلم جوارحه و بذل خيره و كف شرّه».

(تحف العقول / ۲۱)

ه- امید به خدا و ترس از گناه

قال على عليه السلام: «العبادة الخاصة ان لا يرجو الرجل الا ربه و لا يخاف الا ذنبه» (غرر / ۱ / ۹۹)

۴- اخلاص عبادت مقربان؛ قال على عليه السلام: «الاخلاص عبادة المقربين» (غرر / ۱ / ۲۵)

۵- نشانه‌ی غیر مخلص

قال على عليه السلام: «لو ارتفع الهوى لانف غير المخلص من عمله».

(غرر الحكم / ۷۵۷۶)

۶- پیامد عدم اخلاص

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من اصبح من امتي و همّه غير الله فليس من الله»

(بحار / ۶۷ / ۳ / ۲۴)

۷- آثار اخلاص علیه

۱- محبوبیت نزد خداوند؛ قال علی علیه: «احبّ عباد الله من اخلص».

(نهج البلاغه / خطبه ۸۷)

۲- آزادگی؛ قال علی علیه: «بالاخلاص يكون الخلاص».

(تنبيه الخواطر / ۲/ ۱۵۴)

۳- سعادت؛ قال علی علیه: «السعيد من اخلص الطاعة».

(غرر الحكم / ۱/ ۴۶)

۴- رسیدن به هدف؛ قال علی علیه: «اخلص تنل».

(غرر الحكم / ۲۲۴۸)

۵- بصیرت؛ قال علی علیه: «عند تحقق الاخلاص تستنير البصائر».

(غرر الحكم / ۶۲۱۱)

۶- جاری شدن حکمت از قلب بر زبان؛

قال رسول الله ﷺ: «ما اخلص عبدالله عزوجل اربعين صباحاً الا جرت ينابيع الحكمة من قلبه على لسانه».

(بحار / ۷۰/ ۲۴۲)

۸- پذیرفته شدن اعمال؛ قال رسول الله ﷺ: «اذا عملت عملاً فاعمل لله خالصاً لانه لا يقبل الله من عبادة الاعمال الا ما كان خالصاً».

(بحار / ۷۷/ ۳۰)

قال الصادق علیه: «قال الله عز و جل: انا خير شريك من اشرك معي غيري في عمل عمله لم اقبله الا ما كان خالصاً».

(كافي / ۲/ ۲۹۵)

اشاره

هنگامی که موسی علیه بر شعیب علیه وارد شد، شعیب به او گفت: در منزل ما غذا بخور. موسی علیه نپذیرفت. و گفت: می ترسم این غذا عوض آب کشیدن برای دختران تو باشد و ما اهل بیت هرگز عمل برای آخرت را در برابر زمین پر از طلا نمی فروشیم. فقال شعیب: «و لم ذاك؟ فقال موسی: ولكن اخاف ان يكون هذا عوضاً عما سقيت لهما و انا اهل بيت لا نبيع شيئاً من عمل الاخرة بملاً الارض ذهباً» شعیب فرمود: رسم ما بر این است که از مهمان پذیرایی کنیم آن گاه موسی علیه پذیرفت. (بحار / ۱۳/ ۲۱)

۱-۶۱ دعا

- ۱- دعا مغز عبادت قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «الدعاء مع العبادة...». (بحار ۳۰۰/۹۳)
- ۲- دعا سلاح مؤمن
قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «الدعاء سلاح المؤمن وعمود الدين ونور السموات والارضين». (كافي ۴۶۸/۲)
- ۳- دعا کلید رحمت
قال علي عليه السلام: «الدعاء مفتاح الرحمة ومصباح الظلمة». (بحار ۳۰۰/۹۳)
- ۴- دعا سپر مؤمن قال علي عليه السلام: «الدعاء ترس المؤمن». (كافي ۴۶۸/۲)
- ۵- درخواست تمام نیازها از خداوند
قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «ليسأل احدكم ربه حاجته كلها حتى يسأله شسع نعله اذا انقطع». (بحار ۲۹۵/۹۳)
- ۶- دعا برای حفظ آبرو
قال علي عليه السلام: «اللهم صن وجهي باليسار ولا تبذل جاهي بالاقتار...». (نهج البلاغه ۷۱۶)
- ۷- شرایط استجاب دعا
الف- شناخت خداوند؛ قال قوم للصادق عليه السلام ندعوا فلا يستجاب لنا؟ قال عليه السلام: «لأنكم تدعون من لا تعرفونه».
(بحار ۳۸۶/۹۳)
- ب- عمل شایسته؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «يكفي من الدعاء مع البر ما يكفي الطعام من الملح».
(بحار ۳۷۶/۹۳)
- ج- غذای حلال؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «لمن قال له احب ان يستجاب دعائي طهّر ما أكلك ولا تدخل في بطنك المحرام».
(بحار ۳۷۳/۹۳)
- د- حضور قلب؛ قال الصادق عليه السلام: «ان الله لا يستجيب دعا بظهر قلب ساه فاذا دعوت فاقبل بقلبك ثم استيقن بالاجابة».
(كافي ۳۷۳/۲)

٨- موانع استجابت دعا

الف- گناه؛ قال الباقر عليه السلام: «انَّ العبد يسأل الحاجة ... فيذنب العبد ذنباً فيقول الله تبارك و تعالی للملك لا تقض حاجته و احرمه اياها فانه تعرّض لسخطي و استوجب الحرمان مني».

(بحار / ٧٣ / ٣٢٩)

ب- منافات داشتن با حکمت خداوند؛ قال علی عليه السلام: «انَّ كرم الله لا ينقض حکمته فلذلك لا تقع الاجابة في كل دعوة».

(غرا الحکم / ٣٤٧٨)

٩- علّت تأخير اجابت دعا

قال علی عليه السلام: «لا يقنطنك تأخير اجابة الدعاء فان العطيّة على قدر النية».

(تصنيف غرر / ١٩٣)

قال الصادق عليه السلام: «انَّ العبد ليدعوا فيقول الله عزّ و جلّ للملكين قد استجبت له ولكن احبسوه بحاجته فاني احبّ ان اسمع صوته ...».

(كافي / ٢ / ٤٨٩)

١٠- انواع اجابت دعا

قال زين العابدين عليه السلام: «المؤمن من دعائه على ثلاث اّمّا يدخر له و اّمّا ان يعجل له و اّمّا ان يدفع عنه بلاء يريد ان يصيبه».

(بحار / ٧٨ / ١٣٨)

١١- آداب دعا

١- بسم الله گفتم؛ قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: «لا يردّ دعاء اوله بسم الله الرحمن الرحيم».

(بحار / ٩٣ / ٣١٣)

٢- تمجيد خداوند؛ قال الصادق عليه السلام: «كل دعاء لا يكون قبله تمجيد فهو ابتر».

(بحار / ٩٣ / ٣٢١)

٣- صلوات بر پیامبر و آل او؛ قال الصادق عليه السلام: «لا يزال الدعاء محبوباً حتّى يصلى على محمد و آل محمد».

(كافي / ٢ / ٤٩١)

٤- اقرار به گناه؛ قال الصادق عليه السلام: «انّما هي المدحه ثم الاقرار بالذنب ثم المسألة».

(بحار / ٩٣ / ٣١٨)

- ۵- دعا برای دیگران؛ قال الصادق علیه السلام: «من قدّم اربعین من المؤمنین ثم دعا استجیب له». (بحار ۲/ ۵۰۹)
- ۶- حسن ظن به اجابت؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «ادعوا الله و انتم موقنون بالاجابة». (بحار ۹۳/ ۳۰۵)
- ۷- اصرار و رزیدن؛ قال الباقر علیه السلام: «ان الله کره الحاح الناس بعضهم على بعض في المسألة و احبّ ذلك لنفسه». (بحار ۷۸/ ۱۷۳)
- ۸- دعا بعد از عمل واجب؛ قال النبی صلی الله علیه و آله: «من ادّى فريضة فله عند الله دعوة مستجابة». (بحار ۸۵/ ۳۲۱)
- ۹- تضرع و ابتهاج؛ كان رسول الله صلی الله علیه و آله يرفع يديه اذا ابتهل و دعا كما يستطعم المسكين. (بحار ۹۳/ ۲۹۴)
- ۱۰- نماز خواندن؛ قال الصادق علیه السلام: «جاء رجل الى المسجد فصلّى ركعتين ثم اثنى على الله عزّ و جلّ و صلّى على النبي و آله. فقال رسول الله صلی الله علیه و آله: سل تعطّ». (بحار ۹۳/ ۳۱۶)

اشاره

الف - حضرت یونس علیه السلام وقتی در شکم ماهی قرار گرفت سه کار انجام داد: اقرار به توحید، تسبیح خداوند و اعتراف به تقصیر (ترک اولی) و بعد از آن خداوند دعای او را مستجاب نمود و نجات یافت «فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له و نجیناه من الغمّ و كذلك نجی المؤمنین»

ب - فضل بن یونس گوید: امام کاظم علیه السلام به من فرمود: این دعا را بسیار بخوان: «اللهم لا تجعلني من المعارين و لا تخرجني من التقصير». عرض کردم: معنای ایمان عاریه (ناپایدار) را دانستم ولی معنای مرا از تقصیر بیرون مبر چیست؟ فرمود: هر کاری را که برای خدا انجام می دهی خود را در آن مقصّر بدان زیرا همه ی انسان ها در مورد اعمالشان بین خود و خدا مقصّر هستند. (کافی ۲/ ۴۲۱)

۶۲- توکل

- ۱- توکل یکی از ارکان ایمان
قال الرضا عليه السلام: «الایمان اربعة اركان: التوكل على الله عزّ و جل و الرضا بقضائه و التسليم لامر الله و التفويض الى الله». (قرب الاسناد / ۳۵۴)
- ۲- حقیقت توکل
قال الصادق عليه السلام: «لما سئل عن حدّ التوكل: ان لا تخاف مع الله شيئاً». (بحار / ۷۱ / ۱۵۶)
قال جبرئيل: «لما سأله النبي عن التوكل على الله: العلم بان المخلوق لا يضر و لا ينفع و لا يعطى و لا يمنع و استعمال اليأس من المخلوق فاذا كان العبد كذلك لم يعمل لاحد سوى الله و لم يرج و لم يخف سوى الله و لم يطمع في احد سوى الله فهذا هو التوكل». (معاني الاخبار / ۲۶۱)
- ۳- عدم اعتماد به ديگران
قال الجواد عليه السلام: «من انقطع الى غير الله و كله الله اليه». (الدرة الباهرة / ۴۰)
- ۴- آثار توکل
الف- آسان شدن دشواریها؛ قال علی عليه السلام: «من توكل على الله ذلّ له الصعاب و تسهّلت عليه الاسباب». (تصنيف غرر / ۱۹۷)
ب- پیروزی؛ قال الباقر عليه السلام: «من توكل على الله لا يغلب و من اعتصم بالله لا يهزم». (جامع الاخبار / ۳۲۲)
ج- كفايت خداوند؛ قال علی عليه السلام: «من وثق بالله اراه السرور و من توكل عليه كفاه الامور». (جامع الاخبار / ۳۲۲)
- ۵- توکل نردبان تکامل
قال الجواد عليه السلام: «الثقة بالله تعالى ثمن لكلّ غال و سلّم الى كلّ عال». (بحار / ۷۸ / ۳۶۴)

۶- نشانه‌ی توکل

قال علی علیه السلام: «لینبغی لمن رضی بقضاء الله سبحانه ان یتوکل علیه». (غرالیحکم/ ۱۰۹۳۶)

۷- درجات توکل

قال الرضا علیه السلام: «التوکل درجات منها ان تثق به فی امرک کله فیما فعل بک فما فعل بک کنت راضياً... و من ذلك الايمان بغيوب الله التي لم يحط علمك بها فوكلت علمها اليه...» (تحف العقول/ ۴۴۳)

۸- پیامد عدم توکل بر خدا

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «أوحى الله عزّ وجلّ الى بعض انبيائه و عزى و جلالى لا قطعنّ امل كل مؤمّل غيرى بالاياس و لا كسوته ثوب المذلة في النار... ايؤمّل عبدي في الشدائد غيرى و الشدائد بيدي او يرجوا سواى و انا الغنى الجواد...» (بحار/ ۷۱/ ۱۵۴)

اشاره

الف- هنگامی که حضرت ابراهیم علیه السلام را در میان آتش انداختند، فرشتگان مختلف از او سؤال کردند «هل لك من حاجة؟» به همی آن‌ها گفت نیازی به شما ندارم. بعد فرمود: «حسی من سؤالی علمه بحالی».

ب- پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله دعا می‌کرد و می‌گفت: «اللهم لا تكلني الى نفسي طرفة عين ابدأ» ام سلمه اعتراض کرد. حضرت پاسخ دادند و فرمودند: «و ما يؤمنني و انما وکل الله يونس بن متى الى نفسه طرفة عين فكان منه ما كان».

ج- حضرت یوسف علیه السلام به شخصی که تعبیر خواب را برایش بیان کرد و فرمود تو ساقی ملک خواهی شد، فرمود: «اذكرني عند ربك» و این کلام باعث شده هفت سال در زندان بماند. خداوند متعال به او وحی کرد چه کسی تو را از این همه مشکلات نجات داد؟ گفت: خدایا تو مرا نجات دادی. خداوند فرمود: پس چرا به غیر من برای نجات از زندان پناه بردی؟ فقال الله: «كيف استغثت بغيري و لم استغث بي و تسألني ان اخرجك من السجن».

(بحار/ ۱۲/ ۳۰۲)

۶۳- رضا و تسلیم

۱- رضایت نشانه‌ی ایمان

قال الصادق عليه السلام: «اعلموا انه لن يؤمن عبد من عبده حتى يرضى عن الله فيما صنع الله اليه و صنع به على ما احبّ و كره».

(بحار / ۷۸ / ۲۱۷)

۲- رضایت به مقدرات الهی؛ قال علی عليه السلام: «ان الله سبحانه يجري الامور على ما يقتضيه لا على ما ترتضيه».

(غررالحکم / ۳۴۳۲)

قال علی عليه السلام: «الامور بالتقدير لا بالتدبير».

(غررالحکم / ۱۹۴۷)

۳- رضایت نشانه‌ی معرفت کامل

قال الصادق عليه السلام: «ان اعلم الناس بالله ارضاهم بقضاء الله».

(بحار / ۷۱ / ۱۵۸)

۴- رضایت و زندگی گوارا

قال علی عليه السلام: «انّ اهنأ الناس عيشاً من كان بما قسمّ الله راضياً».

(غررالحکم / ۳۳۹۷)

۵- عدم رضایت به مقدرات

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «يقول الله تعالى من لم يرض بقضائي و لم يشكر نعمائي و لم يصبر على بلائي فليتنخذ رباً سواي».

(بحار / ۸۲ / ۱۳۲)

۶- خیر بودن مقدرات الهی؛ قال الصادق عليه السلام: «عجبت للمراء المسلم لا يقضى الله عزّ و جلّ قضاء الاّ كان خيراً له و ان قرض بالمقاريض كان خيراً له و ان ملك مشارق الارض و مغاربها كان خيراً له».

(كافي / ۲ / ۶۲)

۷- آثار رضایت

الف- آسایش بدنی؛ قال علی عليه السلام: «من رضى من الله بما قسم له استراح بدنه».

(بحار / ۷۱ / ۱۳۹)

ب - آرامش روحی؛ قال علی علیه السلام: «من رضى برزق الله لم يحزن على ما فاته».

(نهج البلاغه / ۳۴۹)

ج - از بین رفتن اندوه؛ قال علی علیه السلام: «نعم الطارد لهم الرضا بالتضاء». (غررالحکم / ۹۹۰۹)

۸ - معنای تسلیم

قال الصادق علیه السلام: «اذا قال العبد لا حول و لا قوة الا بالله قال الله عز و جل للملائكة استسلم عبدی اقضوا حاجته».

(بحار / ۹۳ / ۱۸۹)

۹ - تسلیم عامل رستگاری

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «يا عباد الله انتم كالمرضى و رب العالمين كالطبيب فصلاح المرضى فيما يعلمه الطبيب و تدبيره به لا فيما يشتهي المريض و يقترحه الا فسلّموا لله امره تكونوا من الفائزين».

(تنبيه الخواطر / ۲ / ۱۱۷)

۱۰ - شکایت از خداوند و عدم تسلیم

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «يأتى على الناس زمان يشكون فيه ربهم قلت و كيف يشكون فيه ربهم قال يقول الرجل و الله ما رجحت شيئاً منذ كذا و كذا و لا اكل و لا اشرب الا من رأس مالى و يحك و هل اصل مالك و ذروته الا من ربك؟».

(كافى / ۵ / ۳۱۲)

۱۱ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله الگوی تسلیم

قال الصادق علیه السلام: «لم يكن رسول الله يقول لشيء قد مضى لو كان غيره».

(تنبيه الخواطر / ۲ / ۱۸۵)

اشاره

الف - اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام مریض شد و از دنیا رفت. امام قبل از آن که فرزندش از دنیا برود تضرع می نمود، اما بعد از رحلت فرزندش تضرع امام قطع گردید. شخصی علت این برخورد را جویا شد. حضرت فرمود: ما قبل از مصیبت از خداوند درخواست (سلامتی) می کنیم اما وقتی که امر الهی واقع شد به قضا و فرمان

او تسلیم هستیم. (بحار / ۴۷ / ۴۹)

ب - هنگامی که ابراهیم فرزند پیامبر اکرم ﷺ از دنیا رفت، پیامبر گریه کرد. به ایشان عرض کردند «تنهی عن البكاء و انت تبکی» فرمود: این گریه نیست «و انما رحمة و من لا یرحم لا یرحم».

در حدیث دیگر فرمودند: «تبکی العین و یدمع القلب و لا نقول ما یسخط الرب عزّ و جلّ».

(بحار / ۸۲ / ۹۰)

۴-۶- توبه

- ۱ - اهمیت توبه؛ قال الباقر علیه السلام: «ان الله تعالى اشدّ فرحاً بتوبة عبده من رجل اضل راحلته و زاده في ليلة ظلماء فوجدها فالله اشدّ فرحاً بتوبة عبده من ذلك الرجل براحلته حين وجدها».

(کافی / ۲ / ۴۳۵)

- ۲ - آسان تر از توبه؛ قال علی علیه السلام: «ترك الذنب اهن من طلب التوبة». (بحار / ۷۳ / ۳۶۴)
- ۳ - عدم سازش آرزوی طولانی با توبه؛ قال علی علیه السلام: «لا تکن ممن یرجو الآخرة بغير العمل و یرجى التوبة بطول الامل...».

(بحار / ۶ / ۳۷)

- ۴ - معنای توبه نصوح؛ قال کاظم علیه السلام: «في قول الله عزّ و جلّ: ﴿توبوا الى الله توبة نصوحاً﴾ یتوب العبد ثم لا یرجع فيه».

(بحار / ۶ / ۲۰)

- ۵ - توبه از گناه تضييع حق الناس؛ عن شيخ من النخع قال قلت لابی جعفر علیه السلام انی لم ازل والياً منذ زمن الحجاج الى يوم هذا فهل لی من توبة؟ قال: فسکت ثم اعدت علیه؟ فقال: «لا، حتی تؤدّي الى كل ذي حق حقه».

(بحار / ۷۵ / ۳۲۹)

- ۶ - ارکان توبه؛ قال علی علیه السلام: «التوبة على اربعة دعائم ندم بالقلب و استغفار باللسان و عمل بالجوارح و عزم على ان لا یعود».

(بحار / ۷۸ / ۸۱)

۷- زمان پذیرفتن توبه؛ قال رسول الله ﷺ: «... من تاب قبل ان يعاين قبل الله توبته».
(کافی ۲/ ۴۴۰)

۸- نشانه‌های تائب؛ قال رسول الله ﷺ: «اما علامة التائب فاربعة النصيحة لله في عمله و ترك الباطل و لزوم الحق و الحرص على الخير».
(تحف العقول ۲۲)

۹- آثار و برکات توبه

الف - نزول رحمت؛ قال علی عليه السلام: «التوبة تستنزل الرحمة».
(مستدرک ۲/ ۳۴۸)

ب - طهارت روح؛ قال علی عليه السلام: «التوبة تطهر القلوب و تغسل الذنوب».
(غرر الحکم)

ج - از بین رفتن گناه؛ قال الباقر عليه السلام: «التائب من الذنب كمن لا ذنب له».
(بحار ۶/ ۴۱)

د - محبوبیت الهی؛ قال رسول الله ﷺ: «ليس شيء احبّ الى الله من مؤمن تائب او مؤمنة تائبة».
(بحار ۶/ ۲۱)

۱۰- اوصاف توبه کننده

قال رسول الله ﷺ: «اتدرون من التائب؟» قالوا: اللهم لا. قال: «اذا تاب العبد و لم يرض الخصماء فليس بتائب اذا تاب العبد و لم يغير لباسه فليس بتائب اذا تاب العبد و لم يغير فراشه و وسادته فليس بتائب اذا تاب العبد و لم يغير خلقه و نيته فليس بتائب... اذا استقام على هذا الخصال فذاك التائب».
(بحار ۶/ ۳۶)

اشاره

الف - علی بن حمزه گوید: یکی از دوستان من از نویسندگان بنی امیه بود خدمت امام صادق عليه السلام رسید امام فرمود: اگر بنی امیه مثل شما را نداشتند تا مالیات برای آنان جمع کنند حق ما را غصب نمی کردند. عرض کردم آیا راه نجاتی برای من هست؟ فرمود: آری، تمام حقوقی که از مردم گرفته‌ای به آنان برگردان و اگر نمی شناسی صدقه بده بهشت را برای تو ضمانت می کنم. این شخص فرمان امام را امتثال کرد. علی بن حمزه گوید بعد از مدتی مریض شد در لحظه‌ی احتضار چشم

خود را باز کرد و گفت: امام صادق به وعده‌ی خویش وفا کرد. (محنة البيضاء / ۳ / ۲۵۴)
 ب - جنگ تبوک پیش آمد. پیامبر ﷺ دستور بسیج عمومی داد. همه‌ی مسلمانان
 شرکت کردند جز سه نفر که تخلف ورزیدند. بعد از جنگ پیامبر ﷺ فرمود: کسی
 با آنان معاشرت نکند به گونه‌ای که زندگی بر آنان سخت و گران آمد. تا این که به
 سوی بیابان رفته و روزها گریه و زاری کردند تا توبه‌ی آنان پذیرفته شد و این
 آیات نازل شد: «لقد تاب الله على النبي و المهاجرين و الانصار الذين اتبعوه في
 ساعة العسرة ... * و على الثلاثة الذين خلفوا حتى اذا ضاقت عليهم الارض بما
 رحبت» (توبه / ۱۱۷-۱۱۸ مجمع البيان / ۵ / ۱۱۸)

۶۵- استغفار

- ۱ - استغفار درمان درد گناه
 قال علیؑ: «الا ادلکم علی دوائکم و دوائکم الا ان دائکم الذنوب و دواء الذنوب
 الاستغفار» (کنز العمال / ۲۰۸۹)
- ۲ - استغفار و لطف خداوند
 قال علیؑ: «اکثروا من الاستغفار فان الله عزّ و جلّ لم یعلمکم الاستغفار الا و هو
 یرید ان یغفر لکم» (تنبيه الخواطر / ۱ / ۵)
- ۳ - معطر شدن به استغفار
 قال علیؑ: «تعطروا بالاستغفار لا تفضحکم روائح الذنوب» (بحار / ۹۳ / ۲۷۸)
- ۴ - استغفار محبوب خداوند
 قال رسول الله ﷺ: «ان الله تعالى يحب ثلاثة اصوات صوت الديك و صوت قارئ
 القرآن و صوت الذين يستغفرون بالاسحار» (مستدرک / ۱۲ / ۱۴۶)

۵- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و استغفار

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «أنته لیغان علی قلبی و انی لاستغفر الله فی کل یوم سبعین مرّة».

(مستدرک / ۵ / ۳۲۰)

۶- بهترین زمان برای استغفار

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «خیر وقت دعوتم الله عزّ و جلّ فیہ الاسحار و تلا هذه الآیة فی قول یعقوب ﴿سوف استغفر لکم ربی﴾ و قال اخرهم الی السحر».

(کافی / ۲ / ۴۷۷)

۷- آثار استغفار

الف- دفع بلا؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «ادفعوا ابواب البلیا بالاستغفار» (مستدرک / ۵ / ۳۱۸)
ب- دفع اندوه و غم؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من کثرت همومه فعلیه بالاستغفار».

(کافی / ۸ / ۹۳)

ج- امنیت از عذاب دنیوی

قال علی علیه السلام: «کان فی الارض امانان من عذاب الله و قد رفع احدهما فدونکم الاخر فتمسکوا به اما امان الذی رفع فهو رسول الله و اما الامان الباقی فالاستغفار قال الله تعالی ﴿و ما کان الله لیسعذبهم و انت فیهم و ما کان الله معذبهم و هم یستغفرون﴾».

(نهج البلاغه / حکمت ۸۸)

د- غفران الهی؛ قال علی علیه السلام: «من اعطی الاستغفار لم یحرم المغفرة».

(نهج البلاغه / حکمت ۱۳۵)

اشاره

شخصی نزد حضرت علی علیه السلام آمد و از فقر و گرفتاری و کثرت خانواده شکایت کرد. حضرت فرمود: «علیک بالاستغفار فان الله عزّ و جلّ یقول: ﴿استغفروا ربکم انه کان غفّاراً﴾ یرسل السماء علیکم مدراراً * یمدکم باموال و

(نوح / ۱۰-۱۲؛ کنز العمال / ۳۹۶۶)

بنین و ...»

۶۶- عفو و رحمت الهی

۱- ارزش عفو

قال رسول الله ﷺ: «الا اخبركم بخير خلائق الدنيا و الآخرة العفو عمّن ظلمك و تصل من قطعك و الاحسان الى من اساء اليك و اعطاء من حرمك». (كافي ۱۰۷/۲)

۲- تشويق به عفو به هنگام قدرت
قال علي عليه السلام: «اذا قدرت على عدوك فاجعل العفو عنه شكراً للقدرة عليه».

(نهج البلاغه / حكمت ۱۱)

۳- عوامل عفو و رحمت خداوند

الف - پرهیز از گناه

قال علي عليه السلام: «من تنزه عن حرمان الله سارع اليه عفو الله». (بحار ۹۰/۷۸)

ب- عفو از ستم

قال الصادق عليه السلام: «اعف عن ظلمك كما أنك تحب ان يعف عنك فاعتبر بعفو الله عنك».

(تحف العقول / ۳۰۵)

قال رسول الله ﷺ: «من اقال مسلماً عثرته اقال الله عثرته يوم القيامة».

(كنز العمال / ۷۰۱۹)

ج- دعای خالص

قال الباقر عليه السلام: «تعرض للرحمة وعفو الله بحسن المراجعة واستعن».

(بحار ۱۶۴/۷۸)

د- ترحم به ضعيفان؛ قال علي عليه السلام: «ارحم من دونك يرحمك من فوقك و قس سهوه بسهوك و معصية لك بمعصيتك لك لربك و فقره الى رحمتك بفقرك الى رحمة ربك».

(غرر الحكم / ۲۴۲۲)

۴- آثار عفو

الف - طول عمر؛ «من کثر عفوہ مدّ فی عمره». (اعلام الدین / ۳۱۵)

ب - عزت

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «العفو لا یزید العبد الاّ عزّاً فاعفوا یعزکم الله». (کنز العمال / ۷۰۱۲)

ج - از بین رفتن کینه

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «تعافوا تسقط الضغائن بینکم». (کنز العمال / ۷۰۰۴)

اشاره

الف - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در فتح مکه تمام کفار را عفو کرد و فرمود: «لا تثریب

علیکم الیوم یغفر الله لکم و هو ارحم الراحمین». (بخار / ۲۱ / ۱۳۲)

ب - امام سجاد علیه السلام در آخر ماه رمضان غلامان و کنیزان خود را جمع می کرد

و آنان را مورد عفو قرار می داد و آزاد می کرد. (بخار / ۴۶ / ۶۲)

۶۷- ایمان

۱ - نشانه‌هایی از حقیقت ایمان

الف - اخلاص؛ قال علی علیه السلام: «الایمان اخلاص العمل». (غرر الحکم / ۸۷۳)

ب - اختیار حق بر باطل؛ قال الصادق علیه السلام: «انّ من حقیقة الایمان ان تؤثر الحق و ان

ضرک علی الباطل و ان نفعک». (بخار / ۷۰ / ۱۰۶)

ج - توکل؛ قال علی علیه السلام: «لا یصدق ایمان عبد حتی یكون بما فی ید الله سبحانه اوثق

منه بما فی یده». (بخار / ۱۰۳ / ۳۷)

۲ - پذیرفته نشدن ایمان بدون عمل

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «لا یقبل ایمان بلا عمل و لا عمل بلا ایمان». (کنز العمال / ۲۶۰)

٣- اركان ايمان

قال على عليه السلام: «الايان على اربعة اركان التوكل على الله و التفويض الى الله و التسليم لامر الله و الرضا بقضاء الله».

(بحار / ٧٨ / ٦٣)

٤- ايمان عقد قلبي

قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: «الايان عقد بالقلب و لفظ باللسان و عمل بالجوارح».

(معاني

الاخبار / ١٨٦)

٥- كمال ايمان

قال الصادق عليه السلام: «لا يستكمل عبد حقيقة الايمان حتى يكون فيه خصال ثلاث الفقه في الدين و حسن التقدير في المعيشة و الصبر على الرزايا».

(بحار / ٧٨ / ٢٣٩)

٦- بهترین ايمان

قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: «افضل الايمان ان تعلم ان الله معك حيث ما كنت».

(كنز العمال / ٦٦)

٧- درجات ايمان

قال الصادق عليه السلام: «ان الايمان عشر درجات بمنزلة السلم يصعد منه مراقبة بعد مراقبة فلا يقولن صاحب الاثنين لصاحب الواحد لست على شيء حتى ينتهي الى العاشر فلا تسقط من هو دونك فيسقطك من هو فوقك...».

(كافي / ٢ / ٤٥)

٨- عامل خروج از ايمان

قال الصادق عليه السلام: «ادنى ما يخرج به الرجل من الايمان ان يؤاخي الرجل على دينه فيحصى عليه عثراته و زلاته ليعتقه بها يوماً ما...».

(معاني الاخبار / ٣٤٩)

٩- الكوى ايمان

قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: «عمار خلط الله الايمان ما بين قرنه الى قدمه».

(كنز العمال / ٣٣٥٢)

اشاره

ایمان قوی بالاتر از شهادت

حمران بن اعین می‌گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم فدایت گردم ما چقدر کم هستیم که اگر در خوردن گوسفندی شرکت کنیم آن را تمام نخواهیم کرد. فرمود: مهاجر و انصار (پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله) همه به این سو و آن سو رفتند سپس سه انگشت خود را نشان داد و اشاره کرد و فرمود: مگر سه تن سلمان و ابوذر و مقداد. گفتم: عمار یاسر چگونه بود؟ فرمود: خدا عمار را رحمت کند بیعت کرد و در جنگ صفین شهید شد. من پیش خود گفتم مقامی بالاتر از شهادت نیست (پس عمار در ردیف آن سه نفر است) حضرت فرمود: شاید عمار را در ردیف آن سه نفر می‌دانی هرگز چنین نیست. «لعلک تری انه مثل الثلاثة ایهات ایهات»؛ یعنی گاهی افراد به دلیل ایمان قوی و اعمال صالح مقامشان از مقام شهید برتر است.

(کافی ۱۹۱/۲)

۶۸- صبر

۱- اهمیت صبر

قال علی علیه السلام: «الصبر من الايمان بمنزلة الرأس من الجسد فاذا ذهب الرأس ذهب الجسد كذلك اذا ذهب الصبر ذهب الايمان».

(کافی ۸۷/۲)

۲- انواع صبر

قال علی علیه السلام: «الصبر اما صبر علی المصيبة او علی الطاعة او عن المعصية و هذا القسم الثالث اعلى درجة من القسمين الاولين».

(شرح نهج البلاغه ۳۱۹/۱)

۳- صبر جمیل

قال الباقر علیه السلام: «لما سئل عن الصبر الجمیل: ذلك صبر ليس فيه شكوى الى الناس».

(کافی ۹۳/۲)

٤ - صبر شيعيان

قال الصادق عليه السلام: «نحن صبرٌ و شيعتنا اصبر منا ... و ذلك انا صبرنا على ما نعلم و شيعتنا يصبرون على ما لا يعلمون».

(كافي / ٢ / ٩٣)

٥ - صابر نمونه

قال علي عليه السلام: «فصبرت وفي العين قذى وفي الحلق شجي اري تراثي نهياً».

(سفينة البحار / ٥ / ٢٢٧)

٦ - صبر برترين عبادت

قال علي عليه السلام: «افضل العباداة الصبر و الصمت و انتظار الفرج».

(بحار / ٧٤ / ٢٢٠)

٧ - صبر كليد نعمت

قال علي عليه السلام: «لكل نعمة مفتاح و مغلاق فمفتاحها الصبر و مغلاقها الكسل».

(شرح نهج البلاغه / ٢٠ / ٣٢٢)

٨ - صبر مايهي كرامت

قيل لابي عبدالله عليه السلام من اكرم الخلق على الله قال: «من اذا اعطى شكر و اذا ابتلى صبر».

(مشكاة الانوار / ٦٠)

٩ - صبر سپر تهيدستي

قال علي عليه السلام: «الصبر جنة الفاقة».

(غرر الحكم / ١ / ٩٥)

١٠ - اثر بي صبرى بر سختى كار و تلاش

قال علي عليه السلام: «من لم يصبر على كده صبر على الافلاس».

(غرر الحكم / ٥ / ٤١٤)

١١ - درخواست عافيت به جاي درخواست صبر

عن معاذ بن جبل قال: مرّ النبي برجل و هو يقول: «اللهم انى اسئلك الصبر فقال قد سألت البلاء فسئل الله العافية».

(مسند احمد / ٥ / ٢٣١)

١٢ - اثر صبر بر مصيبت

قال علي عليه السلام: «صبرك على المصيبة يخفف الرزية و يجزل المثوبة».

(غرر الحكم / ٤ / ٢٠٢)

۱۳- آثار صبر

الف- رسیدن به درجات عالی

قال علی علیه السلام: «بالصبر تدرك معالی الامور». (غررالحکم / ۴۲۷۶)

ب- رسیدن به پیروزی

قال علی علیه السلام: «لا یعدم الصبور الظفروان طال به الزمان». (نهج البلاغه / حکمت ۱۵۳)

ج- پاداش فوق العاده

قال الصادق علیه السلام: «من ابتلی من شیعتنا فصبر علیه کان له اجر الف شهید». (سفینه البحار / ۱۸/۵)

د- شادمانی طولانی

قال الصادق علیه السلام: «کم من صبر ساعة قد اورثت فرحاً طویلاً و کم من لذة ساعة قد اورثت حزناً طویلاً».

(سفینه البحار / ۱۹/۵)

ه- رسیدن به بهشت

قال الباقر علیه السلام: «الجنة محفوفة بالمکاره و الصبر فن صبر علی المکاره فی الدنيا دخل الجنة».

(کافی / ۱۴۵/۳)

و- آسان شدن مصیبت؛ قال علی علیه السلام: «من صبر هانت مصیبتة». (غررالحکم / ۱۷۶/۵)

اشاره

ابن ابی عمیر در زمان هارون و مأمون مورد شتم و حبس و اخذ مال گردید از او خواستند قضاوت را بپذیرد قبول نکرد از او خواستند اسامی شیعیان را بگوید نپذیرفت. از این رو او را به زندان بردند و بارها بر او تازیانه زدند یکبار سندی بن شاهک ۱۲۰ تازیانه بر او زد و بادادن هزار درهم از زندان خارج شد و نزدیک صد هزار درهم به او خسارت مالی وارد شد و مدت زندانش چهار سال طول کشید اما در عین حال صبر کرد.

(منتهی الامال / ۲/ ۳۵۸)

۶۹- حلم و بردباری

- ۱- فضیلت حلم
قال علی علیه السلام: «الحلم زین الخلق» (غرر ۱/ ۱۴)
- ۲- معنای حلم
قال علی علیه السلام: «انما الحلم کظم الغیظ و ملک النفس» (غرر ۱/ ۲۹۶)
- ۳- حلم و شباهت به پیامبر
قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «یا علی الا اخبرکم باشبهکم بی خلقاً قالوا بلی یا رسول الله قال احسنکم خلقاً و اعظمکم حملاً و ابرککم بقربته و اشدکم من نفسه انصافاً» (وسائل ۶/ ۲۱۲)
- ۴- ظهور حلم به هنگام غضب
قال علی علیه السلام: «لیس الحلم ما كان حال الرضا بل الحلم ما كان حال الغضب» (شرح نهج البلاغه ۲۰/ ۳۱۶)
- ۵- حلم نشانه عابد واقعی
قال الرضا علیه السلام: «لا يكون الرجل عابداً حتى يكون حليماً» (کافی ۳/ ۱۷۵)
- ۶- حلم و صبر بر آزار
قال علی علیه السلام: «انما الحليم من اذا اوذى صبر و اذا ظلم غفر» (غرر ۱/ ۳۰۰)
- ۷- آثار حلم
الف- محبت الهی؛ قال رسول الله: «وجبت محبة الله على من اغضب فحلم» کللعمال ۳/ ۱۳۱
ب- زیاد شدن یاوران؛ قال علی علیه السلام: «بالحلم تكثر الانصار» (غرر ۱/ ۳۲۹)
ج- پیروزی بردشمن؛ قال علی علیه السلام: «من حلم من عدوه ظفربه» (بخار ۶۸/ ۴۲۸)

اشاره

مفضل بن عمر شنید که ابن ابی العوجا با یکی از اصحابش مشغول به گفتن کلمات کفرآمیز است مفضل نتوانست طاقت بیاورد به او گفت: «یا عدو الله الحدت فی دین الله» ای دشمن خدا در دین خدا الحاد ورزیدی و منکر خدا شدی ابن ابی العوجا گفت: ای مرد اگر تو از اهل کلامی بیا با هم سخن بگوئیم اگر دلیل آوردی از تو پیروی می‌کنم و اگر تو از اصحاب جعفر بن محمد هستی آن حضرت با ما اینگونه سخن نمی‌گوید به تحقیق که از ما کلماتی بیشتر از این شنیده است و هیچ با ما برخورد نکرده است و همانا او مردی بردبار و حلیم و با وقار و عاقل می‌باشد و ثابت و محکم که از طریق رفیق و مدارا خارج نمی‌شود و اگر تو از اصحاب او هستی همانند او با ما سخن بگو. «انه حلیم الرزین العاقل الرصین لایعتریه خرق و لانزق ولاطیش فان کنت من اصحابه فخطبنا بمثل خطابه»
(منتهی الامال / ۲ / ۱۴۲)

۲۰- زهد

۱ - فضیلت زهد

قال علی علیه السلام: «ما عبد الله بشيء افضل من الزهد في الدنيا». (مستدرک / ۱۲ / ۵۰)

۲ - حقیقت زهد

الف - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «الزهد في الدنيا قصر الامل و شكر كل نعمة و الورع عن كل ما حرّم الله».
(تحف العقول / ۵۸)

ب - قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «الزهد ليس بتحریم الحلال ولكن ان يكون بما في يدى الله اوثق منه بما في يديه».
(بحار / ۷۷ / ۱۷۲)

ج - قال علی علیه السلام: «الزهد كله في كلمتين من القرآن قال الله تعالى: ﴿لکی لا تأسوا علی ما فاتکم و لا تفرحوا بما اتاکم﴾ فمن لم یأس علی الماضي و لم یفرح بالآتی فهو الزاهد».
(بحار / ۷۸ / ۷۰)

٣- اوصاف زاهد

قال علي عليه السلام: «في صفة الزهاد كانوا قوماً من اهل الدنيا و ليسوا من اهلها فكانوا فيها كمن ليس منها... يرون اهل الدنيا يعظّمون موت اجسادهم و هم اشدّ اعظاماً لموت قلوب احبائهم».
(بحار / ٦٤ / ٣٢٠)

٤- عوامل زهد

قال الباقر عليه السلام: «اكثر ذكر الموت فانه لم يكثر انسان ذكر الموت الا زهد في الدنيا».
(بحار / ٧٣ / ٦٤)

قال علي عليه السلام: «احق الناس بالزهادة من عرف نقص الدنيا».
(غرر الحكم / ٣٢٠٩)

٥- موانع زهد

قال علي عليه السلام: «كيف يزهد في الدنيا من لا يعرف قدر الآخرة».
(غرر الحكم / ٦٩٨٧)

قال علي عليه السلام: «كيف يصل الى حقيقة الزهد من لم يمت شهوته».
(غرر الحكم / ٧٠٠٠)

٦- زاهدترین انسان

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «ازهد الناس من اجتنب المحرام».
(امالي صدوق / ٢٧)

قال الكاظم عليه السلام: «انّ اصبركم على البلاء لانه لا زهدكم في الدنيا».
(بحار / ٢٢ / ٣٠٨)

٧- آثار زهد

الف- آزادی روح

ب- خشنودی خداوند؛ قال علي عليه السلام: «من زهد في الدنيا اعتق نفسه و ارضى ربّه».
(مستدرک / ١٢ / ٤٧)

ج- آسان شدن مصائب

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من زهد في الدنيا هانت عليه المصيبات».
(بحار / ٩٤ / ١)

- د- بصیرت نسبت به عیوب دنیا؛ قال رسول الله ﷺ: «یا اباذر! ما زهد عبد فی الدنيا الاّ انیت الله الحکمه فی قلبه و انطق بها لسانه و یبصره عیوب الدنيا و داءها و دواءها».
(بحار / ۳/ ۸۰)
- ه- محبوبیت نزد مردم؛ قال رسول الله ﷺ: «... و ازهد فمّا عند الناس یحبّک الناس».
(معجم الفاظ الحدیث النبوی / ۱ / ۴۰۷)

اشاره

اسوهی زهد

- الف- حضرت علی علیه السلام: «الا و انّ امامکم قد اکتفی من دنیاکم بطمّریه و من طعمه بقرصیه».
(بحار / ۳۳ / ۴۷۴)
- ب- ابن عباس گوید: حضرت علی علیه السلام کفش خویش را وصله می زد از من پرسید: این کفش چقدر ارزش دارد. عرض کردم قیمتی ندارد. فرمود: سوگند به خدا ارزش کفش نزد من بیشتر از حکومت است مگر آنکه حقی را بر پا دارم یا باطل را دفع نمایم «و الله لهما احبّ الیّ من امرکم هذا الاّ ان اقیم حقّاً او ادفع باطلاً». (سفینه البحار / ۳ / ۵۴۳)
- ج- ابن ابی الحدید در باره ی حضرت گوید: اما الزهد فی الدنيا فهو سیّد الزهاد ... ما شبع من طعام قطّ و کان اخشن الناس ما کلاً و مشرباً.
(بحار / ۴۱ / ۱۴۷)

۷۱- نفس

- ۱- اهمیت معرفت نفس «من عرف نفسه عرف ربه».
(۷۹۴۶)
- ۲- مسئولیت تربیت نفس
- قال الصادق علیه السلام: «انک قد جعلت طیبب نفسك و بین لك الداء و عرّفت آیه الصحة و دلت علی الدواء فانظر کیف قیامک علی نفسك».
(بحار / ۷۸ / ۲۸۲)

۳- تغذیه‌ی نفس به وسیله‌ی علم

قال علی علیه السلام: «مالي اري الناس اذا قرّب اليهم الطعام ليلاً تكلفوا انارة المصابيح ليبصروا ما يدخلون بطونهم و لا يهتمون بغذاء النفس بان يثيروا مصابيح الباسم بالعلم ليسلموا من لواحق الجهالة و الذنوب في اعتقاداتهم و اعمالهم».

(سفینلبجار / ۲ / ۸۴)

۴- ابزار اصلاح نفس

الف- مجاهدت؛ قال علی علیه السلام: «املکوا انفسکم بدوام جهادها».

ب- کناره‌گیری از دنیا؛ قال علی علیه السلام: «سبب صلاح النفس العزوف عن الدنيا».

(غررالحکم / ۵۵۲۸)

ج- قناعت و رزیدن؛ قال علی علیه السلام: «اعون شیء علی صلاح النفس القناعة».

(غررالحکم / ۳۱۹۱)

د- پرهیزکاری؛ قال علی علیه السلام: «ان تقوی الله دواء داء قلوبکم و ظهور دنس انفسکم».

(نهج البلاغه / خطبه ۱۹۸)

ه- کم کردن طمع؛ قال علی علیه السلام: «صلاح النفس قلة الطمع».

(غررالحکم / ۵۷۹۷)

۵- محاسبه‌ی نفس

قال علی علیه السلام: «حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا و ازنوها قبل ان توازنوا».

(غررالحکم / ۴۹۳۳)

۶- پرهیز از خشنودی از نفس

قال علی علیه السلام: «اياك ان ترضى عن نفسك فيكثر الساخط عليك».

(غررالحکم / ۲۶۴۲)

۷- آثار پیروی از هوای نفس

۱- فروختن آخرت به دنیا

قال علی علیه السلام: «من اطاع هواه باع آخرته بدنياه».

(غررالحکم / ۸۳۵۴)

۲- ذلت؛ قال علی علیه السلام: «عبد الشهوة اذلّ من عبد الرق».

(غررالحکم / ۶۲۹۸)

۳- اسارت عقل

قال علی علیه السلام: «کم من عقل اسیر عند هوی امیر». (بحار / ۶۹ / ۴۱۰)

۵- مردود شدن اعمال

قال کاظم علیه السلام: «یا هشام قلیل العمل من العاقل مقبول مضاعف و کثیر العمل من اهل الهوی و الجهل مردود». (تحف العقول / ۳۸۷)

۶- رنج و محنت

«ان طاعة النفس و متابعة اهويتها أس كل محنة و غواية». (غرر الحکم / ۳۴۸۶)

۸- آثار مبارزه با نفس

الف- دستیابی به خیر دنیا و آخرت؛ قال الرضا علیه السلام: «سألنی رجل عما یجمع خیر دنیا و الآخرة فقلت خالف نفسك». (سفینة البحار / ۲ / ۶۰۳)

ب- بی نیازی درونی ج- تأمین رزق؛ قال الباقر علیه السلام: «ان الله عزّ و جلّ یقول و عزّی و جلالی و عظمتی و بهائی و علوّ ارتفاعی لا یؤثر عبد مؤمن هوی علی هواه فی شیء من امر دنیا الا جعلت غناه فی نفسه و ضمنت السموات و الارض رزقه و كنت له من وراء تجارة كل تجارة». (وسائل / ۱۱ / ۵۰۵)

د- رشد؛ قال علی علیه السلام: «من لم یعط نفسه شهوتها اصاب رشده». (فقیه / ۴ / ۳۹۱)

۹- الگوی پیروزی بر هوای نفس

قال علی علیه السلام: «ولکن هیئات ان یغلبنی هوای و یقودنی جشعی الی تخیر الاطعمه». (نهج البلاغه / نامه ۴۵)

اشاره

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گذر کرد به شخصی که سنگی را بلند می کرد و مردم به او نظر می کردند پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود این مرد کیست؟ گفتند: قهرمان است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: قهرمان تر از او کسی است که بر هوای نفس خود غلبه پیدا کند؛ «اشجع الناس من غلب هواه». (مجموعه ورام / ۲ / ۲۶)

۲۲- حالات قلب

قلب هر انسانی حالاتی دارد؛ گاهی سالم گاهی مریض گاهی زنده گاهی مرده
گاهی نرم گاهی سخت گاهی طاهر گاهی غیر طاهر گاهی مشروح گاهی غیر
مشروح است و برای هر یک عاملی وجود دارد که بدان اشاره می شود:

۱- تقوا مایه‌ی سلامت قلب

قال علی علیه السلام: «ان تقوی الله دواء داء قلوبکم و بصر عمی افئدتکم و شفاء مرض
اجسادکم».
(نهج البلاغه / خطبه ۱۹۸)

۲- جدال و خصومت مایه‌ی مرض قلب

قال علی علیه السلام: «ایاکم و المرء و الخصومة فانهما یرضان القلوب علی الاخوان و ینبت
علیها النفاق».
(کافی / ۲ / ۳۰۰)

۳- اطعام به مسکین مایه‌ی نرمی قلب

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «اذا اردت ان یلین قلبک فاطعم المسکین و امسح رأس
الیتیم».
(مشکاة الانوار / ۱۶۷)

۴- گناه مایه‌ی سختی قلب

قال علی علیه السلام: «ما جفت الدموع الا لقسوة القلوب و ما قست القلوب الا لکثرة
الذنوب».
(بحار / ۷۰ / ۵۵)

۵- موعظه و تفکر مایه‌ی حیات قلب

قال علی علیه السلام: «احی قلبک بالموعظة و امته بالزهادة».
(نهج البلاغه / نامه ۳۱)

قال علی علیه السلام: «التفکر حیاة قلب البصیر».
(الدررة الباهرة / ۲۸)

- ۶- خنده‌ی فراوان مایه‌ی موت قلب
 قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «اياك و كثرة الضحك فانه يميت القلب». (معانی الاخبار / ۳۳۵)
- ۷- شهوات مایه رجس قلب
- ۸- ترک شهوات مایه‌ی طهارت قلب
 قال علی عليه السلام: «طهروا انفسكم من دنس الشهوات تدركوا رفيع الدرجات». (غررالحکم / ۶۰۲۰)
- ۹- محبت به دنیا مایه‌ی ختم قلب
 قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «اياكم و استشعار الطمع فانه يشوب القلب شدة الحرص و يختم على القلب بطبايع حب الدنيا». (اعلام الدين / ۳۴۰)
- ۱۰- آمادگی برای مرگ مایه‌ی شرح قلب
 سئل رسول الله صلى الله عليه وآله عن شرح الصدر ما هو؟ فقال: «نور يقذفه الله في قلب المؤمن فينشرح صدره و ينفسح». قالوا: فهل لذلك امارة يعرف بها؟ قال: نعم: الانابة الى دار الخلود و التجافي عن دار الغرور و الاستعداد للموت قبل نزول الموت». (مجمع البيان / ۴ / ۵۶۱)
- ۱۱- گناه مایه‌ی فساد قلب
 قال الصادق عليه السلام: «ما من شيء افسد للقلب من الخطيئة...». (بحار / ۶۷ / ۵۴)
- ۱۲- یاد خدا مایه‌ی صلاح قلب
 قال علی عليه السلام: «اصل صلاح القلب اشتغاله بذكر الله». (غررالحکم / ۳۰۸۳)

اشاره

انعطاف قلب جوان؛ هنگامی که برادران یوسف عليهما السلام اقرار به گناه خود کردند، حضرت یعقوب به آنها وعده‌ی طلب مغفرت داد (سوف استغفر لكم ربی) اما حضرت یوسف عليه السلام فوراً برادران را بخشید. امام صادق عليه السلام در بیان تفاوت این دو برخورد می‌فرماید: «لان قلب الشاب ارتق من قلب الشيخ». (بحار / ۱۲ / ۲۸۰)

۷۳- تواضع

- ۱- تواضع عامل زهد
قال رسول الله ﷺ: «لا تكون زاهداً حتى تكون متواضعاً». (نهج الفصاحة / حديث ۲۴۸۴)
- ۲- تواضع از بهترین اعمال
قال رسول الله ﷺ: «افضل الاعمال ثلاثة التواضع عند الدولة و العفو عند القدرة و العطيّة بغير المنّة». (نهج الفصاحة / حديث ۳۸۵)
- ۳- تواضع از اوصاف پرهیزکاران
قال على بن ابي طالب: «مشيهم التواضع». (نهج البلاغه / خطبه همام)
- ۴- تواضع از اوصاف عاقل
قال رسول الله ﷺ: «صفة العاقل ان يحلم عمّن جهل عليه و يتجاوز عمّن ظلمه و يتواضع لمن هو دونه ... و يسابق فوجه في طلب البرّ و اذا اراد ان يتكلم تدبّر فان كان خيراً تكلم فغنم و ان كان شراً فسكت فسلم». (نهج الفصاحة / ۱۸۳۶)
- ۵- تواضع استاد و شاگرد نسبت به یکدیگر
قال رسول الله ﷺ: «تواضعوا لمن تعلمونه العلم و تواضعوا لمن طلبتم منه العلم و لا تكونوا علماء جبارين فيذهب باطلكم بحقكم». (اصول كافي / ۱ / ۴۴)
- ۶- تواضع مایه‌ی حلاوت عبادت
قال رسول الله ﷺ: «مالی لا اری علیکم حلاوة العبادة؟ قالوا و ما حلاوة العبادة؟ قال التواضع». (تنبيه الخواطر / ۱۶۶)
- ۷- زیبایی تواضع ثروتمندان در برابر تهیدستان
قال على بن ابي طالب: «ما احسن تواضع الاغنياء للفقراء طلباً لما عند الله و احسن منه تسيه الفقراء على الاغنياء اتكالاً على الله». (بحار / ۷۸ / ۱۳)

۸- نشانه‌های تواضع

قال الصادق علیه السلام: «انّ من التواضع ان يرضى الرجل بالمجلس دون المجلس و ان يسلم على من يليق و ان يترك المراء و ان كان محققاً و لا يحبّ ان يحمد على التقوى».

(بحار / ۷۵ / ۱۱۸)

۹- آثار تواضع

۱- سربلندی؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «ما تواضع احد الا رفعه الله».

(بحار / ۷۵ / ۱۲۰)

۲- کسب سلامت؛ قال علی علیه السلام: «التواضع يكسبك السلامة».

(بحار / ۷۵ / ۱۲۰)

۳- منظم شدن امور؛ قال علی علیه السلام: «بخفض الجناح تنظم الامور».

(غرالحکم / ۳ / ۳۲۹)

۴- نردبان ترقی؛ قال علی علیه السلام: «التواضع سلّم الشرف».

(غرالحکم / ۱ / ۲۶۳)

۵- کامل شدن نعمت؛ قال علی علیه السلام: «بالتواضع تتم النعمة».

(نهج البلاغه / حکمت ۲۲۴)

۶- عدم خستگی از طاعت الهی؛ قال علی علیه السلام: «من تواضع قلبه لله لم يسأم بدنه من طاعة الله».

(بحار / ۷۸ / ۹)

۷- محبت؛ قال علی علیه السلام: «ثمره التواضع المحبة».

(غرالحکم / ۳ / ۳۲۷)

۸- بزرگ‌ترین عبادت؛ قال علی علیه السلام: «عليك بالتواضع فانه من اعظم العبادات».

(کافی / ۲ / ۱۲۳)

اشاره

روزی حضرت رضا علیه السلام وارد حمام شدند شخصی که امام رانمی شناخت از آن حضرت تقاضا کرد او را دلاکی نماید. امام علیه السلام اجابت نمودند بعد از لحظاتی که امام را شناخت عذرخواهی نمود. حضرت به دلاکی خود ادامه دادند.

(بحار / ۴۹ / ۹۹)

۷۴- تکبر

۱- نکوهش از تکبر

قال رسول الله ﷺ «ان ابعدكم يوم القيامة مني الثرثارون و هم المستكبرون».

(بخار / ۷۳ / ۲۳۲)

قال رسول الله ﷺ: «امقت الناس المتكبر».

(بخار / ۷۳ / ۲۳۱)

۲- حقیقت تکبر

عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «من ذهب ان له عليه فضلاً بالعافية اذا رآه مرتكباً للمعاصي فقال هيئات هيئات فلعله ان يكون غفر له ما اتى و انت موقوف محاسب اما تلوت قصّة سحرة موسى».

(بخار / ۷۳ / ۳۶)

۳- علت تکبر

قال الصادق عليه السلام: «ما من رجل تكبر او تجبر الا لذلة وجدها في نفسه».

(بخار / ۷۳ / ۲۲۵)

۴- معنای تکبر

عن عبدالاعلی عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «قلت له ما الكبر؟ فقال اعظم الكبر ان تسفه الحق و تسفه الناس قلت و ما سفه الحق قال يجهل الحق و يطعن على اهله».

(اصول کافی / ۲ / ۳۱۱)

۵- زمينه های تکبر

الف- عبادت

«عن احدهما قال دخل رجلان المسجد احدهما عابد و الاخر فاسق فخرجا من المسجد و الفاسق صديق و العابد فاسق و ذلك انه يدخل العابد المسجد مدلاً بعبادته يدل بها فتكون فكرته في ذلك و تكون فكرة الفاسق في التندم على فسقه و يستغفر الله عزّ و جلّ مما صنع من الذنوب».

(اصول کافی / ۲ / ۲۳۶)

ب- حسب و نسب؛ «الهاکم التکائر * حتی زرتم المقابر». (تکائر / ١-٢)
 قال علی علیه السلام: «افبمصارع اباؤهم یفخرون ام بعدید الهلکی یتکاثرون»، (نهج البلاغه / خطبه ٢٢١)
 عن الصادق علیه السلام قال اتی النبی ﷺ رجل فقال: یا رسول الله انا فلان بن فلان
 حتی عدّ تسعة. فقال علیه السلام: «اما ائتک عاشرهم فی النار». (کافی / ٢/ ٣٢٩)

ج- ثروت

رأى رسول الله ﷺ رجلاً غنياً جلس بجانبه فقير فانقبض عنه و جمع ثيابه.
 فقال ﷺ: «أخشيت ان يعدو اليك فقره». (محجة البيضاء / ٦/ ٢٨٧)

د- جهل قال الصادق علیه السلام: «الجهل في ثلاث الكبر و شدة المراء و الجهل بالله فاولئك
 هم الخاسرون». (بحار / ١/ ١٣١)

٦- آثار کبر

الف - ظهور رذایل نفسانی؛ قال علی علیه السلام: «التکبر يظهر الرذيلة». (غرالحکم / ١/ ١٤١)

ب- آفت عقل؛ عن ابي جعفر علیه السلام: «شر آفات العقل الكبر». (مستدرک / ٤/ ٣٢٩)

ح- اساس طغيان؛ قال علی علیه السلام: «احذر الكبر فانه رأس الطغيان و معصية
 الرحمن». (غرالحکم)

د- دوست نیافتن؛ قال علی علیه السلام: «ليس لتكبر صديق». (غرالحکم / ٥/ ٧٥)

ه- اساس نابودی؛ قال علی علیه السلام: «التكبر اسّ التلف». (غرالحکم / ١/ ٢٤٣)

و- ذلت و خواری؛ قال علی علیه السلام: «التكبر يضع الرفيع». (غرالحکم / ١/ ٨٢)

ز- از دست دادن فضیلت و شرافت؛ قال علی علیه السلام: «من لبس الكبر و السرف خلع
 الفضل و الشرف». (غرالحکم / ٢/ ٢٩٣)

٧- راه درمان تکبر

١- نماز؛ قال علی علیه السلام: «فرض الله الايمان تطهيراً من الشرك و الصلوة تنزيهاً عن

الكبر...». (نهج البلاغه / حکمت ٢٥٢)

۲- تحمل سختی ها

قال علی عليه السلام: «ولكن الله يختبر عباده بانواع الشدائد و يتعبدهم بانواع المجاهد و يبتليهم بضروب المكاره اخراجاً للتكبر من قلوبهم».

(نهج البلاغه / خطبه ۱۹۲)

۳- ساده زیستی و انجام کارهای شخصی

قال الصادق عليه السلام: «من رقى جيبه و خصف نعله و حمل سلعته فقد برىء من الكبر».

(وسائل ۳/ ۳۴۶)

قال رسول الله صلى الله عليه و آله: «خمس لا ادعهنّ حتى المات الاكل على الارض مع العبيد و ركوب الحمار و حلي العزبيدي و لبس الصوف و التسليم على الصبيان لتكون سنة من بعدى».

(بحار ۱۶/ ۲۱۵)

۴- توجه به خلقت

قال الباقر عليه السلام: «عجباً للمختال الفخور و انما خلق من نطفة ثم يعود جيفة و هو فيما بين ذلك لا يدري ما يصنع به».

(بحار ۷۳/ ۲۲۹)

اشاره

الف - ثروتمندی نزد پیامبر صلى الله عليه و آله بود. فقیری وارد شد و در کنار ثروتمندی که مغرور به ثروت خود بود نشست. آن شخص لباس خود را جمع کرد، فقیر ناراحت شد. پیامبر از او پرسید: آیا ترسیدی از فقر او چیزی به تو برسد یا از ثروت تو به او چیزی برسد؟ ثروتمند گفت: حاضر من نصف ثروتم را بدهم، فقیر نپذیرفت و گفت: ممکن است من نیز روحیه‌ی تو را پیدا کنم؛ اخاف ان یدخلنی ما دخلک. (کافی ۳/ ۲۶۲)

ب - مگسی چندین بار روی صورت منصور دوانیقی نشست. منصور نتوانست او را از خود دفع کند ناراحت شد و از امام صادق عليه السلام پرسید: خداوند چرا مگس را آفریده است؟ حضرت فرمود: برای این که متکبران را ذلیل کند؛ لای شیء خلق الله الذباب؟ قال عليه السلام: «ليذلّ به الجبارين».

(سفینه البحار ۱/ ۸۴۰)

۲۵-زبان

۱- زبان وسیله‌ی شناسایی

قال علی علیه السلام: «تکلموا تعرفوا فان المرء محبوبه تحت لسانه». (نهج البلاغه / حکمت ۳۹۲)

۲- زبان میزان عقل

قال علی علیه السلام: «يستدل على عقل كل امرء بما يجرى على لسانه». (غرر الحكم / ۱۰۹۵۷)

قال علی علیه السلام: «لسانك ترجمان عقلك». (بحار / ۷۷ / ۲۳۱)

۳- زبان عامل سلامت عقل

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «لا يستقيم ايمان عبد حتى يستقيم قلبه و لا يستقيم قلبه حتى

يستقيم لسانه». (کنز العمال / ۲۴۹۲۵)

۴- حقوق زبان

قال السجاد علیه السلام: «حق اللسان اكرامه عن الخنا (الفحش) و تعويده الخير و ترك

الفضول التي لا فائدة فيها و البر بالناس و حسن القول فيهم». (بحار / ۷۱ / ۲۸۶)

۵- زبان عاقل

قال علی علیه السلام: «لسان العاقل وراء قلبه و قلب الاحمق وراء لسانه». (نهج البلاغه / حکمت ۴۰)

۶- زبان کلید خوبی‌ها و بدی‌ها

قال الباقر علیه السلام: «انّ هذا اللسان مفتاح كل خير و شرّ فينبغي للمؤمن ان يختم على

لسانه كما يختم على ذهبه و فضّته». (تحف العقول / ۲۹۸)

۷- آثار حفظ زبان

الف- سلامتی؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «سلامة الانسان في حفظ اللسان». (بحار / ۶۸ / ۲۸۶)

ب- تکریم از خویشتن؛ قال علی علیه السلام: «من حفظ لسانه اكرم نفسه». (ناسخ التواریخ / ۶ / ۳۹)

- ج - نجات؛ قال الصادق عليه السلام: «نجاة المؤمن في حفظ لسانه». (ثواب الاعمال / ۴۰۵)
- د - پوشاندن عیب؛ قال علی عليه السلام: «من حفظ لسانه ستر الله عورته». (ثواب الاعمال / ۴۰۵)
- هـ - عزت میان مردم؛ قال الرضا عليه السلام: «احفظ لسانك تعزاً». (کافی / ۲ / ۱۷۵)
- و - تسلط بر شیطان؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «اخزن لسانك الا من خير فانك بذلك تغلب الشيطان». (محنة البيضاء / ۵ / ۱۹۵)

۸ - خطرات زبان

- الف - خونریزی؛ قال علی عليه السلام: «کم من دم سفکه فم». (غرر الحكم / ۶۹۲۸)
- ب - هلاکت؛ قال علی عليه السلام: «کم من انسان اهلکه لسان». (غرر الحكم / ۶۹۲۹)
- ج - سلب نعمت؛ قال علی عليه السلام: «رب کلمه سلبت نعمة». (بحار / ۷۱ / ۲۸۷)
- د - رنج و مصیبت؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «بلاء الانسان من اللسان». (بحار / ۶۸ / ۲۸۶)
- هـ - آتش جهنم؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من کثر کلامه کثر سقطه و من کثر سقطه کثر ذنوبه و من کثر ذنوبه کانت النار اولی به». (محنة البيضاء / ۵ / ۱۹۶)

اشاره

امام صادق عليه السلام دوستی داشت که همواره ملازم امام بود. روزی با امام در بازار می رفتند و او غلامی داشت که پشت سرش می آمد. آن شخص نگاه به عقب کرد غلام را ندید تا سه مرتبه، بار چهارم که او را دید به او نسبت نارواداد حضرت ناراحت شدند و فرمودند: «سبحان الله تقذف امه قد کنت اری انّ لك ورعاً فاذا لیس لك ورع». آن شخص گفت: مادرش مشرک است. حضرت فرمود: آیا نمی دانی هر قومی برای خود ازدواجی دارند، بنا بر این از من دور شو. راوی گوید: دیگر ندیدم امام با آن شخص راه برود. (کافی / ۲ / ۳۲۴)

۲۶. سفارشات اخلاقی

۱- سفارش خداوند به حضرت موسی علیه السلام
 قال علی علیه السلام: «قال الله تبارك و تعالی لموسی: یا موسی! احفظ وصیتی لك باربعة اشياء اولهنّ: ما دمت لا ترى ذنوبك تغفر فلا تشتغل بعيوب غيرك و الثانية: ما دمت لا ترى كنوزی قد نفذت فلا تتعم بسبب رزقك و الثالثة: ما دمت لا ترى زوال ملكی فلا ترج احداً غيری و الرابعة: ما دمت لا ترى الشيطان ميتاً فلا تأمن مكره».
 (خصال / ۲۱۷)

۲- سفارش خضر علیه السلام به موسی علیه السلام
 قال رسول الله صلى الله عليه و آله: «... قال الخضر یا طالب العلم ان القائل اقل ملالة من المستمع فلا تملّ جلسائك اذا حدّثهم و لا تكوننّ مكثاراً بالنطق ... فان كثرة النطق تشين العلماء و تبدى مساوی السخفاء».
 (كنز العمال / ۴۴۱۷۶)

۳- سفارش پیامبر صلى الله عليه و آله به ابی ایوب خالد
 قال رسول الله صلى الله عليه و آله: «اوصيك بخمس بالیأس عما فی ایدی الناس فاته الغنى و ایاك و الطمع فانه الفقر الحاضر و صلّ صلوة مودّع و ایاك و ماتعتذر منه و احبّ لاخيك ما تحب لنفسك».
 (امالی طوسی / ۵۰۸)

۴- سفارش حضرت علی علیه السلام به هنگام شهادت
 قال علی علیه السلام: «وصیتی لكم ان لا تشركوا بالله شيئاً و محمد صلى الله عليه و آله فلا تضیعوا سنته اقيموا هذين العمودین و اوقدوا هذين المباحین».
 (نهج البلاغه / نامه ۲۳)

اشاره

امام باقر علیه السلام به جابر بن یزید جعفی فرمودند: به پنج امر تو را سفارش می نمایم:

۱- اگر به تو ستم شد، ستم نکن ۲- اگر به تو خیانت کردند، خیانت نکن

۳- اگر تو را تکذیب کردند، خشم نکن ۴- اگر از تو تعریف کردند، خوشحال مباش ۵- اگر از تو مذمت کردند، جزع نکن.

و بدان که در صورتی دوست ما هستی که اگر همه مردم از تو ستایش یا نکوهش بکنند برای تو تفاوتی نداشته باشد و نفس خود را بر قرآن کریم عرضه کن.

«اوصیک بحمس ان ظلمت فلا تظلم و ان خانوک فلا تخن و ان کذبت فلا تغضب و ان مُدحت فلا تفرح و ان ذممت فلا تجزع ... و اعلم بانک لا تكون لنا و لیا حقّ لو اجتمع عليك اهل مصرک و قالوا انک رجل سوء لم یحزنک ذلك و لو قالوا انک رجل صالح لم یسرك ذلك و لكن اعرض نفسك على کتاب الله...».

(بحار / ۷۸ / ۱۶۳)

۷۷- آداب سخن گفتن

- ۱- اثر کم سخن گفتن
قال علی علیه السلام: «ان احببت سلامة نفسک و ستر معایبک فاقبل کلامک و اکثر صمتک یتوقّر فکرك و یستیز قلبک».

(غرر الحکم / ۳۷۲۵)

- ۲- اثر زیاد سخن گفتن
قال علی علیه السلام: «من کثر کلامه کثر خطاؤه و من کثر خطاؤه قلّ حیاؤه و من قلّ حیاؤه قلّ ورعه و من قلّ ورعه مات قلبه و من مات قلبه دخل النار».

(بحار / ۷۱ / ۲۸۶)

- ۳- بهترین سخن
الف- سخن راست؛ قال علی علیه السلام: «خیر الکلام الصدق».

(غرر / ۴۹۹)

- ب- همراه با عمل؛ «خیر المقال ما صدقه الفعالم».

(سفینه البحار / ۷ / ۳۸۳)

- ج- ملال آور نباشد؛ قال علی علیه السلام: «خیر الکلام ما لا یملّ و لا یقلّ».

(غرر الحکم / ۴۹۶۹)

- د- منظم و همه فهم؛ قال علی علیه السلام: «احسن الکلام ما زانه حسن النظام و فهمه الخاص و العام».

(غرر الحکم / ۳۳۰۴)

- ه- متقن و استوار؛ قال علی علیه السلام: «احسن القول السداد».

(غرر الحکم / ۲۸۶۵)

۴- آداب سخن گفتن

۱- پاکیزه باشد؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «ثلاث من ابواب البر: سقاء النفس و طيب الكلام و الصبر على الاذى».

(محاسن / ۱ / ۶۶)

۲- زیبا باشد؛ قال علی عليه السلام: «اجملوا في الخطاب تسمعوا جميل الجواب».

(غررالحکم / ۲۵۶۸)

۳- خریدار داشته باشد؛ قال علی عليه السلام: «لا تتكلمن اذا لم تجد للكلام موقعا».

(غررالحکم / ۱۰۲۷۴)

۴- نرم و ملایم باشد؛ قال علی عليه السلام: «عود لسانك لين الكلام و بذل السلام يكثر محبوك و يقل مبغوضك».

(غررالحکم / ۶۲۳۱)

۵- از روی علم و آگاهی باشد؛ قال علی عليه السلام: «لا تقل بما لا تعلم فتتهم باخبارك بما تعلم».

(غررالحکم / ۱۰۴۲۶)

۶- بی فایده نباشد؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من حسن اسلام المرء تركه الكلام فيما لا يعنيه».

(بحار / ۲۸ / ۱۳۶)

۷- مستهجن نباشد؛ قال علی عليه السلام: «اياك و مستهجن الكلام فانه يوغر القلوب».

(غررالحکم / ۲۶۷۵)

۸- پاسخ آن انسان را ناراحت ننماید؛ قال علی عليه السلام: «لا تقولن ما يسئوك جوابه».

(غررالحکم / ۱۰۱۵۵)

اشاره

الف - پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله فرمود: هنگامی که موسی بن عمران عليه السلام با خضر عليه السلام ملاقات کرد موسی عليه السلام به وی گفت: مرا موعظه کن. خضر گفت: ای کسی که جوئیای دانشی! بدان که گوینده کمتر از شنونده خسته می شود، پس هیچ گاه اهل مجلس خود را خسته مکن.

(بحار / ۱ / ۲۲۶)

ب - عمار یاسر گوید: پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله به ما دستور داد تا این که سخنرانی ها را کوتاه قرار دهیم؛ «امرنا رسول الله باقصار الخطب».

(سنن ابی داود / ۱۱۰۶)

۲۸-۵۵ آداب معاشرت

۱- سلام کردن

قال رسول الله ﷺ «الا أخبركم بخير اخلاق اهل الدنيا والخرة» قالوا: بلى يا رسول الله. فقال: «افشاء السلام في العالم».

(بخار / ۷۶ / ۱۱)

۲- مصافحه نمودن

قال الباقر عليه السلام: «ان المؤمن ليلقى المؤمن فيصافحه فلا يزال الله ينظر اليهما و الذنوب تتحات عن وجوههما كما تتحات الورق من الشجر».

(كافي / ۳ / ۲۶۱)

۳- رعایت احترام

قال السجاد عليه السلام: «للزهرى اما عليك ان تجعل المسلمين منك بمنزلة اهل بيتك فتجعل كبيرهم بمنزلة والدك و تجعل صغيرهم بمنزلة ولدك و تجعل تربك (همسال) بمنزلة اخيك فإى هولاء تحب ان تظلم؟».

(بخار / ۷۴ / ۱۵۶)

۴- جستجو نکردن از عقاید مردم

قال الصادق عليه السلام: «لا تفتش الناس عن ادیانهم فتبقى بلا صديق».

(بخار / ۷۵ / ۲۵۳)

۵- احسان و خدمت ۶- خوش خلقی

قال على عليه السلام: «في وصية محمد بن حنفيه و احسن الى جميع الناس كما تحب ان يحسن اليك و ارض لهم ما ترضاه لنفسك و استقبح لهم ما تستقبحه من غيرك و حسن خلقك حتى اذا غبت عنهم حنوا اليك و اذا مت بكوا عليك و قالوا انا لله و انا اليه راجعون و لا تكن من الذين قالوا عند موته الحمد لله رب العالمين».

(وسائل / ۸ / ۵۴۱)

۶- طلب آمرزش هنگام جدایی

قال الصادق عليه السلام: «اذا تلاقيتم فتلاقوا بالتسليم و التصافح و اذا تفرقتم فتفرقوا

(بخار / ۷۶ / ۵)

بالاستغفار».

۷- مدارا نمودن

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «اعقل الناس أشدهم مداراة للناس و اذل الناس من اهان الناس».

(بخار / ۷۵ / ۵۲)

۸- برخورد با روی خوش

قال على عليه السلام: «اذا القيم اخوانكم فتصافحوا و اظهروا لهم البشاشة و البشر».

(خصال / ۶۳۳)

۹- پذیرفتن عذر

قال السجاد عليه السلام: «ان شتمك رجل عن يمينك ثم تحوّل الى يسارك و اعتذر اليك فاقبل عذره».

(بخار / ۷۸ / ۱۴۱)

اشاره

الف- امام سجاد عليه السلام روزی از مسجد خارج شدند شخصی با حضرت ملاقات کرد و امام عليه السلام را دشنام داد. غلامان حضرت خواستند او را تنبیه کنند. آن حضرت اجازه نداد و فرمود: آنچه از کارهای ما بر تو پوشیده است بیشتر است «ما ستر عنك من امرنا اكثر» بعد فرمودند: آیا نیازی داری تا تو را کمک کنیم؟ آن شخص شرمنده شد. امام عليه السلام دستور دادند که هزار درهم به او بدهند بعد از آن زمان هرگاه آن شخص امام را می دید می گفت: گواهی می دهم که شما فرزند رسول خدا هستی. (منتهی الآل / ۲ / ۶)

ب- شخصی خدمت امام صادق عليه السلام رسید و گفت: پسر عمویت به شما ناسزا می گوید. حضرت به کنیز خود دستور داد تا برایش آب حاضر نمودند و وضو گرفت و مشغول نماز شد. راوی گوید: من در قلب خود گفتم: حضرت نفرین خواهند کرد. بعد از نماز دیدم دست به دعا برداشت و گفت: خدایا من از حق خود گذشتم جود و کرم تو از من بیشتر است او را ببخش. (منتهی الامال / ۲ / ۱۴۴)

۷۹- آداب مجالست

- ۱- رو به قبله نشستن
قال رسول الله ﷺ: «ان لكل شيء شرفاً و انّ اشرف المجالس ما استقبل به القبلة».
(بخار / ۷۵ / ۴۶۹)
- ۲- پایین مجلس نشستن
كان رسول الله ﷺ اذا دخل منزلاً قعد في ادنى المجلس حين يدخل.
(بخار / ۱۶ / ۲۴۰)
- ۳- پا را دراز نمودن در برابر دیگران
في اوصاف النبي ﷺ: و ما رأى مقدماً رجله بين يدي جليس له قطّ.
(بخار / ۱۶ / ۲۳۶)
- ۴- نجوی نکردن
قال رسول الله ﷺ: «و لا تناج مع رجل و انت مع آخر».
(بخار / ۸۴ / ۳۵۴)
- ۵- ترک گناه
قال رسول الله ﷺ: «من كان يؤمن بالله و باليوم الآخر فلا يجلس يسبّ فيه امام او يغتاب فيه مسلم...».
(بخار / ۷۵ / ۳۷۱)
- ۶- افشا نکردن اسرار
«ان الله يقول اذا رأيت الذين يخوضون في آياتنا فاعرض عنهم».
(انعام / ۶۸)
- ۷- مجالست با مردان الهی
قال رسول الله ﷺ: «المجالس بالامانة و افشاء سرّ اخيك خيانة».
(بخار / ۷۷ / ۸۹)
- قال الحواریون لعیسیٰ ﷺ: يا روح الله! فمن نجالس اذا قال: «من يذكرکم الله رؤيته و يزيد في عملکم منطقه و يرغبکم في الآخرة عمله».
(بخار / ۷۷ / ۱۴۷)

۸- شرکت در مجالس ذکر؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «عليك بمجالس الذكر». (بخار ۴۶۵/۷۵)

۹- مجالست با افراد شایسته

قال النبی صلى الله عليه وآله: «لا تجلسوا الا عند من يدعوكم من خمس الى خمس من الشك الى اليقين و من الكبر الى التواضع و من العداوة الى المحبة و من الرياء الى الاخلاص و من الرغبة الى الزهد. (مجموعه ولم ۳۲۲/)

۱۰- مجالست نیکو با غیر مسلمان

قال علی عليه السلام: «و ان جالسك يهودى فاحسن مجالسته» (سفينة ۱/ ۶۹۲)

۱۱- پرهیز از نشستن در صدر مجلس

قال علی عليه السلام: «لا تسرعن الى ارفع موضع في المجلس فانّ الموضع الذي ترفع اليه خير من الموضع الذي تحطّ عنه». (غرر الحكم ۱۰۲۸۳/)

۱۲- پرهیز از نشستن در بین راه

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «اياك و الجلوس في الطرقات». (بخار ۴۶۴/۷۵)

اشاره

سلیمان جعفری گوید: حضرت رضا عليه السلام به پدرم گفت: چرا با عبدالرحمن بن یعقوب مجالست داری؟ پدرم گفت: او دایی من است. حضرت فرمودند: او درباره خداوند اعتقادات نادرستی دارد. بنابراین یا با ما نشست و برخاست داشته باش یا با او مجالست کن «فاما جلست معه و ترکتنا او جلست معنا و ترکته». (مستدرک ۶۶/۲)

۸۰- آداب میهمانی

۱- وظایف مهمان

الف- اجابت دعوت؛ قال الصادق عليه السلام: «من الحقوق الواجبات للمؤمن على المؤمن ان يجيب دعوته».

(محاسن برقی ۱۷۹/۲)

ب- فرزند را به همراه نبردن

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «اذا دعى احدكم الى طعام فلا يستبعن ولده فانه ان فعل ذلك كان حراماً و دخل عاصياً».

(محاسن برقی ۱۸۱/۲)

ج- کم نشمردن غذای میزبان

قال الصادق عليه السلام: «هلك امرؤ احتقر لاختيه ما يحضره و هلك امرؤ احتقر من اختيه ما قدم اليه».

(محنة البيضاء ۳۰/۳)

د- نشستن در مکان پیشنهادی میزبان

قال الباقر عليه السلام: «اذا دخل احدكم على اخيه في رحله فليقعد حيث يأمر صاحب الرحل فان صاحب الرحل اعرف بعورة بيته من الداخل عليه».

(بحار ۴۵۱/۷۵)

۲- وظایف میزبان

۱- به رنج نیافتادن؛ قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لا يتكلمن احد لضيفه ما لا يقدر».

(کنز العمال ۲۵۸۷۶)

۲- به رنج افتادن در صورت دعوت؛ قال الصادق عليه السلام: «اذا اتاك اخوك فاته بما عندك و اذا دعوته فتكلف له».

(محاسن برقی ۱۷۹/۲)

۳- سؤال نکردن از میهمان در میل به غذا؛ قال الصادق عليه السلام: «لا تقل لاختيك اذا دخل عليك اكلت اليوم شيئاً».

(بحار ۴۵۵/۷۵)

- ۴- کار نکشیدن از مهمان؛ قال الرضا علیه السلام: «اخدم اخاك فان استخدمك فلا و لا كرامة له».
(بخار / ۷۴ / ۱۷۸)
- قال الصادق علیه السلام: «نهى رسول الله ان يستخدم الضيف».
(سفینه البحار / ۵ / ۲۷۰)
- ۵- غذا خوردن با مهمان؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من احب ان يحبه الله و رسوله فليأكل مع ضيفه».
(مدینه البلاغه / ۲ / ۵۵۲)
- ۶- آماده کردن خلال؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «ان من حق الضيف ان يعدله الخلال».
(بخار / ۷۵ / ۴۵۵)
- ۷- دیر از غذا دست کشیدن؛ كان رسول الله صلی الله علیه و آله اكل معه (الضيف) و لم يرفع يده من الخوان حتى يرفع الضيف يده.
(فروع كافی / ۶ / ۲۸۵)
- ۸- به زحمت نیانداختن همسر؛ شخصی حضرت علی علیه السلام را به مهمانی دعوت کرد. حضرت فرمود: با شرایطی دعوت تو را می پذیرم: «لا تدخل علی شیئاً من خارج و لا تدخر علی شیئاً فی البيت و لا تجحف بالعیال».
(بخار / ۷۵ / ۴۵۱)
- ۹- تکریم از مهمان؛ قال علی علیه السلام: «اکرم ضيفك و ان كان حقيراً و قم عن مجلسك لایبک و معلّمک و ان كنت امیراً».
(غرر الحکم / ۱ / ۱۱۴)
- ۱۰- بدرقه می مهمان؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من حق الضيف ان تمشی معه فتخرجه من حريمك الى الباب».
(بخار / ۷۵ / ۴۵۱)

اشاره

- الف - حضرت علی علیه السلام به عثمان بن حنیف فرمود: گمان نمی کردم به سفره طعامی حاضر شوی که ثروتمندان در آنجا دعوت باشند و فقرا حضور نداشته باشند. «... ما ظننت انک تجیب الی طعام قوم عائلهم محفو و غنیهم مدعو».
(نهج البلاغه / نامه ۴۵)
- ب - حضرت علی علیه السلام را محزون مشاهده کردند. شخصی پرسید: چرا شما ناراحت هستید؟ فرمود: زیرا هفت روز بر من گذشته و مهمان به منزل ما نیامده است.
(سفینه / ۵ / ۲۶۸)

ج) برای امام رضا علیه السلام مهمانی رسید و ساعاتی از شب با او نشست و برای او سخن گفت. ناگاه چراغ منزل خراب شد. مرد مهمان دست برد تا چراغ را درست کند. امام اجازه ندادند و فرمودند: ما گروهی هستیم که از مهمان خود کار نمی‌کشیم «أنا قوم لانستخدم اضیافنا» (بحار ۴۹/۱۰۲)

نکته: شیخ بهایی گوید: و من جملة اكرام الضيف تقديم الفاكهة اليه قبل الطعام لانه اوفق بالطب و ابعد عن الضرر كما قدمها سبحانه في قوله عزّ و جلّ: ﴿وفاكهة مما يتخيرون * و لحم طير مما يشتهون﴾. (واقعه / ۲۰ - ۲۱؛ سفينة البحار / ۵ / ۲۷۰)

۸۱- آداب غذا خوردن

۱- معرفت ۲- راضی بودن ۳- بسم الله گفتن ۴- شکر کردن ۵- شستن دست‌ها قبل از غذا ۶- روی پای چپ نشستن ۷- با سه انگشت غذا خوردن ۸- انگشت‌ها را پاک کردن ۹- استفاده از غذایی که مقابل انسان است ۱۰- لقمه را کوچک برداشتن ۱۱- غذا را خوب جویدن ۱۲- کمتر به مردم نگاه کردن
قال المجتبی علیه السلام:

«في المائدة اثنتا عشرة خصلة يجب على كل مسلم ان يعرفها اربع منها فرض و اربع سنة و اربع تأديب فاما الفرض فالمعرفة و الرضا و التسمية و الشكر و اما السنة فالوضوء قبل الطعام و الجلوس على الجانب الايسر و الاكل بثلاث اصابع و لعق الاصابع و اما التأديب فالاكل مما يليك و تصغير اللقمة و تجويد المضغ و قلة النظر في وجوه الناس».

(وسائل / ۱۶ / ۵۳۹)

۱۳- غذای داغ نخوردن

(قصار الجمال / ۱ / ۲۰)

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «لا يأكل الحار حتى يبرد».

۱۴- کم غذا خوردن

الف- قال علی علیه السلام: «اذا اراد الله سبحانه صلاح عبده اهمه قلة الكلام و قلة الطعام و قلة المنام».

(مستدرک / ۳ / ۶۱)

ب- قال الصادق علیه السلام: «... فاذا اكل احدكم طعاماً فليجعل ثلث بطنه للطعام و ثلث بطنه للشراب و ثلث بطنه للنفس».

(کافی / ۶ / ۲۷۰)

۱۵- با نمک غذا را آغاز کردن

قال علی علیه السلام: «ابدؤا بالملح في اول طعامکم».

(وسائل / ۱۶ / ۵۲۰)

۱۶- در بازار غذا نخوردن

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «الاکل في السوق دنائة».

(وسائل / ۱۹ / ۴۵۳)

۱۷- تکیه ندادن

قال الصادق علیه السلام: «ما اكل رسول الله متکاً قط».

(سفینه البحار / ۱ / ۱۰۷)

۱۸- آثار پرخوری

الف- از بین رفتن فهم و زیرکی؛ قال علی علیه السلام: «لا تجتمع الفطنة و البطنة».

(مستدرک / ۱۶ / ۲۲۲)

ب- قساوت؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من تعود كثرة الطعام و الشراب قسا قلبه».

(مستدرک / ۱۶ / ۲۱۳)

ج- امراض مختلف؛ قال علی علیه السلام: «ادمان الشبع يورث انواع الوجع».

(غرالحکم / ۱۳۶۳)

د- غفلت؛ قال المسيح علیه السلام: «يا بني اسرائیل! لا تکثروا الاکل فانه من اکثر الاکل اکثر النوم و من اکثر النوم اقل الصلوة و من اقل الصلوة کتب من الغافلین».

(تنبيه الخواطر / ۱ / ۴۶)

ه- طغیان؛ قال الباقر علیه السلام: «اذا شبع البطن طغی».

(کافی / ۶ / ۲۷۰)

اشاره

الف - توجه داشتن به گرسنگی حیوان؛ امام مجتبیٰ علیه السلام غذا تناول می کردند و به حیوانی که آنجا بود نیز لقمه هایی می دادند. شخصی گفت اجازه دهید او را برانم. فرمود: «دعه انی لاستحیی من الله تعالی ان یكون ذور ینظر فی وجهی و انا آکل ثم لا أُطعمه». (مستدرک / ۸ / ۲۹۵)

ب - ابلیس به حضرت یحیی علیه السلام گفت: گاهی غذا زیاد می خوری و بر اثر آن از عبادت باز می مانی؛ «ربما شبعت فثقلتک عن الصلوة و الذکر». یحیی علیه السلام گفت: دیگر شکم خود را پر نخواهم کرد. ابلیس هم گفت: من دیگر کسی را نصیحت نخواهم نمود! (سفینة البحار / ۱ / ۱۰۳)

۸۲- آداب دوستی و رفاقت

۱- معیار دوستی بر اساس تقوا

قال علی علیه السلام: «احبب الاخوان علی قدر التقوی». (بحار / ۷۸ / ۳۳)

۲- اعلام دوستی

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «اذا احب احدکم صاحبه او اخاه فلیعلمه فانّه اصلح لذات البین». (بحار / ۷۴ / ۱۸۲)

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «اذا احببت رجلاً فاخبره». (بحار / ۷۴ / ۱۸۱)

۳- عدم شوخی و جدال با دوست

قال الصادق علیه السلام: «اذا اردت ان یصفولک و داخیک فلا تمازحنه و لا تمازیه». (بحار / ۷۸ / ۲۹۱)

۴- انتخاب دوست قدیمی

قال علی علیه السلام: «اختر من کل شیء جدیده و من الاخوان اقدمهم». (غرر الحکم / ۲۴۶۱)

- ۵- دوست حقیقی؛ قال علی علیه السلام: «انّ اخاك حقّاً من غفر زلّتک و سدّ خلّتک و قبل عذرک و ستر عورتک و نفی و جلک و حقّق املک». (غرر الحکم / ۳۶۴۵)
- ۶- سؤال از نام و نشان دوست؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «اذا اخا احدکم رجلاً فلیسئله عن اسمه واسم ابيه و قبيلته و منزله فانه من واجب الحق و صافی الاخاء». (بحار / ۷۴ / ۱۷۴)
- ۷- پرهیز از دوستان مادی
قال الصادق علیه السلام: «احذر ان تؤأخی من ارادک لطمع او خوف او میل او للاکل و الشرب و اطلب مؤأخاة الاتقیاء و ان افنیت عمرک فی طلبهم». (بحار / ۷۴ / ۲۷۲)
- ۸- تکریم دوست
قال الصادق علیه السلام: «من اتاه اخوه المسلم فاکرمه فانما اکرم الله عزّوجلّ». (بحار / ۷۴ / ۲۹۸)
- ۹- حفظ دوستی و عدم غرور به ریاست
قال الصادق علیه السلام: «اذا کان لک صديق فوئی و لایة فاصبته علی العشر ممّا کان لک علیه قبل و لایته فلیس بصديق سوء». (بحار / ۷۵ / ۳۴۱)
- ۱۰- بهترین دوست
الف- قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «خیر اخوانکم من اهدی الیکم عیوبکم». (تنبيه الخواطر / ۲ / ۱۲۳)
ب- قال علی علیه السلام: «خیر اخوانک من دلّک علی هدی و اکسبک تقی و صدک عن اتباع الهوی». (غرر الحکم / ۵۰۲۹)
ج- قال علی علیه السلام: «خیر الاخوان من لم تکن علی الدنیا مودّته». (غرر الحکم / ۵۰۱۶)
- ۱۱- آگاه نکردن دوست بر اسرار
قال الصادق علیه السلام: «لا تطلع صديقک من سرّک الا علی ما لو اطلعت علیه عدوک لم یضرك فانّ الصديق قد یكون عدواً یوماً ما». (مشکاة الانوار / ۳۲۳)
- ۱۲- ملاک انتخاب دوست
قال الصادق علیه السلام: «من غضب علیک من اخوانک ثلاث مرّات فلم یقل فیک شرّاً فاتخذہ لنفسک صديقاً». (امالی صدوق / ۵۳۲)

۱۳ - پرهیز از دوستی با ناهل

قال الجواد عليه السلام: «إياك و مصاحبة الشرير فإنه كالسيف المسلول يحسن منظره و يقيح اثره».

(بحار / ۷۴ / ۱۹۸)

۱۴ - معیار شناخت دوست

قال لقمان عليه السلام: «لا تعرف اخاك الا عند حاجتك اليه».

(بحار / ۷۴ / ۱۷۸)

۱۵ - نشانه‌ی دوستی

قال الصادق عليه السلام: «تستبين مودّة الرجل لآخيه في اكله».

(سفينة البحار / ۱ / ۱۰۱)

اشاره

حضرت سجاد عليه السلام از شخصی پرسیدند: آیا کسی بر شما وارد می‌شود از دوستان که هر چه نیاز دارد از کیسه شما بدون اجازه بردارد؟ عرض کرد: خیر. حضرت فرمود: بنابراین شما با یکدیگر برادر و دوست نیستید. «هل يدخل احدكم يده في كمّ اخيه و كيسه فيأخذ منه ما يريد من غير اذن قال لا قال لستم باخوان».

(محنة البيضاء / ۳ / ۳۲۰)

۸۳- آداب خوابیدن

۱ - طهارت

قال الصادق عليه السلام: «من تطهّر ثم اوى الى فراشه بات و فراشه كمسجد».

(ثواب الاعمال / ۳۵)

قال رسول الله صلى الله عليه و آله: «من بات على طهر فكأنما احبى الليل».

(معاني الاخبار / ۲۳۴)

۲ - نظافت

قال على عليه السلام: «... فاذا نمت فاعرض نفسك على الخلاء».

(خصال / ۲۲۹)

۳ - محاسبه

قال الصادق عليه السلام: «اذا اويت الى فراشك فانظر ما سلكت في بطنك و ما كسبت في

(بحار / ۷۶ / ۱۹۰)

يومك و اذكر انك ميت و انّ لك معاداً».

۴- قرائت قرآن و دعا

قال علی علیه السلام: «من قرأ قل هو الله احد حين يأخذ يضجعه وكلّ الله عزّ وجلّ به خمسين الف ملك يحرسونه ليلته».

(خصال / ۶۳۱)

۵- به پشت یا طرف راست خوابیدن

قال علی علیه السلام: «النوم على اربعة اوجه: الانبياء تنام على اقفيتهم مستقلين و اعينهم لا تنام متوقّعة لوحى الله عزّ وجلّ و المؤمن ينام على يمينه مستقبل القبلة...».

(خصال / ۲۶۳)

۶- پرهیز از خوابیدن زیاد

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «اياكم و كثرة النوم فان كثرة النوم يدع صاحبه فقيراً يوم القيامة».

(اختصاص / ۲۱۸)

۷- مبعوض بودن خواب زیاد

قال الباقر علیه السلام: «قال موسى علیه السلام اىّ عبادك ابغض اليك؟ قال جيفة بالليل بطّال بالنهار».

(قصص الانبياء / ۱۶۳)

اشاره

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگامی که می خواستند بخوابند، می فرمود: پروردگارا! به نام تو زنده می شوم و از دنیا می روم و هرگاه بیدار می گشت می فرمود: خداوند را سپاس می گویم که ما را بعد از مردن زنده نمود و حشر و نشر انسان در قیامت با اوست (کان رسول الله يقول باسمك اللهم احياء و اموت و اذا استيقظ قال الحمد لله الذى احيانا بعد ما اماتنا و اليه النشور)

(منهاج الصالحين ۸۹۱)

۸۴- آداب کسب و تجارت

- ۱- یادگیری مسایل؛ قال علی علیه السلام: «یا معشر التجار الفقه ثم المتجر...». (کافی / ۵ / ۱۵۰)
- ۲- صداقت
قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «التاجر الصدوق الامین مع النبیین و الصدیقین و الشهداء».
(الدر المنثور / ۲ / ۴۹۵)
- ۳- اقاله
قال الصادق علیه السلام: «ایما مسلم اقال مسلماً بیع ندامة اقاله الله عزّ و جلّ عشرته يوم القيامة».
(وسائل / ۱۲ / ۲۸۷)
- ۴- آسان گیری
قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «غفر الله عزّ و جلّ من كان قبلکم كان سهلاً اذا باع سهلاً اذا اشترى».
(بحار / ۱۰۳ / ۹۵)
- ۵- پرهیز از ربا
قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من باع و اشترى فليجتنب خمس خصال و الا فلا یبیعن و لا یشترین الربا و الحلف و کتمان العیب و الحمد اذا باع و الذمّ اذا اشترى».
(بحار / ۱۰۳ / ۹۵)
- ۶- طلب حلال؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «العبادة سبعون جزءاً و افضلها طلب الحلال».
(سفینة البحار / ۱ / ۲۹۸)
- ۷- یاد الهی
قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «السوق دار سهو و غفلة فمن سیح فیها تسبیحه كتب الله له بها الف حسنة».
(کنز العمال / ۹۳۳۰)
- ۸- پرهیز از سوگند
قال علی علیه السلام: «ایاکم و الحلف فانه ینفق السلعة و یمحق البركة» (محجة البيضاء / ۳ / ۱۷۳)

۹- پرهیز از احتکار و گرانفروشی
 قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من جمع طعاماً يتربص به الغلاء اربعين يوماً لقد برئ من الله و
 برئ الله منه.
 (سفينة / ۱ / ۲۹)

اشاره

اصبح بن نباته گوید: حضرت علی عليه السلام بر فراز منبر فرمودند: نخست احکام دینی
 مربوط به تجارت را یاد بگیرید سپس تجارت نمائید و سه مرتبه این جمله را
 فرمودند «الفقه ثم المتجر» به خدا سوگند حرکت ربا در این امت پنهان تر از جنبش
 مورچه روی سنگ خارا است و شخص تاجر گنه کار است و گنه کار در جهنم است
 مگر آنکه حق بگیرد و حق بدهد.
 (جامع الاحادیث الشیعة / ۱۸ / ۱)

۸۵- آداب مسافرت

- ۱- انتخاب رفیق
 قال علی عليه السلام: «سل عن الرفیق قبل الطريق و عن الجار قبل الدار». (نهج البلاغه / نامه ۳۱)
- ۲- انتخاب رفیق همپراز
 «إذا صحبت فاصحب نحوك فلا تصحب من يكفیک فان ذلك مذلة
 للمؤمن».
 (مکارم الاخلاق / ۱۳۱)
- ۳- انتخاب رئیس
 قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «إذا كان ثلاثة في سفر فليؤمروا احدهم».
 (کنز العمال / ۱۷۵۵۰)
- ۴- صدقه
 قال الصادق عليه السلام: «افتتح سفرك بالصدقة و اخرج اذا بدالك فانك تشتري سلامة
 نفسك».
 (بحار / ۱۰۳ / ۱۰۰)
- ۵- به دیگران اطلاع دادن
 عن ابی عبدالله عليه السلام قال: «قال رسول الله صلى الله عليه وآله حق على المسلم اذا اراد سفرأ ان يعلم
 اخوانه و حق على اخوانه اذا قدم ان يأتوه».
 (کافی / ۲ / ۱۷۴)

- ٦- تهيه زاد و توشه ٧- موافقت با دوستان
قال لقمان لابنه: «تزوّد معك الادوية فتنتفع بها و من معك و كن لاصحابك موافقاً
الاً في معصية الله».
(بحار / ٧٣ / ٢٧٥)
- ٨- دعا و نماز خواندن
قال الرضا عليه السلام: «و اذا اردت سفرأ فاجمع اهلك و صلّ ركعتين و قل اللهم اني
استودعك ديني و نفسي و اهلي و ولدي و عيالي».
(مستدرک / ٢ / ٢٥)
- قال الصادق عليه السلام: «من قرأ قل هو الله احد حين يخرج من منزله عشر مرّات لم يزل في
حفظ الله عزّ و جلّ ... حتى يرجع الى منزله».
(كافي / ٤ / ٣٣٣)
- ٩- بذل و بخشش ١٠- حفظ اسرار ١١- شوخي نمودن
قال الصادق عليه السلام: «المروّة في السفر كثرة الزاد و طبيبه و بذله لمن كان معك و كتمانك على
القوم سرّهم بعد مفارقتك اياهم و كثرة المزاح في غير ما يسخط الله عزّ و جلّ».
(بحار / ٧٣ / ٢٦٦)
- ١٢- بازگو نکردن مشکلات سفر
قال النبي صلى الله عليه و آله و سلم: «... و ترك الرواية عليهم اذا انت فارقتهم».
(مستدرک / ٢ / ٤٣)
- ١٣- به تنهايي سفر نرفتن؛ قال الكاظم عليه السلام: «لا تخرج في سفر و حدك فان الشيطان مع
الواحد و هو من الاثنين ابعد».
(وسائل / ٥ / ٣٠٠)
- ١٤- مشورت با دوستان ١٥- تبسم داشتن
قال الصادق عليه السلام: «قال لقمان لابنه اذا سافرت مع قوم فاكثر استشارتهم في امرك و
امرهم و اكثر التبسم في وجوههم ...».
(بحار / ٧٦ / ٢٧١)
- ١٦- سفر با افراد متواضع؛ قال علي عليه السلام: «لا تصحبني في سفر من لا يرى لك الفضل
عليه كما ترى له الفضل عليك».
(بحار / ٧٦ / ٢٦٧)
- ١٧- فوايد سفر
الف- سلامتي؛ قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: «سافروا تصحوا و جاهدوا
تغنموا».
(بحار / ٧٦ / ٢٢١)
- ب- زياد شدن عقل؛ قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: «سافروا فانكم ان لم تغنموا مالاً افدتم عقلاً».

اشاره

الف - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسافرت کمک به همسفران می نمود. هر کسی کاری را به عهده گرفت، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: جمع کردن هیزم به عهده‌ی من باشد. بعد فرمودند: «ولکن الله عزوجل یکره من عبده اذا کان مع اصحابه ان ینفرد من بینهم». (بحار ۷۶/ ۲۷۳)

ب - حضرت علی علیه السلام با شخصی ذمی هم سفر شد در بین راه مرد ذمی گفت: کجا می روی؟ فرمود: به کوفه و چون راه مرد ذمی به طرف دیگر بود حضرت مقداری با او رفتند شخص ذمی گفت: مسیر شما به طرف کوفه است چرا همراه من می آیی؟ حضرت فرمود: انسان وقتی از هم سفرش جدا می شود باید مسافتی او را مشایعت کند مرد ذمی به خاطر این منطق اخلاقی مسلمان شد. (سفینه ۱/ ۴۱۶)

۸۶- آداب احسان

۱- ترک منت

(مستدرک ۲/ ۴۱۳)

قال علی علیه السلام: «ملاک المعروف ترک المنّ به»

۲- شتاب نمودن ۳- کوچک شمردن ۴- پوشاندن

قال الصادق علیه السلام: «لا یتم المعروف الا بثلاث خصال تعجیله و تصغیره و ستره فاذا

(سفینه ۲/ ۱۷۸)

عجلته هنأته و اذا صغرته عظمتته و اذا سترته اتمته»

آثار احسان

الف - مصونیت از لغزش

(مستدرک ۲/ ۳۹۴)

قال علی علیه السلام: «صنایع المعروف تقی مصارع الهوان»

ب - مصونیت از مرگ بد

(مستدرک ۲/ ۳۹۳)

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «صنایع المعروف یدفع میته السوء»

ج - زاد و توشه قیامت

قال علی علیه السلام: «علیکم بصنایع المعروف فانها نعم الزاد الى المعاد» (مستدرک ۲/ ۳۹۴)

د - جذب دلها

قال علی علیه السلام: «من بذل معروفه مالت اليه القلوب» (مستدرک ۲/ ۳۹۴)

اشاره

مردی در محضر امام حسین علیه السلام گفت: بخشش و نیکی چون به نااهل برسد ضایع و تباه شود. حضرت فرمودند: نه چنین است بلکه بخشش همانند باران است که به نیک و بد برسد.

قال عندالحسین علیه السلام: «رجل انّ المعروف اذا أُسدى الى غير اهله ضاع فقال علیه السلام ليس كذلك و لكن تكون الصنعة مثل وابل المطر تصيب البرّ و الفاجر» (بحار ۷۵/ ۱۱۷)

۸۲-سلام

۱- ارزش سلام

قال الباقر علیه السلام: «ان الله يحب اطعام الطعام و افشاء السلام» (محاسن ۲/ ۱۴۳)

۲- سلام نام خداوند

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «ان السلام اسم من اسماء الله فافشوه بینکم» (کنز العمال ۲۵۲۳۷)

۳- سلام نشانه‌ی فروتنی

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «البادیء بالسلام بریء من الکبر» (کنز العمال ۲۵۲۶۵)

۴- سلام به هنگام ملاقات

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «اذا تلا قیتم فتلاقوا بالتسلیم و التصافح و اذا تفرقتم فتفرقوا

بالاستغفار» (بحار ۷۶/ ۵)

٥- سلام بهترين رفتار

قال رسول الله ﷺ: «الا اخبركم بخير اخلاق اهل الدنيا و الاخرة؟» قالوا: بلى يا رسول الله فقال: «افشاء السلام في العالم».

(بحار / ٧٦ / ١٢)

٦- سلام به هنگام ورود به منزل

اذا دخل احدكم منزله فيسلم على اهله. يقول السلام عليكم فان لم يكن له اهل فليقل السلام علينا من ربنا.

(بحار / ٧٦ / ٤)

٧- آداب سلام

قال رسول الله ﷺ: «يسلم الصغير على الكبير و يسلم الواحد على الاثنين و يسلم القليل على الكثير و يسلم الراكب على الماشي و يسلم المار على القائم و يسلم القائم على القاعد».

(كنز العمال / ٢٥٣٢١)

٨- سلام ممنوع

قال الصادق عليه السلام: «لا تسلموا على اليهود و لا على النصارى و لا على المجوس و لا على عبدة الاوثان و لا على موائد شرب الخمر و لا على صاحب الشطرنج و الزرد ... و لا على المصلّي و ذلك لانّ المصلّي لا يستطيع ان يردّ السلام ... و لا على آكل الرّبا ... و لا على الفاسق المعلن بفسقه».

(بحار / ٧٦ / ٩)

٩- سلام بر كودك

قال رسول الله ﷺ: «خمس لا ادعهن حتى الممات ... و التسليم على الصبيان لتكون سنة من بعدى».

(بحار / ٧٦ / ١٠)

١٠- بخل به سلام

قال رسول الله ﷺ: «انّ اعجز الناس من عجز من الدعاء و انّ اجمل الناس من بخل بالسلام».

(بحار / ٧٦ / ٤)

۱۱- آثار و برکات سلام

الف- آمرزش؛ قال ابو عبدالله عليه السلام: «انّ من موجبات المغفرة بذل السلام و حسن الكلام».

(بحار / ۷۶ / ۱۱)

ب- نزول برکت؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «اذا دخل احدكم بيته فليسلم فانه ينزله البركة و تانسسه الملائكة».

(بحار / ۷۶ / ۷)

ج- پاداش فراوان؛ قال على عليه السلام: «للسلام سبعون حسنة تسعة و ستون للمبتدى و واحدة للراة».

(بحار / ۷۶ / ۱۱)

۱۲- سلام قبل از سخن

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من بدأ بالكلام قبل السلام فلا تحيبوه».

(سفينة البحار / ۴ / ۲۳۷)

اشاره

شخص عربی وارد مسجد شد و در آغاز به حضرت علی عليه السلام سلام کرد بعد از آن به پیامبر صلى الله عليه وآله سلام نمود حاضران در مسجد به او گفتند: چرا اول به پیامبر سلام نکردی؟ در پاسخ گفت: من از پیامبر شنیدم که فرمود: «انا مدينة العلم و علی بابها» بدین جهت به فرمایش پیامبر عمل نمودم.

(سفينة البحار / ۱ / ۴۰۴)

۸۸- اوصاف مؤمن

۱- خوشرویی ۲- اندوه در قلب ۳- سعه صدر ۴- فروتنی ۵- همت عالی ۶-

خاموشی ۷- نرم خوئی و ...

قال علی عليه السلام: «المؤمن بشره في وجهه و حزنه في قلبه او سع شيء صدرأ و اذل شيء نفساً يكره الرفعه و يشنأ السمع طویل غمّه بعيد همّه كثير صمته مشغول وقته شكور صبور ...».

(بحار / ۶۹ / ۴۱۱)

۸- بردباری ۹- ثبات قدم ۱۰- قناعت ۱۱- عدم ستم
 قال علی علیه السلام: «المؤمن وقور عند الهزاهز ثبوت عند المکاره صبور عند البلاء شکور
 عند الرخاء قانع بما رزقه الله لا یظلم الاعداء و لا یتحمل للاصدقاء الناس منه فی
 راحة و نفسه منه فی تعب».
 (کافی / ۲ / ۴۷)

۱۲- راز نگهداری ۱۳- مدارا با مردم ۱۴- صبر
 قال الرضا علیه السلام: «لا یتكون المؤمن مؤمناً حتى تكون فیہ ثلاث خصال سنة من ربّه و
 سنة من نبیّه و سنة من ولیّه فاما السنة من ربه فکتان السر و اما السنة من نبیّه
 فداراة الناس و اما السنة من ولیّه فالصبر فی البأساء».
 (بحار / ۷۸ / ۳۳۴)

۱۵- پاکیزگی در کسب ۱۶- حسن خلق ۱۷- انفاق
 قال الصادق علیه السلام: «المؤمن من طاب مکسبه و حسنت خلیقته و صحّت سریرته و
 انفق الفضل من ماله و امسک الفضل من کلامه».
 (سفینة البحار / ۱ / ۱۴۶)

۱۸- استقامت
 قال الصادق علیه السلام: «ان المؤمن اشدّ من زبر الحديد انّ زبر الحديد اذا دخل النار تغیر و
 انّ المؤمن لو قتل ثم نشر ثم قتل لم یتغیر قلبه».
 (بحار / ۶۷ / ۳۰۴)

اشاره

الف- راحتی مؤمن در لقاء پروردگار؛ انس گوید: خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدم
 روی حصیر خوابیده بود، بیدار شد و فرمود: اجل من نزدیک شده و اشتیاق به
 لقاء پروردگار فراوان است، بعد فرمود: «لیس شیء احبّ الیّ من الموت و لیس
 للمؤمن راحة من دون لقاء الله» بعد پیامبر صلی الله علیه و آله گریه کرد. عرض کردم چرا گریه
 می‌کنید؟ فرمود: به دلیل مسایلی که بر امت من وارد می‌شود. عرض کردم چه
 حوادثی رخ می‌دهد؟ فرمود: «الاهواء المختلفة و قطیعة الرحم و حبّ المال و
 الشرف و البدعة».
 (مستدرک / ۱۲ / ۶۴)

ب - مؤمن کامل؛ شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: می ترسیم که مؤمن نباشیم. حضرت فرمودند: چرا؟ گفت: به دلیل این که درهم و دینار را از برادران ایمانی بیشتر دوست داریم. حضرت فرمودند: شما مؤمن هستید لکن مؤمن کامل نیستید. زمانی که حضرت مهدی قیام کنند عقل مردم کامل می شود و در اثر آن اهل ایمان به کمال ایمان می رسند. بعد حضرت فرمودند: «واشوقاه لمجالستهم و محادثتهم» .
(سفینه البحار / ۱ / ۱۴۸)

۸۹ والدين

- ۱ - اهمیت نیکی به والدین
عن منصور بن حازم عن ابي عبدالله عليه السلام قال: قلت اي الاعمال افضل؟ قال:
«الصلوة لوقتها و برّ الوالدين و الجهاد في سبيل الله» .
(کافی / ۲ / ۱۵۸)
- ۲ - کیفیت احسان به والدین
قال الصادق عليه السلام: «... الاحسان ان تحسن صحبتها و ان لا تكلفها ان يسألك شيئاً مما يحتاجان و ان كانا مستغنين» .
(کافی / ۲ / ۱۵۷)
- ۳ - اهتمام احسان به مادر
جاء رجل الى النبي فقال: يا رسول الله من ابرّ قال: امّك. قال: ثم من؟ قال: امّك. قال:
ثم من؟ قال: امّك. قال: ثم من؟ قال: اباك.
(کافی / ۲ / ۱۵۹)
- ۴ - احسان به والدین گناهکار
عن ابي جعفر قال: «ثلاث لم يجعل الله عزّ و جلّ لاحد فيهنّ رخصة اداء الامانة الى البرّ و الفاجر و الوفاء بالعهد للبرّ و الفاجر و برّ الوالدين برّين كانا او فاجرين» .
(بحار / ۷۱ / ۵۶)

۵- احسان به والدین بعد از مرگ

قال رسول الله ﷺ: «سیدالابرار یوم القیامة رجل برّ والديه بعد موتها» (بحار ۸۶/۷۱)

۶- عدم اطاعت والدین در معصیت

قال الرضا علیه السلام: «برّ الوالدین واجب و ان کانا مشرکین و لا طاعة لهما فی معصیة الخالق».
(بحار ۷۲/۷۱)

۷- حقوق والدین

لما سئل عن رسول الله ﷺ عن حق الوالد علی ولده فقال ﷺ: «لا یسمّیه باسمه و لا یمشی بین یدیه و لا یجلس قبله و لا یتسب له».
(کافی ۱۵۹/۲)

۸- آثار احسان به والدین

قال الصادق علیه السلام: «من احبّ ان یخفف الله عزّ و جلّ عنه سكرات الموت فلیکن لتقربته و صولاً و بوالديه باراً فاذا کان كذلك هوّن الله علیه سكرات الموت و لم یصبه فی حیاته فقر ابداً».
(بحار ۶۶/۷۱)

۹- سخن کریمانه با والدین

قال الصادق علیه السلام: «فی قوله تعالی: ﴿و قل لهما قولاً کریماً﴾ ان ضرباک فقل لهما غفر الله لهما».
(کافی ۱۵۸/۲)

۱۰- نگاه مهرآمیز به والدین

قال رسول الله ﷺ: «ما ولد بارّ نظر الی ابویه برحمة الا کان له بكلّ نظرة حجة مبرورة» فقالوا: یا رسول الله و ان نظر فی کل یوم مائة نظرة قال: «نعم الله اکبر و اطیب».
(بحار ۷۳/۷۱)

۱۱- بی احترامی به والدین

عن ابی جعفر علیه السلام قال: «انّ ابی نظر الی رجل و معه ابنه یمشی و الابن متکئی علی ذراع الاب قال فما کلمه ابی مقتاً له حتّی فارق الدنيا».
(کافی ۳۴۹/۲)

۱۲- برتری احسان به والدین بر جهاد

اقی رسول الله ﷺ رجل فقال انی رجل شاب نشیط و احبّ الجهاد ولی والدته تکره ذلك فقال له النبی ﷺ: «ارجع فکن مع والدتك فوالذی بعثنی بالحق نبیاً لأنسها بک لیلۃ خیر من جهادک فی سبیل الله سنة».

(بحار / ۷۱ / ۵۹)

اشاره

الف - حضرت صادق علیه السلام می فرماید: وقتی یعقوب به دیدار فرزندش آمد، یوسف علیه السلام نگاه به مقام خود کرد و پیاده نشد. جبرئیل نازل شد و فرمود: دست خود را باز کن. ناگاه نوری از آن خارج شد، به او فرمود: به دلیل عدم رعایت احترام به پدر نور نبوت از نسل تو خارج شد و به برادرت که پیشنهاد کرد یوسف را نکشید منتقل گشت؛ «نزعت النبوة من عقبک عقوبة لما لم تنزل الی الشیخ یعقوب فلا یكون من عقبک نبی».

(بحار / ۱۲ / ۲۵۲)

ب - جوانی در حال احتضار بود و نمی توانست شهادتین بگوید. پیامبر صلی الله علیه و آله متوجه شدند مادرش از او راضی نیست. پیامبر صلی الله علیه و آله مادر را راضی ساخت تا جوان توانست شهادتین را بگوید، و پیامبر به او فرمود: چنین بگوید «یا من یقبل الیسیر و یعفو عن الکثیر اقبل منی الیسیر و اعف عنی الکثیر انک انت الغفور الرحیم» و خداوند گناهان جوان را بخشید.

(امالی طوسی / ۱ / ۶۳)

۹۰ ازدواج

- ۱- ازدواج سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
 قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی». (بحار/۱۰۳/۲۲۰)
- ۲- ازدواج مایه‌ی حفظ دین
 قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «اذا تزوج العبد فقد استكمل نصف الدین فلیتق الله فی النصف الباقی». (کنز العمال/۴۴۰۳)
- ۳- فضیلت نماز متزوج
 قال الصادق علیه السلام: «رکعتان یصلیهما متزوج افضل من سبعین رکعة یصلیهما غیر متزوج». (بحار/۱۰۳/۲۱۹)
- ۴- نکوهش از عدم ازدواج
 قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «شرار موتاکم العزّاب». (بحار/۱۰۳/۲۲۰)
- ۵- فراهم نمودن زمینه‌ی ازدواج
 قال الصادق علیه السلام: «من زوج اعزباً کان ممن ینظر الله عزّ و جلّ الیه یوم القیامة». (کافی/۵/۳۳۱)
- ۶- اهتمام به دینداری در خواستگار
 قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «اذا جاءکم ممن ترضون دینه و امانته یخطب (الیکم) فزوجوه ان لا تفعلوه تکن فتنة فی الارض و فساد کبیر». (بحار/۱۰۳/۳۷۲)
- ۷- عدم منع نگاه به زن به هنگام خواستگاری
 عن ابی عبدالله علیه السلام: «لا بأس بان ینظر الی وجهها و معاصمها اذا اراد ان یتزوجها». (کافی/۵/۳۶۵)

- ٨- ترك ازدواج و سوء ظن به خدا
عن ابي عبدالله عليه السلام: «من ترك التزويج مخافة العيلة فقد اساء الظن بالله». (كافي / ٥/ ٣٣٠)
- ٩- آسان گرفتن مهريه
قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «تياسروا في الصداق فان الرجل ليعطى المرأة حتى يبقى ذلك في نفسه عليها حسيكة (عداوة و حقداً)». (كنز العمال / ٤٤٧٣١)
- ١٠- عدم ازدواج با غير صالح
قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «اياكم و خضراء الدمن» قيل: يا رسول الله و ما خضراء الدمن؟ قال: «المرأة الحسناء في منبت السوء». (بحار / ١٠٣/ ٢٣٢)
- ١١- حقوق مرد
قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «لو امرت احداً ان يسجد لاحد لامرت المرأة ان تسجد لزوجها». (كافي / ٥/ ٥٠٨)
- ١٢- حقوق زن
قال زين العابدين عليه السلام: «و اما حق الزوجة فان تعلم ان الله عزّ و جلّ جعلها لك سكناً و انساً فتعلم ان ذلك نعمة من الله عليك فتكرمها و ترفق بها و ان كان حقك عليها اوجب فانّ لها عليك ان ترحمها». (بحار / ٧٤/ ٥)
- ١٣- ازدواج مايهى توسعه رزق
قال الصادق عليه السلام: «جاء رجل الى النبي فشكا اليه الحاجة فقال صلى الله عليه وآله: تزوج فتزوج فوسع عليه». (كافي / ٥/ ٣٣٠)
- ١٤- بهترين زن
قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «افضل نساء امتي احسنهنّ وجهاً و اقلهنّ مهراً». (بحار / ١٠٣/ ٢٣٧)
- ١٥- آزاررسانی زوجين مانع قبولی عبادات
الف - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من كان له امرأة تؤذيه لم يقبل الله صلاتها و لا حسنة من عملها حتى تعينه و ترضيه و ان صامت الدهر ... و على الرجل مثل ذلك الوزر و العذاب اذا كان لها مودياً ظالماً». (وسائل / ١١٦/ ١٤)

ب - قال رسول الله ﷺ: «إذا قالت المرأة لزوجها ما رأيت منك خيراً قط فقد حبط عملها»
(نهج الفصاحة / ۴۴)

۱۶ - جهاد زن، نیکو شوهر داری

قال کاظم علیه السلام: «جهاد المرأة حسن التبعل».
(کافی / ۵ / ۵۰۷)

۱۷ - پیامد عدم قصد پرداخت مهریه

عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «من امهر مهراً ثم لا ينوى قضائه كان بمنزلة السارق».
(وسائل / ۷ / ۲۱)

۱۸ - ولیمه‌ی عروسی در روز

قال رسول الله ﷺ: «زقوا عرائسکم لیلاً و اطعموا ضحی».
(بحار / ۱۰۰ / ۲۶۸)

۱۹ - پیامد ازدواج به خاطر زیبایی و ثروت

قال رسول الله ﷺ: «من تزوج امرأة لا يتزوجها الا لجهاها لم يرفها ما يحب و من تزوجها لماها لا يتزوجها الا وكله الله اليه فعليكم بذات الدين».
(بحار / ۱۰۰ / ۲۳۵)

۲۰ - خدمت به عیال

قال رسول الله ﷺ: «خدمتك زوجتك صدقة».
(نهج الفصاحة / ۳۰۱)

قال رسول الله ﷺ: «لا يخدم العيال الا صديق او شهيد او رجل يريد الله به خير الدنيا و الآخرة».
(بحار / ۱۰۱ / ۱۳۲)

۲۱ - زن شایسته مایه‌ی سعادت

قال رسول الله ﷺ: «من سعادة المرء الزوجة الصالحة».
(وسائل / ۱۴ / ۲۳)

۲۲ - لزوم توسعه در زندگی

الف - قال الصادق علیه السلام: «ان عیال المرء أسراؤه فن انعم الله عليه نعمة فلیوسع علی اسرائه فان لم يفعل اوشك ان تزول تلك النعمة»
(بحار / ۷۵ / ۲۰۸)

ب - قال الرضا علیه السلام: «ینبغی للرجل ان یوسع علی عیاله لئلا یتمنوا موته»

(روضه المتقین / ۳ / ۲۰۷)

اشاره

الف - جویبر شخص بی بضاعتی بود. پیامبر به او فرمود: ازدواج کن تا به دنیا و آخرت خود کمک کرده باشی. او گفت: من نه مال دارم و نه زیبایی و کسی بر من رغبت پیدا نمی‌کند «فایته امرأة ترغب فی» حضرت به زیاد بن لبید که از اشراف بود فرمود: دختر خود را به جویبر بدهد. او گفت: با هم طراز خود ازدواج می‌کنیم. پیامبر فرمود: جویبر و دختر تو در ایمان به خدا هم طراز هستند. زیاد بن لبید پذیرفت و دختر خود را به عقد جویبر درآورد جویبر به شکرانه این نعمت سه شب به مناجات با خداوند پرداخت.

(سفینه ۱/ ۵۴۰)

ب - امام صادق علیه السلام می‌فرماید: مردی نزد پدرم آمد، پدرم به او فرمود: آیا همسر داری؟ عرض کرد: خیر. پدرم به او فرمود: من دوست ندارم همه‌ی دنیا و آنچه در آن است داشته باشم ولی یک شب را بدون همسر بسر ببرم، سپس فرمود: دو رکعت نماز انسانی که همسر دارد بهتر است از عبادت یک شب و روزه‌ی آن روز مردی که همسر ندارد. سپس پدرم به او هفت دینار داد و فرمود: با این پول ازدواج کن و فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «اتخذوا الاهل فانه ارزق لکم».

(وسائل الشیعه ۱۴/ ۷)

ج - روزی حضرت علی علیه السلام نمک و خرما خریده و به طرف منزل می‌رفت. شخصی گفت: اجازه دهید کمک کنم. فرمود: از کمال انسان کاسته نمی‌شود اگر آذوقه‌ی خانواده را به دست بگیرد و به منزل ببرد.

(تاریخ کامل ۳/ ۲۰۳)

۹۱- فرزند

- ۱- علاقه به فرزند
قال الصادق علیه السلام: «ان الله عزّ و جلّ ليرحم العبد لشدة حبه لولده». (کافی / ۴ / ۵۰)
- ۲- بوسیدن فرزند
قال علی علیه السلام: «من قبل ولده كان له حسنة». (سفينة البحار / ۸ / ۵۰۸)
- ۳- خطر بی مهری به فرزند
قال رجل لرسول الله صلی الله علیه و آله ما قبلت صبياً قطّ فلما ولیّ. قال صلی الله علیه و آله: «هذا رجل عندي انه من اهل النار». (کافی / ۴ / ۵۰)
- ۴- بازی با فرزند کوچک
قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من كان عنده صبيّ فليصاّب له». (فقيه / ۳ / ۴۸۳)
- ۵- فرزند شایسته
قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «الولد الصالح ريحانة من رياحين الجنة». (کافی / ۴ / ۳)
- ۶- پیامد فرزند ناشایست
قال علی علیه السلام: «ولد السوء يهدم الشرف». (غرر الحكم / ۱۰۰۶۵)
- ۷- تربیت فرزند
قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «ادّبوا اولادکم علی ثلث خصال حبّ نبيکم و حبّ اهل بيته و قراءة القرآن». (کنز العمال / ۹ / ۴۵۴۰۹)
- قال ابو عبد الله علیه السلام: «الغلام يلعب سبع سنين و يتعلّم الكتاب سبع سنين و يستعلم الحلال و الحرام سبع سنين». (کافی / ۴ / ۴۹)

۸- حقوق فرزند

قال رسول الله ﷺ: «حق الولد على الوالد ان يحسن اسمه و يزوجه اذا ادرك و يعلمه الكتاب».

(کنز العمال / ۴۵۱۹۱)

قال علي عليه السلام: «حق الولد على الوالد ان يحسن اسمه و يحسن ادبه و يعلمه القرآن».

(نهج البلاغه / حکمت ۳۹۹)

۹- مساوات میان فرزندان

قال علي عليه السلام: «اعدلوا بين اولادكم كما تحبون ان يعدلوا بينكم في البر و اللطف».

(بحار / ۱۰۴ / ۹۲)

۱۰- غصه نخوردن برای دنیا فرزند

قال علي عليه السلام: «لا تجعلن اكثر شغلك باهلك و ولدك فان يكن اهلك و ولدك اولياء الله فان الله لا يضيع اوليائه و ان يكونوا اعداء الله فما همك و شغلك باعداء الله».

(نهج البلاغه / حکمت ۳۵۲)

۱۱- بیماری فرزند مایه‌ی تکفیر گناه والدین

قال علي عليه السلام: «في المرض يصيب الصبي فقال كفارة لوالديه».

(کافی / ۴ / ۵۴)

اشاره

حضرت صادق علیه السلام به عیادت مریضی رفتند. به مریض فرمودند: چرا غمناک هستی؟ عرض کرد: اندوه من برای دخترانم است. حضرت فرمود: به آن کسی امید برای مضاعف ساختن کارهای نیک خود و نابود شدن گناهانت داری به همان کس امید برای اصلاح کار فرزندان خود داشته باش «الذی ترجوه لتضعیف حسناتک و محو سيئاتك فارجه لاصلاح حال بناتك».

(بحار / ۱۸ / ۳۵۲)

۹۲- صله رحم

۱- آثار صله رحم

۱- طول عمر ۲- از بین رفتن فقر؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «صلة الرحم تزيد في العمر و تنفي الفقر».

(بحار / ۷۱ / ۸۸)

۳- پاک شدن اعمال ۴- توسعهی رزق ۵- دفع بلا ۶- آسانی حساب

قال الباقر عليه السلام: «صلة الرحم تزكي الاعمال و تنمي الاموال و تدفع البلوى و تيسر الحساب و تنسيء في الاجل».

(بحار / ۷۱ / ۱۱۱)

قال الحسين عليه السلام: «من سرّه ان يبسط له في رزقه و ينسأله في اجله فليصل رحمه».

(بحار / ۷۱ / ۸۹)

۷- رفتار نیک ۸- پاکى روح؛ قال الباقر عليه السلام: «صلة الرحم تحسّن الخلق و تسمّح الكف و تطيب النفس و تزيد في الرزق و تنسيء في الاجل».

(بحار / ۷۱ / ۱۱۴)

۹- آباد شدن سرزمینها؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «صلة الرحم تعمر الديار و تزيد في الاعمار...».

(بحار / ۷۱ / ۹۴)

۲- آثار قطع رحم

۱- تسلط اشرار بر ثروتها؛ قال على عليه السلام: «اذا قطعوا الارحام جعلت الاموال في ایدی الاشرار».

(کافی / ۲ / ۳۷۳)

۳- محرومیت از بهشت؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «ثلاثة لا يدخلون الجنة مد من خمر و مد من سحر و قاطع رحم».

(خصال / ۱۷۹)

۴- قطع رحمت الهی؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «انّ الرحمة لا تنزل على قوم فيها قاطع رحم».

(کنز العمال / ۶۹۷۸)

نکته: صله رحم از سه جهت مورد توصیه‌ی اسلام است، گرچه به سلام کردن باشد

گرچه به نوشیدن آب باشد، گرچه اقوام قطع رابطه کرده باشند:

۱- قال رسول الله ﷺ: «صلوا ارحامکم فی الدنيا ولو بالسلام». (بخار / ۷۱ / ۱۰۴)

۲- قال الصادق علیه السلام: «صل رحمک ولو بشربة من ماء». (بخار / ۷۱ / ۱۱۷)

۳- قال علی علیه السلام: «صلوا ارحامکم و لو قطعوکم». (امالی طوسی / ۲۰۸)

اشاره

الف - مردی به خدمت امام صادق علیه السلام رسید و گفت: پسر عمویت در باره‌ی شما ناسزا می‌گفت. حضرت به نماز ایستاد، با خود گفتم امام می‌خواهد در باره‌ی او نفرین کند. دیدم حضرت دو رکعت نماز خواند و فرمود: خداوندا! من از حق خودم در مورد او گذشتم و تو از من بخشنده‌تر هستی او را ببخش.

ب - روزی حضرت علی علیه السلام خطبه می‌خواند، در ضمن آن فرمود: «اعوذ بالله من الذنوب التي تعجل الفناء». شخصی پرسید: آیا چنین گناهی هم وجود دارد؟ فرمود: بلی، قطع رحم.

(کافی / ۲ / ۲۶۰)

۹۳ همسایه‌داری

۱ - احترام به همسایه

قال رسول الله ﷺ: «حرمة الجار علی الانسان کحرمة امه». (مکارم الاخلاق / ۱ / ۲۷۴)

۲ - نیکی به همسایه نشانه‌ی ایمان

قال رسول الله ﷺ: «احسن مجاورة من جاورک تکن مؤمناً». (امالی صدوق / ۱۶۸)

۳ - انتخاب همسایه قبل از منزل

قال رسول الله ﷺ: «الجار ثم الدار الرفیق ثم السفر». (مستدرک / ۸ / ۴۲۹)

- ۴- سفارش نسبت به همسایه
قال علی علیه السلام: «اللّٰهُ اللهُ في جيرانكم فانه وصية نبيكم مازال يوصي بهم حتى ظننا انه سيورثهم».
(بحار / ۷۱ / ۱۵۳)
- ۵- آزارسانی به همسایه
قال الرضا علیه السلام: «ليس منا من لم يأمن جاره بوائقه».
(عيون اخبار الرضا / ۲ / ۲۴)
- ۶- كيفر آزارسانی به همسایه
قيل لرسول الله صلى الله عليه وآله: «ان فلانة تصوم النهار و تقوم الليل و هي سيئة الخلق تؤذي جيرانها بلسانها فقال لا خير فيها هي من اهل النار»
(مجموعه ولام / ۶۳)
- ۷- پیامد عدم کمک به همسایه
قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «ليس بالمؤمن الذي يبيت شعبان و جاره جائع الى جنبه».
(مستدرک / ۸ / ۴۲۹)
- ۸- حدود همسایه
قال علی علیه السلام: «حریم المسجد اربعون ذراعاً و الجوار اربعون داراً من اربعة جوانبها».
(خصال / ۲ / ۵۴۴)
- ۹- خوب همسایه داری
قال الكاظم علیه السلام: «ليس حسن الجوار كفّ الاذى ولكن حسن الجوار الصبر على الاذى».
(تحف العقول / ۴۰۹)
- ۱۰- پناه بردن به خدا از همسایه بد
قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «اعوذ بالله من جار السوء في دار اقامة تراك عيناه و يرداك قلبه ان رأك بحير ساءه و ان رأك بشر سره».
(كافي / ۲ / ۶۶۹)
- ۱۱- آثار خوب همسایه داری
قال الصادق علیه السلام: «حسن الجوار يعمر الديار و يزيد في الاعمار».
(كافي / ۲ / ۶۶۷)
- قال علی علیه السلام: «من احسن الى جيرانه كثر خدمه».
(غرر الحكم / ۷۹۶۷)

اشاره

الف - امام صادق علیه السلام فرمودند: وقتی بنیامین فرزند یعقوب از او دور شد، یعقوب علیه السلام عرض کرد: خدایا آیا به من رحم نمی کنی؛ بینایی چشمم را از دست دادم و دو فرزندم از من دور شد. خداوند وحی فرستاد: فرزندان را به تو بر می گردانم و لکن آیا به یاد داری که گوسفندی ذبح کردی و از آن استفاده کردید و فلان همسایه ات روزه بود و چیزی از آن به او ندادی؟ (محجة البیضاء / ۳ / ۴۲۶)

ب - شخصی از همسایه اش سه مرتبه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله شکایت کرد. پیامبر فرمود: روز جمعه وقتی مردم به نماز جمعه می روند اثاث منزل را بیرون بیاور تا مردم از اذیت همسایه اطلاع پیدا کنند همسایه وقتی این جریان را مشاهده کرد متنبه و شرمند شد دیگر او را اذیت نکرد. (سفینه / ۲ / ۶۹)

۹۴- حقوق

۱ - حق خداوند بر بندگان

قال علی علیه السلام: «... لکنه سبحانه جعل حقه علی العبادان یطیعوه...». (نهج البلاغه / خطبه ۲۱۴)

۲ - حقوق مؤمن

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «للمؤمن علی المؤمن سبعة حقوق واجبة من الله عزّ و جلّ علیه الاجلال فی عینه و الودّ له فی صدره و المواساة له فی ماله و ان یحرم غیبه و ان یرده فی مرضه و ان یشیع جنازته و ان لا یقول فیهِ بعد موته الاّ خیراً». (بحار / ۷۴ / ۲۲۲)

۳ - حقوق مسلمان

عن علی علیه السلام قال: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله للمسلم علی اخیه ثلاثون حقاً لا براءة له منها الاّ بالاداء او العفو یغفر زلته و یستر عورته و یقیل عثرته و یقبل معذرتة و یردّ غیبه و یدیم نصیحته و یحفظ خلته...». (بحار / ۷۱ / ۲۳۶)

٤ - حقوق همسایه

قال زين العابدين عليه السلام: «اما حق جارك فحفظه غائباً و اكرامه شاهداً و نصرته اذا كان مظلوماً... لا تسلمه عند شديدة و تقبل عثرته و تغفر ذنبه و تعاشره معاشره كريمة».
(تحف العقول / ٢٦٠)

٥ - حق شوهر بر زن

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «اعظم الناس حقاً على المرأة زوجها...».
(كنز العمال / ٤٧٧١)

٦ - حق زن بر شوهر

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «حق المرأة على زوجها سدّ جوعتها و ان يستر عورتها و لا يبيع لها وجهاً».
(بحار / ١٠٣ / ٢٥٤)

٧ - حقوق متقابل حاكم و مردم

قال على عليه السلام: «فاذا ادت الرعية الى الوالى حقه و اذ الوالى اليها حقها عزّ الحق بينهم و قامت مناهج الدين و اعتدلت معالم العدل فصلح بذلك الزمان...».
(نهج البلاغه / خطبه ٢٠٧)

٨ - حق پدر بر فرزند

لما سئل عن رسول الله صلى الله عليه وآله عن حق الوالد على ولده فقال صلى الله عليه وآله: «لا يسميه باسمه و لا يمشى بين يديه و لا يجلس قبله و لا يستسب له».
(كافي / ٢ / ١٥٩)

٩ - حق فرزند بر پدر

قال على عليه السلام: «حق الولد على الوالد ان يحسن اسمه و يحسن ادبه و يعلمه القرآن».
(نهج البلاغه / حكمت ٣٩٩)

١٠ - حق استاد بر انسان

قال زين العابدين عليه السلام: «و اما حق سائسك بالعلم فالتعظيم له و التوقير مجلسه و حسن الاستماع اليه...».
(تحف العقول / ٢٦٠)

۱۱- حق حیوان بر صاحبش

قال رسول الله ﷺ: «للدابة على صاحبها ستّ خصال: يعلفها اذا نزل و يعرض عليها الماء اذا مرّ به و لا يضربها الا على حق و لا يحملها ما لا يطيق و لا يكلفها من السير الا طاقتها و لا يقف عليها اقواتاً».

(مستدرک / ۲ / ۵۰)

۱۲- حق اعضاء و جوارح

قال زين العابدين عليه السلام: «... و حق السمع تنزيهه عن سماع الغيبة و سماع ما لا يحل سماعه و حق البصر ان تغضه عما لا يحل لك و حق يدك ان لا تبسطها الى ما لا يحل لك...»

(محجة البيضاء / ۳ / ۳۵۴)

اشاره

الف- امام سجاد عليه السلام در رساله‌ی حقوق، پنجاه حق برای هر مسلمان بیان می‌کند از قبیل: حق خداوند، حق اعضاء و جوارح، حق برخی از عبادات و ... در پایان می‌فرماید: «فهذه خمسون حقاً محيطاً بك لا تخرج منها في حال من الاحوال يجب عليك رعايتها...»

(تحف العقول / ۲۷۲)

ب- روى عن اويس القرنى انه قال: و انّ حقوق الله لم يبق لنا ذهباً و لا فضة.

(سفينة البحار / ۱ / ۲۰۰)

۹۵- سخاوت

۱- سخاوت از اخلاق انبیا

قال رسول الله ﷺ: «السخاء من اخلاق الانبياء و هو عماد الدين...».

(بحار / ۷۱ / ۳۵۵)

۲- سخاوت ملاک شجاعت

قال على عليه السلام: «اشجع الناس اسخاهم».

(غرر الحكم / ۲۸۹۹)

۳- سخاوتمندترین مردم

قال رسول الله ﷺ: «اسخى الناس من ادى زكاة ماله».

(بحار / ۷۷ / ۱۱۲)

۴- ویژگی سخاوتمند

قال الرضا عليه السلام: «السخى يأكل من طعام الناس ليأكلوا من طعامه». (بخار / ۷۱ / ۳۵۲)

۵- اعتدال در سخاوت

قال العسکرى عليه السلام: «انَّ للسَّخَاءِ مقداراً فان زاد عليه فهو سرف». (بخار / ۶۹ / ۴۰۷)

۶- آثار سخاوت

الف- پوشاندن عیب؛ قال على عليه السلام: «السَّخَاءُ ستر العيوب». (غرر الحكم / ۹۱۴)

ب- مایه‌ی محبت مردم؛ قال على عليه السلام: «السَّخَاءُ يكسب المحبة و يزين الاخلاق». (غرر الحكم / ۱۶۰۰)

ج- زیاد شدن دوستان؛ قال على عليه السلام: «كثرة السَّخَاءِ تكثر الاولياء و تستصلح الاعداء». (غرر الحكم / ۷۱۰۶)

د- قرب الهی؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «السخى قريب من الله قريب من الناس قريب من الجنة». (بخار / ۷۳ / ۳۰۸)

هـ- دفع عذاب؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعدى بن حاتم: «دفع عن ابيك العذاب الشديد لسخاء نفسه». (بخار / ۷۱ / ۳۵۴)

اشاره

مرد عربی وارد مدینه شد و از کریم‌ترین شخص سؤال کرد او را به امام حسین عليه السلام راهنمایی کردند هنگامی که وارد شد این شعر را خواند:

لم یخب الان من رجاك و من حرّك من دون بابك الحلقة

انت جواد و انت معتمد ابوك قد كان قاتل الفسقة

حضرت کمک فراوانی به او نمود بعد فرمودند: «خذاها فانی الیک معتذر و اعلم

بانی عليك ذو شفقة».

مرد عرب شروع به گریه کردن نمود: حضرت فرمودند: شاید عطای ما را کم

شمردی. گفت: خیر گریه من برای آنست که چگونه این دست با جود و کرم زیر خاک

(سفینه البحار / ۴ / ۱۰۷)

پنهان می شود «كيف يأكل التراب جودك»

۹۶- نعمت

۱- بالاترین نعمت

قال الصادق عليه السلام: «ما انعم الله على عبد اجلّ من ان لا يكون في قلبه مع الله عزّ و
جلّ غيره».
(تنبيه الخواطر / ۲ / ۱۰۸)

۲- برتری نعمت معنوی بر مادی

قال على عليه السلام: «انّ من النعم سعة المال و افضل من سعة المال صحّة البدن و افضل من
صحّة البدن تقوى القلب».
(شرح نهج البلاغه / ۱۹ / ۳۳۷)

۳- یادآوری نعمت‌ها

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «في قوله تعالى: ﴿وذكرهم بايام الله﴾ بنعم الله و
الائه».
(الدر المنثور / ۵ / ۶)

۴- پرهیز از دور شدن نعمت

قال على عليه السلام: «احذروا نفار النعم فما كل شارد بمرود».
(نهج البلاغه / حکمت ۲۴۶)

۵- احسان عامل تداوم نعمت

قال على عليه السلام: «من بسط يده بالانعام حصّن نعمته من الانصرام».
(غرر الحكم / ۸۵۵۹)

۶- عوامل زوال نعمت

الف- سخن بیهوده؛ قال على عليه السلام: «ربّ كلمة سلبت نعمة و جلبت نقمة».

(نهج البلاغه / حکمت ۳۸۱)

ب- ظلم؛ قال على عليه السلام: «ما انعم الله على عبد نعمة فظلم فيها الاّ كان حقيقاً ان يزيلها

عنه».
(غرر الحكم / ۹۷۱۰)

۷- توجه به خدا عامل برگشت نعمت

قال علی علیه السلام: «ولو انّ الناس حين تنزل بهم النقم و تزول عنهم النعم فزعوا الى ربهم بصدق من نیاتهم و وله من قلوبهم لردّ علیهم کلّ شارد و اصلح لهم کل فاسد».

(نهج البلاغه / خطبه ۱۷۸)

۸- شکر مانع استدراج و عذاب

قال رجل للصادق علیه السلام سألت الله ان یرزقنی مالاً و ولداً و داراً فرزقنی و قد خفت ان یرکون ذلك استدراجاً؛ اما و الله مع الحمد فلا.

(کافی / ۲ / ۹۷)

۹- محبوبیت اظهار نعمت

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «ان الله یحبّ ان یری اثر نعمته علی عبده».

(صحیح ترمذی / ۲۸۱۹)

۱۰- تمامیت نعمت

قال علی علیه السلام: «کل نعیم دون الجنة فهو محقور و کل بلاء دون النار عاقیه».

(نهج البلاغه / حکمت ۳۸۷)

اشاره

احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: در محضر حضرت رضا علیه السلام بودم و از وضع زندگی خود سخن گفتم: حضرت فرمودند: صبر کن امید است خداوند تحوّلی در زندگی تو به وجود آورد بعد فرمودند: سوگند به خدا آنچه را که خداوند برای مؤمن در عالم آخرت ذخیره نموده بهتر از نعمت‌های دنیوی است بعد امام علیه السلام دنیا را کوچک شمردند و فرمودند دنیا چیست؟ سپس فرمودند: صاحب نعمت در خطر است و حقوق واجب الهی را باید ادا کند.

«ثم صغّر الدنيا و قال ایّ شیء هی؟ ثم قال ان صاحب النعمة علی خطر انه یرکب علیها

(فروع کافی / ۳ / ۵۰۲)

حقوق الله فیها».

۹۷- شکر الهی

- ۱- حقیقت شکر خداوند
قال الصادق عليه السلام: «شكر النعمة اجتناب المحارم و تمام الشكر قول الرجل الحمد لله رب العالمين».
(كافي / ۲ / ۹۵)
- ۲- ظهور شکر
قال على عليه السلام: «شكر العالم على علمه عمله به و بذله لمستحقه».
(غرر الحكم / ۵۶۶۷)
- ۳- شاکرترین مردم
قال السجاد عليه السلام: «... اشكركم لله اشكركم للناس».
(كافي / ۲ / ۹۹)
- ۴- ناتوان بودن از شکر
قال السجاد عليه السلام: «فكيف لي بتحصيل الشكر و شكرى اياك يفتقر الى شكر فكلمًا قلت لك الحمد و جب علىّ لذلك ان اقول لك الحمد».
(بحار / ۹۴ / ۱۴۶)
- ۵- تأثیر شکر در فزونى نعمت
قال على عليه السلام: «من اعطى الشكر لم يحرم الزيادة».
(نهج البلاغه / حکمت ۱۳۵)
- ۶- شکر هر نعمت
قال على عليه السلام: «شكر كل نعمة الورع عما حرّم الله».
(بحار / ۴۸ / ۴۲)
- ۷- لزوم شکر به جای شادمانی به نعمت
قال على عليه السلام: «اشتغل بشكر النعمة على التطرب بها».
(غرر الحكم / ۲ / ۱۸۶)
- ۸- خطر عدم شکر
قال على عليه السلام: «من لم يعط النعم بالشكر لها فقد عرضها لزوالها».
(مستدرک / ۲ / ۳۹۹)

۹- شکر نصف ایمان

قال رسول الله ﷺ: «الایمان نصفان نصف فی الصبر و نصف فی الشکر». (تحف العقول / ۵۲)

۱۰- شکر برای هر نفس

قال الصادق علیه السلام: «فی کل نفس من انفسک شکر لازم لك بل الف و اکثر».
(بحار / ۷۱ / ۵۵)

۱۱- ارتباط شکر با معرفت

قال العسکری علیه السلام: «لا یعرف النعمة الا الشاکر و لا یشکر النعمة الا العارف».
(اعلام الدین / ۳۱۳)

۱۲- شکر به هنگام توانایی

قال علی علیه السلام: «اذا قدرت علی عدوک فاجعل العفو عنه شکراً للقدرة علیه».

(نهج البلاغه / حکمت ۱۱)

۱۳- پاداش شکر

قال رسول الله ﷺ: «ان للطعام الشاکر من الاجر مثل ما للصائم الصابر».

(نهج الفصاحة / حدیث ۸۸۵)

۱۴- ارتباط شکر والدین با شکر خداوند

قال الرضا علیه السلام: «من لم یشکر والديه لم یشکر الله».
(بحار / ۷۴ / ۶۸)

۱۵- شکر در پرتو بیان نعمت

قال کاظم علیه السلام: «التحدّث بنعم الله شکر».
(بحار / ۹۴ / ۳۱۸)

۱۶- شکر نشانه‌ی زهد

«الزهد فی الدنيا قصر الامل و شکر کل نعمة».
(بحار / ۷۷ / ۱۶۱)

۱۷- شاکر بودن خداوند

قال رسول الله ﷺ: «اللهم انت الذاکر لمن ذکرك و الشاکر لمن شکرک»
(بحار / ۹۳ / ۲۶۷)

اشاره

الف - شاکر نمونه؛ قال الباقر علیه السلام: «کان رسول الله عند عائشه ليلتها فقالت: يا رسول الله لم تتعب نفسك و قد غفر الله لك ما تقدم من ذنبك و ما تأخر. فقال صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم: يا عائشه الا اكون عبداً شكوراً».

(کافی ۹۵/۲)

ب - دعبل شاعر معروف به حضور حضرت رضا علیه السلام رسید. امام علیه السلام به او هدیه ای دادند ولی او نگفت (الحمد لله) امام رضا علیه السلام به او فرمودند: چرا خداوند را سپاس نکردی؟ دعبل گوید: بعد از مدتی خدمت امام جواد علیه السلام رسیدم، امام به من هدیه ای دادند، گفتم: (الحمد لله) حضرت جواد علیه السلام به من فرمودند: «تأدبت»؛ اکنون بر اثر تذکر پدرم مؤذّب شدی.

(کافی ۱/ ۴۹۶)

۹۸-عقل

۱- اهمیت عقل

قال علی علیه السلام: «کمال الانسان بعقله - افضل النعم العقل - العقل صديق محمود - قيمة كل امرء عقله - لا غنى كالعقل».

(غزالی حکم ۱۶۲/۲-۳۷۷)

۲- نشانه‌ی عقل کامل

الف - خوش خلقی؛ قال الصادق علیه السلام: «اکمل الناس عقلاً احسنهم خلقاً» (کافی ۱/ ۱۸۷)
ب - فروتنی ج - یقین نیکو د - سکوت؛ قال علیه السلام: «کمال العقل في ثلاث التواضع لله و حسن اليقين و الصمت الا من خير».

(بهار ۱/ ۱۳۱)

۳- عقل معیار حسابرسی در قیامت

قال الباقر علیه السلام: «انما يداق الله العباد في الحساب يوم القيامة على قدر ما اتاهم من العقول في الدنيا».

(کافی ۱/ ۹)

٤- عقل حجت باطنی خداوند

قال الكاظم عليه السلام: «انّ لله على الناس حجّتين حجة ظاهرة و حجة باطنة و اما الظاهرة فالرسل و الانبياء و الائمة و اما الباطنة فالعقول». (كافي / ١ / ١٩)

٥- ميزان شناخت عقل

الف- كيفيت رفتار و عمل؛ قال على عليه السلام: «كيفية الفعل تدلّ على كميّة العقل». (غررالحكم / ٧٢٢٦)

ب- اظهار سخن؛ قال على عليه السلام: «عندبديهة المقال تختبر عقول الرجال». (غررالحكم / ٦٢٢١)
ج- فرستاده و نماينده د- نوشتار ه- هديه؛ قال على عليه السلام: «ثلاثة تدلّ على عقول اربابها الرسول و الكتاب و الهدية». (غررالحكم / ٤٦٨١)

و- انكار حرف ناصحيح؛ قال الصادق عليه السلام: «اذا اردت ان تختبر عقل الرجل في مجلس واحد فحدّثه في خلال حديثك بما لا يكون فان انكره فهو عاقل و ان صدّقه فهو احمق». (بحار / ١ / ١٣١)

٦- وظائف عاقل

١- شناخت زمان ٢- شأن خویش را يافتن ٣- حفظ زبان؛ قال الصادق عليه السلام: «على العاقل ان يكون عارفاً بزمانه مقبلاً على شأنه حافظاً لسانه». (بحار / ٧١ / ٣٠٧)

٤- پرهيز از مستی ها؛ قال على عليه السلام: «ينبغي للعاقل ان يحترس من سكر المال و سكر القدرة و سكر العلم و سكر المدح و سكر الشباب فانّ لكل ذلك رياحاً خبيثة تسلب العقل و تستخفّ الوقار». (غررالحكم / ١٠٩٤٨)

٧- عوامل پرورش عقل

الف- علم و دانش ب- تجربه؛ قال على عليه السلام: «العقل غريزة تزيد بالعلم و التجارب». (غررالحكم / ١٧١٧)

ج- مهربانی نسبت به جاهل؛ قال على عليه السلام: «من اوكد اسباب العقل رحمة الجهال». (غررالحكم / ٩٢٩٥)

د- تعلیم و یاد دادن؛ قال علی علیه السلام: «اعون الاشياء على تزكية العقل التعليم». (غررالحکم / ۹۲۹۵)
 ۸- آثار عقل

الف- کم سخن گفتن؛ قال علی علیه السلام: «اذا تمّ العقل نقص الكلام». (غررالحکم / ۴۰۱۱)
 ب- رسیدن به خیرات؛ قال علی علیه السلام: «بالعقل تنال الخیرات». (غررالحکم / ۴۲۰۲)
 ج- همنشین با خوبان؛ قال علی علیه السلام: «ثمرّة العقل صحبة الاخيار». (غررالحکم / ۴۶۱۶)

اشاره

اسحق بن عمار گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم همسایه ای دارم که بسیار نماز می خواند و بسیار انفاق می کند و به حج می رود. حضرت فرمود: عقلش چگونه است؟ عرض کردم: عقل ندارد. حضرت فرمودند: «لا یرفع بذک منه»؛ او که عقل ندارد اعمال نیک او بالا نمی رود (یعنی پذیرفته نمی شود). (کافی / ۱ / ۲۴)

۹۹ نشانه های عاقل

۱- ترک شهوت

قال علی علیه السلام: «العاقل من هجر شهوته و باع دنیاها بآخرته». (غررالحکم / ۱۷۲۷)

۲- کنترل زبان

قال علی علیه السلام: «العاقل من عقل لسانه». (غررالحکم / ۱۵۹۱)

۳- سخن نگفتن از بیم تکذیب ۴- خواهش نکردن از بیم محروم شدن ۵- عدم وعده به فوق طاقت

قال کاظم علیه السلام: «انّ العاقل لا یحدّث من یخاف تکذیبه و لا یسأل من یخاف منعه و لا یعد ما لا یقدر علیه...». (تحف العقول / ۳۹۰)

۶- فریب نخوردن

قال الصادق علیه السلام: «لا یلسع العاقل من جحر مرّتين». (بحار / ۱ / ۱۳۲)

۷- تشخیص ضرر کمتر

قال علی علیه السلام: «لیس العاقل من يعرف الخیر من الشر ولكن العاقل من يعرف خیر شرین».

(بحار / ۶/۷۸)

- ۸- بردباری ۹- عفو و گذشت ۱۰- فروتنی ۱۱- سبقت در نیکی ۱۲- عاقبت اندیشی به هنگام سخن ۱۳- پناه بردن به خداوند به هنگام بلا ۱۴- سرعت به فضیلت ۱۵- جدا نشدن از حیا ۱۶- عدم ظهور حرص

قال رسول الله صلی الله علیه و آله

«... ان یحلم عن جهل علیه و یتجاوز عن ظلمه و یتواضع لمن هو دونه و یسابق فوقه فی طلب البر و اذا اراد ان یتکلم تدبر فان کان خیراً تکلم فغنم و ان کان شراً سکت و اذا عرضت له فتنه استعصم بالله و امسک لسانه و اذا رأى فضیلة انتهز بها لا یفارقه الحیاء و لا یبدوا منه الحرص فتلك عشر خصال يعرف بها العاقل».

(بحار / ۱/۱۲۹)

۱۷- ایمنی از شر ۱۸- انتظار خیر و صلاح ۱۹- انفاق ۲۰- عدم خستگی از تحصیل علم

قال کاظم علیه السلام: «... ماتم عقل امرء حتى یكون فیہ خصال شقّ الکفر و الشرّ منه مأمونان و الرشد و الخیر منه مأمولان و فضل ماله مبذول و فضل قوته مکفوف و نصیبه من الدنیا القوت لا یشبع من العلم طول دهره و ...».

(کافی / ۱/۱۴)

۲۱- نشانه‌های مجنون

الف- بداخلاقی؛ قال علی علیه السلام: «الحدة ضرب من الجنون لانّ صاحبها یندم فان لم یندم فجنونه مستحکم».

(نهج البلاغه / ۲۵۵)

ب- پاسخ به هر سؤال؛ قال الصادق علیه السلام: «انّ من اجاب فی کلّ ما یسأل عنه لمجنون».

(معانی الاخبار / ۲۳۸)

ج- انتخاب دنیا بر آخرت؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من آثر الدنیا علی الاخرة فهو مجنون».

(مشکاة الانوار / ۲۷۰)

د- کبر و غرور؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «انّ المجنون حق المجنون المتبختر فی مشیه الناظر فی عطفیه».

(معانی الاخبار / ۲۳۷)

اشاره

پس از آنکه معاویه تصمیم گرفت با علی علیه السلام به مخالفت برخیزد به فکر افتاد مردم شام را آزمایش کند تا مراتب اطاعت آنها را بفهمد. عمرو بن عاص به معاویه گفت: به مردم دستور بده تا کدو را مانند گوسفند ذبح کنند و بعد از تزکیه آن را بخورند اگر دستور تو را اجرا کردند مطیع تو هستند. وقتی معاویه دستور داد مردم بدون اعتراض دستور را اجرا کردند و این امر به نام بدعت امویه در سراسر شام معمول گردید. طولی نکشید که خبر به مردم عراق رسید و از حضرت علی علیه السلام سؤال نمودند (عن القرع یذبح فقال القرع لیس یذگی فکلوه و لایستهوینکم الشیطان لعنة الله) از حضرت درباره ذبح کدو سؤال شد. فرمود: خوردن کدو ذبح لازم ندارد و مراقب باشید که شیطان عقل شما از بین نبرد. (کافی / ۶ / ۳۷۰)

۱۰۰- تمثیل

۱- مثل اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله

«قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «مثل اهل بیتی کمثل سفینة نوح من رکبها نجی و من تخلف عنها غرق»».

(بحار / ۲۳ / ۱۲۰)

۲- مثل دانشمندان

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «ان مثل العلماء فی الارض کمثل النجوم فی السماء یهتدی بها فی ظلمات البر و البحر»».

(بحار / ۲ / ۲۵)

۳- مثل مؤمن

قال کاظم علیه السلام: «المؤمن کمثل کفتی المیزان کلما زید فی ایمانه زید فی بلائه»».

(بحار / ۷۵ / ۳۲۰)

۴- مثل مؤمنان در محبت

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «مثل المؤمنین فی توادهم و تراحمهم و تعاطفهم كمثل الجسد اذا اشتكى منه عضو تداعى له سائر الجسد بالسهر والحمى». (کنز العمال / ۷۳۷)

۵- مثل برادر دینی

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «مثل الاخوين مثل الیدين تغسل احدهما الاخرى».

(نهج الفصاحة / ۵۶۶)

۶- مثل همنشین صالح

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «مثل المجلس الصالح مثل العطار ان لم يعطك من عطر اصابك من ريحه». (کنز العمال / ۲۲ / ۱)

۷- مثل نمازهای پنج‌گانه

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «مثل الصلوات الخمس كمثل نهر جار عذب على باب احدكم يغسل فيه كل يوم خمس مرات فما يبقى ذلك من الدنس». (کنز العمال / ۲۱۹۱ / ۱)

۸- مثل عالم بی عمل

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «مثل من يعلم الناس الخير و ينسى نفسه كمثل المصباح الذى يضىء للناس و يحرق نفسه». (کنز العمال / ۸۲ / ۱۶)

۹- مثل تعلیم علم در کودکی

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «مثل الذى يتعلم فى صغره كالتنقىش فى الحجر و مثل الذى يتعلم فى كبره كالذى يكتب على الماء». (کنز العمال / ۲۴۹ / ۱۰)

۱۰- مثل حریص به دنیا

قال الباقر عليه السلام: «مثل الحريص على الدنيا مثل دودة القز كلما ازدادت من القز على نفسها لثاً كان ابعدها من الخروج حتى تموت غمّاً». (کافی / ۳۱۶ / ۲)

۱۲ - مثل انسان کم ظرفیت

قال الباقر عليه السلام: «انما مثل الحاجة الى من اصاب ماله حديثاً كمثل الدرهم في فم الافرعي انت اليه محوج و انت منها على خطر».

(تحف العقول / ۲۱۴)

۱۳ - مثل نفس

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «مثل النفس كمثل النعامه (شتر مرغ) تأكل الكثير و اذا حمل عليها لا تطير...».

(بحار / ۷۷ / ۲۳)

۱۴ - مثل دنيا

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «مثل هذه الدنيا مثل ثوب شق من اوله الى آخره فيبقى متعلقاً بخيط في آخره فيوشك ذلك الخيط ان ينقطع».

(نهج الفصاحة / ۵۶۵)

۱۵ - مثل زن

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «مثل المرأة كالضلع العوجاء ان اردت ان تقيمه كسرتة و ان استمتعت به استمتعت به و فيه اود».

(نهج الفصاحة / ۵۶۱)

۱۶ - مثل امت پیامبر صلى الله عليه وآله

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «مثل امتي مثل المطر لا يدري اوله خير ام آخره».

(نهج الفصاحة / ۵۶۲)

اشاره

امام صادق عليه السلام در ذیل آیهی شریفه «الم ترکیف ضرب الله مثلاً کلمة طيبة کشجرة طيبة اصلها ثابت ...» (ابراهیم / ۲۴) فرمودند: پیامبر اصل این درخت و حضرت علی عليه السلام فرع آن و امامان معصوم شاخه های آن و علوم ائمه ای اطهار عليهم السلام میوهی آن و شیعیان برگ آن هستند؛ «رسول الله صلى الله عليه وآله اصلها و امیر المؤمنین عليه السلام فرعها و الائمة من ذریتها اغصانها و علم الائمة ثمرتها و شیعتهم المؤمنون ورقها».

نکتهی جالب این که زینت درخت به برگ های آن می باشد از این رو حضرت صادق عليه السلام به شیعیان دستور دادند با کارهای خود زینت ما باشید؛ «کونوا لنا زیناً و لا تكونوا علينا سیناً».

(کافی / ۱ / ۴۲۸)

۱۰۱- غنیمت شمردن سرمایه‌ی عمر

- ۱- بزرگ‌ترین غصه
قال علی علیه السلام: «اشدّ الغصص فوت الفرص».
(غرر الحکم / ۳۲۱۵)
- ۲- زودگذر بودن عمر
قال علی علیه السلام: «الفرصة تمرّ مرّ السحاب».
(نهج البلاغه / حکمت ۲۱)
- ۳- نابود شدن عمر
قال المجتبی علیه السلام: «یا بن آدم انک لم تزل فی هدم عمرک منه سقطت من بطن امّک
فخذ مما یدیک لما بین یدیک فانّ المؤمن یتزوّد و الکافر یتمتّع».
(بحار / ۷۸ / ۱۱۲)
- ۴- بخیل بودن نسبت به عمر
قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «کن علی عمرک اشحّ منک علی درهمک و دینارک».
(بحار / ۷۷ / ۷۶)
- ۵- قدردانی از عمر
قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «بأدر باریع قبل اربع شبابک قبل هرماک و صحتک قبل سقمک
و غناک قبل فقرک و حیاتک قبل مماتک».
(خصال / ۲۳۹)
- ۶- تقاضای عمر زیاد برای بندگی
قال زین العابدین علیه السلام: «و عمّرنی ما کان عمری بذلة فی طاعتک فاذا کان عمری
مرتعا للشیطان فاقبضنی الیک».
(صحیفه‌ی سجادیه / دعای ۲۰)
- ۷- پیامد عمر طولانی
قال علی علیه السلام: «ثمرة طول الحیوة السقم و الهرم».
(غرر الحکم / ۴۶۲۳)
- قال علی علیه السلام: «من طال عمره کثرت مصائبه».
(غرر الحکم / ۸۲۶۸)

- ۸- حسرت از تضييع عمر
قال على عليه السلام: «اجتمعت عليهم سكرة الموت و حسرة الفوت ... يفكر فيما افنى عمره و فيم اذهب دهره».
(نهج البلاغه / خطبه ۱۰۹)
- ۹- سؤال از عمر
قال زين العابدين عليه السلام: «و استعملني فيما تسئلني غداً عنه».
(صحيفة سجاديه / دعای ۱۱)
- ۱۰- حکمت جهل به مقدار عمر
قال الصادق عليه السلام: «... لو عرف مقدار عمره و كان قصير العمر لم يتهنأ بالعيش مع ترقب الموت».
(بحار / ۳ / ۸۳)
- ۱۱- عوامل زياد شدن عمر
۱- طهارت
قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «أكثر من الظهور يزد الله في عمرك».
(امالی مفید / ۶۰)
- ۲- مسرور کردن پدر و مادر
قال الصادق عليه السلام: «ان احببت ان يزيد الله في عمرك فسر ابويك».
۳- نيکی به خانواده
قال الصادق عليه السلام: «من حسن بره باهل بيته زيد في عمره».
(امالی طوسی / ۲۴۵)
- ۴- حسن نیت
قال الصادق عليه السلام: «من حسنت نيته زيد في عمره».
(بحار / ۶۹ / ۴۰۸)
- ۵- زیارت امام حسين عليه السلام
قال الباقر عليه السلام: «مروا شيعتنا بزيارة قبر الحسين بن علي فان اتيانه يزيد في الرزق و يمد في عمره».
(بحار / ۱۰۱ / ۴)
- ۶- صلہ رحم
قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من سره ان يبسط له في رزقه و ينسأ له في اجله فليصل رحمه».
(خصال / ۳۲)

۱۰۲- دنیا

۱- عدم اعتماد به دنیا

قال الصادق علیه السلام: «ان كانت الدنيا فانية فالطمأنينة اليها لماذا؟». (بحار / ۷۳ / ۸۸)

۲- محبت به دنیا منشأ همهی مفسد

قال الصادق علیه السلام: «رأس كل خطيئة حبّ الدنيا». (بحار / ۷۳ / ۷)

۳- تشبیهاتی در باره ی دنیا

الف- دریای عمیق؛ قال الكاظم علیه السلام: «فما اوصى لقمان ابنه ان الدنيا بحر عميق قد غرق فيها عالم كثير فلتكن سفینتك فيها تقوى الله». (کافی / ۱۶ / ۱)

ب- مار؛ قال الكاظم علیه السلام: «مثل الدنيا مثل الحية مسّها لئین و فی جوفها السمّ القاتل یجذرها الرجال ذو العقول و یهوی اليها الصبيان بايديهم». (بحار / ۷۸ / ۳۱۱)

ج- آب شور

قال الكاظم علیه السلام: «مثل الدنيا مثل ماء البحر كلما شرب منه العطشان ازداد عطشاً حتى یقتله». (تحف العقول / ۳۹۶)

د- سایه؛ قال علی علیه السلام: «مثل الدنيا كظلك ان وقفت وقف و ان طلبته بُعد». (معجم غرر / ۱ / ۹۵۸)

(معجم غرر / ۱ / ۹۵۸)

ه- پل؛ قال عیسی علیه السلام: «انما الدنيا قنطرة فاعبروها و لا تعمروها». (خصال / ۳۵)

۴- بی ارزشی دنیا

الف- قال علی علیه السلام: «و الله لدنياكم هذه اهون فی عینی من عراق خنزیر فی ید مجزوم». (بحار / ۴۰ / ۳۳۷)

ب- قال علی علیه السلام: «دنیاکم هذه ازهد عندی من عفتة عنز». (نهج البلاغه / خطبه ۳)

ج- قال علی علیه السلام: «ان دنياکم لاهون من ورقة فی فم جرادة تقضمها ما لعلی و لنعمیم یفنی». (نهج البلاغه / خطبه ۲۲۴)

٥- آثار محبت به دنيا

١- حسرت به هنگام جدايي؛ قال علي عليه السلام: «من كانت الدنيا همته اشتدت حسرته عند فراقها».

(بحار / ٧٣ / ٨٨)

٢- فساد عقل؛ قال علي عليه السلام: «حب الدنيا يفسد العقل و يصم القلب عن سماع الحكمة و يوجب اليم العقاب».

(غرر الحكم / ٤٨٧٨)

٣- كرى و كورى باطنى ٤- بردگى؛ قال علي عليه السلام: «فارفض الدنيا فان حب الدنيا يعمى و يصم و يبكم و يذل الرقاب».

(كافي / ٢ / ١٣٦)

٦- نشانه هاى اهل دنيا

در حديث معراج آمده است: «اهل الدنيا من كثر أكله و ضحكه و نومه و غضبه، قليل الرضا لا يعتذر الى من أساء اليه و لا يقبل معذرة من اعتذر اليه، كسلان عند الطاعة، شجاع عند المعصية، أمله بعيد و أجله قريب، لا يحاسب نفسه، قليل المنفعة كثير الكلام، قليل الخوف، كثير الفرح عند الطعام...»

(بحار / ٧٧ / ٢٤)

٧- لذت هاى هفتگانهى دنيا

رأى الامام الباقر عليه السلام جابر بن عبدالله و قد تنفس الصعداء، فقال عليه السلام: «يا جابر! علام تنفسك أعلی الدنيا؟» فقال جابر: نعم. فقال له: «يا جابر! ملاذ الدنيا سبعة: المأكول و المشروب و الملبوس و المنكوح و المركوب و المشموم و المسموع.

فألذ المأكولات العسل و هو بصق من ذبابة و أحلى المشروبات الماء و كفى باباحته و سباحته على وجه الأرض و أعلى الملبوسات الديباج و هو من لعاب دودة و أعلى المنكوحات النساء و هو مبال فى مبال و مثال لمثال.

و أعلى المركوبات الخيل و هو قوادل و أجلّ المشمومات المسك و هو دم من سرّة دابة و أجلّ المسموعات الغناء و الترتّم و هو اثم؛ فما هذه صفته لم يتنفس عليه عاقل».

قال جابر بن عبدالله: فوالله! ما خطرت الدنيا بعدها على قلبى.

(بحار / ٧٨ / ١١)

۸- نکوهش از دنیا

قال علی علیه السلام: «الدنيا سوق الخسران»^(۱) و «الدنيا معدن الشرّ و محلّ الغرور»^(۲) و «الدنيا منية الأشقياء»^(۳) و «حبّ الدنيا رأس الفتن وأصل المحن»^(۴) و «الدنيا مزرعة الشرّ»^(۵).

(۱- غرر الحکم / ۲۳۹۶- غرر الحکم / ۳۱۴۷۳- غرر الحکم / ۴۶۹۴- غرر الحکم / ۵۴۸۷۰- غرر الحکم / ۴۰۱)

۹- ستایش از دنیا

أبی یعفور می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: انا لنحبّ الدنیا! فقال لی: «تصنع بها ماذا؟» قلت: أتزوِّج منها و أحجّ و أنفق علی عیالی و أنیل اخوانی و أتصدّق. قال لی: «لیس هذا من الدنیا، هذا من الآخرة».

(بحار / ۷۳ / ۶۲)

قال علی علیه السلام: «...انّ الدنیا دار صدق لمن صدّقها و دار عافیة لمن فهم عنها و دار غنی لمن تزوّد منها و دار موعظة لمن اتّعظّ بها، مسجد أحبّاء الله و مصلی ملائكة الله و مهبط وحی الله و متجر أولیاء الله»

(نهج البلاغه / حکمت / ۱۳۱)

سؤال: در اکثر آیات و روایات از دنیا نکوهش شده و در برخی از آنها ستایش گردیده است. جمع میان این دو دسته از آیات و روایات چگونه است؟

پاسخ: اگر دنیا ابزار و وسیله‌ی رسیدن به آخرت باشد، از آن ستایش و اگر هدف و مطلوب حقیقی باشد، از آن نکوهش شده است. قرآن کریم می فرماید: ﴿و ابتغ فیما أتاک الله الدار الآخرة و لا تنس نصیبک من الدنیا﴾

(قصص / ۷۶)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «نعم العون، الدنیا علی الآخرة». (بحار / ۷۳ / ۱۲۷)، حضرت

علی علیه السلام می فرماید: «من ابصر بها بصّرته و من أبصر الیها أعمته» (نهج البلاغه / خطبه ۸۲)

آن که به دنیا از دید وسیله بنگرد به او درس آگاهی و بینایی می دهد و آن که آن را هدف بداند، چشم و دل او را نابینا می سازد. به تعبیر دیگر استفاده از دنیا ذاتاً مذموم نیست. دنیای نکوهیده آن است که انسان را از آخرت باز دارد، از این رو قرآن کریم در توصیف آخرت گرایان دنیا دار می فرماید: ﴿رجال لا تلهیهم تجارة و

(نور / ۳۷)

لا یبیع عن ذکر الله و إقام الصلوة﴾

اشاره

معاویه به جعده دختر اشعث بن قیس گفت: امام مجتبی علیه السلام را زهر بده صد هزار درهم به تومی دهم. جعده فریب مال دنیا را خورد و معاویه به قولش وفا نکرد.
(منتهی الامال / ۱ / ۲۳۱)

۱۰۳- ثروت

نکوهش از ثروت

۱- ثروت مایه‌ی هلاکت

قال رسول الله ﷺ: «ان الدینار و الدرهم اهلکا من کان قبلکم و هما مهلکاکم».
(کافی / ۲ / ۳۱۶)

۲- ثروت دام شیطان

قال الصادق علیه السلام: «ان الشیطان یدیر ابن آدم فی کل شیء فاذا اعیاه جثم له عند المال فاخذ برقبته».
(کافی / ۲ / ۳۱۵)

۳- آثار کسب ثروت از راه غیر حلال

الف- فقر؛ قال رسول الله ﷺ: «من کسب مالاً من غیر حلّه افقره الله».

(امالی طوسی / ۱۸۲)

ب- تسلط آب و خاک بر انسان

قال الصادق علیه السلام: «من کسب مالاً من غیر حلّه سلط علیه البناء و الطین و الماء».
(محاسن / ۲ / ۴۴۵)

ج- نابودی؛ قال الصادق علیه السلام: «من جمع مالاً من مهاوش اذهب الله فی نهابر» فقالوا:

جعلنا فداک لانفهم هذا الکلام. فقال علیه السلام: از باد آید بدم شود.
(بحار / ۴۷ / ۸۴)

۴- اثر کثرت ثروت

قال علی علیه السلام: «اعلموا ان كثرة المال مفسدة للدين مقساة للقلوب». (تحف العقول / ۱۴۱)

۵- شاد نشدن به کثرت ثروت

قال الباقر علیه السلام: «اقى ابادر رجل فبشره بغم له قد ولدت فقال: يا ابادر ابشر فقد ولدت غنمك و كثرت. فقال: ما يسرني كثرتها فما احبّ ذلك فما قلّ و كفى احب اليّ ممّا كثر و الهى». (بحار / ۷۴ / ۱۰۲)

۶- آثار علاقه به ثروت

قال علی علیه السلام: «المال داعية التعب و مطية النصب». (غرر الحكم / ۱۴۴۹)

قال علی علیه السلام: «المال يقوى الامال و يفسد الاعمال». (غرر الحكم / ۴۸۷۵)

۷- علت تراکم ثروت

قال الرضا علیه السلام: «لا يجتمع المال الا بخمس خصال: ببخل شديد و امل طويل و حرص غالب و قطيعة الرحم و ايثار الدنيا على الآخرة». (خصال / ۲۸۳)

۸- خطر ثروت

قال الصادق علیه السلام: «ان الناس ما افتقروا و لا احتاجوا و لا جاعوا و لا عروا الا بذنوب الاغنياء». (وسائل / ۶ / ۴)

ستایش از ثروت

۹- ضرورت کسب ثروت حلال

قال الصادق علیه السلام: «لا خير فيمن لا يحب جمع المال من الحلال فيكفّ به و وجهه و يتقى به دينه». (ثواب الاعمال / ۴۱۵)

۱۰- ثروت مایهی کمک به آخرت

قال الصادق علیه السلام: «نعم العون الدنيا على الآخرة». (کافی / ۵ / ۷۲)

۱۱- ثروت برای انسان شایسته

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «نعم المال الصالح للرجل الصالح». (تنبيه الخواطر / ۱ / ۵۸)

۱۲ - بهترین ثروت

قال علی علیه السلام: «افضل المال ما وقى به العرض و قضيت به الحقوق». (بحار ۷/۷۸)

۱۳ - بهره‌گیری صحیح از ثروت الهی

قال الصادق علیه السلام: «المال مال الله عزّ و جلّ جعل ودائع عند خلقه و امرهم ان يأكلوا منه قصداً و یشرّبوا منه قصداً و یلبسوا منه قصداً و ینکحوا منه قصداً و یرکبوا منه قصداً. و یعودوا بما سوى ذلك على فقراء المؤمنین فمن تعدى ذلك كان ما اكله حراماً...»^(۱) (بحار ۱۰۳/۱۶)

اشاره

الف - شخصی می‌گوید: پول فراوانی نزد حضرت رضا علیه السلام بردم ولی حضرت خوشحال نشد و من غمگین شدم و با خود گفتم چرا حضرت رضا علیه السلام شادمان نگردید. یک مرتبه امام علیه السلام به غلام خود فرمود: آفتابه و لگن را بیاورد و به غلام فرمود: آب بریز. وقتی آب ریخت، از میان انگشتان امام قطعه‌های طلا می‌ریخت. در این هنگام به من فرمود: کسی که چنین قدرتی دارد توجهی به آنچه برای او آوردی ندارد. «من کان هکذا لا یبالی بالذی حملته الیه».

ب - ابن عباس گوید: هنگامی که خداوند درهم و دینار را آفرید، شیطان به آن‌ها نگاه کرد و آن دو را به چشمان خود کشید، بعد گفت: شما نور چشم من و میوه قلب من هستید و کافی است که مردم به شما علاقه بورزند گرچه بت نپرستند. «انتما قرّة عینی و ثمره فؤادی ما ابالی من بنی آدم اذا احبّوا کما ان لا یعبدوا و ثناً حسبی من بنی آدم ان یحبّوا کما».

(مستدرک ۱۲/۶۳)

۱ - تذکر: همان جمعی که در مورد نکوهش و ستایش از دنیا در بحث سابق بیان گردید در اینجا نیز مطرح است.

١٠٤- امانت

١- اهمیت امانت

قال الباقر عليه السلام: «ثلاث لم يجعل الله عزّ و جلّ لأحدٍ فيهنّ رخصةً: أداء الأمانة الى البرّ والفاجر والوفاء بالعهد للبرّ و الفاجر و برّ الوالدين برّين كانا أو فاجرين».

(كافي / ٢ / ١٦٢)

٢- حفظ امانت نشانه‌ی ایمان

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «لا ايمان لمن لا أمانة له».

(بحار / ٧٢ / ١٩٨)

٣- آثار امانت

قال علي عليه السلام: «الأمانة تؤدّي الى الصدق» و نیز «الأمانة تجرّ الرزق و الخيانة تجرّ الفقر».

(بحار / ٧٨ / ٦٠؛ تصنيف غرر / ٢٥٠)

٤- علم و دانش امانت الهی

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «العلم وديعة الله في أرضه و العلماء أمناءه عليه، فمن يعمل بعلمه، أدّى الامانة»

(بحار / ٧٨ / ٦٠)

٥- نشانه‌های امین

«لا تكون الأمین أميناً حتى يؤتمن على ثلاثة: فيؤدّيها على الأموال و الأسرار و الفروج، و ان حفظ اثنين و ضيّع واحدة، فليس بأمین» (تحف العقول / ٣٦٦) و نیز «الأمین من خشى الله».

(بحار / ٧٥ / ٩٩)

٦- ادای امانت معیار ارزش

قال الصادق عليه السلام: «لا تنظروا الى طول ركوع الرّجل و سجوده، فانّ ذلك شيء اعتاده، فلو تركه استوحشه، ولكن انظروا الى صدق حديثه و أداء أمانته».

(كافي / ٣ / ١٦٧)

- ۷- امانت بودن سخن‌های پنهانی
 قال الصادق عليه السلام: «المجالس بالأمانة و ليس لأحدٍ أن يُحدِّث بحديث يكتمه صاحبه، إلا يكون ثقة أو ذكراً له بخير».
 (وسائل / ۵ / ۴۷۱)
- ۸- لزوم پرداخت امانت حتی در نخ و سوزن
 قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «يا أبا الحسن! أدِّ الأمانة الى البرِّ و الفاجر، فيما قلَّ أو جلَّ، حتّى في الخيط و المخيط».
 (بحار / ۷۷ / ۴۱۸)
- ۹- امین از اوصاف خداوند سبحان؛ «يا الله القوى الأمين».
 (بحار / ۹۵ / ۴۴۳)
- ۱۰- امین از اوصاف پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله «يا محمد ... أنت أميني في عبادي».
 (بحار / ۳۷ / ۳۱۴)
- ۱۱- امین از اوصاف عالمان
 قال الصادق عليه السلام: «العلماء امناء و الأتقياء حصون».
 (بحار / ۷۰ / ۲۸۷)
- ۱۲- امین از اوصاف فقهاء
 قال النبی صلى الله عليه وآله: «الفقهاء أمناء الرّسل ما لم يدخلوا في الدنيا».
 (بحار / ۷۵ / ۳۸۰)
- ۱۳- امین از اوصاف ثروتمندان شیعیان
 قال الصادق عليه السلام: «مَیاسِر شیعتنا أمناء علی محابهم فاحفظونافهم یحفظکم الله».
 (بحار / ۹۶ / ۱۳۱)

اشاره

حضرت صادق عليه السلام فرمودند: اگر قاتل حضرت علی عليه السلام شمشیر خود را به رسم امانت به من بسپارد و من بپذیرم امانت را به او تحویل خواهم داد.
 (تنبيه الخواطر / ۱ / ۱۲)

۱۰۵- خیانت

- ۱- خیانت سرچشمه‌ی کفر و نفاق
قال علی علیه السلام: «رأس الکفر الخيانة، رأس التفاق الخيانة». (مستدرک / ۲ / ۵۰۶)
- ۲- عدم سازگاری خیانت با مسلمانی
قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «ليس منّا من خان بالأمانة» (بحار / ۱۷۲ / ۷۵) و «ليس منّا من خان مسلماً في أهله و ماله».
(اختصاص / ۲۴۸)
- ۳- پرهیز از خیانت در افشای راز
قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «افشاء سرّ أخيك خيانة، فاجتنب ذلك». (بحار / ۷۷ / ۸۹)
- ۴- نشانه‌های خائن
قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «أما علامة الخائن فأربعة: عصيان الرّحمٰن و أذى الجيران و بغض القرآن و القرب الى الطغيان»
(تحف العقول / ۲۲)
- ۵- بزرگ‌ترین خیانت؛ قال علی علیه السلام: «انّ الخيانة خيانة الأمانة». (بحار / ۳۳ / ۴۰۶)
- ۶- عدم خیانت به خائن؛ قال علی علیه السلام: «لا تخن من اتّمتنك و ان خانك». (بحار / ۷۷ / ۲۰۸)
- ۷- عدم خیانت مؤمن به برادران دینی
عن الصادق علیه السلام عن علی علیه السلام: «... المؤمن لا يغش أخاه و لا يخونه و لا يخذله و لا يتهمه...».
(بحار / ۱۰ / ۱۰۰)
- ۸- یاداش ترک خیانت
قال موسى علیه السلام: «الهي و ما جزاء من ترك الخيانة حياء منك؟» فاوحى الله اليه: «الأمان يوم القيامة».
(سفينة / ۱ / ۴۳۳)

اشاره

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با مسلمانان برای فتح قلعه‌ی خیبر روانه شدند و از نظر غذایی در مضیقه‌ی شدیدی بودند به حدی که از گوشت قاطر و اسب استفاده می‌کردند، در این شرایط چوپانی که گوسفندان یهودیان را می‌چراند نزد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و مسلمان شد، سپس گفت: این گوسفندان یهودیان را در اختیار شما می‌گذارم تا تصرف کنید. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: این گوسفندها نزد تو امانت است و در آیین اسلام خیانت به امانت حرام است. (سیره‌ی ابن هشام / ۳/ ۳۴۴)

۱۰۶- گناه

۱- بزرگ‌ترین گناه

قال علی عَلَيْهِ السَّلَامُ: «اعظم الذنوب عند الله سبحانه ذنب صغر عند صاحبه».

(غررالحکم / ۳۱۴۱)

۲- گناه غیر قابل آمرزش

قال الباقر عَلَيْهِ السَّلَامُ: «من الذنوب التي لا تغفر قول الرجل يا ليتني لا أوأخذ الآ بهذا».

(خصال / ۲۴)

۳- کوچک شمردن گناه

قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «انّ المؤمن ليرى ذنبه كأنه تحت صخرة يخاف ان تقع عليه و الكافر يرى ذنبه كأنه ذباب مرّ على أنفه».

(امالی طوسی / ۵۲۷)

۴- گناه و جرأت بر خداوند

قال الباقر عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لا تنظروا الى صغر الذنب ولكن انظروا الى من اجترأتم».

(بحار / ۷۷/ ۱۶۸)

- ۵- اصرار بر گناه، نشانه‌ی شقاوت
 قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من علامات الشقاء جمود العين وقسوة القلب و شدة الحرص في طلب الرزق و الاصرار على الذنب».
 (خصال / ۲۴۳)
- ۶- خطر شادمانی به گناه
 قال زين العابدين عليه السلام: «اياك و الاستهاج بالذنب فان الاستهاج به اعظم من ركوبه».
 (بحار / ۷۸ / ۱۵۹)
- ۷- غافل نشدن از گناه
 قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «يا بن آدم! لا يغرّبك ذنب الناس عن ذنبك و لا نعمة الناس عن نعمة الله عليك و لا تقتطّظ الناس من رحمة الله و انت ترجوها لنفسك».
 (بحار / ۶۷ / ۳۸۸)
- ۸- شگفت از ارتکاب گناه
 قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «عجبت لمن يحتمى من الطعام مخافة الداء كيف لا يحتمى من الذنوب مخافة النار».
 (بحار / ۷۰ / ۳۴۷)
- ۹- عدم شرکت در مجلس گناه
 عن ابى عبدالله عليه السلام: «لا ينبغي للمؤمن ان يجلس مجلساً يعصى الله فيه و لا يقدر على تغييره».
 (وسائل / ۶ / ۵۰۳)
- ۱۰- بدتر از گناه
 قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «اربعة في الذنب شرّ من الذنب الاستحقار و الافتخار و الاستبشار و الاصرار»
 (جامع احاديث الشيعة / ۱۳ / ۳۳۶)
- ۱۱- آثار گناه
 الف- گرفتاری و رنج؛ قال الصادق عليه السلام: «اما انه ليس من عرق يضرب و لا نكبة و لا صداع و لا مرض الا بذنب و ذلك قول الله تعالى عزّ و جلّ: ﴿و ما اصابكم من مصيبة فما كسبت ايديكم﴾».
 (كافي / ۲ / ۲۰۷)

ب- محرومیت از رزق؛ قال الباقر علیه السلام: «ان العبد لیذنب الذنب فیزوی عنه الرزق».

(کافی ۲/ ۲۰۷)

ج- پدید آمدن بلاى جدید

قال الرضا علیه السلام: «كلما احدث العباد من الذنوب ما لم يكونوا يعملون احدث الله لهم من البلاء ما لم يكونوا يعرفون».

(کافی ۲/ ۲۷۵)

د- عدم استجابت دعا؛ قال على علیه السلام: «المعصية تمنع الاجابة».

(غررالحکم ۱/ ۲۸)

ه- محرومیت از نماز شب؛ قال الصادق علیه السلام: «ان الرجل یذنب الذنب فیحرم صلوة اللیل...».

(کافی ۲/ ۲۰۹)

و- زوال نعمت؛ قال على علیه السلام: «ما زالت نعمة و لا نظارة عیش الا بذنوب اجترحوا ان الله لیس بظلام للعبید».

(خصال ۲/ ۶۲۴)

ز- سستی در عبادت؛ قال الباقر علیه السلام: «ان لله عقوبات فی القلوب و الابدان ضنك فی المعیسة و هن فی العبادة و ما ضرب عبد بعقوبة اعظم من قساوة القلب».

(بحار ۷۸/ ۱۷۶)

اشاره

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد سرزمینی شدند به اصحاب خود فرمودند: هیزم جمع کنید. عرض کردند: در این جا هیزم نیست. فرمود: هر شخصی به اندازه ای که توان دارد هیزم بیاورد. افراد برای جمع هیزم رفتند و بعد از مدتی هر کدام مقداری آوردند. پیامبر فرمود: گناهان انسان این چنین جمع می شود. «هكذا تجتمع الذنوب».

(کافی ۲/ ۲۱۸)

۱۰۷- مکفّرات گناه

۱- عقوبت در دنیا

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «لا يزال البلاء في المؤمن و المؤمنة في جسده و ماله و ولده حتى يلقى الله و ما عليه من خطيئة».

(بخار / ۶۷ / ۲۳۶)

۲- بیماری

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «ساعات الوجع يذهبن ساعات الخطايا».

قال علي عليه السلام: «في المرض يصيب الصبي كفارة لوالديه».

(بخار / ۶۷ / ۲۴۴)

(بخار / ۴۱ / ۱۸۶)

۳- اندوه و غم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «اذا كثرت ذنوب المؤمن و لم يكن له من العمل ما يكفّرها ابتلاه الله بالحزن ليكفّرها به عنه».

(دعوات راوندی / ۱۲۰)

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «انّ من الذنوب ذنوباً لا يكفّرها صلوة و لا صوم» قيل: يا رسول الله! فما يكفّرها؟ قال: «الهموم في طلب المعيشة».

(دعوات راوندی / ۵۶)

۴- کار شایسته

قال علي عليه السلام: «انّ الله تعالى يكفّر بكلّ حسنة سيّئة قال الله عزّ و جلّ: «انّ الحسنات يذهبن السيّئات»».

(نور الثقلين / ۲ / ۴۰۲)

۵- اخلاق خوب

قال الصادق عليه السلام: «ان حسن الخلق يذيب الخطيئة كما تذيب الشمس الجليد...».

(بخار / ۷۱ / ۳۹۵)

۶- فریادرسی از گرفتار

قال علي عليه السلام: «من كفّارات الذنوب العظام اغائة الملهوف و التنفيس عن المكروب».

(نهج البلاغه / حکمت ۲۴)

۷- استغفار ملائکه

قال الصادق عليه السلام: «انَّ لله عزَّ و جلَّ ذكره ملائكة يسقطون الذنوب عن ظهور شيعتنا كما تسقط الريح الورق من الشجر».

(بحار / ۵۹ / ۱۹۶)

۸- صلوات

قال الرضا عليه السلام: «من لم يقدر على ما يكفر به ذنوبه فليكثر من الصلوات على محمد و آله فأنها تهدم الذنوب هدماً».

(امال صدوق / ۶۸)

۹- موت

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «الموت كفارة لذنوب المؤمنين».

(امالی مفید / ۲۸۳)

۱۰- استغفار

قال علي عليه السلام: «تعطروا بالاستغفار لئلا تفضحكم روائح الذنوب».

(مستدرک / ۲ / ۳۴۶)

۱۱- توبه

قال الباقر عليه السلام: «التائب من الذنب كمن لا ذنب له».

(کافی / ۴ / ۱۸۱)

اشاره

شخصی آمد خدمت پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله عرض کرد: عمل من اندک و گناهانم بسیار است. حضرت فرمودند: سجده زیاد انجام بده زیرا گناهان را از بین می برد همانطوری که باد برگ درخت را ساقط می کند.

(امالی صدوق / ۴۰۴)

۱۰۸- حرص وقناعت

- ۱- حرص نشانه‌ی ضعف عقیده‌ی دینی
قال علی علیه السلام: «شدة الحرص من قوّة الشرّة و ضعف الدین». (غررالحکم / ۵۷۷۲)
- ۲- عدم تأثیر حرص در زیادتی رزق
قال علی علیه السلام: «الحرص لا یزید فی الرزق ولكن یدلّ القدر». (غررالحکم / ۱۸۷۷)
- ۳- عدم دستیابی حریص به آرزوها
قال علی علیه السلام: «اجملوا فی الطلب فکم من حریص خائب و مجمل لم یحخب». (غررالحکم / ۱۳۶/۱)
- ۴- یاد مرگ مانع حرص
قال الصادق علیه السلام: «فاذکر الموت و وحدتک فی قبرک و سیلان عینیک علی خدیک... انقطاعک عن الدنیا فانّ ذلك یحثک علی العمل و یردعک عن کثیر من الحرص علی الدنیا». (بحار / ۷۶/۳۲۲)
- ۵- یقین به آخرت مانع حرص
قال علی علیه السلام: «من ایقن بالآخرة لم یحرص علی الدنیا». (غررالحکم / ۲/۶۴۵)
- ۶- حرص بر ریاست و پشیمانی از پذیرفتن آن
قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «ستحرصون علی الامارة ثم تكون علیکم حسرة و ندامة فنعمت المرصعة و بنست الفاطمة». (بحار / ۷۴/۱۳۸)
- ۷- خاک قبر اشباع کننده‌ی حریص
قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «لو کان لابن آدم وادياً من ذهب لا بتغی ورائها ثالثاً و لا یملأ جوف ابن آدم الا التراب و یتوب الله علی من تاب». (مجموعه ورام / ۱۱۷)

۸- آثار حرص

الف- ذلت و خواری؛ قال الصادق علیه السلام: «ما اقیح بالمؤمن ان يكون رغبة تذله».

(صفات الشیعه / ۱۰۸)

ب- فقر؛ قال علی علیه السلام: «الحریص فقیر ولو ملک دنیا بحدافیرها».

(غرر الحکم / ۱۷۵۳)

ج- شقاوت؛ قال علی علیه السلام: «من کثر حرصه کثر شقاؤه».

(غرر الحکم / ۸۶۰۲)

د- رنج و بدبختی؛ قال علی علیه السلام: «الحرص مطیة التعب».

(غرر الحکم / ۸۲۰)

۹- آثار قناعت

۱- بی نیازی؛ قال الباقر علیه السلام: «من قنع بما رزقه الله فهو من اغنی الناس».

(کافی / ۲ / ۱۳۹)

۲- عزت؛ قال علی علیه السلام: «بالقناعة يكون العز».

(غرر الحکم / ۴۲۴۴)

۳- اصلاح نفس؛ قال علی علیه السلام: «اعون شیء علی صلاح النفس القناعة».

(غرر الحکم / ۳۱۹۱)

۴- سیری؛ قال الصادق علیه السلام: «اقنع بما قسم الله لك و لا تنظر الى ما عند غیرك و لا

تتمنّ ما لست نائله فانه من قنع شبع و من لم یقنع لم یشبع...».

(کافی / ۸ / ۲۴۳)

اشاره

هارون گفت: پیرمردی را پیدا کنید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را دیده و از وی حدیثی شنیده باشد. وقتی پیرمردی را پیدا کردند، این حدیث را از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرد: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «یهرم ابن آدم و تشب منه خصلتان: الحرص و طول الامل»، هنگامی که هارون به او جایزه داد از هارون پرسید آیا این جایزه مخصوص امسال است یا هر سال این جایزه را می دهی؟ هارون گفت: صدق رسول الله.

(بخار / ۷۴ / ۱۶۰)

۱۰۹- عیب جویی

- ۱- تشویق به رفع عیب از خویشان
قال علی علیه السلام: «طوبی لمن شغله عیبه عن عیوب الناس». (نهج البلاغه حکمت ۱۷۶)
- ۲- نکوهش از عیب جویی
قال علی علیه السلام: «من نظر فی عیوب الناس فاکرهما ثم رضیها لنفسه فذلك الاحمق بعینه».
(نهج البلاغه / حکمت ۳۴۹)
- ۳- بزرگترین گناه
قال علی علیه السلام: «جهل المرء بعیوبه من اکبر ذنوبه». (کنز الفوائد ۱/ ۲۷۹)
- ۴- شدیدترین عیب
قال علی علیه السلام: «من اشد عیوب المرء ان تخفی علیه عیوبه». (غرر الحکم / ۹۲۹۰)
- ۵- پوشاندن عیب
سئل رجل عن رسول الله صلی الله علیه و آله احب ان یستر الله علی عیوبی؟ فقال صلی الله علیه و آله: «استر عیوب اخوانک یستر الله علیک عیوبک».
(کنز العمال / ۴۴۱۵۴)
- ۶- پیامد عیب جویی
قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «لا تتبعوا عورات المؤمنین من تتبع عورات المؤمنین تتبع الله عورته و من تتبع الله عورته فضحه و لو فی جوف بیته».
(نواب الاعمال / ۲/ ۲۸۸)
- ۷- جستجو در عیب دیگران
قال علی علیه السلام: «الاشرار یتبعون مساوی الناس و یترون محاسنهم کما یتبع الذباب المواضع الفاسدة من الجسد و یتروک الصحیح».
(سفینة البحار / ۲/ ۲۹۵)

۸- سرزنش به عیب، نزدیکترین راه به کفر

قال الصادق عليه السلام: «أقرب ما يكون العبد الى الكفر ان يؤاخي الرجل على الدين فيحصى عليه زلاته ليعتقه بها يوماً ما».

(کافی / ۲ / ۳۵۵)

۹- راه‌های شناخت عیب

الف- لطف الهی؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «إذا اراد الله بعبد خيراً فقَّهه في الدين و زهَّده في الدنيا و بصَّره عيوبه».

(نهج الفصاحة / کلمه ۱۴۳)

ب- رفیق خوب؛ قال الرضا عليه السلام: «... و ساعة لمعاشرة الاخوان و الثقات الذین يعرفون عيوبكم و يخلصون لكم في الباطن».

(بحار / ۷۵ / ۳۲۱)

ج- محاسبه‌ی نفس؛ قال علی عليه السلام: «من حاسب نفسه وقف على عيوبه و احاط بذنوبه».

(غرالحکم / ۵ / ۳۹۹)

اشاره

خلیفه‌ی دوم صدای مشکوکی را از منزلی شنید، از بالای دیوار وارد منزل شد، دید مردی با همسرش شراب می‌نوشد. با درشتی به آنها خطاب کرد: در پنهانی گناه می‌کنید؟ صاحب منزل گفت: اگر ما یک گناه کردیم تو سه گناه مرتکب شدی. قرآن می‌فرماید: تجسس نکنید ﴿لَا تَجسسُوا﴾ و تو تجسس کردی، از در خانه وارد شوید، به هنگام ورود سلام کنید و تو از در خانه وارد نشدی و سلام هم نکردی.

(الغدیر / ۶ / ۱۲۱)

۱۱۰- بخل

۱- نکوهش از بخل

قال الهادی علیه السلام: «البخل اذم الاخلاق».

(بحار / ۷۲ / ۱۹۹)

۲- نشانه‌های بخیل

الف- قال الصادق علیه السلام: «ان البخيل من كسب مالا من غير حلّه و انفقّه في غير حقّه».

(بحار / ۷۳ / ۳۰۵)

ب- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «ان البخيل حق البخيل الذي يمنع الزكاة المفروضة في ماله

(معانی الاخبار / ۲۴۵)

...».

ج- «البخيل لا يأكل من طعام الناس لئلا يأكل الناس من طعامه».

(بحار / ۷۱ / ۳۵۲)

۳- بخیل ترین مردم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «اجمل الناس من بخل بما افترض الله عليه».

(بحار / ۹۶ / ۱۶)

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «اجمل الناس من بخل بالسلام».

(بحار / ۷۶ / ۴)

۴- اثر نگاه به بخیل

قال علی علیه السلام: «النظر الى البخيل يقسى القلب».

(تحف العقول / ۲۱۴)

۵- علت بخل سوء ظن به خداوند

قال الصادق علیه السلام: «حسب البخيل من بخله سوء الظن بربه من ايقن جاد

(سفينة البحار / ۱ / ۲۳۳)

بالعطية».

۶- بخل و عدم صلوات بر پیامبر صلى الله عليه وآله

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «البخيل من ذكرت عنده فلم يصلّ عليه».

(سفينة البحار / ۱ / ۲۳۳)

۷- آثار بخل

- الف - بدگویی مردم؛ قال علی علیه السلام: «بالبخل تكثر المسببة». (غرر الحکم / ۴۱۹۵)
- ب - دور بودن از لطف خدا؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «البخیل بعید من الله بعید من الناس قریب من النار». (بحار / ۷۳ / ۳۰۸)
- ج - اندک بودن آسایش؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «اقل الناس راحة البخیل». (بحار / ۷۳ / ۳۰۰)
- د - ذلت و خواری؛ قال علی علیه السلام: «من بخل بماله ذلّ من بخل بدینه جلّ». (غرر الحکم / ۷۹۲۱)
- هـ - کلید هر بدی؛ قال علی علیه السلام: «البخل جامع لمساوی العیوب و هو زمام یقاد به الی کل سوء». (نهج البلاغه حکمت / ۳۷۸)

اشاره

الف - ثعلبه خدمت پیامبر آمد و سه مرتبه تقاضا کرد: برای من دعا کنید تا خداوند ثروتی به من عطا کند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مقدار کمی که شکر آن را به جای آوری، بهتر از ثروت زیاد است. بالاخره پیامبر صلی الله علیه و آله دعا کرد؛ کم کم گوسفندانی خریداری کرد و گوسفندان او زیاد شدند. متقابلاً رفت و آمد او به مسجد کم شد تا این که به دلیل زیادی کار به مسجد نمی آمد. پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور زکات را فرستاد و او از دادن زکات خودداری کرد. در این موقع آیه‌ی شریفه‌ی: ﴿فلما آتاهم من فضله بخلوا به و تولوا و هم معرضون﴾ (توبه / ۷۵) در باره‌ی او نازل شد.

(سفینه البحار / ۱ / ۴۹۷)

۱۱۱-غرور

- ۱- مغرور نشدن به اشک و گریه
«لا یغرّنک بکاؤهم فانّ التقوی فی القلب».
(بحار / ۷۰ / ۳۸۳)
- ۲- مغرور نشدن به زیادی مساجد
«لا تغترنّ بکثرة المساجد و جماعة اقوام اجسادهم مجتمعهم و قلوبهم شتی».
(امالی صدوق / ۲۸۲)
- ۳- مغرور نشدن به ثروت ۴- مغرور نشدن به صحت بدن
قال الصادق علیه السلام: «المغرور فی الدنيا مسکین و فی الآخرة مغبون لانه باع الافضل بالادنی و لا تعجب من نفسك فرّما اغتررت بما لك و صحّة جسمك ان لعلک لا تبتقی»
۵- مغرور نشدن به طول عمر ۶- مغرور نشدن به فرزندان و دوستان
«و ربّما اغتررت بطول عمرک و اولادک و اصحابک لعلک تنجوهم»
۷- مغرور نشدن به عبادت
«و ربما اقت نفسك على العبادة متکلفاً والله يريد الاخلاص»
۸- مغرور نشدن به علم و دانش
«و ربّما افتخرت بعلمک و نسبک و انت غافل عن مضرات ما فی غیب الله و ربما تدعوا لله و انت تدعوا سواه و ربما حسبت انک ناصح للخلق و انت تريد لهم لنفسک ان یمیلوا الیک و اعلم أنّک لن تخرج من ظلمات الغرور و التمی الاّ بصدق الانابة الى الله تعالى و الاخبات له...».
(مصباح الشریعة / ۲۱۱)
- ۹- آثار غرور
۱- غرور به آرزو مایهی فساد عمل؛ قال علی علیه السلام: «غرور الامل یفسد العمل».
(غررالحکم / ۶۳۹۰)

۲- غرور به ثروت مایه‌ی تکبر؛ قال علی علیه السلام: «غرور الغنی یوجب الاشر».

(غررالحکم / ۶۳۹۹)

۳- غرور به دنیا مایه‌ی ندامت؛ قال علی علیه السلام: «الدنیا حلم و الاغترار بها

ندم».

۴- غرور به خویشتن مایه‌ی رنج؛ قال علی علیه السلام: «من اغتر بنفسه اسلمته الی

المعاطب».

(غررالحکم / ۸۱۱۲)

نکته:

زندگی دنیا (غرور)؛ «و ما الحیوة الدنیا الا متاع الغرور» (آل عمران / ۱۸۵)

شیطان (غرور)؛ «فلا تغرنکم الحیوة الدنیا و لا یغرنکم بالله الغرور».

(لقمان / ۳۳)

انسان (مغرور)؛ «یا ایها الانسان ما غرک برّبک الکریم» (انفطار / ۶)

راغب در مفردات گوید: غرور هر چیزی است که انسان را مغرور سازد و بفریبد اعم از مال و مقام و شهوت و شیطان و این که به شیطان تفسیر شده به دلیل این است که خبیث‌ترین فریبندگان است.

۱۱۲- غیبت

۱- غیبت نشانه‌ی عجز قال علی علیه السلام: «الغیبة جهد العاجز».

(نهج البلاغه / حکمت ۴۶۱)

۲- غیبت نشانه‌ی نفاق قال علی علیه السلام: «الغیبة آية المنافق».

(غررالحکم / ۸۸۹)

۳- معنای غیبت

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «... ذکرتک ایاک بما یکره قلت یا رسول الله فان کان فیہ ذاک

الذی یذکر به قال اعلم انک اذا ذکرته بما هو فیہ فقد اغتبتته و اذا ذکرته بما لیس فیہ

فقد بهتته».

(بحار / ۷۷ / ۸۹)

قال الصادق عليه السلام: «الغيبية ان تقول في اخيك ما ستره الله عليه و اما الامر الظاهر فيه مثل الحدة و العجلة فلا».

(بحار / ۷۵ / ۲۴۶)

۴ - شنیدن غیبت

قال على عليه السلام: «السامع للغيبية كالمغتتاب».

(غرر الحكم / ۱۱۷۱)

۵ - كفاره‌ی غیبت

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «كفارة الاغتياب ان تستغفر لمن اغتبتته».

(امالی طوسی / ۱۹۲)

۶ - پاداش ردّ غیبت

قال الباقر عليه السلام: «من اغتیب عنده اخوه المؤمن فنصره و اعانه نصره الله في الدنيا و

(ثواب الاعمال / ۱۷۸)

الآخرة...».

۷ - آثار غیبت

الف - عدم ایمنی از غیبت؛ قال الصادق عليه السلام: «لا تغتب فتغتب و لا تحفر لآخيك حفرة

(بحار / ۷۵ / ۲۴۹)

فتقع فيها...».

ب - عدم قبولی عبادت؛ «من اغتاب مسلماً او مسلمة لم يقبل الله صلوته و لا

(بحار / ۷۵ / ۲۵۸)

صيامه اربعين يوماً و ليلة الا ان يغفر له صاحبه».

ج - از بین رفتن کارهای خوب؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «ان الرجل ليؤتي كتابه منشوراً

فيقول يا ربّ فاين حسنات كذا و كذا عملتها ليست في صحيفتي؟ فيقول محييت

(الترغيب و الترهيب / ۳ / ۵۱۵)

باغتيابك الناس».

د - خروج از ولایت خداوند؛ قال الصادق عليه السلام: «من روى على مؤمن رواية يريد بها

شينه و هدم مروّته ليستقط من اعين الناس اخرج الله عزّ و جلّ من ولايته الى

(بحار / ۷۵ / ۲۵۴)

ولاية الشيطان».

عدم حرمت غیبت در موارد خاص؛ قال الشيخ البهائي عليه السلام: و قد جوزت الغيبة

في عشرة مواضع: الشهادة و النهي عن المنكر و شكايه المتظلم و نصح

المستشير و جرح الشاهد و الراوى و تفضيل بعض العلماء و غيبة المتظاهر

بالفسق و ذکر المشتهر بوصف ممیز له کالاعور و الاعرج مع عدم قصد الاحتقار و الذم و ذکره عند من يعرفه بذلك بشرط عدم سماع غیره علی قول و التنبيه علی الخطاء فی المسائل العلمية و نحوها بقصد ان لا يتبعه احد فيها. (بحار/ ۷۵/ ۲۳۸)

اشاره

دو نفر سلمان عليه السلام را فرستادند نزد پیامبر صلی الله علیه و آله تا طعامی را برای آنها بیاورد. پیامبر به او فرمود: برو نزد اسامه طعام برای آنها فراهم کند. اسامه گفت: چیزی باقی نمانده است. سلمان به آنها خبر داد که طعامی نیست. آنها گفتند: اسامه بخل کرده و اگر تو را به چاه سفیحه بفرستند آبش به زمین فرو می‌رود. بعد پیامبر به آنها فرمود: امروز گوشت خوردید من اثر آن را بر لبان شما می‌بینم وقتی انکار کردند جبرئیل نازل شد و آیه شریفه «و لا یغتب بعضکم بعضاً ایحبت احدکم یأکل لحم اخیه میتاً فکرهتموه» را از طرف خداوند نازل نمود.

(تفسیر جامع ۶/ ۴۰۲)

۱۱۳- صدق و کذب

- ۱- صدق مایه‌ی تزکیه‌ی عمل
قال الصادق عليه السلام: «من صدق لسانه زکی عمله».
(کافی ۲/ ۱۰۴)
- ۲- صدق مایه‌ی نجات
قال علی عليه السلام: «الصدق ینجیک و ان خفته الکذب یردیک و ان امنته».
(غرلحکم ۱۱۱۸)
- ۳- صدق نشانه‌ی ایمان
قال علی عليه السلام: «الایمان ان تؤثر الصدق حیث یضرك علی الکذب حیث ینفک».
(نهج البلاغه / حکمت ۴۵۸)
- ۴- کذب بزرگ‌ترین گناه
قال علی عليه السلام: «اعظم الخطایا عند الله اللسان الکذوب».
(محنة البیضاء ۵/ ۲۴۳)

۵- لزوم پرهیز از کذب

قال علی علیه السلام: «لا یجد عبد طعم الايمان حتى یتک الکذب هزله و جدّه». (بحار / ۷۲ / ۲۴۹)

۶- عدم سازگاری ایمان با کذب

سئل عن رسول الله صلی الله علیه و آله آیاكون المؤمن جباناً؟ فقال: نعم. قيل له: آیاكون المؤمن بخيلاً؟ قال: نعم. قيل له: آیاكون المؤمن كذاباً؟ قال: لا. (الترغيب والترهيب / ۳ / ۵۹۵)

۷- علت کذب

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «لا یکذب الکاذب الا من مهانة نفسه عليه». (کنز العمال / ۸۲۳۱)

۸- خطر دروغ برای خندانان مردم

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «ويل للذي يحدث فيكذب ليضحك به القوم ويل له ويل له». (کنز العمال / ۸۲۱۵)

۹- آثار کذب

الف- فاسد شدن دین؛ قال علی علیه السلام: «كثرة الكذب تفسد الدين و تعظم الوزر». (غررالحکم / ۷۱۲۳)

ب- محروم شدن از نماز شب؛ قال الصادق علیه السلام: «انَّ الرَّجْلَ لِيَكْذِبَ الْكُذْبَةَ فَيَحْرَمَ بِهَا صَلَاةَ اللَّيْلِ». (بحار / ۷۲ / ۲۶۰)

ج- روسیاهی؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «يا علی! اياك و الكذب فانَّ الكذب يسوّد الوجه ثم یكتب عند الله كذاباً». (بحار / ۷۷ / ۶۷)

۱۰- جواز کذب در موارد خاص

قال الصادق علیه السلام: «الكذب مذموم الا في امرين دفع شرّ الظلمة و اصلاح ذات البين». (بحار / ۷۲ / ۲۶۳)

سئل الصادق علیه السلام عن قول الله عزّ و جلّ فی قصة ابراهيم علیه السلام: «قال بل فعله كبيرهم هذا فاستلوهم ان كانوا ينطقون» قال: ما فعله كبيرهم و ما كذب ابراهيم. قيل و كيف

ذلك؟ فقال: «انما ابراهيم ﴿فاسئلوهم ان كانوا ينطقون﴾ فان نطقوا فكبيرهم فعل و ان لم ينطقوا فلم يفعل كبيرهم شيئاً فما نطقوا و ما كذب ابراهيم عليه السلام». (احتجاج ۲/ ۲۵۶)

۱۱- عدم تلقین کذب

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «لا تلقوا الكذب فيكذبون فان بنى يعقوب لم يعلموا ان الذئب يأكل الانسان فلما لقتهم انى اخاف ان يأكله الذئب قالوا: اكله الذئب».

(کنز العمال / ۸۲۲۸)

۱۲- پرهیز از دروغ کوچک و بزرگ

قال السجاد عليه السلام: «اتقوا الكذب الصغير منه و الكبير في كل جد و هزل فان الرجل اذا كذب في الصغير اجترأ على الكبير».

(کافی / ۴ / ۳۵)

اشاره

شخصی نزد پیامبر صلى الله عليه وآله آمد و گفت: مبتلا به گناه هستم، مرا راهنمایی فرمایید. پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: دروغ را ترک کن هر گناهی خواستی انجام بده. آن شخص وقتی تصمیم گناه گرفت با خود گفت اگر پیامبر صلى الله عليه وآله از من سؤال کند اگر منکر شوم در صورت انکار دروغ گفته ام و اگر اقرار کنم بر من حد الهی اجرا خواهد کرد، از این رو همه ی گناهان را ترک نمود. (شرح نهج البلاغه / ۶ / ۳۵۷)

۱۱۴- اسراف

۱- کمترین اسراف

قال الصادق علیه السلام: «ادنى الاسراف هراقة فضل الاناء و ابتذال ثوب الصون و القاء النوى».
(وسائل / ۳ / ۳۸۴)

۲- اسراف نشانه‌ی نفاق

قال على علیه السلام: «احذركم اهل النفاق ... ان حکموا اسرفوا».
(بحار / ۷۲ / ۱۷۷)

۳- نشانه‌های اسراف کننده

قال الصادق علیه السلام: «للمسرف ثلاث علامات يشترى ما ليس له و يلبس ما ليس له و يأكل ما ليس له».
(بحار / ۷۲ / ۲۰۶)

۴- مفهوم اسراف

قال الصادق علیه السلام: «ليس فيما اصلح البدن اسراف ... انما الاسراف فيما اتلف المال و اضرّ بالبدن».
(بحار / ۷۵ / ۳۰۳)

۵- اسراف از برنامه‌های شیطان

قال العسکرى علیه السلام: «... عليك بالاعتصام و اياك و الاسراف فانه من فعل الشیطنة».
(غرر الحكم / ۵۱۸۸)

۶- آثار اسراف

الف- زوال نعمت؛ قال کاظم علیه السلام: «من بذّر و اسرف زالت عنه النعمة».

(بحار / ۷۸ / ۳۲۷)

ب- نابود کننده‌ی فراوانی؛ قال على علیه السلام: «الاسراف يعنى الجزيل».
(غرر الحكم / ۳۳۵)

ج- اندک شدن برکت؛ قال الصادق علیه السلام: «انّ مع الاسراف قلّة البرکة».
(وسائل / ۱۰ / ۲۶۱)

د- عدم ستایش و ترحم به او؛ قال علی علیه السلام: «ذر السرف فانّ المسرف لا یحمد جوده ولا یرحم فقره».

(بحار / ۵۰ / ۲۹۲)

۷- عدم صدق اسراف در کارهای نیک

قال علی علیه السلام: «الاسراف مذموم فی کل شیء الا فی افعال البر».

(غررالحکم / ۱ / ۸۳)

۸- نمونه‌ی اسراف

قال الصادق علیه السلام: «انما السرف ان تجعل ثوب صونك ثوب بذلتك».

(مکارم الاخلاق / ۱۱۷)

اشاره

حضرت رضا علیه السلام شخصی را مشاهده کردند که میوه‌ای را کاملاً نخورد و آن را از منزل خود به دور انداخت. امام علیه السلام غضب نمودند و فرمودند: چرا این کار را انجام دادی اگر شما بی‌نیاز هستید به افراد نیازمند در جامعه اطعام کنید.

(کافی / ۶ / ۲۹۷)

۱۱۵- حسد

۱- مذمت از حسد

قال علی علیه السلام: «الحسد حبس الروح»^(۱) و «الحسد رأس العیوب»^(۲) و «الحسد شرّ الامراض»^(۳) و «لا داء كالحسد»^(۴) و «رأس الرذائل الحسد»^(۵)

(۱- غررالحکم / ۲۳۷۲- غررالحکم / ۳۱۴۹- غررالحکم / ۴۳۳۲- غررالحکم / ۵۳۵۳- غررالحکم / ۵۲۴۲)

۲- نشانه‌های حسود

الف- قال الصادق علیه السلام: «قال لقمان لابنه للحاسد ثلاث علامات: یغتاب اذا غاب و یتملّق اذا شهد و یشمت بالمصیبة».

(بحار / ۷۳ / ۲۵۱)

ب- قال علی علیه السلام: «الحاسد یفرح بالشرّ و یغمّم بالسرور»^(۲)

(۱- غررالحکم / ۲۱۴۷۸- غررالحکم / ۱۴۷۴)

۳- آثار حسد

قال علی علیه السلام: «الحسود كثير الحسرات متضاعف السيئات»^(۱) و «الحسود لا يسود»^(۲) و «ان الحسد يأكل الايمان كما تأكل النار الحطب»^(۳) و «لا راحة لحسود»^(۴) و الحسد ينكّد العيش»^(۵) و «الحسود لا خلّة له»^(۶)

(۱- غررالحکم / ۱۵۲۰؛ ۲- غررالحکم / ۱۰۱۷؛ ۳- کافی / ۳۰۶؛ ۴- غررالحکم / ۱۰۴۳۵؛ ۵- مستدرک / ۲ / ۳۲۸؛ ۶- همان)

۴- حسد نشانه‌ی نفاق

قال الصادق علیه السلام: «ان المؤمن يغبط و لا يحسد و المنافق يحسد و لا يغبط».

(کافی / ۲ / ۳۰۷)

۵- اثر ترک حسد

قال علی علیه السلام: «من ترك الحسد كانت له المحبة عند الناس».

(بحار / ۷۷ / ۲۳۷)

۶- دور بودن حسد از تقوی

قال علی علیه السلام: «من اتقى الله قلبه لا يدخله الحسد».

(غررالحکم / ۲۰۷)

۷- خبر نداشتن حسود از پایان کار خویش

قال علی علیه السلام: «لا تبتهجنّ بخطأ غيرك فانك لن تملك الاصابة ابداً» و «لا تفرحنّ بسقطة غيرك فانك لا تدري ما يحدث بك الزمان».

(تصنيف غررالحکم / ۳۰۱)

۸- حسد آفت دین

قال الصادق علیه السلام: «آفة الدين الحسد و العجب و الفخر».

(سفینه البحار / ۲ / ۱۷۶)

۹- لذت نبردن حسود از زندگی

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «اقلّ الناس لذّة الحسود و اقلّ الناس راحة البخيل» (بحار / ۷۴ / ۱۱۲)

۱۰- بیزاری خداوند از حسد

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «... فان الحاسد ساخط لنعمی صادّ لتسمی الذی قسمت بین عبادی و من يك كذلك فلست منه و ليس مني».

(سفینه البحار / ۲ / ۱۷۶)

۱۱- حسد نشانه خشم بر تقدیر خداوند

قال علی علیه السلام: «الحسود غضبان علی القدر»

(مستدرک / ۲ / ۳۲۸)

اشاره

امام صادق علیه السلام فرمود: بپرهیزید از حسادت، آن گاه فرمود: حضرت عیسی علیه السلام با شخصی به سفر رفتند، همین که به دریا رسیدند، بانام خدا شروع به رفتن کردند، در وسط دریا این شخص با خود گفت: برتری عیسی علیه السلام بر من چیست؟ همین که این حرف را زد در آب فرو رفت و از عیسی علیه السلام کمک طلبید. آن حضرت او را نجات داد. و فرمود: «وضعت نفسك في غير الموضع الذي وضعك الله فيه»؛ از این کار خود توبه کن و به دیگران حسادت نوز.

(کافی / ۳ / ۴۱۷)

۱۱۶- خوف ورجا

۱- اعتدال خوف ورجا

قال علی علیه السلام: «خير الاعمال اعتدال الرجاء و الخوف».

(غرر الحکم / ۵۰۵۵)

قال الصادق علیه السلام: «من وصايا لقمان لابنه خف الله عزّ و جلّ خيفة لو جئته ببرّ الثقلين لعذبك و ارج الله رجاء لو جئته بذنوب الثقلين لرحمك».

(کافی / ۲ / ۶۷)

۲- خوف نشانه‌ی معرفت به خدا

قال علی علیه السلام: «اعلم الناس بالله سبحانه اخوفهم منه».

(غرر الحکم / ۳۱۲۱)

۳- رفتار شایسته نشانه‌ی خوف ورجا

قال الصادق علیه السلام: «لا يكون العبد مؤمناً حتى يكون خائفاً راجياً و لا يكون خائفاً راجياً حتى يكون عاملاً لما يخاف و يرجوا».

(کافی / ۲ / ۷۱)

۴- امید به خداوند و ترس از گناه

قال علی علیه السلام: «لا يرجون احد منكم الا ربه و لا يخافن الا ذنبه».

(نهج البلاغه / حکمت ۸۲)

۵- پرهیز از امید کاذب

قال الباقر علیه السلام: «اياك و الرجاء الكاذب فانه يوقعك في الخوف الصادق».

(بحار / ۷۸ / ۱۶۴)

۶- اثر خوف

الف - پرهیز از گناه؛ قال علی علیه السلام: «الخوف سجن النفس من الذنوب و رادعها عن المعاصی».

(غررالحکم / ۱۹۸۷)

ب- عظمت؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من خاف الله اخاف الله منه كل شيء و من لم يخف الله اخافه الله من كل شيء».

(کافی / ۲ / ۶۸)

ج- برتری و فضیلت؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «اعلی الناس منزلة عند الله اخوفهم منه».

(بحار / ۷۷ / ۱۸۰)

د- جلوگیری از ستم؛ قال علی علیه السلام: «من خاف ربّه كفّ ظلمه».

(بحار / ۷۵ / ۳۰۹)

ه- امنیت؛ قال علی علیه السلام: «ثمره الخوف الامن».

(غررالحکم / ۴۵۹۱)

اشاره

الف - امیدوار کننده ترین آیه

حضرت باقر علیه السلام از شخصی پرسید: کدام آیه نزد قوم تو امیدوار کننده تر است؟ عرض کرد آیهی شریفه ی «یا عبادى الذین اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله» فقال علیه السلام: «لکنّا اهل البيت ... نقول ﴿و لسوف یعطیک ربّک فترضی﴾ الشفاعة و الله الشفاعة و الله الشفاعة».

(بحار / ۸ / ۵۷)

ب- امید به خداوند

قال علی علیه السلام: «کن لما لا ترجوا ارجی منك لما ترجوا فانّ موسى بن عمران خرج لیقتبس لاهله ناراً فکلّمه الله عزّ و جلّ نبیاً و خرجت ملکة سباً فاسلمت مع سلیمان و خرج سحرة فرعون یطلبون العزّة لفرعون فرجعوا مؤمنین».

(امالی صدوق / ۱۵۰)

ج- پیامبر صلی الله علیه و آله بر بالین جوانی که مشرف به مرگ بود رسید و فرمود: خود را در چه حال می بینی؟ عرض کرد: یا رسول الله! به خداوند امیدوار و از گناهانم بیمناکم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: در چنین موقعیتی بر قلب بنده ای این دو حالت وارد نمی شود مگر این که خداوند آنچه را که او امید دارد به وی مرحمت می کند و از آنچه بیمناک است او را محفوظ می دارد. (محجة البیضاء / ۱ / ۲۲)

مسائل سیاسی و اجتماعی

۱۱۲- سیمای حاکم و رهبر اسلامی

۱- منزلت حاکم

سه نوع تعبیر در روایات برای حاکم و رهبر مسلمین وارد شده است:

الف- ستون خیمه؛ قال الرضا علیه السلام: «اما علمت انّ والی المسلمین مثل العمود فی وسط الفسطاط من اراده اخذه».

(بحار / ۴۹ / ۱۶۵)

ب- سنگ آسیا؛ قال علی علیه السلام: «انّ محلی منها محل القطب من الرحی ینحدر عنّی السیل و لا یرقی الی الطیر».

(نهج البلاغه / خطبه ۳)

ج- نخ تسبیح؛ قال علی علیه السلام: «و مکان التیمی بالامر مکان النظام من الخرز یجمعه و یضمه فاذا انقطع النظام تفرق الخرز ثم لا یجتمع بحذافیره ابداً».

(نهج البلاغه / خطبه ۱۴۶)

۲- ورع ۳- حلم و بردباری ۴- مهربانی

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «لا تصلح الامامة الا لرجل فیه ثلاث خصال ورع یحجزه عن معاصی الله و حلم یملك به غضبه و حسن الولاية علی من یلی حتی یكون كالوالد الرحیم».

(کافی / ۱ / ۴۰۷)

۵- رعایت حقوق مردم

قال علی علیه السلام: «فاذا ادت الرعية الی الی الی حقّه و اذ الی الی الیها حقها عزّ الحقّ بینهم و قامت مناهج الدین و اعتدلت معالم العدل فصلح بذلك الزمان و طمع فی بقاء الدولة و یئست مطامع الاعداء...».

(نهج البلاغه / خطبه ۲۰۷)

۶- خیرخواهی و خدمت به مردم

قال الصادق علیه السلام: «لا یستغنی اهل کل بلد عن ثلاثة یفزع الیهم فی امر دنیاهم و آخرتهم فان عدموا ذلك كانوا همجا فقیه عالم ورع و امیر خیر مطاع و طیب بصیر ثقة».

(تحف العقول / ۳۲۱)

۷- مشارکت در مشکلات مردم

قال علی علیه السلام: «ءاقنع نفسی بان یقال امیر المؤمنین و لم اشارکهم فی مکاره الدهر».

(بحار / ۴۰ / ۳۴۱)

اشاره

الف - اجرای عدالت؛ حضرت علی علیه السلام به قنبر فرمودند: بر مردی حدّ اجرا کند قنبر سه تازیانه به آن شخص بیشتر زد، حضرت به دلیل زیاده روی سه شلاق به قنبر زد.

(کافی / ۷ / ۲۶۰)

۱۱۸- اوصاف مدیریت

۱- شرح صدر

قال علی علیه السلام: «آلة الریاسة سعة الصدر».

(نهج البلاغه / حکمت / ۱۷۶)

۲- علم و دانش

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «ما ولّت امة امرها رجلاً و فیها اعلم منه الا لم یزل امرهم یذهب سفلاً حق یرجعوا الی ما ترکوه».

(امالی طوسی / ۱۷۲)

۳- شناخت حق و عمل به معروف

قال الباقر علیه السلام: «ان بقاء المسلمین و بقاء الاسلام ان تصیر الاموال عند من یعرف فیها الحق و یضع فیها المعروف و انّ من فناء المسلمین و فناء الاسلام ان تصیر الاموال عند من لا یعرف فیها الحق و لا یضع فیها المعروف».

(مستدرک / ۲ / ۳۹۳)

۴- تشویق و تنبیه

قال علی علیه السلام: «و لا یكونن المحسن و المسیء عندک بمنزلة سواء فان ذلك تزهیداً لاهل الاحسان فی الاحسان و تدریباً لاهل الاساءة علی الاساءة».

(سفینه البحار / ۲ / ۶۴۱)

- ۵- عدم سوء استفاده از امکانات
قال علیؑ: «ان عملك ليس لك بطعمة ولكنّه في عنقك امانة».
(بحار / ۳۳ / ۵۱۲)
- ۶- احیای حق و از بین بردن باطل
قال علیؑ: «اما بعد فلا یکن حظّك فی ولايتك ما لا تستفیده و لا غیظاً تشفیه
ولکن امانة باطل و احیاء حق».
(بحار / ۴۰ / ۳۳۸)
- ۷- لطف و محبت به مردم
قال علیؑ: «... و اشعر قلبك الرحمة للرعية و المحبة و اللطف بهم و لا تكونن علیهم
سبعاً ضارياً تغتم اكلهم صنفان اما اخ لك فی الدین و اما نظیر لك فی
الخلق».
(بحار / ۳۳ / ۶۰۰)
- ۸- پرداختن به امور مهم
قال علیؑ: «من اشتغل بغير المهمّ ضیّع الایمّ ان رأیك لا یتسع لكل شیء ففرغه
للمهم».
(غرر الحکم)
- ۹- نسپردن منصب به افراد ضعیف
قال رسول الله ﷺ: «یا ابا ذر! انی احبّ لك ما احبّ لنفسی انی اراك ضعيفاً فلا
تأمرنّ علی اثنين و لا تولین مال یتیم».
(سفینه البحار / ۱ / ۱۲۱)

اشاره

توجه به محرومین؛ حضرت علیؑ پیرمردی را دیدند که از مردم سؤال می‌کند. حضرت فرمودند: این شخص کیست؟ گفتند: او نصرانی است. حضرت فرمود: تا جوان بود از او کار کشیدید و بهره بردید اکنون که پیر و ناتوان شده است او را منع می‌کنید، از بیت المال او را تأمین کنید؛ «استعملتموه حق اذا کبر و عجز منعموه؟ انفقوا علیه من بیت المال».
(وسائل / ۱۱ / ۴۹)

۱۱۹- قرض الحسنه

۱- برتری پاداش قرض بر صدقه

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «الصدقة بعشرة و القرض بثمانية عشر و صلة الاخوان بعشرين و صلة الرحم باربعة و عشرين».

(بحار / ۷۴ / ۳۱۱)

۲- حکت قرض دادن

قال الصادق عليه السلام: «على باب الجنة مكتوب القرض بثمانية عشر و الصدقة بعشرة و ذلك لا يكون الا في يد المحتاج و الصدقة ربما وقعت في يد غير محتاج».

(بحار / ۱۰۰ / ۱۳۸)

۳- قرض ندادن و محرومیت از بهشت

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من احتاج اليه اخوه المسلم في قرض و هو يقدر عليه فلم يفعل حرم الله عليه ربح الجنة».

(بحار / ۱۰۰ / ۱۳۸)

۴- قرض گرفتن پیامبر صلى الله عليه وآله

عن ابي عباس قال: ان رسول الله صلى الله عليه وآله توفي و درعه مرهونة عند رجل من اليهود على ثلاثين صاعاً من شعير اخذها رزقاً لعياله.

(جامع احاديث الشيعة / ۸ / ۲۷۷)

۵- قرض و آزمايش الهی

قال على عليه السلام: «قال الله تعالى: ﴿ان تنصروا الله ينصركم و يثبت اقدامكم﴾ و قال تعالى: ﴿من ذا الذي يقرض الله ...﴾ فلم يستنصركم من ذلّ و لم يستقرضكم من قلّ استنصركم و له جنود السموات و الارض ... و انما اراد ان يبلوكم ايكم احسن عملاً».

(نهج البلاغه / ۱۸۳)

۶- پرهیز از قرض گرفتن

قال على عليه السلام: «اياكم و الدين فانه همّ بالليل و ذلّ بالنهار».

(وسائل / ۱۳ / ۷۷)

۷- قرض برای حج و ازدواج

عن ابی موسی قال قلت لابی عبدالله علیه السلام جعلت فداك يستقرض الرجل و یحج؟ قال: نعم. قلت يستقرض و یتزوج؟ قال: «نعم، انه ینتظر رزق الله غدوة و عشية».

(وسائل / ۱۳ / ۸۲)

۸- پاداش مدارا کننده

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من انظر معسراً كان له على الله في كل يوم صدقة بمثل ماله عليه حتى يستوفي حقه».

(بحار / ۱۰۳ / ۱۵۱)

۹- وام گیرنده دزد

قال الرضا علیه السلام: «اعلم ان من استدان ديناً و نوى قضاؤه فهو في امان الله حتى يقضيه فان لم ينو قضاؤه فهو سارق».

(بحار / ۱۰۳ / ۱۵۰)

اشاره

ابن ابی عمیر از شخصی ده هزار درهم طلبکار بود. بدهکار منزل خود را به همین مبلغ فروخت و برای پرداخت قرض خود نزد ابن ابی عمیر آمد و گفت: این مبلغ را بگیر. ابن ابی عمیر گفت: آیا به تو ارث رسیده است؟ گفت: نه. بلکه خانه ام را فروخته ام. ابن ابی عمیر گفت: امام صادق علیه السلام فرمودند: انسان به خاطر بدهکاری خود از منزلش خارج نخواهد شد ابن عمیر در حالی که به یک درهم آن پول نیاز مند بود در عین حال آن مبلغ را نپذیرفت.

(سفینة البحار / ۱ / ۳۱۴)

۱۲۰- کار و تلاش

- ۱- ارزش کار
قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من اكل من كدّ يده نظر الله اليه بالرحمة ثم لا يعذبه ابداً».
(مستدرک ۴۱۷/۲)
- ۲- تلاش برای تأمین زندگی
قال الصادق عليه السلام: «الكادّ على عياله كالمجاهد في سبيل الله».
(کافی ۸۸/۵)
- ۳- کار و کسب مایه‌ی عزّت
كان ابو الحسن عليه السلام يقول لمصادف اغد الى عزّك يعني السوق.
(کافی ۱۴۹/۵)
- ۴- کار و کسب مایه‌ی فزونی عقل
قال الصادق عليه السلام: «التجارة تزيد العقل».
(کافی ۱۴۸/۵)
- ۵- بی‌کاری عامل گناه
قال علی عليه السلام لابنه الحسن: «لا تلم انساناً يطلب قوته فمن عدم كثر خطايا».
(بحار ۴۷/۷۲)
- ۶- کار برای آزادی بردگان
قال الصادق عليه السلام: «انّ امير المؤمنين عليه السلام اعتق الف مملوك من كدّ يده».
(تهذيب ۳۲۶/۶)
- ۷- توجه پیامبر به شغل افراد
«انّ رسول الله اذا نظر الى الرجل فاعجبه، قال له حرفة فان قالوا لا قال سقط من عيني»
(بحار ۱۰۳/۹)

اشاره

الف- محمد بن منکدر گوید: امام باقر عليه السلام را در هوای گرم مشاهده کردم که کار می‌کند، با خود گفتم بزرگی از بزرگان قریش در این ساعت گرم در طلب

دنیا بیرون آمده است، خوب است او را موعظه کنم. سلام کردم و گفتم اگر در این لحظه مرگ به سراغ شما بیاید چه می کنید؟ فرمود: به خدا قسم اگر مرگ در این حال فرا برسد، در طاعتی از طاعات خدا بوده ام که خود را از حاجت به تو و مردم بازداشته ام گفتم: خدا تو را رحمت کند می خواستم شما را موعظه کنم مرا موعظه نمودید.

(بخار / ۴۶ / ۲۸۷)

ب- ان رسول الله اذا نظر الى الرجل فاعجبه قال له: هل له حرفة فان قالوا لا قال سقط من عيني.

(بخار / ۱۰۳ / ۹)

ج- عدم غش در معامله؛ پیامبر اکرم ﷺ شخصی را دید که جنس خوب و پست را مخلوط کرده بود و می فروخت. پیامبر ﷺ فرمود: چرا چنین کردی؟ در دین ما غش وجود ندارد.

(کنز العمال / ۹۹۷۴)

۱۲۱- ظلم

۱- ظلم بزرگ ترین گناه

قال علی عليه السلام: «اياك و الظلم فاتّه اكبر المعاصي».

(غرر الحکم / ۲۶۶۵)

۲- نشانه ی ظلم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «للظالم ثلاث علامات: يقهر من دونه بالغلبه و من فوقه بالمعصية و يظاهر الظلمة».

(بخار / ۷۷ / ۶۴)

۳- انواع ظلم

قال علی عليه السلام: «الا و ان الظلم ثلاثة: فظلم لا يغفر و ظلم لا يترك و ظلم مغفور لا يطلب فاما الظلم الذي لا يغفر فالشرك بالله ... و اما الظلم يغفر فظلم العبد نفسه و اما الظلم الذي لا يترك فظلم العباد بعضهم بعضاً».

(نهج البلاغه / ۱۷۶)

۴- شدیدترین ظالم

قال الصادق عليه السلام: «ما من مظلمة اشد من مظلمة لا يجد صاحبها عليها عوناً الا الله عز و جل».

(کافی / ۲ / ۳۳۱)

- ۵- ظالم ترین مردم
قال علی علیه السلام: «اجور الناس من عدّ جوره عدلاً منه».
(غرر الحکم / ۳۳۴۶)
- ۶- مبارزه با ظالم
قال علی علیه السلام فی وصیته للحسین علیه السلام: «کونا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً».
(نهج البلاغه / نامه ۴۷)
- ۷- پرهیز از کمک به ظالم
قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «اذا کان يوم القيامة نادى مناد ابن الظلمة و اعوانهم من لاق لهم دواة او ربط لهم کيساً او مدّ لهم مدّة قلم فاحشروهم معهم».
(بحار / ۷۵ / ۳۷۲)
- ۸- بدترین ظلم
قال علی علیه السلام: «ظلم الضعیف افحش الظلم».
(نهج البلاغه / نامه ۳۱)
- ۹- پاداش از بین بردن ظلم
قال علی علیه السلام: «من ردّ عن المسلمین عادية ماء او عادية نار او عادية عدوّ مکابر للمسلمین غفر الله ذنبه»
(بحار / ۷۲ / ۲۰)
- ۱۰- آثار ظلم
الف - بدترین زاد برای قیامت؛ قال علی علیه السلام: «بئس الزاد الى المعاد العدوان الى العباد».
(بحار / ۷۵ / ۳۰۹)
- ب - تاریکی در قیامت؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «اتقوا الظلم فانه ظلمات يوم القيامة».
(کافی / ۲ / ۳۳۲)
- ج - از بین رفتن نعمت‌ها؛ قال علی علیه السلام: «الظلم یزلّ القدم و یسلب النعم و یهلك الامم».
(غرر الحکم / ۱۷۳۴)
- د - نابودی؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «لو بغی جبل علی جبل لجعل الله الباغی منها دكاً».
(سفینه البحار / ۱ / ۳۳۹)

اشاره

امام کاظم علیه السلام به صفوان جمال فرمود: همه کارهای تو پسندیده است جز کرایه دادن شترانت به هارون. صفوان گوید: عرض کردم به خدا سوگند این کار را به منظور خوشگذرانی و لهو و لعب انجام نداده‌ام بلکه برای رفتن به مکه بوده است. حضرت فرمودند: آیا دوست داری هارون زنده بماند تا طلب خود را از او بگیری؟ عرض کردم: آری. امام فرمود: هر کس دوستدار بقاء آنان باشد از آنهاست و هر که با آنان باشد در جهنم خواهد بود. «فمن أحبّ بقاءهم فهو منهم» (سفینه ۲/ ۱۰۷)

۱۲۲- خدمت به مردم

۱- خدمت به مردم مورد محبت خداوند

قال الصادق علیه السلام: «قال الله عزّ و جلّ الخلق عیالی فاحبّهم الی الطّفهم بهم و اسعاهم فی حوائجهم».

(کافی ۲/ ۱۹۹)

۲- سعی در خدمت به برادر مسلمان

قال الباقر علیه السلام: «من سعی فی حاجة اخیه المسلم طلب وجه الله كتب الله له الف الف حسنة».

(کافی ۲/ ۱۹۷)

۳- برآوردن نیاز، برتر از ده حج

قال الصادق علیه السلام: «لقضاء حاجة امرئ مؤمن افضل من حجة و حجة و حجة حتى عدّ عشر حجج».

(امالی صدوق / ۳۹۹)

۴- کمک به مسلمان و پاداش جهاد

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من مشی فی عون اخیه و منفعته فله ثواب المجاهدین فی سبیل الله»

(ثواب الاعمال / ۳۴۰)

٥- برآوردن حاجت و شفاعت پیامبر

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من قضى حاجة لآخيه كنت واقفاً عند ميزانه فان رجح والآ شفعت له»
(مستدرک / ج ٢ / ٤٠٦)

٦- کیفیت تأمین نیاز مردم

قال علی عليه السلام: «لا يستقيم قضاء الحوائج الا بثلاث بتصغيرها لتعظم و سترها لتظهر و تعجيلها لتتهنأ»
(غرر / ٦ / ٤٢٢)

٧- پیامد عدم کمک به مردم

قال الصادق عليه السلام: «ما من مؤمن يخذل اخاه و هو يقدر على نصرته الا خذله الله في الدنيا و الآخرة».
(بحار / ٧٤ / ٣١٢)

٨- انواع خدمت

١- آب دادن؛ قال الباقر عليه السلام: «من سقى ظمأناً ماء سقاه الله من الرحيق المختوم».

(بحار / ٩٦ / ١٧٢)

٢- لباس دادن؛ قال الصادق عليه السلام: «من كسا اخاه كسوة شتاء او صيف كان حقاً على الله ان يكسوه من ثياب الجنة و ان يهون عليه سكرات الموت...».
(كافي / ٢ / ٢٠٤)

٣- غذا دادن؛ قال الصادق عليه السلام: «من موجبات الجنة و المغفرة اطعام الطعام السغبان ثم تلا ﴿او اطعام في يوم ذي مسغبة﴾».
(محاسن برقی / ٢ / ١٤٥)

٤- آبرو گذاشتن؛ قال الصادق عليه السلام: «ما من مؤمن بذل جاهه لآخيه المؤمن الا حرم الله وجهه على النار».
(تنبيه الخواطر / ٢ / ٨٠)

٥- مسکن دادن؛ قال الصادق عليه السلام: «من كان له دار و احتاج مؤمن الى سكنها فمنعه اياها قال الله عز و جل: ملائكتي عبدی بخل علی عبدی بسكنی الدنيا و عزتی لا يسكن جنانی ابداً».
(بحار / ٧٤ / ٣٨٩)

اشاره

الف - مردی از اهل ری گوید: مقداری مالیات برای من مقرر کردند که اگر از من می‌گرفتند فقیر می‌شدم، به حج رفتم و جریان را به امام کاظم علیه السلام رساندم حضرت نامه‌ای به فرماندار ری نوشتند: «بسم الله الرحمن الرحيم اعلم انّ لله تحت عرشه ظلاً لا يسكنه الا من اسدى الى اخيه او نفس عنه كربة او دخل على قلبه سروراً و هذا اخوك و السلام». نامه را که به او رساندم از من احترام کرد و اموالش را با من تقسیم کرد.

(بخار ۴۷/ ۲۰۷)

ب - امام سجاد علیه السلام وقتی از دنیا رفت و آن بزرگوار را غسل می‌دادند، بر روی پشتش در اثر انبان‌های غذایی که شبانه به در خانه‌ی همسایگان ناتوان و خانواده‌های مستمند حمل می‌نمود، آثار زخم و جراحت مشاهده کردند. (مجموعه ورام ۱/ ۱۳۴)

ج - امام مجتبی علیه السلام در حال اعتکاف و مشغول طواف بود شخصی آمد و گفت: من مقروضم اگر لطف نمایی و برای من مهلت بگیری زیرا طلبکار مرا تهدید به حبس نموده امام علیه السلام طواف خویش را قطع کرد و برای برآوردن حاجت او اقدام نمود ابن عباس گوید: گفتم آیا فراموش کردید که در حال طواف هستید؟ فرمود: خیر از پیامبر شنیدم که فرمود: هر شخصی که نیاز برادر مؤمن خود را برآورده نماید مانند کسی است که خداوند را ۹ هزار سال عبادت کرده باشد در حالی که در شب به نماز و روز مشغول به روزه باشد. (سفینه ۲/ ۴۸۹)

۱۲۳- آزادگی

۱- بنده‌ی دیگران نبودن

قال علی علیه السلام: «لا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حرّاً». (نهج البلاغه / نامه ۳۱)

۲- اوصاف آزادگان

قال علی علیه السلام: «الصدقة شیمة الحرّ». (غرر الحکم / ۴۸۵۸)

۳- آزادگی در همه‌ی احوال زندگی

قال الصادق علیه السلام: «انّ الحرّ حرّ علی جمیع احواله ان نابته نائبة صبر لها و ان تداکت علی المصائب لم تکسره و ان أسر و قهر و استبدل بالیسر عسراً کما کان یوسف الصدیق الامین صلوات الله علیه لم یضرر حرّيته ان استعبد و قهر و اسر». (کافی / ۲ / ۸۹)

۴- عبادت آزادگان

قال الباقر علیه السلام: «ان قوماً عبدوا الله شکرّاً فتلك عبادة الاحرار». (بحار / ۷۸ / ۱۸۷)

۵- عوامل آزادگی

الف- ترک شهوات؛ قال علی علیه السلام: «من ترک الشهوات کان حرّاً». (تحف العقول / ۹۹)

ب- زهد؛ قال علی علیه السلام: «من زهد من الدنيا اعتق نفسه و ارضى ربّه». (غرر الحکم / ۸۸۱۶)

ج- کسب حلال؛ قال علی علیه السلام: «من توفیق الحرّ اکتسابه المال من حلّه».

(غرر الحکم / ۹۳۹۳)

د- دوری از رذایل؛ قال علی علیه السلام: «الحرّیه منزّهة من الغلّ و المکر». (غرر الحکم / ۱۴۸۵)

ه- ترک دنیا؛ قال علی علیه السلام: «الاحرّ یدع هذه اللماظة لاهلها انه لیس لانفسکم ثمن الاّ

الجنة فلا تبیعوها الاّ بها». (نهج البلاغه / حکمت ۴۵۶)

۶- بندگی خداوند شرط کسب آزادگی

قال علی علیه السلام: «من قام بشرائط العبودية اهل للعق و من قصر عن احكام الحرّية اعيد الى الرق».

(غررالحکم / ۸۵۲۹)

اشاره

الف- امام حسین علیه السلام روز عاشورا به دشمنان فرمود: «یا شیعة ابی سفیان ان لم تکن لکم دین و کنتم لا تخافون المعاد فکونوا احراراً فی دنیاکم».

(بحار / ۴۵ / ۵۱)

ب- وقتی که عثمان به خلافت رسید اموال بیت المال را تزییع کرد. ابوذر همواره به او اعتراض می کرد. روزی عثمان کیسه ای پر از پول به غلامش داد و به او گفت: این کیسه را به ابوذر بده اگر پذیرفت تو را آزاد می کنم. غلام کیسه را آورد، ولی ابوذر نپذیرفت، غلام گفت: اگر بپذیری من آزاد می شوم ابوذر گفت: آری، تو آزاد می شوی ولی من بنده می گردم!

(کشکول شیخهایی / ۱۶۲)

۱۲۴- اصلاحات

۱- ضرورت اصلاح خویشتن

قال علی علیه السلام: «عجبت لمن يتصدى لاصلاح الناس و نفسه اشدّ شی فساداً»

(غرر / ۴ / ۳۴۰)

۲- ناروا بودن اصلاح دنیا و نابودی دین

قال علی علیه السلام: «لا تصلح دنیاک بمحق دینک»

(نهج البلاغه / خطبه ۱۷۵)

۳- خطر اصلاح دنیا

قال علی علیه السلام: «لا یترک الناس شیئاً من امر دینهم لاستصلاح دنیاهم الا فتح الله علیهم ما هو اضرّ منه»

(نهج البلاغه / حکمت ۱۰۶)

۴- راه اصلاح زمامداران و مردم
قال علی علیه السلام: «فلیست تصلح الرّعیة الاّ بصلاح الولاة و لا تصلح الولاة الاّ باستقامة الرّعیة»
(نهج البلاغه / خ ۲۱۶)

۵- اصلاح مردم در پرتو اصلاح فقیهان و حاکمان
قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «صنغان من امتی اذا صلحا صلحت امتی و اذا فسدا فسدت امتی
قیل یا رسول الله و من هم؟ قال الفقهاء و الامراء»
(تحف العقول ۲۱۹)

۶- اصلاح آخرت عامل اصلاح امور دنیوی
قال علی علیه السلام: «من اصلح بینه و بین الله اصلح الله ما بینه و بین الناس و من اصلح امر آخرته اصلح الله دنیاه»
(نهج البلاغه / حکمت ۸۹)

۷- امر به معروف و نهی از منکر عامل اصلاح مردم
قال الحسین علیه السلام: «انّی لم اخرج اشراً و لا بطراً و لا مفسداً و لا ظالماً انما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدّی ارید ان آمر بالمعروف و انهی عن المنکر و اسیر بسیرة جدّی و ابی علی ابن ابی طالب»
(بحار ۴۴/ ۳۲۹)

۸- تأمین زندگی راه اصلاح کارگزاران دولت
قال علی علیه السلام: «اسبغ علیهم الارزاق فانّ ذلك قوّة لهم علی استصلاح انفسهم و غنی لهم عن تناول ما تحت ایدیهم و حجة علیهم ان خالفوا امرک»
(نهج البلاغه / نامه ۵۳)

اشاره

الف - حضرت علی علیه السلام در مورد اصلاحات حکومت می فرماید: تمام اموال و ثروتهایی که سومی به ناحق به این و آن بخشیده است به خدا قسم تمام آنها را بر می گردانم گرچه به عنوان مهریه زنان یا بهای کنیزان رفته باشد زیرا که در عدالت گشایش است و هر کسی که عدالت بر او سخت باشد ستم بر او دشوارتر خواهد بود.
«ولو وجدته قد تزوّج به النساء و ملک به الاماء لرددته فانّ فی العدل سعة و من ضاق علیه العدل فالجور علیه اضیق»
(نهج البلاغه / خطبه ۱۵)

ب - حضرت علی علیه السلام در نامه ای به زیاد بن ابیه در مورد فسادهای مالی چنین می نویسد: همانا من به خدا سوگند یاد می کنم سوگندی راست اگر مرا خبر رسد که تو در فیئ مسلمانان اندک یا بسیار خیانت کرده ای چنان بر تو سخت گیرم که اموال تو اندک شود و نیز در مانده و پریشان حال گردی.

«و اِنِّي اقسَم بالله قسماً صادقاً لئن بلغني انك خنت من فئ المسلمين شيئاً صغيراً او كبيراً لاشدن عليك شدة تدعك قليل الوفرت قيل الظهر ضئيل الامر» (نهج البلاغه / نامه ۴۱)

۱۲۵- عوامل عزت

۱ - تقوی

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من اراد ان يكون اعز الناس فليتق الله». (بحار / ۷۰ / ۲۸۵)

۲ - حسن خلق

قال علي عليه السلام: «رب عزيز اذله خلقه و ذليل اعزه خلقه». (بحار / ۷۷ / ۴۲۰)

۳ - حلم قال علي عليه السلام: «لا عز ارفع من الحلم».

(بحار / ۷۱ / ۴۱۴)

۴ - حفظ زبان قال الكاظم عليه السلام: «احفظ لسانك تعز».

(كافي / ۲ / ۱۱۳)

۵ - عفو

قال الصادق عليه السلام: «عليكم بالعفو فان العفو لا يزيد العبد الا عزاً». (كافي / ۲ / ۱۰۸)

۶ - بندگی خدا قال علي عليه السلام: «الهي كفي بي عزاً ان اكون لك عبداً». (بحار / ۷۷ / ۴۰۰)

۷ - دوری از معصیت

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من اراد عزاً بلا عشيرة و هيبة بلا سلطان و غنى بلا مال فلينتقل من ذل معصية الله الى عز طاعته».

(خصال / ۱۶۹)

۸ - ترك قیل و قال - قال علي عليه السلام: «المؤمن عزه ترك القال و القيل».

(بحار / ۷۷ / ۲۶۸)

- ۹- صبر بر معصیت
 قال الباقر علیه السلام: «من صبر على مصيبة زاده الله عزّاً في عزّه».
 (بحار / ۸۲ / ۱۲۸)
- ۱۰- راستی قال الصادق علیه السلام: «... الصدق عزّ و الجهل ذلّ».
 (کافی / ۱ / ۲۷)
- ۱۱- ترک طمع
 قال الباقر علیه السلام: «الئأس مما في ايدي الناس عزّ المؤمن في دينه».
 (کافی / ۲ / ۱۴۹)
- ۱۲- تمسک به حق
 قال العسكري علیه السلام: «الحق لا اخذ به ذليل الاّ عزّ».
 (بحار / ۷۸ / ۳۷۴)
- ۱۳- ذلیل کردن نفس
 قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «ذل النفس لا يزيد الله به الاّ عزّاً».
 (بحار / ۷۵ / ۱۲۴)
- ۱۴- فرو بردن خشم
 قال الصادق علیه السلام: «ما من عبد كظم غيظاً الاّ زاده الله عزّ و جلّ عزّاً في الدنيا و الآخرة».
 (کافی / ۲ / ۱۱۰)
- ۱۵- قناعت ورزی قال علی علیه السلام: «القناعة تؤدّي الى العزّ».
 (غررالحکم / ۱۱۲۳)
- ۱۶- رعایت انصاف
 قال علی علیه السلام: «من ينصف الناس من نفسه لم يزد الله الاّ عزّاً».
 (کافی / ۲ / ۱۴۴)
- ۱۷- دوری از مواهب دنیا قال علی علیه السلام: «من سلا عن مواهب الدنيا عزّ».
 (غررالحکم / ۱۱۲۳)
- ۱۸- جهاد
 قال علی علیه السلام: «و الجهاد عزّاً للاسلام».
 (نهج البلاغه / حکمت / ۲۵۲)
- ۱۹- در سایه امامت به سر بردن
 قال الرضا علیه السلام: «ان الامامة صلاح الدنيا و عزّ المؤمنین».
 (بحار / ۲۵ / ۱۲۳)

اشاره

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در محلی از مرکب پیاده شدند و شتر خود را بستند. اصحاب گفتند: چرا به ما نفرمودید؟ فرمود: هرگز در کارهای خود از دیگران کمک نخواهید و عزت خود را حفظ کنید (گرچه برای یک قطعه چوب مسواک باشد). (کحل البصر / ۶۹)

۱۲۶- عوامل ذلت

- ۱- علاقه به دنیا
قال الصادق عَلَيْهِ السَّلَامُ: «من أحبّ الحيوة ذلّ». (خصال / ۱۲۰؛ بحار / ۶ / ۱۲۸)
- ۲- اهانت به اسلام
قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اذلّ الله من اهان الاسلام». (بحار / ۸ / ۱۴۵)
- ۳- اهانت به اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ
قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اذلّ الله من اهان اهل البيت». (بحار / ۸ / ۱۴۵)
- ۴- دخالت بی جا
قال الصادق عَلَيْهِ السَّلَامُ: «اياك و الدخول فيما لا يعينك فتذلّ». (بحار / ۷۸ / ۲۰۴)
- ۵- سوء خلق
قال على عَلَيْهِ السَّلَامُ: «رب عزيز اذله خلقه و ذليل اعزه خلقه». (بحار / ۷۷ / ۴۲۰)
- ۶- طمع قال الباقر عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لا ذلّ كذلّ الطمع». (تحف العقول / ۲۸۶)
- ۷- تقاضا از مردم
قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لا ي ذر اياك و السؤال فانه ذلّ حاضر». (بحار / ۷۷ / ۶۰)
- ۸- حرص بر دنیا
سئل عن على عَلَيْهِ السَّلَامُ اى ذلّ اذلّ؟ فقال: «الحرص على الدنيا». (معانی الاخبار / ۱۹۸)

۹ - جهل و نادانی

قال الصادق عليه السلام: «و الصدق عزّ الجهل ذل و الفهم مجد». (بحار / ۷۸ / ۲۶۹)

۱۰ - ترك حقوق قال الصادق عليه السلام: «ترك الحقوق مذلة». (تحف العقول / ۳۶۰)

۱۱ - احترام بی مورد

قال علی عليه السلام: «فانّ مشى مثلك مع مثلى فتنة للوالى و مذلة للمؤمنين». (بحار / ۳۲ / ۵۵۴)

۱۲ - ستم كردن قال الصادق عليه السلام: «انّ الذليل هو الظالم». (بحار / ۷۸ / ۲۰۳)

۱۳ - پذیرفتن ستم قال علی عليه السلام: «لا یحتمل الضیم الا الذلیل». (نهج البلاغه)

۱۴ - کمک كردن به ستمگر

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «اذلّ الله من اعان الظالمين على ظلمهم للمخلوقين» (بحار / ۸ / ۱۴۵)

۱۵ - ترك جهاد

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «فمن ترك الجهاد البسه الله ذلاً في نفسه». (بحار / ۱۰۰ / ۹)

۱۶ - ذلیل كردن اهل ايمان

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من اذلّ مؤمناً اذّله الله». (بحار / ۶۹ / ۳۸۲)

۱۷ - عدم بهره گیری از کم خردان

قال زين العابدين عليه السلام: «هلك من ليس له حكيم يرشده و ذلّ من ليس له سفیه

يعضده». (بحار / ۷۸ / ۱۵۹)

۱۸ - دروغ گویی

قال علی عليه السلام: «... لا تحدّث الا عن ثقة فتكون كاذباً و الكذب ذلّ». (بحار / ۷۷ / ۲۲۷)

اشاره

لشکر معاویه در جنگ صفین هنگامی که بر آب مسلط شدند اصحاب حضرت علی عليه السلام را از استفاده آب منع کردند، حضرت پیام داد که این منع آب اعلام جنگ است سپس برای سپاهیان خود خطبه ای خواند و به آنها فرمود: بر سر دو راهی هستید یا

قبول ذلت یا سیراب کردن شمشیرهای خود از خون دشمنان، بعد از اندک مدتی پیروز شدند و زیر بار ذلت نرفتند و به هنگامی که پیروز شدند اصحاب معاویه را از استفاده‌ی آب منع نکردند؛ «قد استطعموكم القتال فاقروا على مذلة و تأخير محله او روا السيوف من الدماء تروا من الماء فالموت في حياتكم مقهورين و الحياة في موتكم قاهرين».

(نهج البلاغه / خطبه‌ی ۵۱)

۱۲۷- امتحان

- ۱- حتمی بودن بلا برای انسان
قال علی عليه السلام: «و الذي بعثه بالحق لتبليبن ببلية و لتغربلن غربة و تساطن سوط القدر حتى يعود اسفلكم اعلاكم و اعلاكم اسفلكم».

(نهج البلاغه / خطبه ۱۶)

- ۲- سخت‌ترین بلا
قال الصادق عليه السلام: «ما بلى الله العباد بشيء اشد عليهم من اخراج الدرهم».

(بحار / ۷۳ / ۱۳۹)

- ۳- بلا در تمام عمر
قال الصادق عليه السلام: «ان اهل الحق لم يزالوا منذ كانوا في شدة اما ان ذلك لفي مدة قليلة و عافية طويلة».

(بحار / ۶۷ / ۲۱۳)

- ۴- نهفته بودن نعمت در هر بلا
«ما من بلية الا و لله فيها نعمة تحيط بها».

(بحار / ۷۸ / ۳۷۴)

- ۵- لزوم شکر به هنگام بلا
قال علی عليه السلام: «اذا رأيت ربك يوالى عليك البلاء فاشكره و اذا رأيت يتابع عليك النعم فاحذر».

(غرر الحكم / ۱ / ۳۱۶)

- ۶- کم بودن دینداران به هنگام بلا
قال الحسين عليه السلام: «ان الناس عبيد الدنيا و الدين لعق على سنتهم يحوطونه مادرت معايشهم فاذا محصوا بالبلاء قلّ الديّانون».
(بحار / ۷۸ / ۱۱۷)
- ۷- انواع بلا
قال على عليه السلام: «انّ البلاء للظالم ادب و للمؤمن امتحان و للانبياء درجة» (بحار / ۶۷ / ۲۳۵)
- ۸- بلا و از بين رفتن گناه
قال على عليه السلام: «الحمد لله الذى جعل تمحيص ذنوب شيعتنا فى الدنيا بمحنتهم لتسلم بها طاعتهم و يستحقوا عليها ثوابها».
(بحار / ۶۷ / ۲۳۲)
- ۹- بلا به اندازه‌ى ايمان
قال الصادق عليه السلام: «انما المؤمن بمنزلة كفة الميزان كلما زيد فى ايمانه زيد فى بلائه».
(كافى / ۲ / ۱۹۷)
- ۱۰- بلا عامل تكريم مؤمن
قال رسول الله صلى الله عليه و آله: «ما كرم عبد على الله الاّ ازداد عليه البلاء».
(دعائم الاسلام / ۱ / ۲۴۱)
- ۱۱- بلا عامل محبت الهى
قال الباقر عليه السلام: «ان الله تبارك و تعالى اذا احبّ عبداً غتّه بالبلاء غتاً».
(كافى / ۲ / ۱۹۷)
- ۱۲- بلا عامل تواضع و انقياد
قال رسول الله صلى الله عليه و آله: «لولا ثلثة فى ابن آدم ما طأطأ رأسه شىء المرض و الفقر و الموت و كلهنّ فيه و انه لمعهنّ لوتّاب».
(بحار / ۷۲ / ۵۳)
- ۱۳- شديدترين بلا متوجه اوليائى خدا
قال الصادق عليه السلام: «انّ اشدّ الناس بلاء الانبياء ثمّ الذين يلونهم ثمّ الامثل فالامثل».
(كافى / ۲ / ۱۹۶)
- ۱۴- پاداش صبر در برابر بلا
«من ابتلى من المؤمنين ببلاء فصبر عليه كان له مثل اجر الف شهيد».
(مشكاة انوار / ۷۰)

۱۵- دعا به هنگام دیدن اهل بلا

«اذا رأيت اهل البلاء فاحمدوا لله و لا تسمعونهم فان ذلك يحزنهم». (بحار ۳۵/۷۱)

۱۷- توسل به اهل بیت به هنگام بلا

قال الرضا عليه السلام: «اذا نزلت بكم شدة فاستعينوا بنا على الله و هو قول الله عزوجل
«ولله الاسماء الحسنى فادعوه بها»
(سفینه ۲/ ۳۴۳)

۱۸- حکمت ابتلا

الف- توبه و تذکر

قال علی عليه السلام: «ان الله يبتلي عباده عند الاعمال السيئة بنقص الثمرات و حبس البركات
و اغلاق خزائن الخيرات ليتوب تائب و يقلع مقلع و يتذكر متذكر». (بحار ۳۳۶/۹۱)

ب- خروج از حال تکبر

قال علی عليه السلام: «لكن الله يختبر عباده بانواع الشدائد و يتعبد لهم بانواع المجاهد و
يبتليهم بضروب المكاره اخراجاً للتكبر من قلوبهم و اسكاناً للتذلل في
نفوسهم». (شرح نهج البلاغه ۱۳/ ۱۵۶)

ج- شکوفا شدن اسرار

قال علی عليه السلام: «في تقلب الاحوال علم جواهر الرجال و الايام توضيح لك السرائر
الكامنة». (بحار ۲۸۶/۷۷)

اشاره

امام صادق عليه السلام می فرماید: پیامبر صلی الله علیه و آله به منزل شخصی رفت، در آنجا مرغی را دید که روی دیوار تخم گذاشت، سپس آن تخم غلطید و روی میخی قرار گرفت و شکسته نشد. پیامبر صلی الله علیه و آله تعجب کرد، صاحب منزل گفت: سوگند به خداوندی که تو را مبعوث ساخت تا به حال مصیبتی ندیده‌ام. پیامبر صلی الله علیه و آله از آن منزل غذا نخورد و خارج شد و فرمود: کسی که بلا نبیند خداوند به او نیازی ندارد؛ «فمن لم يرزاً فالله فيه من حاجة».
(کافی ۲/ ۱۹۹)

۷- سهم فقرا در اموال ثروتمندان

عن ابی عبدالله علیه السلام: «ان الله عزّ و جلّ فرض للفقراء في مال الاغنياء ما يسعهم ولو علم ان ذلك لا يسعهم لزادهم...»

(بحار ۹۶/ ۱۹)

۸- اشتیاق بهشت به فقرا؛ قال النبی صلی الله علیه و آله: «ان الفقراء ملوك اهل الجنة و الناس كلهم مشتاقون الى الجنة و الجنة مشتاقه الى الفقراء».

(بحار ۶۹/ ۴۹)

۹- ورود فقرا به بهشت پیش از ثروتمندان

قال النبی صلی الله علیه و آله: «يدخل الفقراء المؤمنین الجنة قبل اغنيائهم بيوم مقداره الف عام».

(کنز العمال ۶/ ۴۷۷)

۱۰- سختی فقر

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «اوحى الله الى ابراهيم فقال يا ابراهيم! خلقتك و ابتليتك بنار نمرود فلو ابتليتك بالفقر و رفعت عنك الصبر فما تصنع؟ قال ابراهيم عليه السلام يا رب الفقر اشد من نار نمرود».

(بحار ۷۲/ ۴۷)

نکته: نکوهش از فقر؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «كاد الفقر ان يكون كفراً». (کافی ۲/ ۳۰۷)

ستایش از فقر؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «الفقر فخری».

(سفینه البحار ۶/ ۱۳۱)

الف- در جمع بین این دو روایت می توان گفت: فقری که مذموم است فقری است که انسان فاقد حداقل مخارج روزانه باشد و انسان بر اثر گرسنگی در خطر گناه قرار بگیرد، و فقر ممدوح فقری است که انسان به اندازه‌ی کفاف داشته باشد که بتواند به وسیله‌ی آن زندگی خود را اداره کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «اللهم ارزق محمداً و آل محمد الكفاف».

(کافی ۲/ ۱۱۴)

ب- نکته‌ی دیگر این که فقری که از آن مذمت شده است، فقر دینی و معنوی است؛ قال علی علیه السلام: «فقر النفس شر الفقر».

(غرر الحکم ۶۵۴۷)

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «الفقر فقر القلب».

(بحار ۷۲/ ۵۶)

قال الصادق عليه السلام: «الفقر الموت الاحمر» و قلت لابي عبد الله الفقر من الدينار و الدرهم؟ فقال عليه السلام: «لا، ولكن من الدين» و فقرى که از آن مدح شده فقر به سوى خداوند است که پیامبر صلی الله علیه و آله به خداوند عرض می کند: «اللهم اغنى بالافتقار اليك و لا تفقرنى بالاستغناء عنك».

(مفردات راغب)

اشاره

هشام بن سالم گوید: هنگامی که تاریکی شب همه جا را فرا می گرفت امام صادق عليه السلام انبانی از طعام و نان و پول به دوش می گرفت و در خلوت شب به در خانه نیازمندان و فقراء مدینه می رفت و بین آنان تقسیم می نمود بدون اینکه امام را بشناسند. پس از رحلت امام صادق عليه السلام فقرا متوجه شدند که آن حضرت به آنان کمک می کرده است.

(وسائل، چاپ قدیم ۱/ ۱۱۵)

۲۹ عوامل و اسباب فقر

۱- کار نکردن

قال على عليه السلام: «من لم يصبر على كده صبر على الافلاس».

(غرر الحکم / ۳۹۴)

۲- اظهار فقر قال النبي صلی الله علیه و آله: «من تفاقرا افتقر».

(تحف العقول / ۳۵)

۳- اسراف و تبذیر

قال الكاظم عليه السلام: «من بذر و اسرف زالت عنه النعمة».

(تحف العقول / ۲۱۷)

۴- عدم اعتدال در زندگی

قال على عليه السلام: «ترك التقدير في المعيشة يورث الفقر».

(بحار / ۷۱ / ۳۴۷)

۵- تقاضا از مردم

قال على عليه السلام: «من فتح على نفسه باب مسألة فتح الله عليه باب فقر».

(تحف العقول / ۷۵)

۶- گناه ثروتمندان

قال الصادق عليه السلام: «انّ الناس ما افتقروا و لا احتاجوا و لا جاعوا و لا عروا الاّ بذنوب الاغنياء».
(وسائل ۴/۶)

۷- کم فروشی

قال النبی صلى الله عليه وآله: «... اذا طقف المكيال اخذهم الله بالسنين و النقص».
(تحف العقول ۴۲)

۸- سوء تدبير

قال على عليه السلام: «يستدل على ادبار الدّول باريح سوء التدبير و قبح التبذير و قلّة الاعتبار و كثرة الاغترار».
(غرر الحكم ۳۵۷)

۹- سخنان بیهوده

«من التوراة ... يابن آدم اذا وجدت قساوة في قلبك و سقمًا في جسمك و نقيصة في مالك و حرمة في رزقك فاعلم أنّك قد تكلمت فيما لا يعينك».
(بنايغ الحكمة ۴/۳۳۳)

۱۰- کسب حرام

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «و من كسب مالاً من غير حلّه افقره الله تعالى».
(مستدرک ۱۳/۴۳)

۱۱- بر نیاوردن حاجت نیازمند

قال على عليه السلام: «سبب زوال اليسار منع المحتاج».
(غرر الحكم ۱/۴۳۱)

۱۲- نفرین به فرزند

قال الصادق عليه السلام: «ایما رجل دعا على ولده اورثه الفقر».
(بحار ۱۰۴/۹۹)

اشاره

تکریم پیامبر صلى الله عليه وآله از فقیر؛ پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله به هنگامی که وارد مدینه شدند به منزل ابی ایوب انصاری وارد شدند که از همه ی مردم فقیرتر بود؛ ... و لم يكن بالمدينة افقر من ابی ایوب لما نزل به النبی صلى الله عليه وآله
(سفینه البحار ۱/۱۹۳)

۳۰ زیارت

- ۱- زیارت نشانه‌ی تمامیت حج
قال الصادق علیه السلام: «اذا حج احدکم فليختم بزيارتنا لان ذلك من تمام الحج».
(وسائل / ۱۰ / ۲۵۴)
- ۲- زیارت در حیات و ممات
قال الصادق علیه السلام: «من زارنا في مماتنا فكأنما زارنا في حياتنا».
(بحار / ۹۷ / ۱۲۴)
- ۳- غسل زیارت
قال الصادق علیه السلام: «في قوله تعالى ﴿خذوا زينتكم عن كل مسجد﴾ قال الغسل عند لقاء كل امام».
(بحار / ۹۷ / ۱۳۲)
- ۴- زیارت وفای به عهد
قال الرضا علیه السلام: «ان لكل امام عهداً في عنق اوليائه و شيعته و ان من تمام الوفاء بالعهد زيارة قبورهم».
(من لا يحضره الفقيه / ۲ / ۵۷۷)
- ۵- کیفیت زیارت از راه دور
قال الصادق علیه السلام: «اذا بعدت باحدكم الشقة و نأت به الدار فليصعد اعلى منزله فليصل ركعتين و ليؤمّ بالسلام الى قبورنا فان ذلك يصل اليها» (من لا يحضره الفقيه / ۲ / ۵۹۹)
- ۶- زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من اتاني زائراً كنت شفيعه يوم القيامة».
(بحار / ۱۰۰ / ۱۸۲)
- ۷- زیارت حضرت علی علیه السلام
قال الرضا علیه السلام: «فضل زيارة قبر امير المؤمنين على زيارة قبر الحسين علیه السلام كفضل امير المؤمنين على الحسين».
(بحار / ۱۰۰ / ۲۶۲)

- ٨- زيارت فاطمه زهرا عليها السلام
- قال على عليه السلام: «قالت فاطمة قال لى رسول الله صلى الله عليه وآله يا فاطمة! من صلى عليك غفر الله له و الحقه بي حيث كنت من الجنة».
- (كشف الغمة / ٢ / ٩٨)
- ٩- زيارت امام حسن عليه السلام
- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من زار الحسن فى بقية ثبت قدمه على الصراط يوم تزل فيه الاقدام».
- (بحار / ١٠٠ / ١٤١)
- ١٠- زيارت امام حسين عليه السلام
- قال الصادق عليه السلام: «ان الله تبارك و تعالى يتجلى لزوار قبر الحسين عليه السلام قبل اهل عرفات و يقضى حوائجهم و يغفر ذنوبهم و يشفعهم فى مسائلهم ثم يثنى باهل عرفات فيفعل ذلك بهم».
- (بحار / ١٠٠ / ٣٧)
- ١١- زيارت ائمه بقیع عليهم السلام
- لما سئل ما لمن زار احداً منكم؟ قال: «كمن زار رسول الله صلى الله عليه وآله».
- (كافي / ٤ / ٥٧٩)
- ١٢- زيارت امام كاظم عليه السلام
- قال الرضا عليه السلام: «لما سأله ابن سنان ما لمن زار اباك فقال له: الجنة فزره».
- (بحار / ١٠٧ / ١١٠٧)
- ١٣- زيارت امام رضا عليه السلام
- قال الرضا عليه السلام: «من زارنى بعد دارى اتيته يوم القيامة فى ثلاث مواطن حتى اخلصه من احوالها اذا تطايرت الكتب يمينا و شمالاً و عند الصراط و عند الميزان».
- (عيون اخبار / ٢ / ٢٥٥)
- ١٤- زيارت امام جواد عليه السلام; ١٥- زيارت عسكريين
- قال العسكري عليه السلام لابي هاشم: «قال لى ابو محمد الحسن بن على عليه السلام قبرى بسر من رأى امان لاهل المجانين».
- (بحار / ١٠٢ / ٥٠٩)

۱۶- زیارت حضرت معصومه علیها السلام

قال الصادق علیه السلام: «لنا حرماً و هو قم و ستدفن فيه امرأة من ولدی تسمى فاطمة من زارها وجبت له الجنة».

(بحار / ۱۰۰ / ۲۶۷)

۱۷- زیارت عبدالعظیم الحسنی

قال الهادی علیه السلام: «لوزرت قبر عبدالعظیم عندکم لکنتم کمن زار الحسین بن علی».

(ثواب الاعمال / ۱۲۴)

۱۸- زیارت قبور صالحین

قال کاظم علیه السلام: «من لم یستطع ان یزور قبورنا فلیزر قبور صلحاء اخواننا».

(بحار / ۷۴ / ۳۱۱)

اشاره

ابوالصلت هروی گوید: در خدمت حضرت رضا علیه السلام بودم گروهی از مردم قم خدمت امام شرفیاب شدند و سلام عرض کردند. حضرت پاسخ سلام دادند و آنان را نزدیک خود خواند و به آنان خوش آمد گفت و فرمود: شما حقاً شیعیان ما هستید روزی بر شما برسد که قبرم را در سرزمین طوس زیارت کنید هر کس با داشتن غسل مرا زیارت کند از گناهان خود بیرون شود همانند روزی که از مادر متولد شده است.

(سفینه البحار / ۲ / ۴۴۷)

۱۳۱- شهادت

۱- کرامت در پرتو شهادت

قال علی علیه السلام: «ان اکرم الموت القتل».

(نهج البلاغه / خطبه ۱۲۳)

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «أشرف الموت قتل الشهادة».

(بحار / ۶۷ / ۸)

۲- شهادت بهترین مرگ

قال علی علیه السلام: «ان أفضل الموت القتل».

(وسائل / ۱۱ / ۸)

۳- شهادت بالاترین نیکی

قال رسول الله ﷺ: «فوق كل ذي برٍّ برٌّ حتى يقتل الرجل في سبيل الله فإذا قتل في سبيل الله فليس فوقه برٌّ».

(كافي / ۲ / ۳۴۸)

۴- درخواست شهادت از خداوند

قال زين العابدين عليه السلام: «حمداً نسعد به في السعداء من اوليائه و نصير به في نظم الشهداء بسيوف اعدائه».

(صحيفة / دعای اول)

۵- عدم رنج برای شهید در قبر

قال رسول الله ﷺ: «لما سئل عن عدم افتنان الشهيد في القبر: كفي ببارقه السيوف على رأسه فتنة».

(كنز العمال / ۱۱۴۷۱؛ وسائل / ۱۱ / ۶)

۶- پاداش شهادت برای دوستان حقیقی

قال زين العابدين عليه السلام: «من مات على موالاتنا في غيبة قائماً اعطاه الله اجر ألف شهيد مثل شهداء بدر و احد».

(بحار / ۸۲ / ۱۷۳)

۷- امتیازات شهید

قال رسول الله ﷺ: «لشهيدي سبع خصال من الله: اول قطرة من دمه مغفور له كل ذنب و الثانية يقع رأسه في حجر زوجته من المحور العين و الثالثة يكسى من كسوة الجنة و الرابعة تبتدره خزنة الجنة بكل ريح طيبه ائيم يأخذه معه و الخامسة ان يرى منزله و السادسه يقال لروحه اسرح في الجنة حيث شئت و السابعة ان ينظر في وجه الله...».

(وسائل / ۱۱ / ۱۰)

۸- شهید مورد آمرزش الهی

قال رسول الله ﷺ: «اول ما يهراق من دم الشهيد يغفر له ذنبه كله الا الدين».

(كنز العمال / ۴ / ۳۹۹)

۹- شهید و شفاعت از دیگران

قال علی علیه السلام: «... و یشفع الرجل منهم سبعین الف من اهل بیته و جیرته...».

(بحار ۹۷/ ۱۲)

۱۰- پاداش شهید فوق تصور و ادراک

قال علی علیه السلام: «... اذا زال الشہید عن فرسه بطعنة او ضربة ... ابشر فان لك ما لا عين رأت و لا اذن سمعت و لا خطر علی قلب بشر».

(بحار ۹۷/ ۱۲)

اشاره

الف- اشتیاق به شهادت؛ حضرت علی علیه السلام فرمود: «والذی نفس علی بیده لالف ضربة بالسيف اھون من موتة واحدة علی الفراش».

(بحار ۹۷/ ۴۰)

ب- پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «والذی نفسی بیده لوددت انی اقتل فی سبیل اللہ ثم احیا ثم اقتل ثم احیا ثم اقتل».

(کنز العمال ۴/ ۱۰۵۶۴)

ج- پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم در باره‌ی شهیدان جنگ احد فرمود: آن‌ها را با همان خون‌هایشان و در لباس‌های خودشان دفن کنید؛ «زملوهم بدمائهم و ثيابهم».

(وسائل ۲/ ۷۰۱)

د- در جنگ احد حضرت علی علیه السلام جراحتهای فراوانی بر بدن او وارد شد و از اینکه یاران پیامبر به شهادت رسیدند و خود به شهادت نرسید، ناراحت گردید. پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم به او فرمود: «ابشر فان الشہادة من ورائک» بشارت باد بر تو را سرانجام شهید خواهی شد. سپس پیامبر فرمود: بگو بدانم در وقت شهادت چگونه صبر خواهی کرد؟

علی علیه السلام فرمود: چنین موردی از موارد صبر نیست بلکه از موارد بشارت و شکر است لیس هذا من مواطن الصبر و لکن من مواطن البشری و الشکر.

(نهج البلاغه خطبه ۱۵۶)

معارف

۳۲-زیبایی

۱- ضرورت زیبایی

قال علی عليه السلام: «ليتزین احدکم لآخیه المسلم اذا اتاه». (بحار / ۷۹ / ۲۹۸)

۲- محبوبیت زیبایی نزد خداوند

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «انّ الله يحبّ اذا خرج عبده المؤمن الى اخيه ان يتهبأ له و ان يتجمّل». (بحار / ۷۹ / ۳۰۷)

۳- زیبایی به هنگام رفتن به مسجد

قال الصادق عليه السلام: «في قوله تعالى: ﴿خذوا زينتكم عند كل مسجد﴾ المشط فان المشط يجلب الرزق و يحسن الشعر و ينجز الحاجة...». (خصال / ۲۶۸)

۴- زیبایی در لباس

قال الصادق عليه السلام: «البس و تجمّل فان الله جميل يحب الجمال و ليكن من حلال». (وسائل / ۳ / ۳۴۰)

۵- زیبایی در مو

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «الشعر الحسن من كسوة الله فاكرموه». (وسائل / ۱ / ۴۳۲)

۶- زیبایی صورت

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «اطلبوا الخير عند حسان الوجوه فانّ فعالمهم احرى ان تكون حسناً». (عيون اخبار الرضا / ۲ / ۷۴)

۷- زیبایی منزل

قال الصادق عليه السلام: «... انّ الله عزّوجلّ اذا انعم على عبد نعمة احبّ ان يرى عليه اثرها قيل وكيف ذلك؟ قال: ينظف ثوبه و يطيب ريحه و يخصّص داره و يکنس افنيتته...». (امالی طوسی / ۲۷۵)

۸- زیبایی در گفتار

قال رسول الله ﷺ: «الجمال صواب القول بالحق و الكمال حسن الفعال بالصدق».
(کنز العمال / ۲۸۷۷۶)

۹- بهترین زیبایی

قال علی رضی الله عنه: «لا جمال احسن من العقل».
(نهج السعادة / ۱ / ۵۱)

۱۰- زیبایی دانشمند

قال علی رضی الله عنه: «جمال العالم عمله بعلمه».
(غرر الحکم / ۴۷۵۳)

۱۱- نمونه‌ای از زیبایی‌های باطنی

قال علی رضی الله عنه: «جمال الرجل حلمه، جمال المؤمن ورعه، جمال العبد الطاعة، جمال العلم نشره، جمال العیش القناعة، جمال الاحسان ترک الامتنان».
(غرر الحکم / ۱ / ۳۷۰)
قال رسول الله ﷺ: «ما زين الله رجلاً بزينة خير من عفاف بطنه».
(تنبيه الخواطر / ۲ / ۲۲۹)

اشاره

امام صادق رضی الله عنه فرمود: روز قیامت که می‌شود زن زیبایی را که بر اثر زیبایی خویش به گناه افتاده باشد حاضر کنند، گوید خداوند مرا زیبا آفریدی از این جهت دچار گناه شدم در آن حال حضرت مریم رضی الله عنها را حاضر کنند و گویند تو زیباتر بودی یا مریم؟ که چنین جمالی داشت و گناه نکرد و همین طور مرد زیبایی را می‌آوردند که به خاطر زیبایی به گناه افتاده به او گویند تو زیباتر بودی یا یوسف که به گناه نیفتاد؟

(کافی / ۸ / ۲۲۸)

١٣٣- عافيت

١- عافيت نعمت پنهان

قال الصادق عليه السلام: «العافية نعمة خفية اذا وجدت نسيت و اذا فقدت ذكرت».

(فقيه ٤/ ٤٠٦)

٢- عافيت نعمت بزرگ

قال على عليه السلام: «يا أيها الناس سلوا الله اليقين و ارجبوا اليه في العافية فانّ اجلّ النعمة العافية».

(محاسن برقي ١/ ٣٨٧)

٣- تقوا عامل عافيت؛ قال الصادق عليه السلام: «من سرّه طول العافية فليتنق الله».

(بحار ٧٢/ ٢٣٢)

٤- عافيت در سكوت

قال على عليه السلام: «العافية عشرة اجزاء تسعة منها في الصمت الا بذكر الله و واحد في ترك مجالسة السفهاء».

(تحف العقول ٨٩)

٥- درخواست عافيت به جاي صبر

قال زين العابدين عليه السلام: «لما ضرب على كتف رجل يطوف بالكعبة و يقول اللهم اني اسألك الصبر: سألت البلاء قل اللهم اني اسألك العافية و الشكر على العافية».

(دعوات راوندی ١١٤)

٦- درخواست عفو به جاي بلا و رنج

قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: «لرجل لما سمع قراءة النبي السورة القارعة في صلوة المغرب دعا ان يعذب بذنوبه في الدنيا فرض بئسما قلت الا قلت ربنا آتنا في الدنيا حسنة و في الاخرة حسنة و قنا عذاب النار فدعا له حتى افاق».

(دعوات راوندی ١١٤)

۷- بهترین دعا طلب عفو و عافیت

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «لما سئل عن الدعاء الافضل تسأل ربك العفو والعافية في الدنيا والآخره».

(درالمنثور / ۱ / ۵۶۰)

اشاره

درخواست عافیت به جای زندان؛ حضرت رضا علیه السلام فرمودند: حضرت یوسف در زندان از خداوند شکایت کرد و گفت: پروردگارا! به چه جهت من مستحق زندان شدم. خداوند به او وحی نمود: زیرا خود اختیار کردی وقتی که گفتمی زندان نزد من محبوبتر است چرا نگفتمی عافیت نزد من از آنچه زنان مرا به سوی آن دعوت می‌کنند بهتر است.

(نور الثقلین / ۲ / ۴۲۴)

۱۳۴- انتظارات بی جا

۱- قطع ارتباط با مردم

قال علی علیه السلام: «قلت اللهم لا تحوجنی الى احد من خلقك فقال رسول الله: يا علی لا تقولن هكذا فلیس من احد الا و هو محتاج الى الناس قال فقلت کیف يا رسول الله قال قل اللهم لا تحوجنی الى شرار خلقك».

(بحار / ۹۳ / ۳۲۵)

۲- آزمایش نشدن در دنیا

قال علی علیه السلام: «و قد سمع رجلاً يقول اللهم انی اعوذ بك من الفتنه اراك تعوذ من مالك و ولدك يقول الله تعالى: ﴿انما اموالکم و اولادکم فتنه﴾ ولكن قل اللهم انی اعوذ بك من مضلات الفتن».

(بحار / ۹۳ / ۶)

۳- راضی بودن همه‌ی مردم از انسان

آن موسی علیه السلام قال: «یا ربّ احبس عقی السنّة بنی آدم فاتّهم یذمّونی» فاحی الله «یا موسی هذا شیء ما فعلته مع نفسی افترید ان اعمله معک؟» فقال: «قد رضیت ان یشکر لی أو یسوء بک».
(سفینة البحار / ۷ / ۵۹۲)

۴- سلامت از زبان مردم

قال علقمه فقلت للصادق علیه السلام یابن رسول الله انّ الناس من ینسبوننا الی عظیم الامور و قد ضاقت بذلك صدورنا فقال: «یا علقمة ان رضا الناس لا یملک و السنّتهم لا تضبط و کیف تسلّمون مما لم یسلم منه انبیاء الله... الم ینسبوا جمیع انبیاء الله الی انهم سحرة طلبه الدنیا... الم ینسبوا نبینا محمداً الی انه شاعر مجنون...».

(سفینة البحار / ۷ / ۵۹۱)

۵- استجاب دعا با عدم رعایت شرایط آن

قال الصادق علیه السلام: «اربع لا یستجاب لهم دعا: رجل جالس فی بیته یقول یا رب ارزقنی فیقول له الم آمرک بالطلب و رجل کانت له امرأة فدعا علیها فیقول الم اجعل امرها بیدک و رجل کان له مال فافسده فیقول یا رب ارزقنی فیقول الم آمرک بالاقتصاد... و رجل کان له مال فادانه بغير بینة فیقول الم آمرک بالشهادة».
(دعوات راوندی / ۳۳)

اشاره

شخصی به حضور امام صادق علیه السلام رسید و گفت: از دنیا خسته شده‌ام و از خداوند طلب مرگ نمودم. حضرت فرمودند: از خداوند آرزوی زندگی کن بر این اساس که او را اطاعت کنی نه آن که گناه کنی؛ اگر در دنیا زنده بمانی و اطاعت خدا کنی برای تو بهتر است از آن که بمیری نه آن که گناه کنی و نه اطاعت کنی.
(بحار / ۶ / ۱۲۸)

۱۳۵- عبرت

- ۱- عبرت گرفتن نشانه‌ی خردمندی
قال علی علیه السلام: «افضل العقل الاعتبار...».
(غررالحکم / ۳۲۷۳)
- ۲- لزوم عبرت گرفتن از گذشتگان
قال علی علیه السلام: «و اعتبروا بما قد رأیتم من مصارع القرون قبلکم قد تزايلت اوصالهم و زالت ابصارهم و اسماعهم و ذهب شرفهم و عزهم و انقطع سرورهم و نعيمهم».
(نهج البلاغه / خطبه ۱۶۱)
- ۳- عبرت گرفتن از ابلیس
قال علی علیه السلام: «فاعتبروا بما کان من فعل الله با بلیس اذا حبط عمله الطویل».
(نهج البلاغه / خطبه ۱۹۲)
- ۴- عبرت از عمالقه و فراعنه
قال علی علیه السلام: «و انّ لکم فی القرون السالفه لعة این العمالقه و ابناء العمالقه این الفراعنة و ابناء الفراعنة».
(نهج البلاغه / خطبه ۱۸۲) عمالقه افرادی قوی هیکل از نواده‌های حضرت نوح بودند.
- ۵- عبرت از قدرتمندان
قال علی علیه السلام: «أین الذین عسکروا العساکر و مدنوا المدائن».
(غررالحکم / ۲۷۹۶)
- ۶- عبرت از جباران دنیا
قال علی علیه السلام: «أین الجبابرة و ابناء الجبابرة».
(غررالحکم / ۲۷۹۴)
- ۷- اندک بودن اعتبار
قال علی علیه السلام: «ما أكثر العبر و اقل الاعتبار».
(نهج البلاغه / حکمت ۲۹۷)

۸- آثار و برکات عبرت

«الاعتبار يقود الى الرشده» (غررالحکم / ۱۱۲۱) «من کثر اعتباره قلّ عثاره».

(غررالحکم / ۸۰۵۶)

۹- همراه بودن با گذشتگان

قال علی عليه السلام في وصيته لابنه الحسن: «يا بني اني و ان لم اكن عمّرت عمر من كان قبلي فقد نظرت في أعمالهم و فكّرت في اخبارهم و سرت في آثارهم حتّى عدت كاحدهم...».

(نهج البلاغه / نامه ۳۱)

۱۰- عبرت از اقبال و ادبار دنیا

قال علی عليه السلام: «ما قال الناس لشيء طوبى له الاّ و قد خبياً له الدهر يوم سوء».

(نهج البلاغه / حکمت ۲۸۶)

اشاره

در روایت است که پشه‌ای وارد بینی نمرود گشت و تا چهل روز او را آزار می‌داد و عزیزترین فرد نزد نمرود انسانی بود که بر سر او بزند تا آرام گیرد آنقدر به سر او زدند تا اینکه به هلاکت رسید.

(سفینه البحار / ۱ / ۳۳۴)

۱۳۶- نگاه

برخی از نگاه‌ها در اسلام عبادت محسوب می‌شود و بعضی از نگاه‌ها ممنوع و حرام است:

نگاه عبادت

۱- نگاه به صورت حضرت علی عليه السلام ۲- نگاه به صورت والدین ۳- نگاه به قرآن کریم ۴- نگاه به کعبه؛ قال النبی صلى الله عليه وآله: «النظر الى علی ابن ابی طالب عبادة و النظر الى الوالدين عبادة و النظر الى المصحف عبادة و النظر الى الكعبة عبادة».

(بحار / ۸۹ / ۱۹۹)

۵- عالم ۶- امام عادل ۷- برادر دینی؛ قال النبی صلی الله علیه و آله: «النظر الى العالم عبادة و النظر الى الامام المقسط عبادة ... و النظر الى الاخ عبادة».

(بحار / ۷۱ / ۷۳)

۸- حجر الاسود ۹- دریا ۱۰- به کسی که سطح زندگی او از ما کمتر است؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «النظر ... الى الحجر عبادة ... و الى البحر عبادة».

(بحار / ۱۰ / ۳۶۸)

قال علی علیه السلام: «و اكثر ان تنظر الى من فضلت عليه فان ذلك من ابواب الشکر».

(نهج البلاغه / نامه ۹)

نگاه ممنوع

۱- نگاه به نامحرم؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «النظر سهم من سهام ابليس».

(فقيه / ۴ / ۱۸)

قال الصادق علیه السلام: «اول النظر لك والثانية عليك و الثالثة فيها الهلاك».

(سفينة البحار / ۲ / ۵۹۵)

۲- نگاه به نامه‌ی مردم؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من نظر في كتاب اخيه بغير اذنه فكأنما

(مستدرک / ۱۰ / ۸۷)

ينظر في النار».

۳- نگاه به عیب مردم؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «لا تنظروا في عيوب الناس كالارباب و

(بحار / ۷۵ / ۲۸۴)

انظروا في عيوبكم كالعبید».

۴- نگاه به ثروت مردم؛ «و لا تمدنّ عينيك الى ما متعنا به ازواجاً منهم زهرة الحیوة

الدنيا» (طه / ۱۳۱)

اشاره

شخصی به نام حجر مذری گوید سالی به حج رفتم، در آن سال جمعی از مهاجران و انصار و علی علیه السلام نیز در مکه بودند، ابوذر را نیز دیدم که در مراسم حج شرکت کرده روزی با ابوذر در مسجد الحرام نشستیم در این میان حضرت علی علیه السلام آمد و از جلوی ما عبور کرد، دیدم ابوذر به آن حضرت نگاه کرد و به نگاه خود ادامه داد به او گفتم خدا تو را رحمت کند چه زمانی چشمت را از تماشای حضرت علی علیه السلام برمی داری؟ گفت: این که نگاه می‌کنم به دلیل آن است که از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «النظر الى علی بن ابی طالب عبادة

(امالی طوسی / ۲ / ۲۷۰)

«...»

۱۳۷- علم و دانش

- ۱- ارزش علم
قال رسول الله ﷺ: «سارعوا في طلب العلم فالحديث من صادق خير من الدنيا و ما عليها من ذهب و فضة».
(كنز العمال / ۱۰ / ۱۵۴)
- ۲- طلب علم و جهاد در راه خدا
قال على عليه السلام: «الشاخص في طلب العلم كالمجاهد في سبيل الله».
(بحار / ۱ / ۱۷۹)
- ۳- برتری علم بر عبادت
قال رسول الله ﷺ: «فضل العلم احبّ الى من فضل العبادة».
(بصائر الدجات / ۳ / ۷)
- ۴- زندگی در پرتو علم
قال على عليه السلام: «اكتسبوا العلم يكسبكم الحياة».
(غرر الحكم / ۲۴۸۶)
- ۵- زکات علم
قال الصادق عليه السلام: «ان لكل شىء زكاة و زكاة العلم ان يعلمه اهله».
(تحف العقول / ۳۶۴)
- ۶- فراگیری علوم مهم
قال على عليه السلام: «العلم أكثر من ان يحاط به فخذوا من كل علم احسنه».
(غرر الحكم / ۱۸۱۹)
- ۷- عبادت خداوند در پرتو علم
قال على عليه السلام: «... بالعلم يطاع الله و يعبد بالعلم يعرف الله و يوحد بالعلم توصل الالرحام و به يعرف الحلال و الحرام».
(امالی صدوق / ۴۹۲)
- ۸- پاداش آموزش علم برای خدا
قال رسول الله ﷺ: «من تعلّم العلم لله و عمل لله و علّم لله دُعِيَ في ملكوت السموات عظيماً».
(امالی طوسی / ۱۶۷)

- ۹- برتری علم بر ثروت
قال علی علیه السلام: «یا کمیل! العلم خیر من المال العلم یحرسک و انت تحرس المال و المال تنقصه النفقہ و العلم یزکوا علی الانفاق».
(نهج البلاغه / حکمت ۱۴۷)
- ۱۰- تحصیل علم راه سعادت
قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من سلك طريقاً يطلب فيه علماً سلك الله به طريقاً الى الجنة».
(امالی صدوق / ۵۸)
- ۱۱- استغفار موجودات برای طالب علم
قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «ان طالب العلم یستغفر له کل شیء حتی الحیتان البحر و هوأم الارض و سیاع البر و انعامه».
(امالی مفید / ۲۹)
- ۱۲- عدم خستگی از طلب علم
قال علی علیه السلام: «علی المتعلم ان یدأب نفسه فی طلب العلم و لا یملّ من تعلّمه و لا یتکثر ما علم».
(غرر الحکم / ۶۱۹۷)
- ۱۳- احترام به استاد
قال زین العابدین علیه السلام: «حق سائسک بالعلم التعظیم له و التوقیر لمجلسه و حسن الاستماع الیه و الاقبال علیه و ان لا ترفع علیه صوتک...».
(خصال / ۵۶۷)
- ۱۴- خدمت به استاد
قال علی علیه السلام: «اذا رأیت عالماً فکن له خادماً».
(غرر الحکم / ۴۰۴۴)
- ۱۵- عمل به علم
قال علی علیه السلام: «علی العالم ان یعمل بما علم ثم یطلب علم ما لم یعلم».
(غرر الحکم / ۶۱۹۶)
- ۱۶- فضیلت علم بر عمل
سئل رجل عن رسول الله صلی الله علیه و آله عن أفضل الاعمال فقال صلی الله علیه و آله: «العلم بالله و الفقه فی دینه و کررها علیه» فقال یا رسول الله! أسألك عن العمل فتخبرنی عن العلم، فقال صلی الله علیه و آله: «ان العلم ینفعک معه قلیل العمل و ان الجهل لا ینفعک معه کثیر العمل».
(تنبيه الخواطر / ۱ / ۸۲)

۱۷ - امتیاز علم

در مزیت و فضیلت کسب علم همین بس که از چهار جهت رفع محدودیت شده و همه‌ی انسان‌ها دعوت به تحصیل علم شده‌اند:
الف - طایفه و نژاد؛ قال رسول الله ﷺ: «طلب العلم فريضة على كل مسلم».

(کافی ۱/ ۳۵)

ب - مکان؛ قال رسول الله ﷺ: «اطلبوا العلم ولو بالصين».
ج - زمان؛ قال الصادق عليه السلام: «طلب العلم فريضة على كل حال».
د - معلّم؛ قال علي عليه السلام: «الحكمة ضالة كل مؤمن فخذوها و لو من افواه المنافقين».

(بحار ۱/ ۱۸۰)

(بحار ۱/ ۱۷۲)

(تصنيف غرر الحكم / ۵۸)

۱۸ - مغرور شدن به علم

قال علي عليه السلام: «من ادعى من العلم غايته فقد اظهر من جهله نهايته». (غرر الحكم ۲/ ۷۲۰)
قال رسول الله ﷺ: «من قال انا عالم فهو جاهل».

(منية المرید ۱۳۷)

۱۹ - خطر علم بدون عمل

قال علي عليه السلام: «من تعلّم العلم و لم يعمل به بما فيه حشره الله يوم القيامة اعمى».

(مكارم الاخلاق / ۳۴۸)

۲۰ - خطر عمل بدون علم

قال رسول الله ﷺ: «من عمل على غير علم كان ما يفسد اكثر مما يصلح».

(محاسن برقی ۱/ ۳۱۴)

۲۱ - علت روی نیاوردن مردم به تحصیل علم

قال علي عليه السلام: «انما زهد الناس في طلب العلم كثرة ما يرون من قلة من عمل بما علم».

(غرر الحكم / ۳۸۹۵)

۲۲ - علم و قرب به سوی خداوند

قال رسول الله ﷺ: «إذا اتى على يوم لا ازداد فيه علماً يقربني الى الله تعالى فلا بورك لي في طلوع الشمس ذلك اليوم».

(كنز العمال / ۲۸۶۸۷)

اشاره

الف - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شب معراج گروهی را مشاهده کرد که لب‌های آنان را با مقراضی از آتش قطع می‌کنند به جبرئیل فرمود: اینان کیستند؟ جبرئیل گفت: اینها خطیبان امت تو هستند که مردم را امر به نیکی می‌کردند و خود را فراموش کردند.

(نوالثقلین / ۱ / ۷۵)

ب - حضرت علی رضی الله عنه در باره‌ی علمایی که به علم خود عمل نمی‌کنند می‌فرماید: «و قد تسمیٰ عالماً و لیس به ... فالصورة صورة انسان و القلب قلب حیوان ... ذلك میت الاحیاء».

(نهج البلاغه / خطبه ۸۷)

شخصی از انصار نزد پیامبر آمد و پرسید اگر در یک زمان تشییع جنازه و مجلس علم با هم باشد در کدام یک بهتر است شرکت کنم؟ فرمود: اگر برای تشییع جنازه‌ای افرادی باشند که عهده‌دار شوند حضور یافتن در مجلس علم از هزار تشییع جنازه و عبادت هزار مریض و از نماز هزار شب و روزه هزار روز و از هزار صدقه و از هزار حج مستحب و هزار جهاد مستحب برتر است.

(بحار / ۱ / ۲۰۴)

۱۳۸- عالم

۱- منزلت عالم

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «فضل العالم علی غیره کفضل النبی علی امتّه». (کنز العمال / ۲۸۷۹۸)
قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «العلم و دبیعة الله فی ارضه و العلماء امانؤه علیه فن عمل بعلمه ادئی امانته و من لم یعمل بعلمه کتب فی دیوان الخائنین».

(الدررة الباهرة / ۲۴)

۲- نشانه‌های عالم

قال لقمان لابنه و هو یعضه: «... للعالم ثلاث علامات: العلم بالله و بما یحبّ و بما یکره».

(خصال / ۱۲۱)

- ۳- نگاه به سیمای عالم قال رسول الله ﷺ: «النظر الى وجه العالم عبادة» (بحار ۱/ ۱۹۵)
- ۴- فضیلت عالم بر عابد
قال رسول الله ﷺ: «ركعتان يصلحهما العالم أفضل من ألف ركعة يصلحها العابد».
(فقيه ۴/ ۳۶۷)
- ۵- تکریم از عالم قال علی علیه السلام: «من وقرّ عالماً فقد وقرّ ربه».
(غرر الحکم ۴/ ۸۷۰)
- ۶- حراست عالم از دین
قال الصادق علیه السلام: «علماء شيعتنا مرابطون بالثغر الذي يلي ابليس و عفاريتة يمنعونهم عن الخروج على ضعفاء شيعتنا و عن ان يتسلط عليهم ابليس و شيعته» (احتجاج ۱/ ۱۳)
- ۷- خطر لغزش عالم
قال علی علیه السلام: «زلّة العالم كانكسار السفينة تغرق و تغرق».
(بحار ۲/ ۵۸)
- ۸- عالم ترین فرد
قال رسول الله ﷺ: «اعلم الناس من جمع علم الناس الى علمه».
(امالی صدوق ۲۷)
- ۹- تواضع عالم برای شاگرد
قال علی علیه السلام: «تواضعوا لمن تعلمونه العلم و تواضعوا لمن طلبتم منه العلم».
(امالی صدوق ۲۹۴)
- ۱۰- وظایف عالم
قال علی علیه السلام: «من نصب نفسه للناس اماماً فعليه ان يبدأ بتعليم نفسه قبل تعليم غيره و ليكن تأديبه بسيرته قبل تأديبه بلسانه و معلّم نفسه و مؤدّبها احقّ بالاجلال من معلّم الناس و مؤدّبهم».
(بحار ۲/ ۵۶)
- ۱۱- فضیلت علما بر شهدا
قال رسول الله ﷺ: «يوزن يوم القيامة مداد العلماء و دم الشهداء فيرجح عليهم مداد العلماء على دم الشهداء».
(كنز العمال ۲۸۷۱۵)

۱۲ - محبوبیت علما در دلها

قال علی علیه السلام: «العلماء باقون ما بقى الدهر اعيانهم مفقوده و امثالهم فى القلوب موجودة».

۱۳ - علما بهترین افراد (خصال / ۱۸۶)

سئل عن علی علیه السلام عن خير الخلق بعد الائمة فقال علیه السلام: «العلماء اذا صلحوا». قيل فن شرار خلق الله بعد ابليس و فرعون و نمروذ و بعد المتسمين بأسمائكم قال: «العلماء اذا فسدوا هم المظهرون للباطيل الكاتون للحقايق».

(احتجاج / ۲ / ۵۱۳)

اشاره

قاسم بن محمد بن ابی بکر یکی از فقها و دانشمندان مدینه بود که اتفاق بر دانش او داشتند. شخصی از او سؤالی کرد گفت: نمی دانم. آن شخص گفت: من به سوی تو آمدم و کسی غیر تو رانمی شناسم. قاسم گفت: نگاه به طول محاسن من و جمعیت فراوانی که اطراف من هستند نکن سوگند به خدا اگر زبانم را قطع کنند بهتر از آن است که بدون علم سخن بگویم؛ فقال السائل انى جئت اليك لا اعرف غيرك؟ فقال القاسم لا تنظر الى طول لحيتي و كثرة الناس حولى و الله ما أحسنه ... و الله لئن يقطع لساني احبّ الى ان اتكلّم بما لا علم لى به.

(بحار / ۲ / ۱۲۳)

۱۳۹- تفقه در دین

۱- اهمیت تفقه در دین

قال الكاظم عليه السلام: «تفقهوا في دين الله فان الفقه مفتاح البصيرة و تمام العبادة و السبب الى المنازل الرفيعة...».

(بحار / ۷۸ / ۳۲۱)

۲- تفقه در قرآن کریم

قال علي عليه السلام: «تعلّموا القرآن فانه أحسن الحديث و تفقهوا فيه فانه ربيع القلوب».

(نهج البلاغه / خطبه ۱۱۰)

۳- تفقه در دین

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «اف لكلّ مسلم لا يجعل في كل جمعة يوماً يتفقه في امر دينه و يسأل عن دينه».

(بحار / ۱ / ۱۷۶)

۴- بهترین فقه

قال علي عليه السلام: «ان أفضل الفقه الورع في دين الله و العمل بطاعته فعليك بتقوى الله في سرّ امرك و علانيته».

(شرح نهج البلاغه / ۶ / ۷۱)

۵- فقيه حقیقی

قال علي عليه السلام: «الا اخبركم بالفقيه حقّ الفقيه؟ من لم يرخص الناس في معاصي الله و لم يقتطهم من رحمة الله و لم يؤمّمهم من مكر الله و لم يدع القرآن رغبة عنه الى ما سواه».

(تحف العقول / ۲۰۴)

۶- عظمت فقیه

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «فقيه واحد اشدّ على ابليس من الف عابد».

(بحار / ۱ / ۱۷۷)

۷- ارتحال فقیه

قال علی علیه السلام: «إذا مات المؤمن الفقیه تلم في الاسلام تلمة لا یسدّها شیء» کافی ۱/ ۳۸

۸- فقها امنای پیامبران

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «الفقهاء أمناء الرسل ما لم یدخلوا فی الدنیا قیل یا رسول الله ما دخولهم فی الدنیا؟ قال: اتباع السلطان فاذا فعلوا ذلك فاحذروهم علی ادیانکم»

(بحار ۲/ ۳۶)

اشاره

فقاہت در زمان کوتاہ

شخصی خدمت پیامبر اکرم رسید و عرض کرد قرآن کریم را به من بیاموزید. هنگامی که سوره مبارکه زلزال بر او تلاوت شد و به آیات ﴿فمن یعمل مثقال ذرة خیراً یره...﴾ رسید عرض کرد: همین مقدار مرا کفایت می کند و از خدمت پیامبر مرخص شد. پیامبر اکرم فرمودند: این شخص فقیه برگشت.

(بحار ۹۲/ ۱۰۷)

۱۴۰- عمل

۱- ضرورت عمل

قال علی علیه السلام: «لا تکن ممن یرجوا الاخرة بغير العمل و یرجوا التوبة بطول الامل یحب الصالحین و لا یعمل عملهم».

(نهج البلاغه / حکمت ۱۵۰)

۲- مداومت در عمل

قال الصادق علیه السلام: «العمل الدائم القلیل علی الیقین افضل عند الله من العمل الكثير علی غیر یقین».

(بحار ۷۱/ ۲۱۴)

۳- بهترین عمل

قال النبي ﷺ: «أفضل الاعمال احمها» (بخار / ۷۰ / ۱۹۱) و «أحبّ الاعمال الى الله حفظ اللسان».

(نهج الفصاحة / ۱۴)

۴- اخلاص در عمل

قال علي عليه السلام: «عليك بالاخلاص فانه سبب قبول الاعمال و شرف الطاعة»

(غرر / ۲ / ۴۷۹)

۵- تلاش در عمل

قال رسول الله ﷺ: «اجتهدوا في العمل فان قصر بكم ضعف فكفوا عن المعاصي».

(اعلام الدين / ۱۵۳)

۶- ابقا در عمل

قال الباقر عليه السلام: «الابقاء على العمل اشد من العمل».

(سفينة البحار / ۲ / ۲۷۹)

۷- اخفا در عمل

قال الرضا عليه السلام: «المستتر بالحسنة تعدل سبعين حسنة».

(بخار / ۴۷ / ۲۵۱)

۸- دعوت به عمل

قال الصادق عليه السلام: «كونوا دعاء للناس بغير ألسنتكم و لا تكونوا دعاء بالسنتكم».

(سفينة البحار / ۲ / ۲۷۸)

۹- كيفيت عمل

قال الصادق عليه السلام: «في قوله تعالى ﴿ليبلوكم أيكم أحسن عملاً﴾ ليس يعني اكثرهم عملاً و لكن اصوبكم عملاً و انما الاصابة خشية الله و النية الصادقة».

(الميزان / ۲۰ / ۱۱)

۱۰- بهره‌وری از عمل بعد از مرگ

قال رسول الله ﷺ: «اذا مات الانسان انقطع عمله الا من ثلاث الا من صدقة جارية او علم ينتفع به او ولد صالح يدعوا له».

(كنز العمال / ۴۳۶۵۵)

- ۱۱ - پرهیز از اعمال زیان آور
قال علی علیه السلام: «ایاک و کل عمل ینفر عنک حرّاً او یدلّ لک قدرّاً او یجلب علیک شرّاً
او تحمل به الی القیامة و زراً». (غرر الحکم / ۲۷۲۷)
- ۱۲ - عدم اعتماد به عمل جز به فضل خدا
قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «اعلموا انه لن ینجوا احد منکم بعمله و لا انا الا ان یتغمدنی
الله برحمة منه و فضل». (کنز العمال / ۵۳۱۴)
- ۱۳ - شدت نیاز به عمل در قیامت
قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «لو کان لرجل عمل سبعین نبیاً لاستقلّ عمله من شدّة ما یری
یومئذٍ یعنی یوم القیامة». (بحار / ۷۷ / ۸۲)
- ۱۴ - کوتاهی در انجام عمل
قال علی علیه السلام: «من قصّر فی العمل ابتلی باهم». (نهج البلاغه / حکمت ۱۲۷)
- ۱۵ - عرضه شدن عمل
لما سئل الصادق علیه السلام عن قوله تعالی «و قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و
المؤمنون» ایتانا عنی. (بحار / ۲۳ / ۳۳۷)
- ۱۶ - تجسم عمل در قیامت
قال علی علیه السلام: «اعمال العباد فی عاجلهم نصب اعینهم فی اجالهم». (نهج البلاغه / حکمت ۷)

اشاره

الف - اتقان در عمل

پیامبر اکرم وقتی سعد بن معاذ را دفن کرد قبر او را بسیار محکم نمود بعد فرمود:
من می دانم به همین زودی قبر او از بین می رود و لکن خداوند دوست دارد هنگامی
که انسان کاری را انجام می دهد کار را درست انجام دهد و محکم کاری نماید. «انّی

لاعلم انه سببى و يصل اليه البلاء ولكن الله يجب عبداً اذا عمل عملاً أحكمه».

(وسائل / ۲ / ۸۸۴)

ب - برترى يك عمل برهمه ي اعمال

در روز خندق هنگامى كه حضرت على عليه السلام عمرو بن عبدود را به قتل رسانيد
پيامبر اكرم صلى الله عليه وآله به آن حضرت فرمود: «لو وزن اليوم عملك بعمل جميع امة محمد لرجح
عملك».

(بحار / ۲۰ / ۲۱۶)

۱۴۱- حدیث

۱- ارزش حدیث

قال الباقر عليه السلام: «الحديث واحد تأخذه عن صادق خير لك من الدنيا وما فيها».

(امالى مفيد / ۴۲)

۲- ارزش راوى حدیث

قال الصادق عليه السلام: «الراوية للحديث المتفق في الدين أفضل من ألف عابد لا فقه ولا
رواية».

(بحار / ۲ / ۸)

۳- پاداش حفظ حدیث

قال الصادق عليه السلام: «من حفظ عنّا أربعين حديثاً من احاديثنا في الحلال و الحرام بعثه
الله يوم القيامة فقيهاً عالماً و لم يعذب»^(۱).

(خصال / ۵۴۲)

۴- ارزش فهم حدیث

قال الصادق عليه السلام: «حديث تدريه خير من ألف حديث ترويه».

(معانى الاخبار / ۳)

۱. محدث قمى عليه السلام: والحق ان للحفظ مراتب حفظ لفظها سواء كان فى خاطر او فى الدفاتر حفظ معانيها و التفكير فى
دقائقها و استنباط الحكم منها حفظها بالعمل بها و الاعتناء بشأنها. سفينه / ۲ / ۲۷۷

۵- ضرورت تعقل در حدیث

قال علی علیه السلام: «اعقلوا الخبر اذا سمعتموه عقل رعاية لا عقل رواية فان رواية العلم كثير و رعاته قليل».

(نهج البلاغه / حکمت ۹۸)

۶- معیار صحت حدیث

قال الصادق علیه السلام: «ما لم يوافق من الحديث القرآن فهو زخرف».

(کافی ۱/ ۴۹)

۷- دشوار بودن تحمل برخی از احادیث

قال الصادق علیه السلام: «ان حديثنا صعب مستصعب لا يحتمله الا ملك مقرب او نبي مرسل او عبد امتحن الله قلبه للايمان...».

(معانی الاخبار / ۱۸۹)

۸- نقل به معنا در حدیث

عن محمد بن مسلم قال قلت لابي عبد الله اسمع الحديث منك فزيد و انقص قال: «ان كنت تريد معانيه فلا بأس».^(۱)

۹- بیان حدیث و زنده نمودن قلبها

قال الصادق علیه السلام: «تلاقوا و تحادثوا العلم فانه بالحديث تجلى القلوب الرائسنة و بالحديث احياء امرنا فرحم الله من احيى امرنا».

(بحار ۱/ ۲۰۲)

قال الباقر علیه السلام: «ان حديثنا يحيى القلوب و قال منفعته في الدين اشد على الشيطان من عبادة سبعين الف عابد».

(بحار ۲/ ۱۵۱)

۱۰- لزوم انگیزه‌ی الهی در نقل حدیث

قال الصادق علیه السلام: «من اراد الحديث لمنفعة الدنيا لم يكن له في الآخرة نصيب و من اراد به خير الآخرة اعطاه الله خير الدنيا و الآخرة».

(کافی ۱/ ۸۱)

۱- در مورد نقل حدیث به معنا، محدث قمی گوید: لأن الصحابه و اصحاب الائمة لم يكونوا يكتبون الاحاديث عند سماعها و يبعد بل يستحيل عادة حفظهم جميع الالفاظ على ما هي عليه و قد سمعوا مرة واحدة خصوصاً في الاحاديث الطويلة تطاول الازمنة و لهذا كثيراً ما يروى عنهم المعنى الواحد بالفاظ مختلفة و لم ينكر ذلك عليهم و لا يبقى لمن تتبع الاخبار في هذا شبهة.

(سفينة البحار / ۲/ ۱۱۱)

۱۱- بیان حدیث به اندازه ظرفیت فکری

قال رسول الله ﷺ: «لا تحذثوا لامتی من احادیثی الا بما تحمله عقولهم.»

(کلیعالم / ۱۰ / ۲۴۲)

اشاره

جابر بن یزید جعفی گوید: از امام باقر علیه السلام ۹۰ هزار حدیث شنیدم که برای کسی بازگو نکردم و در آینده هم بیان نخواهم کرد. «حدثنی ابو جعفر تسعین الف حدیث لم احذث بها احداً قطّ و لا احذث بها احداً» به امام باقر علیه السلام عرض کردم بار سنگینی روی دوش من قرار دادید که طاقت آن را ندارم حضرت فرمود: به بیابان برو و گودالی را حفر کن و سر خود را در میان آن قرار بده و بگو حدثنی محمد بن علی بكذا و کذا.

۱۴۲- شیطان

۱- ضرورت دشمنی با شیطان

قال رسول الله ﷺ لابن مسعود و هو يعظه: «يا بن مسعود اتَّخَذَ الشَّيْطَانُ عَدُوًّا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: ﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوًّا فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا﴾». (مکارم الاخلاق / ۲ / ۳۵۴)

۲- شیطان امام متعصبین

قال علی علیه السلام: «... فافتخر علی آدم بخلقه و تعصّب علیه لاصله فعدوّ الله امام المتعصّبين و سلف المستکبرين الذی وضع اساس العصبية». (نهج البلاغه / خطبه ۱۹۲)

۳- هواپرستی مایه تسلط شیطان

قال علی علیه السلام: «أما بدء وقوع الفتن اهواء تتبع... فهنا لك يستولى الشيطان على اوليائه». (نهج البلاغه / خطبه ۵۰)

۴- عوامل صیانت از شیطان

قال الصادق عليه السلام: «قال ابليس خمسة (اشياء) ليس لي فيهن حيله و سائر الناس في قبضتي من اعتصم بالله عن نية صادقة و اتكلّ عليه في جميع اموره و من كثر تسبيحه في ليله و نهاره و من رضى لاخيه المؤمن بما يرضاه لنفسه و من لم يجزع على المصيبة حين تصيبه و من رضى بما قسم الله له و لم يهتم لرزقه». (خصال ۱/ ۲۸۵)

۵- مجالست با هواپرستان عامل حضور شیطان

قال على عليه السلام: «مجالسة اهل الهوى منسأة للايمان و محضرة للشيطان». (نهج البلاغه / خطبه ۸۶)

۶- لشکر شیطان

قال الصادق عليه السلام: «ليس لابليس جند اشدّ من النساء و الغضب». (تحف العقول / ۳۶۳)

۷- تویخ از پیروان شیطان

قال على عليه السلام: «في ذم اتباع الشيطان اتخذوا الشيطان لامرهم ملاكاً و اتخذهم له اشراكاً فباض و فرّخ في صدورهم ... فنظر باعينهم و نطق بالسنتهم ...».

(نهج البلاغه / خطبه ۷)

۸- وسوسه شیطان در خواب و بیداری

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «انّ الشيطان لا يزال يراقب العبد و يوسوس في نومه و يقظته».

(سفينة البحار / ۱ / ۶۹۸)

۹- شرکت با شیطان

قال الصادق عليه السلام: «من لم يبال ما قال و ما قيل له فهو شرك شيطان و من لم يبال ان يراه الناس مسيئاً فهو شرك شيطان و من اغتاب اخاه المؤمن فهو شرك شيطان ...».

(من لا يحضره الفقيه / ۴ / ۴۱۷)

۱۰- شیطان مانع احسان و صلّه رحم

قال الصادق عليه السلام: «اذا همّ احدكم بخير او صلة فان يمينه و شماله شيطانين فليبادر لا يكفاه عن ذلك».

(بحار / ۶۸ / ۲۲۴)

اشاره

الف - امام باقر علیه السلام فرمودند: جمعی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: یا رسول الله! ما از صفت نفاق می ترسیم زیرا هنگامی که در محضر شما هستیم شما ما را موعظه می کنید نسبت به دنیا بی رغبت می شویم گویا بهشت و آخرت را می بینیم وقتی به منزل خود بر می گردیم، حال ما عوض می شود به گونه ای که در حضور شما نبوده ایم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هرگز این تغییر حالت نشانه ی نفاق نیست، بلکه از وسوسه های شیطان است به خدا سوگند اگر شما همان حالت را نگه می داشتید به مقامی می رسیدید که با ملائکه مصافحه می کردید؛ «کَلَّا ان هذِهِ مِنْ خَطَاوَاتِ الشَّيْطَانِ فَيَرْغَبُكُمْ فِي الدُّنْيَا وَاللَّهِ لَوْ تَدُمُونَ عَلَى الْحَالَةِ الَّتِي وَصَفْتُمْ أَنْفُسَكُمْ لَصَافِحْتُمْ الْمَلَائِكَةَ وَ مَشْتَمُونَ عَلَى الْمَاءِ». (کافی ۲/ ۳۱۰)

ب - هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از دنیا رفت، شیطان گفت: پیامبر پاکیزه است و نیازی به غسل ندارد. حضرت علی علیه السلام فرمود: دور شو ای دشمن خدا به درستی که پیامبر مرا فرمان به غسل و کفن و دفن داده است؛ اِنَّ نَبِيَكُمْ طَاهِرٌ مَطْهَرٌ فَادْفِنُوهُ وَ لَا تَغْسِلُوهُ. قَالَ عَلِيٌّ علیه السلام: «اِحْسَابًا عَدُوَّ اللَّهِ فَانَّهُ اَمْرُنِي بِغَسْلِهِ وَ كَفْنِهِ وَ دَفْنِهِ». (سفينة البحار ۱/ ۳۷۷)

۱۴۳-لباس

۱ - جنس لباس از پنبه

قال علي علیه السلام: «البسوا ثياب القطن فانّه لباس رسول الله صلی الله علیه و آله و هو لباسنا».

(وسائل ۲/ ۳۵۷)

۲- لباس نو؛ قال الصادق علیه السلام: «لا جدید لمن لا خلق له»

(دعائم الاسلام ۲/ ۱۵۸)

۳ - محبوب بودن لباس سفید

قال الصادق علیه السلام: «انّ علیّاً کان لا یلبس الاّ البیاض اکثر ما یلبس و یقول فیہ تکفین

(وسائل ۲/ ۳۵۶)

الموتی».

۴- عدم شرم از لباس وصله دار
و عن علی علیه السلام: «انه لبس ثوباً مرقعاً فقیل له فی ذلك فقال لباس الدّون یخشع له القلب».
(دعائم الاسلام / ۲ / ۱۵۹)

۵- لباس رنگین در منزل؛ قال الباقر علیه السلام: «کتنا نلبس المعصر فی البیت».
(وسائل / ۲ / ۳۵۸)

۶- لزوم نظافت در لباس
قال الصادق علیه السلام: «نقاء الثوب یکبت العدو و غسل الثیاب یدهب الهمّ و الحزن».
(مستدرک / ۱ / ۲۰۷)

۷- لباس زیبا برای نماز
عن الحسن بن علی علیه السلام انه کان اذا قام الی الصلوة لبس اجود ثیابه فقیل له یابن رسول الله! لم تلبس اجود ثیابک؟ فقال علیه السلام: «ان الله جمیل یحب الجمال فاتجمل لربّی».
(وسائل / ۲ / ۳۳۱)

۸- تنوع در لباس
عن جعفر بن محمد علیه السلام ان رجلاً سأله فقال یابن رسول الله! هل یعدّ من السرف ان یتخذ الرجل ثیاباً کثیرة یتجمل بها و یصون بعضها من بعض؟ فقال علیه السلام: «لا لیس هذا من السرف ان الله عزّ و جلّ یقول: «لینفق ذو سعة من سعته»».
(جامع احادیث الشیعه / ۱۶ / ۷۰۶)

۹- پوشیدن لباس خشن و نرم
کان لباس ابی محمد العسکری بیاض ناعمة فحسر ذراعیه. فاذا مسح اسود خشن علی جلدہ. فقال: «هذا لله و هذا لکم».
(سفینة البحار / ۷ / ۵۶۶)

۱۰- دعا به هنگام پوشیدن لباس نو
اذا لبست ثوباً جدیداً فقل: «الحمد لله الذی کسانی من اللباس ما اتجمل به فی الناس اللهم اجعلها ثیاب بركة اسعی فیها لمرضاتک و اعمر فیها مساجدک».
(جامع احادیث الشیعه / ۱۶ / ۷۴۱)

۱۱ - ممنوع بودن پوشیدن برخی از لباس‌ها

الف - لباس نازک و بدن‌نما؛ قال الصادق عليه السلام: «من رقّ ثوبه رقّ دينه».

(مستدرک / ۱ / ۲۱۰)

و «اذا لبس الجسد الثوب اللين طغى».

(دعائم الاسلام / ۲ / ۱۵۹)

ب - لباس شهرت؛ قال على عليه السلام: «ان الله يبغض شهرة اللباس».

(محجة البيضاء / ۲ / ۲۴)

ج - لباس برای مباحات؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من اخذ يلبس ثوباً لیباهى لیبظنر

(کنز العمال / ۴۱۲۰۰)

الناس اليه لم ينظر الله اليه حتى ينزعه».

د - لباس جنس مخالف؛ عن الصادق عليه السلام: «... كان رسول الله يزر الرجل يشبهه

(جامع احاديث الشيعة / ۱۶ / ۷۳۳)

بالنساء و ينهى المرأة ان تشبهه بالرجال في لباسها».

هـ - اسراف در لباس؛ عن اسحاق بن عمار قلت لابي عبد الله يكون للمؤمن عشرة

اقصته قال: نعم. قلت: عشرين قال: «نعم، و ليس ذلك من السرف انما السرف ان

(مكارم الاخلاق / ۹۸)

يجعل ثوب صوتك ثوب بذلتك».

و - لباس ابریشم برای مرد؛ قال الصادق عليه السلام: «لا يلبس الرجل الحرير و الديباج الا

(كافي / ۶ / ۴۵۳)

في الحرب».

اشاره

لباس متناسب با زمان

حماد بن عثمان گوید: شخصی به امام صادق عليه السلام عرض کرد: چرا شما همانند پدر خود علی بن ابی طالب عليه السلام لباس زبر و خشن نمی پوشید بلکه لباس نو در تن نموده اید؟ فرمود: پدرم در زمانی زندگی می کرد که آن لباس مورد انکار جامعه نبود و اگر لباس نو می پوشید مشهور می گشت بنابراین بهترین لباس متناسب با اهل زمان خواهد بود گرچه حضرت مهدی عليه السلام وقتی بیایند به سیره حضرت علی عليه السلام عمل می نماید. «فخیر لباس کل زمان لباس اهله غیر ان قائمنا اذا قام لبس ثياب علی و سار بسيرة علی عليه السلام».

(كافي / ۱ / ۴۱۱)

١٤٤- عيد

١- عيد حقيقي

قال على عليه السلام: «اليوم لنا عيد و غدّاً لنا عيد و كل يوم لا يعصى الله فيه فهو يوم عيد».
(مستدرک / حديث ٦٦٧٩)

٢- عيد ولايت

عن ابي عبد الله عليه السلام: «... فان الانبياء صلوات الله عليهم كانت تأمر الاوصياء باليوم الذي كان يقام فيه الوصيّ ان يُتخذ عيداً».
(فروع كافي / ١٤٩ / ٤)

٣- عظمت عيد غدير

عن الرضا عليه السلام: «و ان يوم الغدير بين الاضحى و الفطر و الجمعة كالقمر بين الكواكب ... و هو يوم التهنة يهنئ بعضكم بعضاً. يقول الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية امير المؤمنين و الائمة و هو يوم التبسم في وجوه الناس من اهل الايمان ... و هو يوم الزينة».
(اقبال الاعمال / ٤٦٤)

٤- عيد قربان و مغفرت خداوند

خطب على عليه السلام في عيد الضحى ... فقال: «... و انّ هذا يوم حرمة عظيمة و بركتة مأمولة و المغفرة فيه مرجوة فاكثروا ذكر الله تعالى و استغفروه و توبوا اليه انه هو التّواب الرحيم».
(من لا يحضر الفقيه / ١ / ٥٢٠)

٥- عيد فطر روز اجتماع مردم

قال الرضا عليه السلام: «انما جعل يوم الفطر العيد ليكون للمسلمين مجتمعاً يجتمعون فيه و يبرزون لله عزّ و جلّ فيمجّدونه على ما منّ عليهم ...».
(من لا يحضر الفقيه / ١ / ٥٢٢)

۶- عید، روز پذیرفته شدن اعمال

قال علی علیه السلام: «أما هو عید لمن قبل الله صيامه و شكر قيامه و كل يوم لا يعصى الله فيه فهو يوم عید».

(نهج البلاغه / حکمت ۴۲۸)

۷- عید نوروز

قال علی علیه السلام: «نیروزنا کل یوم».

(من لا یحضر الفقیه / ۳/ ۳۰۰)

قال الصادق علیه السلام: «اذا كان یوم النیروز فاغتسل و البس انظف ثیابك و تطیب باطیب طیبك و تكون ذلك الیوم صائماً».

(وسائل / ۵/ ۲۸۸)

۸- عید و شب زنده داری

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من احیی لیلۃ العید لم یمت قلبه یوم یوت القلوب».

(وسائل / ۵/ ۱۳۹)

۹- زیبایی صورت و سیرت در عید

قال زین العابدین علیه السلام: «یتزین منکم یوم العید الی غسل و کحل و لیُدع ما بلغ ما استطاع و لا یكونن احدکم احسن هیأة و اردلکم عملاً».

(مستدرک / ۶۶۷۰)

۱۰- تزیین عید به اذکار الهی

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «زینوا اعیادکم بالتکبیر، زینوا العیدین بالتهلیل و التکبیر و التحمید و التقدیس».

(کنز العمال / ۲۴۰۹۴-۲۴۰۹۵)

اشاره

امام حسن مجتبی علیه السلام در عید فطری به گروهی برخورد کرد که بازی می کردند و می خندیدند به آنها فرمود: خداوند متعال ماه رمضان را ماه مسابقه در اطاعت و بندگی خویش قرار داده و گروهی رضایت الهی در پرتو طاعت کسب می کنند و به رستگاری می رسند، لکن گروهی انجام وظیفه نمی کنند و روز قیامت اهل باطل خسارت می کنند؛ «و ینحسر فیہ المبطون».

(تحف العقول / ۲۳۶)

۱۴۵- جوان

۱- نعمت جوانی

قال علی علیه السلام: «شیئان لا یعرف فضلها الا من فقدھا الشباب و العافیة».

(غرر الحکم / ۵۷۶۴)

۲- غنیمت شمردن فرصت جوانی

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «یا اباذر اغتم خمساً قبل خمس شبابک قبل هرمک و صحتک قبل سقمک و غناک قبل فقرک و فراغک قبل شغلك و حیاتک قبل موتک».

(بحار / ۱۷۳/۸۱)

۳- تعلیم در جوانی

قال علی علیه السلام: «العلم فی الصغر کالنقش فی الحجر»

(بحار / ۱/ ۲۲۴)

۴- تعلیم دانش در جوانی

قال الباقر علیه السلام: «لو اتیت بشاب من شباب الشیعه لا یتفقّه لادبته» و «لو اتیت بشاب من شباب الشیعه لا یتفقّه لوجعته».

(بحار / ۱/ ۲۱۴)

۵- مباحث خداوند به عبادت جوان

ان الله تعالى یباهی بالشباب الملائكة یقول: «انظروا الی عبدی ترک شهوته من اجلی».

(کنز العمال / ۴۳۰۵۷)

۶- کراهت داشتن سلام به زن جوان

كان امیر المؤمنین یسلم علی النساء و كان یکره ان یسلم علی الشابة منهنّ و یقول اتخوف ان تعجبنى صوتها فیدخل علیّ اکثر ممّا اطلب احسن الاجر.

(بحار / ۴۰/ ۳۳۵)

۷- جوان بودن اهل بهشت

قال رسول الله ﷺ: «الحسن و الحسين سيّد شباب اهل الجنة و اهل الجنة كلّهم شباب».
(بحار / ۴۳ / ۲۹۲)

۸- ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه در سن جوانی

«يطيل الله عمره في غيبته ... لو خرج القائم عجل الله فرجه ... يرجع اليهم شاباً».
(بحار / ۵۲ / ۳۸۵)

۹- پاداش اعمال جوانی در حال مرض و پیری

«يكتب للمريض الكبير من الحسنات على حسب ما كان يعمل في شبابه و صحته من اعمال الخير».
(بحار / ۱۶ / ۳۵۱)

اشاره

علاقه‌ی جوان به حفظ قرآن

حضرت علی عجل الله فرجه جوانی را در حال خیاطی دید که آواز می‌خواند، فرمود: ای جوان اگر قرآن بخوانی برای تو بهتر است عرض کرد دوست دارم اما بلد نیستم. حضرت چیزی در گوش او گفت که تمام قرآن در قلب او نقش بست و حافظ کل قرآن کریم شد.
(بحار / ۴۲ / ۱۷)

ب- علاقته‌ی جوان به زیبایی

حضرت علی عجل الله فرجه دو پیراهن خریدند و آن‌که زیباتر بود به قنبر هدیه نمودند و فرمودند: زیرا تو جوان و دارای نشاط هستی؛ «انت شاب و لك شرّة الشباب».

(بحار / ۴۰ / ۳۲۴)

۱۴۶-رزق

- ۱- خداوند ضامن رزق
قال علی علیه السلام: «عیاله الخلائق ضمن ارزاقهم و قد راقواتهم». (نهج البلاغه / خطبه ۱۹)
- ۲- عدم غفلت از رزق مورچه
قال علی علیه السلام: «انظروا الى النملة في صغر جثتها و لطافة هيئتها ... مكفول برزقها ...». (نهج البلاغه / خطبه ۱۸۵)
- ۳- حکمت وسعت رزق
قال الصادق علیه السلام: «ان الله تعالى وسّع في ارزاق الحمق ليعتبر العقلاء و يعلموا انّ الدنيا ليس ينالها ما فيها بعمل و لا حيلة». (بحار / ۱۰۳ / ۳۴)
- ۴- رسیدن رزق بدون گمان
قال الصادق علیه السلام: «ابى الله عزّ و جلّ الا ان يجعل ارزاق المؤمنین من حيث لا يحتسبون». (کافی / ۵ / ۸۳)
- ۵- عدم امکان فرار از رزق
قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «لو انّ ابن آدم فرّ من رزقه كما يفرّ من الموت لا درکه رزقه». (مکارم الاخلاق / ۲ / ۳۷۷)
- ۶- زمان طلب رزق
«اطلبوا الرزق فيما بين طلوع الفجر». (بحار / ۹۳ / ۳۴۴)
- ۷- درخواست رزق حلال
«اللهم ارزقني رزقاً واسعاً حلالاً طيباً». (بحار / ۸۹ / ۳۷۴)
«ما من دابة الا و هي تسأل كل صباح اللهم ارزقني». (بحار / ۶۴ / ۲۰۵)

٨- درخواست رزق معنوی

- الف- «انى سألتك ان ترزقنى صيام شهر رمضان».
(بحار / ٩١ / ٢٠)
- ب- «اللهم ارزقنى الحج و العمرة فى عامى هذا».
(بحار / ٩٨ / ١٠٤)
- ج- «اللهم ارزقنى فيه رحمة الايتام».
(بحار / ٩٨ / ٢٨)
- د- «اللهم ارزقنى حبك و حب كل من احبك».
(بحار / ٨٧ / ٨٢)
- هـ- «اللهم ارزقنى زيارة نبيك و وليك امير المؤمنين».
(بحار / ٧٦ / ٢٤١)
- و- «من رزقه الله حب الأئمة ... فقد اصاب خير الدنيا».
(بحار / ٢٧ / ٧٨)

٩- موانع رزق

- الف- خواب صبح؛ «نومة الغداة مشؤومة تطرد الرزق».
(بحار / ٨٦ / ١٣٠)
- ب- گناه؛ «المؤمن ليذنب فيحرم به الرزق».
(بحار / ٧٣ / ٣٥٣)
- ج- نيت گناه؛ «ان المؤمن لينوى الذنب فيحرم رزقه».
(بحار / ٧١ / ٢٤٧)

١٠- عوامل توسعوى رزق

١- استغفار

- قال الصادق عليه السلام: «اذا استبطأت الرزق فاكثر من الاستغفار».
(عيون اخبار الرضا / ٢ / ٤٦)
- ٢- نيكى به خانواده
قال الصادق عليه السلام: «من حسن برّه باهل بيته زيد فى رزقه».
(بحار / ٦٩ / ٤٠٨)
- ٣- خوش خلقى
قال على عليه السلام: «فى سعة الاخلاق كنوز الارزاق».
(بحار / ٧١ / ٣٩٦)
- ٤- مواسات با برادران دينى
قال على عليه السلام: «مواساة الاخ فى الله عزّ و جلّ تزيد فى الرزق».
(غرد الحكم / ٨٠٣)
- ٥- دعا براى برادران دينى
قال الباقر عليه السلام: «عليك بالدعاء لاخوانك بظهر الغيب فانه يهيل الرزق».
(بحار / ٧٦ / ٦٠)

- ۶- استمرار در طهارت
 قال رسول الله ﷺ: «دم على الطهارة يوسع عليك في الرزق». (کنز العمال / ۴۴۱۵۴)
- ۷- نیت پاک
 قال علی علیه السلام: «من حسنت نيته زيد في رزقه». (بحار / ۱۸ / ۲۱)
- ۸- صدقه
 قال علی علیه السلام: «استنزلوا الرزق بالصدقه». (نهج البلاغه / حکمت ۱۳۷)
- ۹- رعایت امانت
 قال علی علیه السلام: «استعمال الامانة يزيد في الرزق». (بحار / ۷۵ / ۲۲)
- ۱۰- صله رحم
 «من سرّه ان ... يبسط في رزقه فليصل رحمة». (بحار / ۹۱ / ۷۴)
- ۱۱- نشستن در مسجد
 «الجلوس في المسجد ... اسرع في طلب الرزق». (بحار / ۹۰ / ۱۰)
- ۱۲- سخن پاکیزه
 «طيب الكلام يزيد في الرزق». (بحار / ۳۱۸ / ۷۶)
- ۱۳- رعایت بهداشت
 «كسح الفناء يزيد في الرزق». (بحار / ۱۵۳ / ۷۴)
- «اخذ الشارب و الاظفار ... يزيد في الرزق». (بحار / ۳۱۵ / ۸۹)
- ۱۴- خوب همسایه داری
 «حسن الجوار يزيد في الرزق». (بحار / ۱۵۳ / ۷۴)
- ۱۵- نماز شب
 «صلوة الليل ... تدرّ الرزق». (بحار / ۱۵۳ / ۸۷)

اشاره

نکته

انواع مردم نسبت به رزق

الف- برخی در برابر رزق خداوند حریص هستند؛ «فان الرزق لا يسوقه حرص حریص».
(بحار / ۷۰ / ۱۴۳)

ب- برخی در برابر رزق خداوند قانع هستند؛

«من قنع بما رزقه الله فهو من اغنى الناس».
(بحار / ۷۳ / ۱۷۸)

ج- برخی در برابر رزق الهی راضی هستند؛ «اللهم قنّنی بما رزقنی».
(بحار / ۹۵ / ۴۰۶) و «اجعلنی ... بما رزقته قانعاً راضياً».
(بحار / ۹۰ / ۱۷)

د- برخی در برابر رزق الهی شاکر هستند؛ «اللهم لك الحمد على ما رزقتني من الطعام».
(بحار / ۹۸ / ۱۰)

۱۴۷- حزن و اندوه

۱- حزن عامل اصلاح نفس

قال الصادق عليه السلام: «قرأت في كتاب على عليه السلام انّ المؤمن يمسي حزيناً و يصبح حزيناً و لا يصلحه الا ذلك».
(سفينة البحار / ۱ / ۱۶۸)

۲- حزن عامل تکفیر گناه

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «اذا كثرت ذنوب المؤمن و لم يكن له من العمل ما يكفرها ابتلاه الله بالحزن ليكفرها به عنه».
(سفينة البحار / ۱ / ۱۶۸)

۳- عوامل حزن و اندوه

۱- علاقه به دنیا؛ قال الصادق عليه السلام: «الرغبة في الدنيا تورث الغم و الحزن و الزهد في الدنيا راحة القلب و البدن».
(تحف العقول / ۳۵۸)

۲- کوتاهی در عمل؛ قال علی علیه السلام: «من قصر فی العمل ابتلی بالهم».

(نهج البلاغه / حکمت ۱۲۷)

۳- جزع و فزع؛ قال علی علیه السلام: «ایاک و الجزع فانه یقطع الامل و یضعف العمل و یورث الهم».

(دعائم الاسلام / ۱ / ۲۲۳)

۴- گناه؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «رب شهوة تورث حزناً طویلاً». (امالی طوسی / ۵۳۳)

۵- توجه به امکانات مردم؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من رمی ببصره الی ما فی ید غیره کثر همّه و لم یشف غیضه».

(بحار / ۷۷ / ۱۱۶)

۴- راه از بین بردن حزن و اندوه

۱- استغفار؛ قال النبی صلی الله علیه و آله: «من اکثر الاستغفار جعل الله من کلّ همّ فرجاً و من کلّ ضیق مخرجاً و رزقه من حیث لا یحسب».

(اعلام الدین / ۲۹۴)

۲- یقین؛ قال علی علیه السلام: «نعم طارد الهموم الیقین».

(بحار / ۷۷ / ۲۱۱)

۳- زیاد گفتن ذکر «لا حول و لا قوّة الا بالله»؛ قال الصادق علیه السلام: «اذا حزنتک امر من سلطان او غیره فاکثر من قول لا حول و لا قوّة الا بالله فانها مفتاح الفرج و کوز من کنوز الجنة».

(بحار / ۷۸ / ۲۰۱)

۵- نظافت و پاکیزگی؛ قال علی علیه السلام: «غسل الثیاب یذهب بالهمّ و الحزن» (بحار / ۷۶ / ۸۴)

اشاره

مردی به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و گفت: من ثروتمند بودم اکنون فقیر شده‌ام، سالم بودم اکنون مریض هستم، محبوب مردم بودم اکنون مورد خشم آنان هستم و از هر سو غم و اندوه مرا فرا گرفته است، از صبح تا شب برای طلب رزق تلاش می‌کنم چیزی به دستم نمی‌رسد، گویا نامم در دفتر تقسیم ارزاق، محو شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: گویا عواملی را که غم آوراست مرتکب شدی. او عرض کرد عوامل حزن‌آور چیست؟ حضرت فرمودند: گویا ایستاده شلوار می‌پوشی یا ناخن‌هایت را با دندان‌هایت می‌گیری یا با لباس خود صورتت را خشک می‌کنی او پاسخ داد: بلی این چنین است.

(بحار / ۷۶ / ۲۳)

۱۴۸- حلال و حرام

۱- ضرورت طلب حلال

قال رسول الله ﷺ: «طلب الحلال فريضة على كل مسلم ومسلمة». (بحار ۹/۱۰۳)

۲- فضيلت طلب حلال

قال رسول الله ﷺ: «العبادة عشرة أجزاء تسعة أجزاء في طلب الحلال». (بحار ۹/۱۰۳)
و«العبادة سبعون جزءاً وأفضلها طلب الحلال». (سفينة البحار ۱/ ۲۹۸)

۳- طلب حلال نظير جهاد در راه خدا

قال رسول الله ﷺ: «الشاخص في طلب الرزق الحلال كالمجاهد في سبيل الله».

(سفينة البحار ۱/ ۲۹۸)

۴- رابطه‌ی رزق حلال با نورانیت قلب

قال رسول الله ﷺ: «من اكل الحلال اربعين يوماً نور الله قلبه». (سفينة البحار ۱/ ۲۹۹)

۵- آسان تر بودن جهاد از طلب حلال

قال الصادق عليه السلام: «...يا مصادف مجادلة السيوف اهنون من طلب الحلال». (كافي ۱۶۱۵)

۶- آثار طلب حلال

الف- استغفار فرشتگان برای انسان؛ قال رسول الله ﷺ: «من اكل الحلال قام على رأسه ملك يستغفر له حتى يفرغ من اكله».

(سفينة ۱/ ۲۹۸)

ب- گشوده شدن درهای بهشت؛ قال رسول الله ﷺ: «من بات كالأمان من طلب

الحلال بات مغفوراً له». (بحار ۲/ ۱۰۳)

۷- برتری ترک حرام از دو هزار رکعت نماز

قال رسول الله ﷺ: «ترك لقمة حرام احب الى الله من صلوة النى ركعة تطوعاً».

(تنبيه الخواطر ۲/ ۱۲۰)

۸- دوری از حرام نشانه ورع

قال الباقر عليه السلام: «يقول الله تعالى يابن آدم اجتنب ما حرّمت عليك تكن من اورع الناس»
(تحف العقول / ۳۴۰)

۹- پرهیز از حرام مایه قرب الهی

«یا موسی ما تقرب الی المتقربون بمثل الورع عن محارمی...»
(کافی ۳ / ۱۳۱)

۱۰- آثار حرام خوری

۱- فقر و تنگدستی؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من كسب مالاً من غير حلّه افقره الله».
(بحار / ۱۰۳ / ۵)

۲- گرفتاری و رنج؛ عن ابی عبدالله عليه السلام: «من كسب مالاً في غير حلّه سلطه الله عليه البناء و الطين و الماء».
(سفینه البحار / ۱ / ۲۹۸)

۳- بی اثر شدن عبادت؛ قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «العبادة مع أكل الحرام كالبناء على الرمل و قیل على الماء».
(بحار / ۱۰۳ / ۱۶)

۱۱- پاداش ترک مال حرام

قال الصادق عليه السلام: «ثلاث من كنّ فيه زوجة الله من الحور العين كيف شاء كظم الغيظ و الصبر على السيوف لله عزّ و جلّ و رجل اشرف على مال حرام فتركه لله عزّ و جلّ».
(سفینه البحار / ۱ / ۵۱۲)

اشاره

مهدی عباسی سومین خلیفه ی بنی عباس به شریک بن عبدالله نخعی گفت: یکی از سه کار را قبول کن؛ منصب قضاوت، تعلیم فرزندان، خوردن طعام. او سومی را انتخاب کرد متصدی آشپزخانه گفت: ای امیر! این شخص هرگز رستگار نخواهد شد بعد از صرف غذا آن دو کار دیگر را نیز پذیرفت.

روزی برای گرفتن حقوقش حواله ای به او دادند که از صرّاف بگیرد، وقتی مراجعه کرد گفت: باید نقد پردازی، آن شخص گفت: مگر لباس قیمتی به من

فروخته‌ای که این قدر سخت می‌گیری؟! در جواب گفت: به خدا سوگند با ارزش‌تر از لباس یعنی دینم را فروخته‌ام. (مروج الذهب / ۳ / ۳۲۰)

۱۴۹- آثار چهل

- ۱- اثر چهل روز اخلاص
قال رسول الله ﷺ: «ما أخلص عبد لله عزّ وجلّ اربعين صباحاً الاّ جرت ينابيع الحكمة من قلبه على لسانه». (بخار / ۷۰ / ۲۴۲)
- ۲- اثر چهل روز غذای حلال
قال رسول الله ﷺ: «من اكل الحلال اربعين يوماً نور الله قلبه ... و من اكل حراماً لم يقبل الله منه صرفاً و لا عدلاً». (بخار / ۱۰۳ / ۱۶)
- ۳- اثر دعا برای چهل برادر ایمانی
عن ابي عبدالله عليه السلام: «من قدّم اربعين رجلاً من اخوانه فدعا لهم ثم دعا لنفسه استجيب له فيهم و في نفسه». (وسائل / ۴ / ۱۱۵)
- ۴- اثر حفظ چهل حدیث
عن ابي عبدالله عليه السلام: «من حفظ اربعين حديثاً من احاديثنا في الحلال و الحرام بعثه الله يوم القيامة فقيهاً عالماً و لم يعذب». (خصال / ۱۵۰)
- ۵- اثر راهنمایی ناتوان به اندازه‌ی چهل قدم
قال رسول الله ﷺ: «من قاد الاعمى اربعين خطوة غفر له ما تقدم من ذنبه». (نهج الفصاحة / ۵۲۷)
- ۶- حدوٲ بلا در هر چهل روز برای مؤمن
قال الصادق عليه السلام: «المؤمن لا يمضى عليه اربعون ليلة الاّ عرض له امر يحزنه يذكر به». (كافي / ۲ / ۲۵۴)

۷- اثر چهل سفر حج

عن عبد الصالح رضی الله عنه: «من حجّ اربعین حجة قیل له اشفع فیمن احببت...».

(خصال ۲/ ۵۴۸)

۸- اثر چهل روز احتکار

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من جمع طعاماً یتربص به الغلاء اربعین يوماً فقد برىء الله و برىء الله منه».

(سفینه البحار / ماده حکر)

۹- اثر نخوردن گوشت در چهل روز

«من مضى به اربعون صباحاً لم يأكل اللحم ساء خلقه».

(بحار ۶۶/ ۹۷)

۱۰- چهل همسایه

قال علی رضی الله عنه: «حریم المسجد اربعون ذراعاً و الجوار اربعون داراً من اربعة جوانبها».

(خصال ۵۴۴)

۱۱- مراقبت بر اعمال بعد از سن چهل

«إذا اتت علی الرجل اربعون سنة قیل له خذ حذرک فانک غیر معذور».

(کافی ۲/ ۴۵۵)

۱۲- سخت گرفتن فرشتگان بعد از سن چهل

قال الصادق رضی الله عنه: «انّ العبد لفی فسحة من امره ما بینه و بین اربعین سنة فاذا بلغ اربعین سنة اوحى الله عزّ و جلّ الی ملائکته انّی قد عمّرت عبدی عمراً (و قد طال) فغلظاً و شدداً و تحفظاً و اکتبا علیه قلیل عمله و کثیره و صغیره و کبیره».

(خصال ۵۴۵)

۱۳- استجابت دعای موسی بعد از چهل سال

کان بین قوله تعالی: «اجیب دعوتکما و بین اخذ فرعون اربعون سنة».

(بحار ۱۳/ ۴۰)

اشاره

امام صادق رضی الله عنه فرمودند: هرگاه مؤمن از دنیا برود و به جنازه او چهل نفر از اهل ایمان شرکت کنند و بگویند خدایا ما جز خیز از او چیزی نمی دانیم و تو آگاه تر از ما هستی. خداوند می فرماید: گواهی شما را پذیرفتم و گناهان او را که شما نمی دانید، مورد آمرزش قرار دادم.

(خصال ۵۳۸)

۱۵۰- بیماری

۱- مریض و عبادت

قال الباقر عليه السلام: «سهر ليلة من مرض او وجع افضل و اعظم اجراً من عبادة سنة»
(فروع کافی ۱۱۴/۳)

و «حمى ليلة تعدل عبادة سنة».
(فروع کافی ۱۱۵/۳)

۲- ارزش کتمان مرض از مردم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من كنوز البرّ كتمان المصائب و الامراض و الصدقة».

(مستدرک ۶۸/ ۲)

۳- عدم جواز کتمان مرض از طبیب

قال على عليه السلام: «من كتم الاطباء مرضه خان بدنه».
(غرر الحكم ۸۵۴۵/)

۴- انواع مرض

قال الصادق عليه السلام: «... ان المرض على وجوه شتى مرض بلوى و مرض عقوبة و مرض جعل علة للفناء».
(احتجاج ۲۲۵/ ۲)

۵- معالجه‌ی مرض تب

قال النبی صلى الله عليه وآله: «الحمى من فيح (حرارت) جهنم فسبّخوها بالماء».
(مجمع البيان ۳۷۶/۱۰)

۶- حکمت بیماری

قال ابن عباس: لما علم الله ان اعمال العباد لا تفي بذنوبهم خلق الامراض ليكفر عنهم به السّبيات.
(مستدرک ۸۰/ ۱)

۷- حکمت بیماری کودک

قال على عليه السلام: «في المرض يصيب الصبي قال كفارة لو اذنيه».
(ثواب الاعمال ۴۳۲/)

۸- معنای شکایت از بیماری

قال الصادق عليه السلام: «ليست الشكاية ان يقول الرجل مرضت البارحة او وعكت البارحة و لكنّ الشكاية ان يقول بليت بما لم يبيل به احد».
(بحار / ۸۱ / ۲۰۲)

۹- آثار بیماری

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «ساعات المرض يذهبن ساعات الخطايا و قال رسول الله صلى الله عليه وآله ساعات السقم يمحو الذنوب».
(مستدرک / ۱ / ۸۱؛ نهج الفصاحة / ۳۶۴)

قال الرضا عليه السلام: «المرض للمؤمن تطهير و رحمة و للكافر تعذيب و لعنة».

(مستدرک سفینه / ۹ / ۳۶۸)

۱۰- ناله‌ی بیمار

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «يكتب انين المريض حسنات ما صبر فان جزع كتب هلو عاً لا اجر له».
(مستدرک / ۱ / ۷۹)

۱۱- عیادت مریض از بهترین اعمال

قال السجّاد عليه السلام: عن ابيه عن علي ابن ابي طالب عليه السلام: «من احسن الحسنات عيادة المريض».
(مستدرک / ۱ / ۸۳)

۱۲- پاداش عیادت مریض

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «عائد المريض يخوض في الرحمة».
(کنز العمال / ۲۵۱۴۱)
قال الصادق عليه السلام: «من عاد مريضاً شيعه سبعون الف ملك يستغفرون له حتى يرجع الى منزله».
(کافی / ۳ / ۱۲۰)

۱۳- حکمت در عیادت

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «عودوا المرضى واتبعوا الجنائز يذكركم الآخرة».
(کنز العمال / ۲۵۱۴۳)

۱۴- ادب در عیادت

قال الصادق عليه السلام: «العيادة قدر فواق ناقة او حلب ناقة».
(کافی / ۳ / ۱۱۸)

۱۵ - صدقه دادن بیمار

«يستحبّ للمريض ان يعطى السائل بيده و يأمر السائل ان يدعوا له». (بحار ۲۰۹/۷۸)

۱۶ - دعا برای شفای بیمار

عن ابى عبدالله عليه السلام قال: «تضع يدك على رأس المريض ثم تقول بسم الله و بالله و من الله و الى الله و ماشاء الله و لا حول و لا قوة الا بالله ثم تقرأ آية الكرسي و امّ الكتاب و المعوذتين و قل هو الله احد و عشر آيات من يس ثم تقول اللهم اشفه بشفائك و داوه بدوائك و عافه من بلائك و تسأله بحق محمد و آل محمد صلوات الله عليه و عليهم اجمعين».

(بحار ۱۶/۹۵)

۱۷ - استشفای از اهل بیت عليهم السلام

قال الرضا عليه السلام: «اذا نزلت بكم شدة فاستعينوا بنا على الله و هو قول الله ﴿و لله الاسماء الحسنى فادعوه بها﴾».

(اعراف / ۱۸۰؛ بحار ۵/۹۱)

۱۸ - استشفای از تربت امام حسین عليه السلام

قال الصادق عليه السلام: «طين قبر الحسين عليه السلام شفاء من كلّ داء فاذا اكلته فقل بسم الله و بالله اللهم اجعله رزقاً واسعاً و علماً نافعاً و شفاء من كل داء انك على كلّ شىء قدير».

(بحار ۳۴/۹۲)

۱۹ - پرستاری از بیمار

قال النبى صلى الله عليه و آله و سلم: «من قام على مريض يوماً و ليلة بعثه الله مع ابراهيم خليل الرحمن فجاز على الصراط كالبرق اللامع».

(مستدرک / ۱ / ۸۶)

۲۰ - استجاب دعاى بیمار برای عبادت کننده

قال الصادق عليه السلام: «من عاد مريضاً فى الله لم يسأل المريض للعائد شيئاً الا استجاب الله له».

(محنة البيضاء / ۳ / ۴۱۱)

اشاره

الف - احنف بن قیس گوید: روزی به عمویم صعصعه از درد دل خود شکایت کردم او مرا سرزنش کرد و گفت: پسر برادر وقتی که یک نوع ناراحتی پیدا می‌کنی، برای مردم بازگو نکن. زیرا مردم از دو دسته خارج نیستند یا دوست تو هستند ناراحت می‌شوند یا دشمن تو که خوشحال می‌گردند، پسر برادرم درد خود را برای کسی بگو که بتواند مداوا کند. پسر برادرم یکی از چشم‌هایم چهل سال است که نایبناست هیچ فردی حتی همسرم اطلاع ندارد. (الکئی و الالقاب / ۲ / ۱۳)

ب - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند به فرشتگان می‌فرماید: برای بنده‌ام تا وقتی که بیمار است مثل آنچه که در حال سلامتی از کارهای نیک در شبانه روز انجام می‌داد بنویسید. (نور الثقلین / ۵ / ۶۸)

ج - شخصی به نام رُمیله مریض شد در روز جمعه مرض او کمتر شد و در نماز جمعه شرکت کرد. حضرت امیرالمؤمنین بعد از نماز وقتی او را دیدند، فرمودند: ای رُمیله هیچ مؤمنی مریض نمی‌شود مگر آنکه ما به واسطه بیماری او مریض می‌شویم و محزون نمی‌شود مگر آنکه ما به واسطه او محزون می‌گردیم و دعائی نمی‌کند مگر آنکه ما برای اجابت دعای او آمین می‌گوئیم و سکوت نمی‌کند مگر آنکه ما برای او دعا می‌کنیم. «یا رُمیله لیس من مؤمن یرض الا مرضنا یرضه و لا یحزن الا حزنا یحزنه و لا یدعوا الا امانا لدعائه و لایسکت الا دعونا له». (سفینه / ۳ / ۴۰۸)

الحمد لله رب العالمین

فهرست مطالب

عنوان	صفحه	عنوان	صفحه
پیشگفتار.....	۷	۲۲- سیره‌ی امام جواد <small>علیه السلام</small>	۵۹
مسائل اعتقادی		۲۳- سیره‌ی امام هادی <small>علیه السلام</small>	۶۱
۱- خداشناسی.....	۱۱	۲۴- سیره‌ی امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>	۶۳
۲- آثار شناخت خداوند.....	۱۳	۲۵- ویژگی‌های حکومت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۶۵
۳- فلسفه نبوت.....	۱۵	۲۶- انتظار حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۶۷
۴- سیره‌ی انبیاء <small>علیهم السلام</small>	۱۶	۲۷- قرآن کریم.....	۶۹
۵- سیره‌ی پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>	۱۸	۲۸- دین.....	۷۲
۶- امامت.....	۲۰	۲۹- یاد مرگ.....	۷۴
۷- سیمای اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	۲۳	۳۰- قبر و حیات برزخی.....	۷۶
۸- محبت به اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	۲۶	۳۱- عوامل حبط و تکفیر.....	۷۸
۹- منزلت اصحاب اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	۲۹	۳۲- عوامل حسرت در قیامت.....	۸۰
۱۰- شیعیان اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	۳۱	۳۳- محاسبه و مراقبه.....	۸۱
۱۱- سیره امام علی <small>علیه السلام</small>	۳۴	۳۴- عوامل نجات بخش در قیامت.....	۸۳
۱۲- فضایل حضرت علی <small>علیه السلام</small>	۳۷	۳۵- حشر در قیامت.....	۸۴
۱۳- سیره‌ی حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small>	۳۹	۳۶- شفاعت.....	۸۶
۱۴- فضایل حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>	۴۱	۳۷- بهشت.....	۸۸
۱۵- سیره‌ی امام حسن مجتبی <small>علیه السلام</small>	۴۴	۳۸- جهنم.....	۹۱
۱۶- سیره‌ی امام حسین <small>علیه السلام</small>	۴۷	مسائل عبادی	
۱۷- سیره‌ی امام زین العابدین <small>علیه السلام</small>	۴۹	۳۹- عبادت.....	۹۵
۱۸- سیره‌ی امام باقر <small>علیه السلام</small>	۵۱	۴۰- مسجد.....	۹۸
۱۹- سیره‌ی امام صادق <small>علیه السلام</small>	۵۳	۴۱- نماز.....	۱۰۱
۲۰- سیره‌ی امام کاظم <small>علیه السلام</small>	۵۵	۴۲- نماز شب.....	۱۰۵
۲۱- سیره‌ی امام رضا <small>علیه السلام</small>	۵۷	۴۳- روزه.....	۱۰۷

۱۷۷.....	۷۲-حالات قلب	۱۱۱.....	۴۴-زکات
۱۷۹.....	۷۳-تواضع	۱۱۳.....	۴۵-انفاق
۱۸۱.....	۷۴-تکبر	۱۱۶.....	۴۶-حج
۱۸۴.....	۷۵-زیان	۱۱۹.....	۴۷-جهاد
۱۸۶.....	۷۶-سفارشات اخلاقی	۱۲۱.....	۴۸-امر به معروف و نهی از منکر
۱۸۷.....	۷۷-آداب سخن گفتن	مسائل تربیتی و اخلاقی	
۱۸۹.....	۷۸-آداب معاشرت	۱۲۷.....	۴۹-حسن خلق
۱۹۱.....	۷۹-آداب مجالست	۱۳۰.....	۵۰-برّ و نیکی
۱۹۳.....	۸۰-آداب میهمانی	۱۳۲.....	۵۱-آثار اعمال و اوصاف زیبا
۱۹۵.....	۸۱-آداب غذا خوردن	۱۳۴.....	۵۲-آثار اعمال و اوصاف زشت
۱۹۷.....	۸۲-آداب دوستی و رفاقت	۱۳۶.....	۵۳-بهترین ها
۱۹۹.....	۸۳-آداب خوابیدن	۱۳۸.....	۵۴-توجه به فضائل
۲۰۰.....	۸۴-آداب کسب و تجارت	۱۴۰.....	۵۵-تقوا
۲۰۲.....	۸۵-آداب مسافرت	۱۴۲.....	۵۶-محبت به خداوند
۲۰۴.....	۸۶-آداب احسان	۱۴۵.....	۵۷-ذکر الهی
۲۰۵.....	۸۷-سلام	۱۴۸.....	۵۸-یقین
۲۰۷.....	۸۸-اوصاف مؤمن	۱۴۹.....	۵۹-نیت
۲۰۹.....	۸۹-والدین	۱۵۱.....	۶۰-اخلاص
۲۱۲.....	۹۰-ازدواج	۱۵۴.....	۶۱-دعا
۲۱۶.....	۹۱-فرزند	۱۵۷.....	۶۲-توکل
۲۱۸.....	۹۲-صله رحم	۱۵۹.....	۶۳-رضا و تسلیم
۲۱۹.....	۹۳-همسایه داری	۱۶۱.....	۶۴-توبه
۲۲۱.....	۹۴-حقوق	۱۶۳.....	۶۵-استغفار
۲۲۳.....	۹۵-سخاوت	۱۶۵.....	۶۶-عفو و رحمت الهی
۲۲۵.....	۹۶-نعمت	۱۶۶.....	۶۷-ایمان
۲۲۷.....	۹۷-شکر الهی	۱۶۸.....	۶۸-صبر
۲۲۹.....	۹۸-عقل	۱۷۱.....	۶۹-حلم و بردباری
۲۳۱.....	۹۹-نشانه های عاقل	۱۷۲.....	۷۰-زهد
۲۳۳.....	۱۰۰-تمثیل	۱۷۴.....	۷۱-نفس

۲۸۷.....	۱۲۶-عوامل ذلت.....	۲۳۶.....	۱۰۱-غنیمت شمردن سرمایه‌ی عمر.....
۲۸۹.....	۱۲۷-امتحان.....	۲۳۸.....	۱۰۲-دنیا.....
۲۹۲.....	۱۲۸-فقر و تهیدستی.....	۲۴۱.....	۱۰۳-ثروت.....
۲۹۴.....	۱۲۹-عوامل و اسباب فقر.....	۲۴۴.....	۱۰۴-امانت.....
۲۹۶.....	۱۳۰-زیارت.....	۲۴۶.....	۱۰۵-خیانت.....
۲۹۸.....	۱۳۱-شهادت.....	۲۴۷.....	۱۰۶-گناه.....
	معارف	۲۵۰.....	۱۰۷-مکفّرات گناه.....
۳۰۳.....	۱۳۲-زیبایی.....	۲۵۲.....	۱۰۸-حرص و قناعت.....
۳۰۵.....	۱۳۳-عافیت.....	۲۵۴.....	۱۰۹-عیب‌جویی.....
۳۰۶.....	۱۳۴-انتظارات بی‌جا.....	۲۵۶.....	۱۱۰-بخل.....
۳۰۸.....	۱۳۵-عبرت.....	۲۵۸.....	۱۱۱-غرور.....
۳۰۹.....	۱۳۶-نگاه.....	۲۵۹.....	۱۱۲-غیبت.....
۳۱۱.....	۱۳۷-علم و دانش.....	۲۶۱.....	۱۱۳-صدق و کذب.....
۳۱۴.....	۱۳۸-عالم.....	۲۶۴.....	۱۱۴-اسراف.....
۳۱۷.....	۱۳۹-تفقه در دین.....	۲۶۵.....	۱۱۵-حسد.....
۳۱۸.....	۱۴۰-عمل.....	۲۶۷.....	۱۱۶-خوف و رجا.....
۳۲۱.....	۱۴۱-حدیث.....		مسائل سیاسی و اجتماعی
۳۲۳.....	۱۴۲-شیطان.....	۲۷۱.....	۱۱۷-سیمای حاکم و رهبر اسلامی.....
۳۲۵.....	۱۴۳-لباس.....	۲۷۲.....	۱۱۸-اوصاف مدیریت.....
۳۲۸.....	۱۴۴-عید.....	۲۷۴.....	۱۱۹-قرض الحسنه.....
۳۳۰.....	۱۴۵-جوان.....	۲۷۶.....	۱۲۰-کار و تلاش.....
۳۳۲.....	۱۴۶-رزق.....	۲۷۷.....	۱۲۱-ظلم.....
۳۳۵.....	۱۴۷-حزن و اندوه.....	۲۷۹.....	۱۲۲-خدمت به مردم.....
۳۳۷.....	۱۴۸-حلال و حرام.....	۲۸۲.....	۱۲۳-آزادگی.....
۳۳۹.....	۱۴۹-آثار چهل.....	۲۸۳.....	۱۲۴-اصلاحات.....
۳۴۱.....	۱۵۰-بیماری.....	۲۸۵.....	۱۲۵-عوامل عزّت.....